انجمن تاریخ | افغانستان اکادمی
نمبرنشرات: ۱۰۳ | نمبر نشرات:۹

تاریخ خط ونوشته های کهن افغانستان

ازعصرقبل التاریخ تاکنون

تألیف

پوهاند عبدالحی حبیبی

نشر کردهٔ
انجمن تاریخ وادب
افغانستان اکادیمی

کابل ۱۳۵۰

تعداد طبع: هزار نسخه
مهتمم: حبیب‌الله رفیع

دولتی مطبعه

سریزه

له ډېره وخته داسې غوښتل کېده چې په افغانستان کې د خط د پيدا کېدلو او سره اوښتلو يو مستند او مصور تاريخ وليکل شي، چې د تاريخ پلټونکي هم د خطونو د پيدا کېدلو په واقعاتو او عواملو او اوقاتو خبر شي او هم د ډول ډول خطونو شکلونه او انځورونه وګوري .

دا کار له دې سببه ګران و، چې علمي پلټنې لاګرده نه وې بشپړې شوې، او د مځکې له لاندې څخه د پخوانو خطونو ډېر ليکونه او پټې نه وې را ايستل شوې .

په دې وروستنيو پېړيو کې دا کار د غربي پوهانو له خوا ښه پرمخ ولاړ، او ډېر کښل شوي سندونه په لاس راغله چې د خط تاريخ ښه ځني څرګندېږي .

خط د انساني تاريخ او د مدنيت لمر څرک دی، او که انسان دا ښيګڼه نه درلوداى، ډېر شه به ئې کم و، او د علمونو به هم نه و. نو له دې جهته د افغانستان په تاريخ کې د خط د پخوانيو بېښو پلټنه او څرګندونه د تاريخ ټولنې يوه مهمه وظيفه ده .

دا کتاب لومړۍ پلا د اجتماعي تاريخ مهم پلوشه ناڅه ښکاره کوي . او له تاريخه د مخې زماني څخه تاسي تر دې وخته را رسوي .

دا کتاب د افغانستان د ګردو خطونو يوه لنډه اما جامعه تاريخچه ده، چې د ډېرو انځورونو او عکسونو سره د افغانستان اکاډيمۍ د تاريخ او ادب ټولنې له خوا تاسې ته وړاندې کيږي .

(حبيبي)

فهرست مطالب

تصحیح

ازمطالعین محترم خواهش میشودتا قبل از مطالعه اغلاط و پریدگی
های ذیل طباعتی را تصحیح نمایندوهم پریدگی های جزوی دیگری نیز
هست که عندالمطالبه تصحیح میتوان شد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤	۱۱	منسکر	منکسر
٥	۲۰	سر نیز	سر تیز
۱٦	۲٥	فبل المیلاد	قبل المیلاد
۲۳	۹	—	ایاسه
۳۰	۸	(۲)	(۳)
۳۱	۲	نماید	نماند
۳۳	۹	ساختند	ساختند،،
۳۹	۱	سراونه	شراو نه
٤۰	۱	پران	بران
٥٥	۲۱	ابن	این
۸٦	۱٤	منثور	منشور
۸۸	۱۰	لیت	لیث
۹۸	۲	زببای	زیبای
۹۸	۱٥	عز	عن
۱۲۰	۲۱	یبست	بیست

اقرأ وربك الاكرم الذی علم بالقلم

مسئلهٔ خط ونگاشتن درتاریخ مدنیت وفرهنگ افغانستان از مباحث بسیار مهم است، که تاکنون بدان به تفصیل وارد نشده ایم .

درین کتاب خواستم که این موضوع دشوار را تاجاییکه ممکن است، به استناد آثاریکه تاکنون بدست آمده ، مورد مطالعه قرار دهم.

درآغاز مباحث ازپیدایش خطوط تاریخی وریشه های باستانی آن و صورت رواج آنها در افغانستان قدیم صحبت شده، وبعدازان آثار مکشوفه و سنگ نبشتهای خطوط قدیم راکه درافغانستان یا ممالک مجاور کشف شده اند بر شمرده ایم ، ولی بهر صورت مرکز [illegible] افغانستان قدیم (آریانه) بوده است.

این جستجوی [illegible] از قدیمترین ادوار زندگانی اسلاف آغاز و با پیدایش ورواج خط اوایل دورهٔ اسلامی خاتمه می یابد ، وتاریخ تحول وانشعاب خطوط دورهٔ اسلامی و تحلیل ارزش های هنری آن خود موضوع مهم جداگانه ییست ، که درقسمت دوم این کتاب شرح داده شده است. وتاریخچهٔ خط وکتابت را ازعصر قبل التاریخ تاقرن حاضر می رساند.

امید است که با این جستجوی ابتدایی یك پهلوی تاریخ هنر مملکت را قدری روشن ساخته باشم .

کابل ،جمال مینه ۳۰ عقرب ۱۳۴۹

عبد الحی حبیبی

۱

مدخل

افغانستان ازنظر جغرا فی‌بـــرچهارراه وسط آسیا وا قــع است ، همچنان که خصایص اقلیمی گر م‌وسرد ومعتدل دران پدیدار است ، درطول تاریخ ازنگاه پیدا یش افکارواوضاع مدنی وپــرورش کلتــور و هنر نیز اهمیتی دارد ، که درتاریخ‌تمدن آسیای میانه همواره سهـــم عظیم مردم آن فرا موش شــد نــی نیست.

سر زمین افغا نستان دراز منـهٔ‌قدیم بنام آریانه ARIYANA پرورشگاه مردمی بود ، که‌از زادگاه‌قــدیم خود آر یانـــه و یـــجــه ARYANA-VAEGO به صفحات باختر ودامنه هـــا ی هندوکش هجرت کرده بودند ،وازهمین جاشرقاً به‌هند شمالی وغرباً به‌سرزمین کنونی ایران وارو پـــارفتند ،که‌آنان رانژاد هندواروپایی INDO-EUROPEEN گویند .

مردم آریایی که‌در سرزمین بین‌دجله وگنگاسکونــت کــردند ، د ر تاریــخ تمدن بشری ازمد ت ۱۵۰۰سال قبل از میلاد سهم عظیمی‌دارند که‌مخصوصا مظاهر تمــدن ایشا ن‌درکتابهای ویدا واوستا نما یانند ، وازین دوکتاب قدیم به افکاروکلتوروتمام مظاهر مدنی زند گانی ایشان پی‌می‌بریم.

مردم افغانستان قدیم یعنی آریانه‌ازنظر کلتور ومدنیت‌وتحولات‌فکری ودینی دارای دوگونه موار یث قدیم‌فرهنگی اند :

اول: آنچه دربین خود با تکا مل‌مراتب حیات مدنی دارای ذخا یـر فرهنگی ومدنی وفکری شده اند .امثال ترتیب قوانین دینی وآغاز به شهر نشینی وبنای بــلاد وترویــج‌هنروصنایع وآغاز به تفکر فلسفـی ومبادی اخلاقی‌که دربقـــایای کتا ب‌اوستا مظاهرآن بوجه احسن پدیدار است ومورخان یونان قدیم هم بآن‌اشارها دارند.

دوم: چون‌افغانستان بین هندوستان‌وچین‌و پارس وسغد افتاده بود، و این‌ممالک دارای مدنیت ومبادی‌دینی‌وفکری بودند، وبا یکدیگر روا بــط تجارتی وسیاسی واجتماعی داشته‌اند بنابرین ایــن سر زمین همواره

گذرگاه انتقالات فکری ومدنی ومـرکز قوی وملتقای مدنیت های‌متعـدد گشته‌بود، وگاهی هم فاتحان ا زین‌راه‌به هند وماوراء النهر میگذشتند. که‌آثار مدنیت ایشان هم در یـــــن‌سرزمین باقی میماند وباین طـو ر مبادی مدنی شرق وغرب‌بمرورزمان بامواریث بومی این مردم می آمیخت ورنگ خاص مقامی را میگر فت ، که‌در تاریخ مدنیت ا فغا نستــــا ن فصول خاصی رابخود اختصا صـی‌داده است مـانند آمیز ش مد نیت گریك وبود یك دردوقرن قبل وبعدازمیلاد ، وامتزاج مدنیت اسلا می با مبادی خراسانی در قرن هفتم وبعدازآن.

فراموش نباید کرد: که مطالعــه‌وتحقیق درتمام شعب تاریخ مدنیت افغانستان ، متلازم بــاجستجــو وتعیین عناصر بومی ومقامی مد نیت واثر پذیر یهای آن ازمبــــادی وفراورده های دیگرانست ، که درهر عصر وزمان ، این آمیزش هـا ی‌فرهنگی ، اندرین سرزمین فر هنگ های خاص افغانی رابو جود آورده و صبغهٔ بخصو ص خودرا نگهداری کرده است ، که درتاریخ فـرهنگ‌آسیای میانه اهمیت خا صی دارد ، وجزو مهم تاریــخ کلــتــو ر بشریست.

ما در ینجـا مخصو صاً بامسئلهٔ‌خط نویسی وکتاب سازی سرو کا ر داریم، که‌هنر خــاص نــو شتن وساختن کتاب است ، وبحث‌وکاوش ماهم یك‌جزو«تاریــخ هنــر» بشمارمیرود. چون تاریخ هــنر شعــب و فصول زیادی دارد، بنابرین ما تنهادرینجا را جع به‌خط و کتاب صحبت میکنیم.

۲

دورهٔ قبل ازاسلام

قدیمترین کتیبه های قبل التاریخ

دردرهٔ الی‌شنگ لغمان درسلسلهٔ کوهساریکه راههای دره‌های آ
شرقاً به‌دره های شمالی مجرا ی‌دریای کنر میگذرد. درسنه ۳۲۹
= ۱۹۱۱ م نزدیك یك‌مغاره بین‌جبل بر صخرهٔ کوهی کتیبه یـ
کشف شده، که‌درآنوقت ا میرحبیب الله‌خان بدیدن آن رفت‌وعک
نخستین آن درجریدهٔ سراج‌الاخبار افغانیه شماره (۱۶)سال (٦)مو
٥ حمل ۱۲۹٦ش = ۲٥مار چ۱۹۱۷ م طبع‌کابل نشر شد . (

تاکنون دران باره مطالعات علمی‌بعمل نیامده ، وتمام آن عبار ت
خطوط مستقیم یامنسکر بهم‌پیوسته‌است که بروی یك صخره کو ه
کنده شده وبسیار واضح وروشن‌است که باهیچ یکی از خط
مکشوفهٔ دورهٔ تاریخی افغانستا ن‌تشابهی ندارد. واگر آنرا باخطو

---

(۱) بامر امیرحبیب الله خا ن‌درپهلوی این کتیبه قبل التاری
این مضمون رادرسنگ نو شته‌اند:

«بیادگار تشریف‌آوری‌اعلیحضرت‌سراج الملة والدین امیر حبیب ا
خان درانی بارکزا ئی محمد زایی‌پادشاه دولت علیه خدا دادافغانس
اینکه :درتاریخ ۲۱ ربیع الا ول‌سنه یکهزار وسه صدوبیست و
هجری بود، که‌درین مو ضع ،سنگهای نوشته راملاحظه فرمود
چون خطها ی آنهادرین زمان مروج‌نبود خوانده ودانستهٔ مانشد، ک
نقش سنگها برای چیست؟ وآثار کیست ؟لهذا نقل خطهای آنه
بذریعهٔ عکس بحضور خودبرداشتیم‌وبجهة ترجمه کردن درولایات‌بعی
ارسال داشتیم . تازمانیکه معلو م‌شود. چندکلمه رادرسنگ هـ
حکم نقش فرموده بیاد گا رگذاشتیم »

ازدانشمند علی اکبر شهرستانی‌استاد پوهنځی ادبیات وعلوم‌بشر
که نقل این کتیبه رابما داد تشکرمیکنیم ، وی‌گفت : که‌درین‌جاهش
سنگ نوشته موجوداست .

بهر صورت تاکنون کلیدی‌برا ی‌خوانش چنین نقوش مبهم بد ست نیامده، وموسیـو فـوشه (۱) هـم‌متردد است که‌آیا این‌نقوش مربو ط بدوره های قبل التاریخ خوا هـــدبود یانی ؟

ناگفته نماند که برخی اشکا ل‌حیوانی یا انسانی در دوره هـای بسیار مابعد برسبیل هوس‌وتفریح‌بربرخی کتیبه های قدیم کنده شده اند (مانند نقش های جدیدیکه بـرخرسنگ های جغتو وغیـره نقـ شده)ولی کندن چنین خطوط مثل‌منقورات درهٔ لغمان نمیتواند برا ی هوس رانی باشد، وحتما مطالبـی‌دران بوده‌است که‌ما اکنون کلیدی برای دریافت آن نداریم وبنابر یـن‌زیاده ازین دربارهٔ آن چیزی نتوا ن گفت: وما درینجا تنها بـه عکس‌نقوش درهٔ الی‌شنگ لغمان وهزا ر سم سمنگان اکتفا میکنیم . (شکل ۱ـ۲)

---

(۱) FOUCHER

قدیمترین خط افغانستان دردوره تا ریخی

خط آرامی

مردم آرامی (۱) از حـوا لـیقرن ۱۵ق ،م در وادیهای شما ل عربستان تمکن داشته ودولتهایی راتاشمال سوریه تشکیل داده بودند. ازنوشته های میخی قرن چهارد همقبل المیلاد ثابت می‌آید ، که‌جمعی ازمردم سو تی (۲) آرامی درسوریه‌وحوالی دمشق میزیستند .درحالیکه برخی قبایل آرامی درمناطق جنو بفرات تاکرانهای خـلیـج پـار س پراگنده شده بودند . (تاریخ‌اللغات‌السامیه ۱۱۵) که درحدود ۵۸٦ق،م بعداز انحطاط قدرت فنیقیان، امورتجارت راه خشکه بدست آرا میان افتاد ، ودر وادی دجله و فـــرا ت‌رسم الخط آرامی ، جای خط آشوری راگرفت که‌از هند تامصر پهنا ئی‌یافت وحتی در عصر عروج آشوریان نیز زبان آرامی باآشوری یکجـــازبان تحریر ودفتر بود، چنانچه بر حواشی الواح مکشوفهٔ آشـوری ،زبان آرامی هم‌دیده می‌شود .

(تاریخ فن تحریر ۱۹٤)

قدیمترین سنگ نوشته هـــا ی‌آرامی که تاکنون کشف‌شده، ازقرن هشتم قبل المیـلاد است‌که ازتـل‌سنجرلی (۳) شمال سوریه بدست آمده وبامر برزکب ملك شمأل۷٤۵ر۷۲۵ ق،م نقرشده است (٤) و لی بعداز قرن ۵ ق،م خط آرامی‌بد یـن‌ترتیب شکل خاصی رابخود میگیرد، که‌سر وپهلوی حروف آرامی کشاده‌وزا ویه های آن گرد می‌شود . که این تـبـدیـل اشکـال د ر عصـر هخامنشیان (۵۵۰ـ۳۳۰ق،م) درآن واقع میگردد . (۵)

در نـقشه۳ انشعـاب خـطـوط‌متعــدد آسیایی را ا ز رسـم ـ الخط آرامی بامطابقهٔ قرون‌قبل‌وبعداز میلاد ملاحظه میفرمایید ، کـــه آنچه بتاریـخ افغانستان قدیـم وممالك مجاور آن ربطی دارد بعلامت × نشانی شده است . (شکل ۳)

---

(۱) ARAMEANS

(۲) SUTI

(۳) SINJIRLI

(٤) تاریخ اللغات ا لسا میـــه ۱۲۲

(۵) فن تحریر ۱۹٤

سنگ نبشته های آرامی یاقدیمترین آثارخط در افغانستان تاریخی

تاکنون درخاك افغانستان نوشته‌هایی که قدیمتر از آثار رسم‌الخط وزبان آرامی دردورهٔ تاریخی باشدکشف نشده‌است . اگر چه‌ایـــن نوشته های آرامی مقارن رسم الخطیو نانی است وبه اواسط قرن سوم قبل‌المیلاد تعلـق میگیـرد، ولـی‌چون مبداء وریشهٔ آن درتار یـخ تمدن وهنر آسیا قدیمتر است بنـابرین باید گفت: که روا ج خـــط آرامی درین سرزمین سا بق ترازخط یونانی وخرو شتهی ا ست و خرو شتهی هم از خط آرامی برآمدکه‌از راست بچپ نوشته‌میشد .

بابسط فتـوحات کـورو ش (۱)بزرگ (۵۵۰ر۵۲۹ ق،م) وبعدازآن درشهریاری داریوش (۲) (۵۲۲ ر ٤۳٦ ق،م) آثـارمدنیت‌هخامنشی تاماورای دریای سند شرقاً رسیده‌بود ودر آن جمله خط وزبان آرامی نیز شامل است ، که‌بقول شید ر(۳) دریکی از لهجه های آرامـــی شرقی بود، وآنرا «خط شاهنشاهی»هم میگفته اند.

ولی تاکنون کتیبه ای مر بو طبدورهٔ هخا منشیان در افغانستان کشف نشده است . ازطرف شرق‌نیز خط آرامی درحدود قر ن ۷ق،م بوسیلهٔ دریانوردان فنیقی و بابلی‌به‌جنوب هندرسیده بود که‌در آنجا مبداء رسم الخط دیوه ناگـری (٤)(یعنی رسم الخط خدایی یاشا هی) زبان سنسکریت گردید ،وگویا اثررسم الخط آرامی بر سر ز میـــن افغانستان هم از شرق وهم‌از غرب‌بود. وبنابرین قدیمترین لو حـــهٔ سنگی که بخـــط آرامـــی از تکسیـــلابرآمده وتاریـــخ آنرا بحد ود ۵۰۰ ق،م نسبت میدهند ،کهن تر یـــن‌آثار این رسم الخط درسر زمیـــن شرقی دریای سند باید شمرد .این‌کتیبه قراریکه جون مارشل‌گوید : درنهایت اهمیت است وبر یـــك‌سنگ مرمر سپید مثمن نقرشده و چون جای پیدا یش آن دربقا یا ی‌آبادیهای عصر از یس او ل (۵) بوده بنابرین باید گفت که باهمین‌وضع شکسته‌وآسیب‌دیده‌خود پیش ازآغاز قرون میلادی درینجا د فن‌شد ه باشد ، حروف آن‌بـازبـا ن آرامی مشابـه آثـار قـرن چها رم‌قبل المیلاد است ، ولی معنی متن

---

(1) CYRUS
(2) DARIUS
(3) SCHEDER
(4) DEVA-NAGHRI
(5) AZES

آن تاکنون روشن نیست د کتــوربرنیت (۱) وپروفیسر کو لی(۲)
آنـــر ا راجــع به‌بنای قصــــر ی‌دانسته اند .
ولی برخی گویند که‌دربارهٔ جزای‌شخصی که آنرا بشکنانــد بــوده
است (رجوع به‌عکس نمبر ٤)

بقول جون‌مارشل : کشف ا ین‌کتیبه میرساند که خط خرو شتهی
از آرامی که بوسیلهٔ هخامنشیا ن‌در حدود ۵۰۰ق ،م بدین سرز مین
رسیده‌بود برآمده است‌وتکسیلا هم‌بعداز آن مرکز ســرز مــین روا ج
خرو شتهی بود .(رهنمای تکسیــلا۷۸ کلکته ۱۹۲۱) (۳)

دوقــرن بعد هنگامیکه آشوکـــاپادشاه بزرگ خاندان موریا ازهند
برخاست (۲۷۳ ـ ۲۳۲ق، م) و درمدت چهل سال سلطنت خـــو د
بر افغانستان شرقی تاوادی‌ارغنداب‌هم دست یافت ودیانت بو دا یــی
راهم انتشار داد، در عصر اوهنو زرسم الخط وزبان آرامی باقی بــود.
وسه سنگ نبشته مهم ازو در یــن‌سرزمین باقیست .

اول : سنگ نوشتهٔ یو نانـــی‌وآرامی که‌در مد خل شهر قدیــم
قندهار بر کنار جاده بر صخـــرهٔ کوه کنده شده ودرسنه ۱۹۵۸ م از
زیرخاك برآمد ، که طول آن ۵۵سانتی وعرض ٤۵تا ۵۰ سا نتــی
است . متن یونانی بالای کتیبــــه‌شامل ۱۳ ونیم سطر ومتن آرا می
پائین هفت ونیم سطر است کـــه‌شیوهٔ خط آرامی‌آن‌باخطوط پاپیروس
یاچرم مشابه است وهمچنین کتیبهٔ‌دیگر به‌رسم الخط یونانی در سنــه
۱۹٦۳ م درهمین قند هار کهنــــه‌بدست آمد که درموزهٔ کـــا بــل
محفوظست .

موضو ع این دوسنگ نو شته‌همان مطالب اخلا قی است که در
فرامین آشو کادر سر تاسر هنــدبه السنه ورسم الخط های مختلف
نقر گردیده ، وکتیبهٔ قند هـــا ردرسال دهم بودایی شدن آشو کــا
۲۵۰ ق،م نوشته شده‌است .

---

(1) BARNET (2) COWLEY

(3) JOHN MARSHAL'S GUIDE TO TAXILA. p 78.

این کتیبه رواج خط وزبان آرامی رادر وادی ار غنداب درحدود ۲۵۰ ق،م ثابت میسازد وواضح میگرداند ، که سلطهٔ آشو کا تا قندهار هم رسیده بود ودرین جاعلاوه برخط آرامی رسم الخط وزبان یونانی هم باقی بود . (عکس نمبر ۵)

ترجمهٔ تحت اللفظی مضمون یونانی کتیبه اینست :

« درپایان ده سال پیه‌ده سی(۱)(آشوکا) پادشاه ، به انسانها اصول دیانت رانشان دادو از آن وقت انسانها رادر تمام روی زمین متدین تر ومسعودتر ساخت . وپادشاه ازکشتن زند گان خودداری کرد وسایر انسانها وتمام شکاریان و ماهیگیران از شکار وماهیگیری دست گرفتند وکسانیکه در عقیده راسخ نبودند در حدود ضعف خود منحرف شدند. وانسانان، خلاف گذشته مطیع پدر ومادر و پیران شدند. وبعد ازین بارفتاری چنین بهتر زندگانی خواهند کرد، و بیشتر مستفید خواهند شد . »(از روی ترجمهٔ فرانسوی شلوم برژه (۲) رئیس باستان شناسی فرانسه . آریانا ۸ ر ۱۶ سنه ۱۳۲۷ ش)

دوم : کتیبهٔ مهم دیگر که فقط چند سطر آن باقیست درگذر گاه درونته بین وادی لغمان وننگرهاردرشرق کابل برسنگ مثلث نمایی بدست آمده، که درموزهٔ کابل موجود است وخط آن آرامی وزبان پراکریت است ، مشتمل برنصایح احتراز از قتل حیوانات ، که یکی از فرامین اخلاقی آشوکا باشد . (عکس نمبر ٦)

درحدود کوهپایهای شمالی جلال آباد درجاییکه اکنون بند درونته است ، زایر چینی سونگ یون (۳) در سال ۵۲۱ م ازکتیبه‌یی ذکر میکند ، که مردم همان وقت می‌گفتند که آنرا بودا نوشته بود، وحروف بیگانهٔ آن روشن و خوانا بنظر می‌آمد .

(سی - یو - کی(٤)۱ر۷۳ طبع کلکته ۱۹٦۳ م) چون این کتیبهٔ آرامی را ازحدود درونته آورده‌اندوباهمین جاییکه سونگ - یون گوید مطابقت دارد ممکن است مرادهمین کتیبه بوده و حروف بیگانهٔ

---

(1) PIYADASI=SAN: PRIYADAR'S IN
(2) D. SCHLUMBERGER
(3) SUNG-YUN
(4) SI-UY-KI

آن هم شاید همین رسم الخط آرامی(که برای چینیان بیگانه بـــو د) باشد.

سوم ـ درنومبر ۱۹٦۹م بناغلی‌دانیل بورگویس بلژیکی، در شله نك قرغه‌یی سه‌کیلو متری مهتر لام‌لغمـــان کتیبـهٔ سوم آرامی را کشف وعکاسی نمود، که‌بر صخرهٔ دا من‌کوهی در (٦) سطر کنده شده، و این جای درشمال غربی جلال آبا دبرکنار شمالی دریای کابل دروادی لغمان نزدیك مزاری بنا م مهتـــرلمك یامهتر لام واقع‌است ، ومردم باین قبری که‌درحدود ده مترطو ل‌دارد عقیدت تام دا رند، و حتـــی برخی آنرا گوریکی از انبیاء قدیم‌شمارند .

هیون ـ تسنگ زایر چینی کـه‌بـتاریـخ ۱۵ اگست ٦۳۰م ازرا ه کاپیسا بدینجارسیده و مدت ســه‌روز توقف کرده بود (۱) گوید :که درینجا درحدود ده سنگها را مـه(معبد) واقع است ، که‌اکثر آ ن به مذهب کبیر بودایی تعلق دارد ،درحالیکه برخی ازمعابد دیوا هــای مختلف هم موجوداست .(۲)

نام این وادی در چینی لان‌ـپو،ودرسنسکریت لمپاکه بود ، و در همین حدود دو کتیبهٔ دیگر بخـطدیوه ناگری نیز موجود است که‌در یکی از آن (سطرسوم) کلمه لمك..دیده میشود ، وممکن است بانا م اینجا بی‌تعلـق نباشد و مادرمبحث‌خط دیوه نا گـری شرح خـوا هیم داد.

اما اصل کتیبهٔ آرا مـی شـش‌سطری محتاج خوانش و تحقیـــق دانشمندان آرامی شناس است که‌بگمان اغلب یکی از فرامین اخلا قی اشو کا خواهد بود، زیرا درسطـراو ل کلمهٔ اول آن مانندکتیبهٔآرامی قندهار (اشوکا) بنظر می‌آید ، که‌مضمون کتیبه مثلث نمای درو نته هم بخط آرامی عـبارت از همــــان‌نصایح اخلاقی بودایی است در حفظ جانوران واحتراز ازکشتنا ر جـــاندار .

این کتیبه مکشو فهٔ جدید چون‌بسیار روشن وواضح است و جز یك حرف سطر چهارم آن آسیـــب‌ندیده ، بنا برین در خوانش آن هم مشکلی نخواهد بود .

چون مضمون این کتیبه تاکنو ن‌خوانده وتحلیل نشده ، بنابر ین درینجا فقط به‌آوردن عکس آن‌اکتفامیکنیم . (عکس A ۷)

---

(۱) جغرافیای قدیم هنداز‌کننگهم۱ر۷۵

(۲) سی ـیو ـ کی۲ر۱٤٤

نوشته های خط براهمی

خط براهمی (۱) نیز ازخطوط قدیم هنداست که بقول بعضی ریشهٔ قدیم هندی دارد ونام آن به برهمامنسوبست . وجمعی از علماء آنرا مانند خروشتهی از مبدأ آرامی شمرده اند که درتمام هندوسیلون(۲) عمومیت داشت وشبا هت آنرا بخطصوتی(۳) که برکتیبه میشع (٤) بن کموش پادشاه موا ب (۵) (۸۵۰ ق ،م) کشف شده میدانند ، که بوسیلهٔ تاجران ودریانوردان بابلی بهند غربی رسیده بود ، ومبداء تمام الفباها ی کنونی هندی گردید، وازچپ براست نوشته میشد .

بسا کتیبه های قرن ٤ قبل المیلاد وبعد آن درهند موجود اند، که ازانجمله سنگ نوشته های متعدد آشوکا بدین رسم الخط اند، ویك کتیبهٔ کرنول ضلع مدراس(مکشوف ۱۹۲۹ م) نصف سطور ازراست بچپ همدارد ، ولی ازکتیبهٔ آرامی ویونانی قندهار و کتیبهٔ آرامی لغمان ثابت می آید ،که نفوذ خط براهمی در عصر

آشوکا (حدود ۲۵۰ ق،م) به آنجا نرسیده بود، ودرازمنهٔ قبل المیلاد تنها در شمال غرب هند ووادی اندوس رواج داشت . چنانچه بر مسکوکات شاهان یونانی باختردران وادی دیده میشود ،و ملکه اگاتهو کلیس (٦) وانتی ماکوس(۷) (حدود ۲۵۰ تا ۱٤۰ ق ، م) بجای خروشتهی بر یکطرف مسکوکات خود ، خط براهمی راهم نوشته اند . (کیمبرج هستری آف اندیا) (۸) رواج رسم الخط براهمی ، در سرزمین های شرقی افغانستان ،درمدت هفت قرن متواتر مقارن باخروشتهی ویونانی وپهلوی ودیوه ناگری دیده میشود .چنانچه

---

(1) Brahmi. (2) Celon (3) Phonetic.

(4) Mesh'a. (5) Moab.

(6) Agathocles. (7) Antimachus

(8) Cambridge History of India. I.P. 62/449.

درقرن چهارم میلادی هنگا میکـــه کوشانیان کو چك درین سرز مین حکم میراندند، جای خر و شتهیراهمین رسم الخط براهمی گرفتــه بود، وبرمسکوکات کیداره(۱) بخطبراهمی کیــداره کوشانــه شا (۲) نــوشته ا ست . و همچنان بـــرمسکو کات شاهان دیگر اینخاندان مـــانــند پیــر و (۳) ـ و ا ر هشاهی (٤) ـ ورهران (٥) ـ بــود ها بلــه (٦) ـ بهاسه (۷)تاریکــه (۸) ـسد هــنــی (۹) نوشته های براهمی وگاهی مقار نباپهلوی هم دیده میشود (مجلــهٔ مسکوکات) (۱۰) وازین برمی آیـدکه درقر ن ٤م رواج خط برا همـــی وپهلوی در عصر کیداریان بدرجه یی بودکه بر مسکو کات خو یش، خـط یونانی وخرو شتهی ونــا گـــر یراننو شته اند (رجوع بــه عکس ۷) ولی بعداز انکه درقـــر ن پنجـــم هونان هفتلی سلطه کیدار یان ر ا خاتمه دادند، این رسم الخط کمتـــر بنظرمی آید.

مطالعه وکشف ا سرا ر خـــطبرا همی بوسیله جیمس پر نسیپ(۱۱) در سا لها ی ۱۸۳٤ تا ۳۸ م انجام گرفت که آنرا ازروی کتیبه هـــای متعدد ستو نهای معبد سا نچـــی هند ومنار اشوکا دردهلی خوا ند . والفبای آنرا ترتیب داد واکـنو نآنرا ازروی همان قواعد مر تبـــه بسهو لت میخوانند .

---

(1) Kidara.
(2) Kidara Kushanasha
(3) Piro
(4) Varashahi.
(5) Varahran.
(6) Buddha Bala.
(7) Bhasa.
(8) Tarika.
(9) Sadhni.
(10) Numismatic Supplement 1937 Culcutta.
(11) James Prinsep.

کتیبه های زبان ورسم الخط یونانی

رسم الخط یونانی با مجمو عـــهٔافکار ورسوم وفرهنگ یو نـــا ن کهآنرا هیلینسم (۱) گویند، بافتحاسکندر درحوالی سال ۳۳۰ ق ، م بهسرزمین افغانستان آمد، اگر چهاسکندر درین سرزمین ازسیستا ن تاسغدیانه بامقاومت شدید مـرد مهواجه گردید، ومدت چـهار سا ل درینجا مشغول ماند، ولـی درآخـرتوانست درماه می ۳۲٦ ق،م بکنار جیلم برسد . وی از راه کنار غربیدریای سند بهملتا ن همرسید ،ودر جولایی ۳۲۵ ق، م ازراه هـــا یجنوب افغانستان وگدرو زیا بـــه سوی پارس پس نشست ، تا کـهدرشب ۱۳ جون ۳۲۳ ق،م بعمر۳۲ سالگی در بـــابل چشم از جهـــا نبست .

درباختر وتمام ولایات افغانستانوهندوستان شمال غربی حکمرا نان مقرر کرده اسکندر بابـرخـی ا زیونانیان باقیماندند، تاکهدر حدود ۲۵٦ق،م دیو دوتوس (۲) حکمرانباختر ، سلاله شاهان یونانیباختر را اساس نهاد واعلان شاهی داد وسکه زد، وازین شاهان یونانینژاد باختری شده درمدت د ونیم صـدسال بعد سی وشش پادشاه و یك ملکه حکم راندند . تاکه درنصـفاول قرن نخستین میـلا دی بـــا ظهور قبایل ساکه وسیتی ازسمتشمال مملکت ، سلطه یونانیـــا ن باختر بپایان رسید .

سلطهٔ اسکندر واخـلاف او د رسرزمین آریانه مصدر بسط فرهنگ جدیدی شد، که از ناحیت د یـن،فکر، هنر، زبان، رسم ا لخط وتمام مظاهر فرهنگی ارزش هـــا یخاص‌تاریخی دارد ، ودرینجا مطالـعا ت ماتنها بارسم الخط یونانی وروا ج آندرین سرزمین تاقـرن هشتـــم

---

(1) Hellinism
(2) Diodotos

میلادیست ومامی بینیم که‌درمـد تده قرن این رسم الخـط مـو ر د استعمال مردم بود.

اثررسم الخط یونانی از همـا نفتح اسکندر تاشمال غر بـی هند رسید ، اگر چه برخی مسکو کا تبنام اسکندر بخط یونانی در هنـد شمال غربی بدست آمده، و لـی تاکنون یقینی نیست که آنرا د ر هند ضرب کرده‌باشد . امامسکوکی‌ازپادشاه معاصر اسکندر در شما ل غرب هند ،سلیقهٔ یونانی دا رد وبریکطرف آن شکل پادشاه و بـر طرف دیگر آن خرو سی بانام‌پادشاه‌سوفیتیس (۱)دیده میشود کـه شکل یونانی شده نام سابـهو تی (۲)هندیست که‌آرین(۳)وسترابو(٤) هـر دو آنرا ذکر کرده اند، وایـن‌سکه در ۳۲۰ق،م ضـر ب شـد ه باشد. (۵)

هیون تسنگ زایر چـینـی د ر۶۳۰م این سرزمین را ازبا ختـر تاکرانهای سند دید،وی رسم‌الخطی‌راکه دارای ۲۵ حرف بود درینجـا ذکرمینماید . واین خط بلا شبـهت یـو نانیست کـه (۲٤) حرف‌داشت ویك صوت (ش) که‌دریونانی نبـودودرالسنهٔ مقامی وجود داشت بشکل

شخ  یعنی‌مجموعهٔ ش + خ بران افزوده شد، که‌در کتیبهٔ‌سرخ کوتل هم‌دیده میشود ،ومادر قسمت‌رسم الخط تخاری یونانـی شر ح خواهیم داد .

این رسم الخط در آغاز سلطـهٔ یونانی ، موافـق آنچه در اصـل بود نوشته میشد ولی باروا ج آندرمحیط جدید موافـق ضر وریا ت مردم آن تحول رنگ وشکل داد، ویکنوع خطیونانی شکسته (۶)ازا ن بوجود آمد مثلا :

۱ـ اشکال حروف آن در کتیبـهٔ‌آرامی قندهار ونوشته های آی خانم ومسکو کات شاهان باختری یونانی‌خوش خط وعیناً به تقلید نگـا رش اصیل یونانیست ، ولی درکتیبـه‌های متأخر آنقـد ر شکستگـی و انحراف دران راه یافته که‌تشخیص‌آن مشکل است .

۲ ـ تعیین وادخال بـرخـی ا زضروریات محیطـی درا ن مشهود

---

(1) Sophytes (2) Saubhuti
(3) Arrian (4) Strabo
(5) Cambridge History of India 61 /388
(6) Cursive Writing

است، مثــلا صوت ش وصوت ښ‌وفواصل وخواتم کلمات بشکل (O) وتعین برخی اصوات مقامی به نقاط‌مثل:



که در کتیبه های متأخر روز گــان‌وتوچی مشهود است .

۳ـ گاهی تغییر سمت نــگا رش‌خط نیز مانند آرامی ، خروشتهی ، پهلوی است یعنی رسم الخط یونانی‌را از سمت راست نوشته‌اند. اگر چه رسم‌الخط قدیم یــــونانی تاقرن٦ق،م ازراست بچپ بودولی درقرن ٤ ق ،م نوشتن از چپ براست آغازشد ،واشکال حروف راهم مطابق به‌آن باز گردانیدند ، ورسم الخــطیونانی که‌با اسکندر بافغانستان آمد نیز بر همین وتیره بود .ولی چون رسم نوشتن ازراست بچپ در خود یونانی هم سابقه داشت ، و رسم‌الخطهای آرامی وخروشتهی وپهلوی نیز ازسمت راست آغاز می‌یافت ،بنابرین درآسیای میانه هم گــا هی رسم الخط یونانی را ازراست بچپ‌نوشته اند. که‌یك نمونهٔ این خــط درتنگی تایغان (۱) الماته‌قزاقستان،ازجمهوریت های آسیای میا نــه اتحادشوروی در سنه ۱۸۹۷م‌کشف‌شده ، که‌بر صخره کوهی در سه سطر خط تبتی ودوسطر خط یونانی‌نوشته شده ، ومضمون تبــتی آ ن عبارت ازشکل تبتی تری رتنه (۲) یعنی سه جو هر بو دا یی است که آنرا بزبان سنسکریت وخط یونانی‌در کتیبهٔ جغتوی غزنی هم‌درسه‌سطر می‌بینیم.

درسطر اول تنگی تا یغان کلمــهٔایزگ یاایسگ (۳) رابا سا کـــی تخاری وساکیا سنسکریت (بو دا)یاساکه فرس قدیم که سکستان‌بنام آنهاست تطبیــق کرده‌اند،که شایدنام نقار این نوشته باشد . درسطر دوم حروف الفا + گامارا بحساب‌ابجدی یونانی سا ل ۱۰۳۸ عهــــد سیلیو کید (٤)شمرده‌اند، که‌مطابق‌باسال ٧٦٩ ر٧٧٠م باشد (٥).

٤ـ درنوشته های زبان یونانی‌قبل المیلاد ومسکو کات او لیــــن شاهان یونانی باختری دربین‌کلمات‌ویاخاتمهٔ آن علامهٔ فاصله (٦)دید ه نمیشود ، ولی در قرن نخستیـــــن میلادی ازمسکوکات‌شهنشاه‌گوندو- فریس (۷) (۱۹ر٤٨م) ببعــــد یك‌دایره کوچك بشکل (O) انگلیسی

(1) TAYGAN (2) TRIRATNA
(3) ISZAG (4) SELEUCID ERA
(5) ARCHIV ORIENTALNI 35, PRAGUE
(6) WORD DIVIDERS (7) GONDOPHARES

یامربع کوچك در بین کلمات یا درخاتمهٔ آن آمده، که‌درتمام‌مسکوکات ونوشته های زبان تخاری رسم‌الخطیونانی تا اوایل دورهٔ اسلامی مستعمل است . واین علامهٔفاصله‌مولود احتیاج مردم این سرزمین در رسم الخط یونانیست تابوسیلهٔ‌آن‌کلمات جمل را ازیکدیگر تفکیک کنند وحتی بقایای این علامت رادرتفکیك آیات‌قرآنی بعدها در رسم الخط کوفی شرقی هم‌می‌بینیم که‌درنسخ غربی قرآن رواج نداشت .

خط یونانی درتمام دورهٔ شاهان‌پارتهی از حدود ۳۰۰ تا ۲۰۰ق، م وعهد یونانیان باختر وکوشانیان‌برمسکوکات نوشته میشد، و مسکوکاتی نیز دیده میشود ، که‌بخط یونانی باختری وکمی پهلوی ضرب شده، وازین برمی آید که‌ساسانیان هم در ولایات شرقی خود بدین رسم الخط سکه زده اندومامسکوکاتی راکه ازبگرام شمال کابل بدست آمده می‌بینیم ، که‌بران‌تاج ساسانی و آتشکده با نام شاپور برسم الخط یونانی منقوش‌است (۱) وحتی مسکوکات سوراشترین (۲) گجرات هند درحدودقرن۷م خط یونانی دارد. (۳)

اما ازکتیبه های زبان ورسم‌الخطیونانی در افغانستان تاکنون سه کتیبهٔ مهم کشف شده است:

اول: سنگ نوشتهٔ یونانی‌وآرامی قندهار که‌یکی از آن بر قسمت بالایی ۱۳ ونیم سطربزبان‌یونانی دارد ومادر شرح سنگ ـ نبشته های آرامی شرح دادیم .

این نوشتهٔ یونانی درسال دهم‌بودایی شدن اشوکا پادشاه خاندان موریا در ۲۵۰ ق،م بریك صخرهٔکوه مدخل خرابه های شهر قدیم قندهار بدست راست طاق چهل‌زینهٔ بابر کنده شده وعبارت از نصایح واندرزهای اخلاقی دینی بوداست که درسرتاسر هند کتیبه های متعدد آن بچندین زبان‌ازطرف اشوکا نوشته شده است .

بقول دانیل شلوم برژه (٤) مدیرهیئت باستان شناسی فرانسه که‌کاشف سرخ کوتل و شهریونانی آی خانم است «درکتیبه های اشوکا بسا نقاط تاریك‌موجوداست ازین جهت داشتن ترجمهٔ یونانی این متون چه‌کامل باشدچه‌ناقص بسیار ارزش دارد وزبان

---

(1) ARIANA ANTIQUA 296/403 (2) SAURASHTRAN
(3) A. AN 412 (4) D. SCHLUMBERGER

یونانی این کتیبه مبرا ازتمام اثـرهای لهجه های منطقوی وو لا یتی
است . طوریکه علمای یونان‌شناسی این متن یونانی را قطعات ممتا ز
ادبی یونانی خوانده اند که از نگاه‌ساختمان زبان، همپایهٔ زمان فلاسفه
ونطا قان یونانی از قبیـل افلاطون‌وارسطو وایز وقراطیس است .
می‌بینیم که زبان تفکر و تحریردرقندهار قرن سوم ق، م همـا ن
زبانیست که به‌آتن یا به شهـرمیلیت (۱) مروج بـوده و حتـی
طرز کندن ونوشتن این کتیبه هـاوحدت کلتور یونانی راتایید میکند .
بومامی فهمیم که‌در حوالی ۲۵۰ق،م‌درقندهار زبان و اصطـلا حـا ت
فلسفی یونانی دربیان افکار اخلاقی‌بودایی بکار رفته است (مجلهٔآریانا
۲٦۳ ص ۲۸ طبـع کا بل ۱۳٤٤ش).
سنگ نبشته هـای قنـدهـا رمیرساند : که‌بقایای مدنیت دو رهٔ
هخامنشی ور سم الخـط و زبـان‌آرامی درینجا بامدنیت یو نا نـی
خلط یافته ، درحالیکه از نظر فکروفلسفه وآیین ، مبدأ آن‌کاملابودایی
است. پس ازین روست که مابسطیك مدنیت وهنر ورسم الخط آرا می
ویونانی که‌هردو از غر ب‌آمده اندرروادی ارغنداب بامدنیت هنـد ی
مطالعه میکنیم ،درحالیکه این‌فرهنگ‌بودایی ازهمین وادی بطرف غر ب
سیرنکرده ، وآثار آن در قسمـت‌غربی مجـرای هلمند دیده نشـد ه
است .
چون درخرابه زار شهر قـد یم‌قندهار وحوالی آن در ماشور (مها
= بزرگ + شور = شهرستان)واشوغه (شاید اشوکا) وغیره تـا
کنون حفریات باستان شنـا سـی‌صورت نگرفته بنابرین ممکن است
در اثنای حفریات علمی آن درآینده‌آثار گزیده تری بدست آید.

دوم: درسال ۱۹٦۳ م درو لایت‌تخار شمال شرقی افغانستان د ر
ملتقای دریای آمو وکوکچه برنقطـهٔمرزی افغانستان وشوروی که آی‌
خانم نامدارد ، آثار یك شهرعظیم‌یونانیان باختری بابـالا حـصار و
کوچه هاومبانی بزرگ و حصار هاوجاده‌ها وخندق‌هاوبقایای پایه های
سنگی منقو شـس وخشت هـاوتیگرهای مزین وستونهای سنگی و
برخی ابزار فلزی و ظرو فـسفالی‌ومجسمه های هیرکلیس(۲)وبازارها
وعمارات ورزشگاه (جمناز یـم)یونانی ،با مجسمهٔ هر مس (۳)
((قهرمان زور وپهلوا نـی پسـرزئوس) که‌آنرا بقرار کتیبهٔمکشوفه

(1) MILET (2) HERACLES
(3) ERMAI=HERMES

چهار سطری ، مردی بنام تریبالوس‌ولد ستراتون (۱) بـه هر مس و هیرکلیس (۲) وقف‌کرده بـــو د.از زیرخاك برآورده شد و ا یـــن کتیبهٔ یونانی در چهار سطر بـــرسنگـی منقوراست . (عکس ۸)

دریکی از اطاقهای مکشوف ا ین‌شهر که ٦ × ۷ مترساحه دارد ،در نزدیکی دروازه ،کتیبهٔ پنج سطری‌یونانی باچهار سطر دیگر طرف‌چپ برامده ، که‌درداخل اطاق چها رقبربود واستخوانهای مردگان از آ ن کشف شد، ودو تابوت فرســود هٔچوبی که دربین آن استخوانــها ی پوسیده بود بدست آمد، و با ایــن‌تابوتها همین کتیبه نصب است که پران بخط وزبان یو نانــی چنیـــن‌نوشته اند(۳):

«این کلمات حکیما نـهٔ مــردا ن‌گذشته وگفتار رجال مشهــور د ر پیتهو مقدس (٤)محفوظ بود. و ازآنجا کلی‌ارخوس (٥) آنرا برداشته وبادقت درینجا نقل نمود. تاواز دوربر گورکی نه ویـــــو (٦)بتابد :

در کو چکی خوب تربیه بگیر!

درجوانی خــواهش های خود راضبط کن !

درپخته سالی راستکارباش !

در پیـــــری اند رز د هنــد هٔخوب‌باش !

ودر روزهای باز پسین زند گانی‌بدا ن ،که چگونه بــدون فسو س بمیری !(۷) (شکل ۹)

---

(1) TRIBALLOS SON OF STRA TON STRATONOS

(2) HRAKLEI=HERACLES

(۳) این ترجمهٔ تخمینی‌ازترجمــهٔ‌فرانسوی متن یونانیست که‌مطا لب آن بدون ترجمهٔ‌تحت اللفظ در نظرگرفته‌شده .

(٤) PYTHES نام شهــرمقدس دلف DELPH است کـــه‌نخست بنام PYTHO بسر DELPHOS یکی ا زقهرمانان باستانی یونان شهــر ت داشت وبعد از آن آنرادلف‌نامیدندمنسوب بخود دلفــوس (فــرهنگ اساطیر یونان وروم از پیر گریمال۲٤٤ـ ٦۸٥ طبــع تــهران ۱۳۳۹ ش.)

(5) KLEARXOS

(6) KINEU=KINEAS.

(7) INSCRIPTIONS GRECQUES NOUVELLES DE LA BACTRIANE PAR M. LOUIS ROBERT PARIS 1968.

لویس روبرت درشرح این‌کتیبه‌های یونانی می‌نویسد : که کلـی
ارخوس از مکتب تلامیذ ارسطـــوبوده، که‌برای مطالعهٔ فلسفهٔ هند ی
وبودایی به‌باختر افتاده ودر زمـان‌بعد از سکندز بدین شهر یونانـی
باختر آمده، واین گـفتا ر هـا ی‌حکیمانهٔ اسلاف یونانی را بـر یـن
گـوریکی از یـو نانیان نـو شتـه‌باشد .

چون اثر فکری وفر هنگی‌وهنری‌یونانیان ، مقارن باسلطهٔ سیاسی
تا اوایل قرون میـلادی د ر یـــن‌سرزمین جریان داشت ورنگ‌مقامی
باختری راگر فته بود، ودر حدو د ۲۵۰ ق،م آثار آنرادر کتیبهٔ قندهار
هم می‌یابیم . پس این نـو شتـهٔ‌حکیمانه رابیك قرن بعداز اسکند ر
یعنی پس از ۳۲۳ ق،م مـنسو ب‌کرده میتوانیم . ودرتاریخ هنر خط
هم یکی از قدیمترین آثا ر خـــط‌یونانی در افغانستان کهن‌است .

سنگ نبشته های خروشتهی

خروشتهی فقط نام رسم الـخطاست نه‌زبان . واین رسم الخــط در افغانستان شرقی ازقرن ۳ق ،م‌تا قــرن ٥ م مــد ت هشت قــر ن دوام داشته ، وکتیبه‌های‌سنسکریت‌وپراکریت بدان نوشته شده ، وبر مسکوکات شاهان موریا وشا هــان‌یونانی باختر و کو شانیان هـــم بنظر می‌آید. وچون پیدا یشگاه آن‌سرزمین آریانه (افغانستان قد یـم) است ،بنابرین ویلسون (۱) درکتاب‌آریانه انتیکوا (۲)(طبع لنـــد ن ۱۸٤۱ م) آنرا الفبای آر یا نه(۳)نامیده است ، که کتیبه های متعدد آن ازختن تا افغانستان و هنـــدشمالی باقیست ، وبر مسکو کا ت وکتیبه هاهم نوشتن آن مقارن‌رسم‌الخط های یونانی ، آرامی ،براهمی، رواج تام داشت .

رسم الخط خروشتهی (٤) مانند‌آرامی ازراست به‌چپ نوشته میشده، وآثار آن در افغانستان از جنـــو ب‌آمو تاوادی ارغنداب میرسد ، که‌از ستوپه ها ومعابد واوقاف بودا یـی‌درهده وبگرام وبلخ وجـلال آباد و بامیان ووردك غرب کابل و غــز نه‌ووادی ماورای خیبر آمده‌است .

بقــول بیو هلر (٥)از بــر خــی‌مشخصات الفبای خروشتهی ما نند حروف علت (مصو ته) وحــرو ف‌صحیـــح (مصمته) مرکب‌برمی آید، که‌به کمك رسم الخط براهمی‌تکمیل‌شده ، وبنابران براهـــمی چنـــد ی پیشتر ازان وجود داشتـــه است .ولی خرو شتهی درنتیجهٔ آمیـــز ش ساترا پها وسلطهٔ موقتی دو لـــت‌هخامنشی بامردم محلی و روسا ی شرقی افغانستان کنونی و پنجا ب‌بوجـــود آمد، کـــه بـــمرور زمان در رسم الخط آرامی تعدیلا تی وا ر دشده والفبای خـــروشتهـــی از آ ن برآمد . ولی تکامل آن تدریجی‌بودومامیبینیم که‌درا واسط قرن‌سوم‌ق،م

---

(1) H.H. Wilson
(2) Ariyana-Antiqua
(3) Arianian-Alphabet
(4) Kharoshthi
(5) Buhler

در فرا میـــن شهبـــاز گړ هـــی‌ومانسیهرهٔ اشوکا در حالی‌استعما ل شده، که‌در همین عصر ر سم‌الخطآرامی نیز وجود داشت ، که د ر تکسیلا شرقاً ودر قند هار جنوبـاً کشف گردیده ا ست . وآخـر یـن نوشته های خروشتهی تـا قـر ن۵میلادی هم میرسد و منطقهٔ نفـو ذ آن‌شمالا تاختن هم بوده که نوشته‌های متعدد ونسخهٔ‌خطی‌دهامه‌پده(۱) درقرن ۲ م بـدیـن خط و یـك‌پراکریت شمـال غـربی هنـد ا ز نزدیکیهای ختن بدست آمده‌است .درحالیکه انتهای شرقی استعمـا ل خروشتهی درپنجاب تاکرنال ومانی‌کیاله(۲) بوده،وازکانگره (بهیم نگر العتـــــبی)دوکتیبهٔ خرو شتهـی‌وبراهمی وهمچنین ازما تورای کنار دریای جمنا نیز کتیبه های‌آن‌کشف‌گردیده است . امادر بارهٔ کتیبـهٔ دیگر مکشوف ازمقا م پتنهٔ هنـــدگویند که آنرا از شمال غـر بـی هند بدانجا آورده باشند .

درجنوب غرب مسکو کا تی‌بخـطخروشتهی ،ازسیستان و قند هار هم بدست آورده اند ، وکتیبـــهٔخروشتهی وبراهمی در تهل وادی ژوب وهم آثار ایـن خـط درواد ی‌سوات ولداخ وجنوباً درپارچه های مکشوفه ازموهن جودیـرو وا د ی‌لار کانهٔ سند میرسا ند ، که‌منطقهٔ نفوذ خروشتهی مخصو صاً ازحدود۶۹ درجه تا ۷۳ درجه وسی‌د قیقه طول شرقی واز هندو کش تاحدود۳۳ درجه عرض شمالی و سعـــت داشته که‌مبدأ آن بلا شبهت همان‌ولایت گندهاره تـا تکسیلا بـود ه است .

اگرچه نوشـتـه هــا ی مـتعد دخروشتهی از ختن بدست آمده ،ولی انتقال آنرا به‌دست مها جر یـــن‌هندی بسرزمین تر کستان چینـی میدانند . زیرا این نوشته هـا ازقرن ۲ میلادی قدیمتر نیستند ، در حالیکه استعمال خرو شتهـی د رهند شمال غربی تاقرن ۳ قبـــل‌ـ المیلاد بالامیرود ، وازهمان خـــطآرامی برآمده که‌دردفاتر هخامنشی، ساترا پهای شمال غر بـی هنـــداستعمال میکردند . ودرین او قات وجود هندیان در ترکستان شر قی ثابت‌نیست(۳)وظاهرآدیمتریوس(٤) پادشاه یونانی باختری در حد و د۱۹۰ق،م وبعد ازوایوکراتید یس(۵) درحـدود ۱۸۱ق،م ازیونانیان باختربرخاست وبار او ل سکه هـا ی

---

(1) Dhama Pada (2) Mani Kiala
(3) Kharoshthi inscriptions. By Sten Konow. Culcutta 1929, Vol. 2 Part
(4) Demetrius
(5) Eukratides

مربـع مسی خودرا بدو رسم ا لخطیونانی وخروشتـهـی نشر دا د .
ودرین رسم الخط کلمه‌مهاراجه‌ســه(۱) هندی‌رادرمقابل‌بازلیو ز (۲)
یونانی نوشت که به‌معنی پاد شاه‌باشد (۳) . همچنین مسکو کا تی
از ارا کوزیا (وادی ار غنداب) به‌دست آمده، کـه‌روی سکـه نـا م
شهنشاه مهرداد دوم پارتی (۱۲۳ ـ۸۸ق،م) به‌خط یونانی نوشته شده.
وپشت سکه نام شهزا ده بـخـطخروشتهی است (٤) واین گو نـه
مسکوکات یونانی وخروشتهی د رپنجاب هم یافته شده ، منسو ب‌به
آزس (۵) پادشاه پارتی قرن او ل‌مسیحی که‌نامش رادر خـر و شتهی
آیه (٦) نوشته‌اند. واین ر ســـم‌مسکوکات دوزبانه (۷) تا عـصـر
هر مایوس (۸)در حدود ۳۰ق، م درافغانستان دوام داشت ، وبعد ازان
در عصر کوجو له کره کد فیزیس(۹) او لیــن پادشاه کو شا نی در
حدود ٤۰ م هم برمسکو کات طلاونقره ومسی کلمات مهاراجه ســه
کو جوله کسه سکو سه کیـه د ه‌فه‌سه (۱۰) وغیره‌بهمین‌رسم الخط
دیده میشود . ولی بعدازقرن اول‌بنظر نمی آید. (۱۱)قراریکه ستین
کونواز نظر گرامر مطالعه نـموده ،زبان تمام این کتیبه هاباو ضا حت
هم شکل بوده و ثابت می آیـــدکه‌زبان محلی مرو ج این سرز میـن
پیش از آغاز قرون میلاد ی بـود،که‌یك پرا کر یت هند یست نــه
ایرانی .

اما آثــار سنسکریـت هـم د رخروشتهی بدین سبب نما یان است
که‌پانی نــی(۱۲) گرامــر نو یـس مشهورسنسکریت،ازین‌سرزمین‌بود،
وتکسیلا بحیث دار العلم قد یــم‌درینجا وقوع داشت ، و فر قــه
بودایی سرو استیو ادیـن (۱۳)که‌استعمال کنندگان سنسکریت‌بودند،
مکرراً درکتیبه های وردك وپشاوروغیره ذکر شده اند، و حتی‌جملات
مکمل سنسکر یت هم د ر کتیبـۀپشاور دیده میشود، وزبان آثــا ر
تورډهیری هم سنسکر یت خا لص‌است . امکان دارد که یك‌مجمو عـۀ

---

(1) Maharajasa (2) Bazileuz
(3) Ariana Antiqua. By H.H. Wilson p. 245 London 1841
(4) S.K. p43 (5) Azes
(6) Ayasa (7) Bilingual
(8) Hermaeus (9) Kujula-Kara-kadphises.
(10) Maharajasa Kujula Kasa Sakusa Kayadaphasa
(11) A. Ant. 357 (12) Panini
(13) Sarvastivadin

قوانین بودایی درعصر کنیشکا بـه‌سنسکریت فراهم آمده‌باشد ، د ر حالیکه‌زبان معابد شمال غـر بـی‌هنـد پـر اکریت قـد یم و خـط خروشتهی بوده ، ولی سنسکر یت‌هم در مناطق نفوذ خروشتهی‌رواج یافته بود. وحتی جملات‌سنسکریت‌در کتیبه های خر وشتهی ترکستان شرقی به الفبای براهمی د یـد ه‌میشود، واز آن برمی آید که خـط براهمی با سنسکر یت یکجا جـای‌خروشتهی راگرفته بود.

همینکه کنیشکا تسلط یـا فت ،آهسته آهسته‌رسم الخط خروشتهی در امپراطوری یویه ، چی از روا ج‌افتاد ، وحتی‌در تکسیلا نوشته ـ های خرو شتهی بایك پـو ست‌درخت بلك بانوشته برا همی بـه سنسکریت‌بدست آمده،که‌نشوو نمای‌خط براهمی‌را نشان میدهد (۱) .

غالباً اخلاف‌کنیشکابسبب‌سکونت‌درهند،بعد ازواسود یوه(۲) کا ملا هندی مآب شدند وسنسکر یت وکلتور هندی ، خروشتهـی را در شمال غرب هند ا ز بیـن بـرد وپراکریت هم مقاومت خودرا ازدست داد. ودرزمان هو ویشکه (۳) رونق‌خط خروشتهی به‌پایان ر سـید و سنسکریت بودن نوشته های لو رلایی که‌بزمان واسودیوه و حتی بعد از آن هم تعلق‌دارد رواج‌سنسکریت‌رادر عصر اخلاف کنیشـکا نشا ن میدهد (٤) وبـدیـن حساب رواج‌خروشتهی ازقرن ۳ق،م آغاز شده وتامدت ۸۰۰ سال بقرن ۵م‌میرسدکه‌هم رسم الخط دفاتر ومسکو کات وهم خط کتب وآثار دینی بود.(۵)

تحقیقات علمارا جـع به‌رسم‌الخط‌خروشتهی درحدود ۱۸۳۰ م وقـتی آغاز شد، که‌یك عده مسکو کـا ت‌زیاد از افغانستان وشمال غـر ب هند، بدو رسم الخط خرو شتهـی‌ویونانی بدست آمد، ورسم ا لخـط یونانی آن کلید خوا نش کلما ت‌خروشتهی گـر دیـد . و جیمس پرنسیپ (٦) عضو انجمن شاهـی‌آسیایی بنگال ۷ـ۸ کلمه را از آن مسکوکات خوانده توانست ، و درتکمیل این کار کتیبهٔ خرو شتهی

---

(1) S.K.173 (2) Vasudeva (3) Hoveshka (4) S.K. 181

(۵) مخفی‌نماند که خط‌خروشتهی‌در اوا خر آنقدر زیر اثرخط براهمی هند آمد، که گاهی مانند برا همـی‌ازچپ براست هم نوشته‌شده‌است.
(6) Jams Princep

کمك کردکه در چندسطر بر یــك ظرفی ازبلخ بدست آمده بود ،ودر جولای ۱۸۳۸ درمجلهٔ آ سیا یـــی بنگال مطالعات پرنسیپ در آن باره انتشاریافت ، ومقارن آن از معبدهائی کیاله پنجاب هم برخی نوشته‌ـ های خر وشتهی بوسیلـهٔ جنـرال کورت (۱) بـدست آمد . و لـــی چون پرنسیپ در ۱۸۳۸ درگذشت مستر میسون (۲) درافـغانستا ن مشغول کنجکاو یـها بـود . وی ازبامیان و هده نوشته های روی ظروف کشف کرد، که براساس مطا لعا ت ایشان پرو فیسر ولسون مـو فق گردید، که در کتاب آریا نه انتیکـواطبـع ۱۸٤۱ جـد و ل حـر و ف حروشتهی رابا انواع آن تر تیـب داده ، وآنرارسم الخط آریانه بخواند. واین تحقیقات وقتی مکمل ترگردیدکه ستین کونو در کـتاب مهـــم خود جدول ۲٦٦ شکل حـروف واعداد آنرا ازروی تمام کتیبه ها ی مکشوفه تر تیب کـرد. (عکس نمبر۱۰)

درباب تسمیهٔ خر و شتهی یـك نظر اینست که در اصل خرو تهـی بوده ، که قبیله یی تاکنون بنـــام خروتهی افغانی موجـود است . و بیوهلر گوید: که خـروشتـــه (۳)نام مخترع آنست . ویادر زبـــا ن آرامی خروشته به معنی نو شتن بود، که بعد هادر سنسکریت هـم روا ج یافته باشد. ولی برخـی از علـماگویند : که از کلمه کروتهه (٤) آرامی به معنی «حرف» آمده است .

اکنون ذکر تمام کتـیبه هـا ی خروشتهی راکه تاسنه ۱۹۲۹ مطالعه ویاکشف شده مـی آوریم . کتــاب نوشته های خروشتهی در دو جلد ضخیـم درهـمین سال از طـرف ادارهٔ نشرات مرکزی حـکـو مـت هند درکلکته طبـع شد ه ، کـــه حصهٔ اول جلد دوم تألیف د کتـور ستین کونو پروفیسر یونیورستـی ارسلو باشد . ودرآن (۱۰۱) کتیبهٔ خـــر وشتهی که در ا فغانـستان تااواسط هند ولداخ بدست آمـده ، مورد تحلیل وترجمه قرار گر فتـه اسـت ، ودر جلـد دوم متـو ن خروشتهی ۷٦٤ کتیبه مو جوداست که حصهٔ اول کتابرا (بویر) (۵) و (راپسون) (٦) و (سینارت)(۷)فراهم آورده ،وحصهٔ دوم کتا برا (راپسون) و(نوبل) (۸) ترتیـــب داده اند ، که طبع آکسفورد ۱۹۲۹ بـاشد. (نام کتـاب در انگـلیسی خروشتهی انسکر پشنز (۹) است

---

(1) Court
(2) Masson
(3) Kharoshta
(4) Karottha
(5) A. M. Boyer
(6) E.J. Rapson
(7) E. Senart
(8) P.S. Noble
(9) Kharoshthi inscriptions

ومادر حواشي مخفف آنرا بنـــا مؤلف آن ایس ـ کی (۱) اشارت کرده ایم .)

۱ـ کتیبۀ خوات :

ازمهم ترین متون خرو شتهـــی کتیبه ایست روی ظرف بزرگ سنگی که در حدود ۱۸۳۸م میسو ن آنرا ازخوات وردك ۳۰ میلی غرب کابل به موزۀ برتانیه لندن انتقال داد. (عکس نمبر ۱۱)

این کتیبه ، سه سطر بردورادورظرف ویك سطر هم در پایین دارد. که حروف آن جدا جدا ووا ضـــح وروشن است که بنام مها را جـــه هوویشکه پسر کنیشکا(۱٦۹ـ۱۸۲م)نو شته شده وترجمۀ تخمینی آن چنین است :

«درسال ۵۱ بتاریـــخ ۱۵ مـــا دارتمی سیوس (۲)کمه گو لیه (۳) خلف وگره مریگه (٤)ساکن خوا ت گردید و بنا ی یـــاد گـــار حضرت ساکیا مونی را در ویهاره و گـــره مریگه دزیك ستو په گـــذ ا شـــت درین بنیان سعادت وخوشی ، سهم بزرگ از مهاراجه هو ویشکه باد! ثواب آن برای مادر وپدرم و برادرم هشتهونه مریگـــه بـــاد. (۵)وبه تمام منسوبین ودوستان ووابستگـــان و بخود من و گره مریگه باد ! نفـــع آن بصحت تمام موجودات وافتخارهمگان برساد! آنانیکه درین جهانند اززیر زمین تاآسمان ، ا ز تخـــم برآمده گان (پرندگان) و ازشکـــم برآمده گان (آدمیان وچهار پا یان)تامو جودات بدون شکل (حیوا نات غیر مرئی.)(همچنین ثواب آن)به اخلاف من وآنانیکه گمراه نیستندبرساد! وهمچنین از ساختمان گردا گرد آن، بهره برداری کا مل شود ! و مردیکه عقیدۀ کاذب دارد نیز ازآن سهم داشته باشد . این و یها ره درقبول معلمان مهاسانگهیکه (٦)است » (۷) د ر یـــن کـــتـــیبـــه سال ۱۵ سلطنت مقارن حدود ۱۸۰م باشد ، وماه ارتمی سیوس یو نانی ماه پنجم سال یونانی است کـــه درآثار الباقیه البیـــرونـــی (ص ۷۱) ارطماسا وس ضبط شده، ومقار ن ماه می است. واستعمال گاه شماری

---

(1) S.K.
(2) Artemisios
(3) Kamagulya
(4) Vagra Marega
(5) Hashthuna Marega
(6) Mahasanghika
(7) S.K. 2/170

یــو نـــانی در رسم ا لخـــط خرو شتهی دلالت دارد، بر ینکه اثر فرهنگ یونانی در اوا خر قر ن۲م باهمان استواری سابق خود با قـی بود، و۱۵ ماه ارتمی سیوس سال۵۱ = ۲۵ اپریل۱۷۹م باشد.

درین کتیبه نامهای دو برادر بنام فامیلی ماریگه یامریگه مذ کور است که همین نام باملای ماریگ (۱) درکتیبهٔ زبان تخاری و رسـم الخـط یونانی سر خ کوتل با رئیس هیئت ترمیم معبد بغلان هم آمده، ومعلوم است که مریکه نام یك دودمان عهـد کنیشکاو پسرش هوویشکه بـود، وافراد این خاندان در بنا و ترمیـم معابد دستی داشته انـد . ولـی استعمال زبان تخاری ورسم ا لخط یونانی در معبد بغـلا ن و خـط خروشتهی وزبان پرا کریت درمعبدخوات که بین هردو فاصله ۲۰ ساله است خاط ووجود فر هنگ مقامی رابایو نانی میرسا ند، واینکه در آثار معبد بغلان، علایم آتش مقدس ،ودرخوات یك معبد بودایی دیده میشود. که بنام سا کیامونی وقف شده این مطلب راتایید میکند : که در عصر کوشانـی آزادی مـذاهب ومدارای عقاید دینی به تمام وکمال مـو جود بوده وبر مسکو کات این شا هـان هم یك مجمو عهٔ ارباب انوا ع مقامی ویونانی وهندی دیده میشود .

مضمون کتیبهٔ خوات وسعت نظروشفقت برتمام مو جودات حیه رانیز حاویست که وا بستگی بامضا میـن فرامین اشوکا وقوانین دیانت بودایی دارد، وتسامح تام مـذهبـی از آن نمایان است.

اما ذکر معلمان مها سا نگهیکـه ثابت میسازد کـه ایـن فرقـه در افغانستان هم موجود بود واین نا م فرقه ایست که ساکه ها حین کمال مشغو لی خود با بودیزم ، فـر قهٔ سرواستیو ا د یـن رابـرخلاف آنها حمایت میکرده اند(۲) وذکر ایـن فرقه در کتیبهٔ متو را و غیـره هـم آمده است .

۲ـ نوشته هابر پوست درخت:

درسنه ۱۹۳۰ دریکی از سمـوچهای بامیان نزدیك بت ۳۵ متر ی نوشته های خروشتهی وبر همی بر پوست نازك درخت کشف شد، که پارچهٔ کلانتر آن ۲۵ × ۱۰ سانتـی سطـح دارد، وآنـرا در ۱۹۳۲ د ر مجلهٔ آسیایی پاریس بانوشته های مشابه آن که از کشمیر و گلگـت خریداری شده بود ، مورد مطا لعه قرار دادند که به قرن۳ تاقرن ۸ م

---

(1) Mareg (2) The Dynastic art of Kushan, p134. By Rosenfield. California 1967

تعلق دارد، وبقا یای یك کتابخا نـه‌معبد است که برخی ازآن فصو ل کتـب ابهـی دهرمه (۱) پیـروان‌مذهب بزرگ بودایـی بود وکلـمه «بودی ستوا» (۲) دران‌دیده میشودکه ارتباط به مذهب بزرگ بو دایی دارد .ونیز پارچه های کتاب ویناییا(۳) یکی از آثـار مذهب بو چـات بردایی نیز بزبان سنسکریت و خطبراهمی وخروشتهی درآن مو جو د است واز آن پدید می‌آید که‌تاحدودقرن ۸م هم‌این رسم الخـط هـا ی خروشتهی وبـراهـمی بـازبـا نسنسکریت درین حوالی رواج داشت تاکه نشر دین اسلام آثار آنرا ازبین برد.

۳ـ نوشته برظرف گلی هده :

آثارهده‌پنج‌میلی‌جنوب‌جلال‌آباد و مسکوکات‌وبتانیکه‌ازین مقام درصد سال اخیر بدست آمده در تار یـخ‌بودیزم ودورهٔ کوشانی اهمیت تا م دارد ،واین ولایت ننگر هـار جزومهم کوشان شهر بود و آثارنقاشی بودا در حوض آب ماهیان که‌ازتپه‌اشتر هده اکـنون کشـف شـد ه بهترین مظهر نقاشی‌گندهار است ومعبد بزرگ استخوان بودا هـم درینجا بود، که‌نام هده‌ازآن‌آمده ودرپښتو هډ (٤) بمعنـی ا ستخوان است.

درحدود صد سا ل قـبل مسترمیسون یك ظرف گلی رابادو سطر نوشتهٔ خروشتهی بدست آورد ، که‌درسنه ۲۸ ساخته‌شده و به‌یك‌بودی ستوا اهدا گردیده و ثـواب آ ن‌به‌یاد شاهی بخشیده میشود ، که نام وی مذکور نیست وشاید یـکی ا زکوشانیان بـاشد (کـتیبه هـا ی خروشتهی ستین کونو) نقل خطـی‌این کتیبه راویلسو ن در کتـا ب آریانا انتیکوا وبعداز آن کـونو درکتیبه های خروشتهی (۲ر۱۵۷)نشر نموده اند. ترجمهٔ‌آن :«درسال۲۸دهم‌ماه اپی لایوس (۵)بنای یاد گـار ی درباغ شاهی (٦) دریك ستو پـا بدست معمار سنگه میتـره (۷)

(1) Abhidharmakosa-Sastra (2) Bodhisattva
(3) Vinaya (4) HADD
(5) Apellaios

(٦)دراصل RAMNAMMI بود که آنرابه KING'S GROVE ترجمه کرده اندو لی نام باغ شا هی‌تاکنون در جلا ل‌آباد مـو جـو د است.
(7) SANGHAMITRA

گذاشته شد. این بنیاد برکت یادگار بودهی ستوا باد! جلو گیری ازفساد دهرمه (۱) درهرجا باد !آمادگی برای نروانای (۲) همگا ن باد ! واجر جزیل برای شاه باد .»(کتاب مذکور ۲ر۱۵۸) درین کتیبه تاریخ ۱۰ ماه اپی لایوس یونانیسال ۲۸ مساویست با ۲٤ نو مبر ۱۵۵ م که‌عصر کوشانیان بز ر گ‌باشد .

٤ـ کتیبهٔ آرا: (۳)

بفاصله ده میل جنوب غر بی‌اتك‌نزدیك گذرگاه نیلاب بر کنار جنوبی دریای سند بعرض ۳۳ درجه ٤٦دقیقه وطول ۷۲ درجه ۱۲ د قیقه واقع است. کتیبهٔ سنگی آن ۲فت × ۸ انچ از طرف سر او رل ستین به‌موزه لاهور اهدا شده (نمبر ۱ـ۱۳۳) مشتمل بر ٦ سطر خروشتهی عصر کوشانی ودارای تاریخ۲۵جیی‌شتهه (٤) سال ٤۱ = ۲٤ اپر یل ۱٦۹م مضمون : «در عصر مهاراجه‌را جاتیراجه دیوه پتره کیسر ه کنیشکه پسر وجهشکه (۵)درسا ل ٤۱ وروز ۲۵ ماه جیی شتهه ، این چاه‌زطرف‌دشه‌وهه‌ره‌خلیفه‌پشاوریان(٦)به افتخار مادر وپدر و ثـو اب خودش وهمسر وپسرش ، برا ی‌رفاه تمام مخلو قات کنده‌شد. (۷) درینجا لقب رومی کیسره = قیصرونوشتن نام پدر او را مشخص میسازد ، که همان فو شکهٔ (۸)مذکور در راجه تر نگینی کلهنه است، که‌در کتیبهٔ سال ۵۱ خوا ت‌وردگ بعنوان مهاراجه (امپراتور) یاد میشود . (۹)

۵ـ کتیبهٔ مهر باجور :

درسنه ۱۸۸۹ م ازمیان کلی‌باجورشمال شر قی جلال آباد ، چندین سنگ نوشته بدست آمد که‌بر یکی‌ازآن به‌خط خروشتهی کلـمات : سوتهیو دمه‌سه (۱۰) نوشته‌شده‌وکلمهٔاول راهمان شاو(۱۱)زبان‌ساکه بمعنی (KING) دانسته اند =(شادرکتیبه‌های کوشانی) ولی نـام این حکمران بـلا شبهت یـو نـا نی‌است ، واز حکمرانان وادی کا بـل

---

(۱) عدالت ،تقوی ،راستی DHARMA

(۲) NIRVANA فنای مطلق‌درعالم خیر

(3) ARA (4) JYAISHTHA

(5) MAHARAJATIRAJA DEVAPUTRA KAISARA VAJHESHKA PUTRA KANISHKA

(6) Dashavhara'of the Peshawarian Scions

(7) S.K. 2/165 (8) Fushka

(9) S.K. 2/179 (10) Su-Theudamasa

(11) Shav

در عصری میزیسته ، که سلطه یونانیان باختر از طرف قبا یس سیتهی و کوشانی خاتمه یافت .(۱)

۶- کتیبه آبکردان مسی :

در سنهٔ ۱۹۲۰ م ظرف آبکر دان مسی ازقریه بیدادی (۲) ۱۲ میلی شمال غربی مانسیهره وا قع کناردریای سیران بدست آمد، که بموزهٔ پشاور اهدا شد و۹ انچ فرا خی و۲،۷ رطل وزن دارد وبرآن به خط خروشتهی پیش ازدورهٔ کوشانی نوشته اند :

« ارمغان سنگهره کشیته (۳) بهجماعت روحانیون چهارمقام (۴) در مملکت یوره شا (۵) از معلمان کاشیه پیه (۶) .»

شباهت کلمات این کتیبه را با برخی ازنوشته های تکسیلا وموزهٔ پشاور خاطر نشان کرده اند ، وفرقهٔ آموز گران کاشیه پیه نیز ربطی با فرقه های مذهبی تکسیلا دارد . (۷)

۷- کوزه قریهٔ بیماران جلال آباد:

این دیه درحدود هفت میلی شمال غرب جلال آباد واقع است و بین سنوات ۱۸۴۳ - ۳۷ مستر میسو ن نکلیسی دستو پای بزر گ و کوچك مرکز این قر یه حفر یات نمود، ودر اطاق یادگار مقدس آنجا کوزهٔ بزرگی کهازخاك روغنیساخته شدهبود، باخط خروشتهی یافت که درآن دانه های گوهر وسبحهوجعبهٔ طلایی مزین وچهارسکهٔ مسی ازیس (۸) بود وازآن استدلال میکنند کهاین ظرف متعلق به عصر پیش از ازیس وپیش از (حدود ۵۰ ق،م)نیست وبر مسکوکات آن بخط خروشتهی نوشته اند:

« مهاراجه سه مهاتهسهدهرهمیکسه راجه تیره جهسه ایاسه»(۹)

ترجمهٔ کتیبهٔ اول : «ارمغان نمیوه ر کشیتهخلیفهموجهوتها(۱۰) بتقریب نیابت اوبطور یادگارحضرت(بودا) بافتخار همهبوداها »(۱۱)

---

(1) S.K.2/6
(2) Bedadi
(3) Sangharakshita
(4) Four Quarters
(5) Urasa
(6) Kasyapiya
(7) S.K. 2/88
(8) Azes
(9) Maharajasa Mahatasa Dhramikasa Rajatirajasa Ayasa

نام ایاز که درادبیات دری بشکل ایاس هم‌آمده ، **آیاربطی بااین‌ایاس** Ayasa شکل خرو شتهی از یس نخواهد داشت ؟

(10) Sivarakshita The Mujavat Scion
(11) S.K. 2/51

کتیبه سرپوش ظرف « شیوه‌رکشیته خلیفهٔ موجه وت ، بطور
یادگار حضرت (بودا) » (۱) مخفی‌نماید: که کلمه موجه وت (۲) را
نام قبیله یی پنداشته اند، که دراتهر واویدا مقارن اسمای بلهیکه
رگندهاری شمال غرب هند مذکوراست . (۳)

۸ـ کتیبهٔ سرپوش جعبه :

دربین آثار باستانی که مستر میسون از افغانستان فرستاده بود
سرپوش یك جعبهٔ بر نجی، نو شتهٔخروشتهی در دوسطر دارد ، که
نظر محققان راجلب کرده‌است . و تاریخ آن مانند کتیبهٔ مانی کیا له
۱۰ + ٤ + ٤ = ۱۸ نوشته شده وترجمهٔ متن آن چنین است :

« درسال ۱۸ دهم‌ماه ارتی‌مسیوس (٤) یادگار شمرامانه کوتمه(۵)در
معبد نهاده شد. »

تاریخ دهم ماه ارتی مسیو س‌سال ۱۸ مساویست با ۲۰ اپریل
۱٤٦ م که‌عصر نوشتن این کتیبه‌رابه اوایل دورهٔ کوشانیان بزر گ
میرساند . (٦)

۹ـ کتیبهٔ امب :

دیوی (۷) قلعت کوچکی است‌درسرزمین امب دردامنه های شر قی
کوه مهابن که‌در آن آثار ابنیهٔ قدیم‌موجود است وکتیبهٔ سنگی درانجا
بودکه به‌موزیم لا هور انتقال یافت. برسطح ۹ × ۵ انچ آن سه سطر
نوشتهٔ خروشتهی دیده میشود . که‌حروف آن به‌عصر کنیشکاو کتیبه
سیمین تکسیلا مشابه است، وترجمهٔ مضمون خرو شتهی آن چنین
است:

«درسال ۲۰۰ هشتم ماه وا ی‌شاکهه (۸) یک آبدان از مغا ن
ارجمند هیمه است (۹) .»

تاریخ این کتیبه ۸ ماه وای‌شاکهه سال۲۰۰ مساویست با۲٤مارچ
۱۱٦ م . (۱۰)

۱۰ـ سنگ نبشتهٔفتح‌جنگ:

درسمت شرقی اتك برراه آ هن‌راولپندی وکو ها ت فتح جنگ
واقعست که ۵میل درجنوب آن دیهی‌بنام ماهجیه (۱۱) در ۳۳ درجه و۲۹

---

(1) S. K. 2/52
(2) Mujavat
(3) S.K. 2/51
(4) Artemisios
(5) Sramana-Gotama
(6) S. K. 2/152
(7) Dewai
(8) Vaisakha
(8) Worthy Hima
(10) S.K. 2/104
(11) Mahjia

دقیقه شمالی و۷۲درجه و۳۹ د قیقه‌طول شرقی افتاده وازینجا سنگ نوشته خروشتهی در یك سطر کشف وبه‌موزه لاهور اهدا شده است. خط خرو شتهی آن بدوز ۂساکه می‌ماند.

ترجمۂآن :«درسال ٦٨ شانزدهم‌ماه پروشته پده (۱) ارمغان اصحاب ودهی تیره (۲)» ۱٦ماه پرو شته‌پده سال ٦٨ مساویست با۱۸جولای سال ۱۷ ق،م (۳)

۱۱ـ کتیبه پایه مجسمه مکشوفه از غزدهیری :

اشنغروادی شمال شرقی پشاور که بسیار آسیب دیده واکثر حروف آن از بین رفته است (٤) .

۱۲ـ کتیبۂ مجسمۂ اشنغر:

درفا صله ده‌میلی شمال شرقی‌پشاور در جاییکه دریای سوات و کابل باهم می‌آمیزند وشهر مشهورتاریخی پشکلاوه تی‌درین‌وادی بود، ویکی از مراکز مهم بودایی بشمارمیرفت ، درقریه راجر از تپۂخاکی مجسمه بودا باسه نفر بدست آمدکه‌در معبد هندوان آنجا نهاده شد ودرسنه ۱۸۸۳ کتیبۂ خرو شتهی‌پایین مجسمه را دیدند ، که فقط تاریخ آنرا چنین نوشته اند «درسال ۳۸٤ پنجم ماه‌پروشته‌پده» که این‌تاریخ مساویست با ۷ جون ۳۰م. (۵)

۱۳ـ کتیبه های جمال گرهی:

جمال گرهی دیهی است دردامنۂجنوبی کوهپایه پاجا که از مردان شمالا هشت میل فاصله دارد ودر۳٤ درجه ۲۰ دقیقه شمالی و۷۲ درجه و۵ دقیقه طول شرقی واقع‌است درینجا کتیبه های متعدد خرو شتهی راهم یافته اند که‌از آن‌جمله است :

الف : سنگ نوشتۂاول‌ماه‌اشوه‌یوج (٦) سال ۳۵۹ = ۲٤ اگست ۲۷۵ م در بارۂ تأسیس یك‌دارالمساکین دینی درین باغ (بیشه) از طرف شراوکه پوته که (۷) برای‌متابعان یودیلیا که(۸)

ب: کتیبه پایین یك مجسمه بی تاریخ ،ارمغان مادروهمسرواسشته به ثواب تمام مخلوقات و ثواب‌وصحت آقا. (۹)

ج: کتیبۂ هالۂ یك مجسمه که‌بر‌آن « وقف سفا » (۱۰) نو شته اند. (۱۱)

---

(1) Praushthpada
(2) Vadhitira
(3) S.K. 2/22
(4) S.K. 2/123
(5) S.K. 2/119
(6) Asvayauj
(7) Sravakapotaka
(8) Uddiliaka
(9) S.K. 2/114
(10) **Sapha**
(11) S.K. 2/114

د: کتیبهٔ بنیاد یك ستون : «یك‌منار ارمغان بودا ورمه » (۱)
ه : نوشته بریك چراغ سنگـی که‌در حفریات ۱۹۲۱ م کشف شده وفقط «درستو په ایهه» (۲) بر آن‌خوانده میشود .(۳)
و: سنگ نو شتهٔ مکشوف ۱۹۱۲م که‌برآن نوشته اند: ارمغان بـود هاره کشیته(٤)»(٥)

١٤ـ سنگ نوشته قلعه‌سنگ:

دامنه کوه مهابن مربوط خود وخیل مرز قبیله یوسفزایی که د ر موزهٔ لا هور است (نمبر ۱، ۵۹)مضمون آن : «درسنه ۱۰۰ متابعا ن پی‌په له کهه (٦)چاهی ساختنـد .خوانش عدد صد مشکو کسـت و سال صدم = ١٦ـ١٧م است (۷)

١٥ـ سنگ نوشته کالدره :

نزدیك درگئی جنو ب‌کوتل ملـه کند درسوات که اکنون درموز ه لاهور است۲۷ × ۹ انـچ . تاریخ‌این کتیبه ۲۰ ماه شراونه (۸)سال ۱۱۳ = ۵ جولایی ۲۹م است .
مضمون آن :«این حوض ازطرف‌تهایدوره پسر داتیـا (۹) برای استفاده تمام مخلوقات درسا ل۱۱۳بیستم ماه شر وانه ساخته‌شد. »
قراریکه تحقیق کرده اند نـا موقف کنندهٔ این حوض تهاید و ر ه یکصورت مصحف تهیودوروس(۱۰)یونانیست که‌بریك کتیبهٔ ظـر ف سوات میرید رخ تهیو دوره(۱۱)آمده ، وشاید این تهاید وره کالدره ازاخلاف میرید رخ باشد. (۱۲)

١٦ـ کتیبه هفت حر فی‌کانیزه:

دهیری واقع عمر زیی چار سده پشاور (پشاور موزیم)(۱۳)

١٧ـ کتیبه بنای حو ضی د رگرنال هفت میلی جمنا :

(موزه لاهور) ازطر ف کر یسه‌گوی (١٤)

---

(1) Buddhauarma
(2) Aida
(3) S.K. 2/116
(4) Buddharakshita
(5) S.K. 2/116
(6) Pipalakha
(7) S.K.2/52
(8) Saravana
(9) Datiaputra-Thaidora
(10) Theodoros
(11) Meridarkh Theudora
(12) S.K. 2/65
(13) S.K. 2,172
(14) S.K. 2,179 Krisakavi

۱۸ـ کتیبهٔ کومره‌هار(۱)پتنه:

(هند) مکشوف ۱۹۱٤ که آنـرادورترین کتیبه خروشتهی بیرو ن از منطقه نفـوذ ایـن رسـم الخطشمرده اند «کـارسنـگـه د ا مه کوتهومه » (۲)

۱۹ـ کتیبهٔ صندو قچهٔ کورم:

وادی کورم درجنوب سپین غـربرخط مرز ی شرقی افغانستان‌واقع وچون گذرگاه فاتحان وکاروانها ی‌هندبطرف زابل و کـابل بـو د ، همواره در تا ریخ اهمیتـی بسـزاداشت ، واین صندو قچهٔ مسـی دارای شکل ستو پاست که ٤سطرکتیبه بردورادور خـو د دارد، و یکی‌از نوشته‌های مفصل خرو شتهی‌است بدین مضمون :

«درسال ۲۰ وبیستم ماه اوه‌دونه‌که (۳) شویده ورمه پسریاشه (٤) بنای یادگار حضرت سا کیا مو نی‌را درین باغ خودش در نیو ویهاره، به موافقت معلمان سر واستیوا ده(۵) دریك ستوپه برای ثواب تمام مخلو قات نهاد. آنحضر ت گفتـه‌بود: درد‌وام‌جهل به‌آیین،درپندا شت آیین اساسی (٦) (تصور مـادیات)درادراك نام وپیکر درنام وپیکرشش وسیله (۷) درتماس ایـن ششـ‌وسیله (بامحسو سات) در عـلا قه بااحساس ـ درتشنگی ا حسا س(اشتها بمادیات) ـ درتشنگی‌ولع‌ـ درحرص‌حیات‌درزایمان زند گانی ـدرپیری ـ مـر گ ـ مصیـبت ـ پراگندگی ـدردـ افسردگی‌ونومیدی.چنین است‌اصل‌مجموعهٔ‌رنج‌برای‌تمام موجودات.

واین پره تیت یا سه موت پاده(۸) ازطرف ماهی فه تیه (۹) بـه تعظیم همه مخلوقات نوشته شد .»درین کتیبه ماه اوه دونه که ،عبارت ازماه یونانی اودو نایوس (۱۰)است‌که‌مطابق‌باشد با۲جنوری ۱٤۸م(۱۱)

---

(1) Kumrahar (2) Sanghadasa Kauthuma. S.K. 2,178
(3) Avadunaka (4) Svedauarma-yasa Putra
(5) Sarvastivada (6) Sanskaras
(۷) مراد پنج حس و عقل‌است.
(8) Pratityasamutpada. (9) Mahi Phatia
(10) Audunaios (9) S.K. 2,152

۲۰ـ نوشته بر هانه یك مجسمۀبودا در موزۀ لاهور«هدیۀ بو سه ورمن »(۱)

۲۱ـ نوشته بریك تختۀموز یـم لاهور (..... سنسکـاره (۲))

۲۲ـ پنج سنگ نوشتۀ لو ریان تنگی سوات سفلی نزدیك قریۀپیلا نه که درسنه ۱۸۹۶م کشف ودر موزۀکلکته محفوظ اند:

نوشتۀ یك سنگ : درسال۳۱۸بیست وهفتم پروشتهه پده(۳)تحـفۀ بودها گوشه (٤) پیر وسنگهاورمه(٥)(مطابق ۲۷ اگست۲۷٥م) (٦)

نوشته دیگر : تحفۀ بودها ور مه(۷) درستوپۀ کهنده ونه (۸)

نوشته دیگر : تحفۀبود هامیترا(۹) پیر وبودهار کشیته (۱۰)

نوشته دیگر : تحفۀ اکشه ییکه(۱۱) پیر وشرمنه نه سد هرمه ره ته (۱۲)

نوشتۀ د یگر : تحفۀ سینهـــامیتره (۱۳) پیرو سی هی لیکه(۱٤)

۲۳ـ کتیبۀمایره (۱٥) نام یـك قریه در کو هپایه نمك ضلع جیلم (پنجاب) در صد میلی جـنـو ب تکسیلا سال ٥۸ = ۲۷ ق، م(۱٦)

۲٤ـ کتیبۀ ممانی ډهیری (۱۷)درچار سدۀ شمال شرقـی پشاو ر که درهمان پشکلا وتی تاریخی واقع است (نمبر ٥۱ موزۀ پشاور)تاریخ این کتیبه ٥ماه مارگه شیراس(۱۸)سال ۸٥ = اول نـومـبر ۲۱٦ م است که بریك مجسمۀ بو دا چنیـن نوشته اند:

«درسال ۸٥ پنجم ماه مار گـــهشیراس این تحفۀ دینی از طـر ف شرمه نه دهرمه پری یه (۱۹)باعزاز... وآموزگار اوبودهه پری یه (۲۰) وبرای صحت بخشی مریدان او . »(۲۱)

۲٥ـمانی کیاله (۲۲) مجموعـــۀخرابه های قدیم بین حسن ابدا ل

---

(1) S.K. 2/115 - Bosavarman (2) S.K. 2/131 Sanskara

(3) Praushthapada (4) Buddha Ghosha (5) Sangha Varma

(6) S.K. 2/107 (7) Buddha Varma (8) S.K. 2/108 Khandavana

(9) Buddha Mitra (10) S.K. 2/109 Buddha Rakshita

(11) Akshayika (12) S.K. 2/110. 'Sramana-Saddh armarata

(13) Sinha Mitra (14) S.K. 2/110. Sihilika (15) Maira

(16) S.K. 2/11 (17) Mamane Dheri (18) Margasiras

(19) Sramana Dharmapriya (20) Buddha Priya (21) S.K. 2/172
(22) Mani Kiala

وجیلم در۳۳ درجه و۲۷ د قیـــقه‌شمالی و۷۳ درجه و۱۷ دقیقه‌شرقی واقعست ودرینجا کتیبه هـــا ی‌ذیل کشف شده :

الف: ظرف حفظ خاکستر (بطوز گلدان) که‌بیرونی آن مسی بود ، ودران ظرف نقره جای داشت ودزداخل آن ظرف طلایی خا کستربود، وبریك سنگ چنین نوشته دارد ،که هفت سطر دربین ودو سطـــر بدست راست وسه سطر بد ست‌چپ آنست مور خ سال ۱۸ بیستم کارتیکه = ۹ اکتوبر۱٤٥م.

«درسال ۱۸ ر وز بیستم مـــاه‌کارتیکه (۱) در عصـــر شا هـــی مهاراجه کنیشکه جنرال لله (۲) ازنژاد کوشانه و آمر اوقاف کشتره‌په ویشپاسی (۳) وقف کننده درویهاره‌خودش ، که‌یادگار های متعـــد د حضرت بودا را باسه نفر ذ یـــل‌می‌سازد : ویشپاسیه وخوده‌چه(٤) وبـــوریتـــه (٥) معمار و یهـــاره‌وتمام جمعیت را هبان . ثواب ایـــن بنای خیر با بودا ها وشراو کـــه‌ها(٦)به‌برادرم سوره بـــودهـــی (۷) وبوریته معمار ترمیم کننده رسید ه‌باد. »(۸)

---

(1) Karttika (2) Lala

(۳) Kshatrapa-Vespasi ویشپاسی نام کشتـــراپ وحکمران است .

(٤) Khudacha این‌کلمه درکتیبهٔ موزهٔ پشاور سال ۱٦۸م خوده چیه است که‌شاید نام‌جایی‌باشد، وهم این‌کلمه‌را اصل قدیم خواجه میتـــوا ن پنداشت که‌درپهلوی خواتای چـــك‌بود تصغیر خواتای = خدای‌وکو ه خواجه درسیستان نزد زردشتیـــان‌مقدس‌است وخواجه در فارسی بـــه معنی رئیس ومعظم وحاکم وکد خدابودکه معرب آن خواجاست (حواشی برهان ۷۷۹) درکتیبه بغلان کلمـــه‌خوادی Xoade دوبار آمده که‌آنرا معادل Outokrator وخدیو دانسته اند ودرانجا بمعنـــی بادشاه وامپراتور است ، وخودوه‌یه‌که Khuduwayaka نام‌یکی از کابلشاهـــان بـــو د(مادر زبان دری ۸٦ ر ۱۳٥) پـــس خوادی (بغلان)خوده‌چیه(خروشتهی)خو تای چك (پهلوی) خـــو ا جـــه (مستعمل کنونی) بایدباهم ربطـــی‌داشته باشند.

(5) Burita
(6) Sravakas
(7) Svarabuddhi
(8) S.K. 2/150

درمانی کیاله کتیبه های مختصردیگری هم بدست آمده، که از آنجمله برمیزك سیمین «تحفه گومنه (۱) معمار » وبریك جعبه مفرغی موزهٔ برتانیه «تحفه کاپیشا (۲) کشتر په پسر گره نه‌و هر یه که » (۳) نوشته شده‌است .(٤)

۲٦ــ کتیبهٔ تختهٔ‌سنگی‌مانسیهره‌واقع شمال ایبت آباد، که‌در انجا کتیبه فرامین اشو کا هم‌بر کوه‌بچه یی‌موجوداست . این تخته سنگ دوپار چه دارد وبموزه کلکته‌در ۱۸۹۸ م انتقال یافته که‌در سال ٦۸ = ۱۷ــ۱٦ق.م نوشته‌اند، و ده‌سطر است . چون آسیب زیاد دیده مضمون آن مبهم است : «درسا ل‌٦۸... قوت شاهی (؟)بحکم فرمان.. برای هشت سال لغو گردید .....» (٥)

۲۷ــ کتیبهٔ مار گوس(٦) واقــع‌سوابی دومیلی دریای سند درسا ل ۱۱۷(؟) = حدود ۳۳ یا ۲۳ق،م‌دربارهٔ تاریخ یك‌چاه . (۷)

۲۸ــ کتیبه بر شکل یك فیــل‌کنده برسنگ ، درموزه متو را ی هند که‌بران نوشته اند « یــا دگاراستخوان گردن آنحضرت »(۸)

۲۹ــ نوشته های ستون سرشیردار متو راکه (۱٦)سطر درپارچه ـ های متعدددارد‌وبسط خط خروشتهی‌راتا اواسط هند میرساند (۹) این کتیبه درتاریــخ هند وساکه هــاخیلی مهم است زیرا آنرا بامر ملکه بزرگ ایاسیه که‌مو یی (۱۰) بنت‌یووه راجه خره وسته (۱۱) همسر مهاکشتر په‌رجوله (۱۲) ومادرنده دیاکه (۱۳) نوشته اند . و را جع به‌وقف معبد و تصد یق مو قعیت‌های رسمی رجال وافرادخاندانهای مقتدران عصر است واین رجو لــه‌رایکی ازحکمرانان ساکه در اوا یل قرن اول میلادی دانسته اند .(۱٤)

---

(1) Gomana

(2) Ka'pisa'

(3) G (R) Ana Vhrayaka

(4) S.K. 2/151

(5) S.K. 2/20

(6) Margus

(7) S.K. 2/66

(8) S.K. 2/50

(9) S.K. 2/48

(10) Ayasiakamuie

(11) Yuva Raja Kharaosta

(12) Rajula

(13) Nada Diaka

(14) S.K. 2/34

۳۰ـ کتیبه چند حرفی میر زیارت‌درشهر ناپرسان اشنغر شمال‌شرقی پشاور وکتیبه موزه لا هور ازهمین‌شهر ناپرسان برپایه یك بود هی ستوادر دو سطر راجـع به و قـف‌برای سلامتی بودهه ورمه (۱)

۳۱ـ کتیبه تخته سنگ مـو زه‌لاهـور کـه ازکوه بنج (۲)سلسله مهابن مجاری د ریای سند علیـــابدست آمده وبسال۱۰۲ = ۱۸ـ۱۹م تاریــخ ساختن یك چاه‌است (۳)

۳۱ـ کتیبه تخته سنگ مــو زۀلاهور که‌از موچای‌اراضی یوسفزایی شرقی پشاور بدست آمده ودرسال۸۱ = ٤ـ۳ ق،م درساختن چـا هـی از طرف تبعۀ وشي شوگــه (٤)نوشته شده است . (۵)

۳۳ـ کتیبۀ سنگی نــاو گـــرام‌واقع خود وخیل شمال شرقی‌دریای سند علیا در موزه لاهور در بـــاره‌یك وقفیه دریك سطر .

۳٤ـ کتیبۀ ۳ کلمه مکشوف ا زنو شهرۀ شرقی پشاور بریك پایۀ مجسمه که دران کلمه کریده (٦)به معنــی سا ختــه و بنــا آمد ه است. (۷)

۳۵ـ کتیبۀ دوسطری سنگی که‌از پاجا بین جمالگرهی وتخت باهی شمال شرقی پشاور بدست آ مــده‌ودر موزه لاهور است . وتاریـــخ آن‌سال ۱۱۱ روز پانزدهم‌شراونــه‌مساویست بـا ۲۳ جـون ۲۷ م و مضمون آن چنین است: درســا ل۱۱۱ روز پانزد هم ماه شراونه (۸) این چاه ازطرف سنگه میثـره (۹)پسر آننده (۱۰) به‌تعـظیـم مادر و پدرش برای فایده وخوشی تــما م‌مخلوقات ساخته شد (۱۱)

۳٦ـ سه‌سطر نوشته بر پار چه‌های ظروف مــوزۀ پشاور کــه ا ز پاتود هیری پشاور بدست آمد وهمه راجــع به‌وقف و ایصال ثواب آن به‌اشخاص است . (۱۲)

۷ـ کتیبۀ سالم پور پنجتار: دردامنــه ها ی مهابــن که در ۷۳درجه و۳۱ دقیقه شرقی و ۳٤ درجه و۱٤دقیقه شمالی واقع است . نوشتــه

---

(1) S.K. 2/124
(2) Banj
(3) S.K. 2/57
(4) Vashi suga
(5) S.K. 2/30
(6) Karide
(7) S.K. 2/134
(8) Sravana
(9) Sanghamitra
(10) Ananda
(11) S.K. 2/65
(12) S.K. 2/122

سنگی سال ۱۲۲ـ اول ماه سرا ونه = ۷ جون ۳۸ م عهد سا که بمضمون ذیل بدست آمده .

«درسال ۱۲۲ اول ماه شراونه درعهد کوشانه مهاراجه سر ز مین شرقی کسوه (۱) ازطرف مویکه (۲) خلف اورو موجه (۳) منطقه فرخنده گردید . ودرانجا دو با غاز طرف من وقف شد. بااین اقدام قابل تمجید ... منبع جا ویدا نخیر . (٤)

۳۸ـ بریك پارچهٔ عقیق که درپاریس است باتصو یر یك شخص ایستاده دارای دستار و لبا س برزو وپیراهن درشت کلمهٔ پونیه‌متَه (۵) نوشته شده است و آنرا ازعهد یونانیان باختر دا نسته اند (٦)

۳۹ـ کتیبهٔ سنگی پاتهیا ر واقع یك میلی کانگرا (پنجاب) در د و سطر که خا ر ج از منطقهٔ نفوذخروشتهی است وبران نوشته اند : تالاب راتهی تره (۷)

٤۰ـ کتیبهٔ برتخته سنگی که ازخود وخیل غربی مهابن در دوسطر بدست آمده : «متولی ویهاره ...این ستوپه را ساخت . » (۸)

٤۱ـ کتیبهٔ سنگ کو چك موزهٔ پشاور در یك سطر از عهد قدیم ساکه : کهره ویـد (سا ختـهٔ)مایتر یه »(۹)

٤۲ ـ کتیبهٔ دوسطری پشاو زموزیم ازعهد قدیم ساکه ، که از خود وخیل غـر بی مها بن یافته‌شده :

«بنای یاد گار بهگه وت (۱۰)...وقف » (۱۱)

٤۳ـ کتیبهٔ بریك سنگ بنـا درپشاور موزیم نمبر ۵ که چند حر ف دارد از عهد قدیم ساکه (۱۲)

٤٤ـ کتیبهٔ سنگ کو چك موزه‌پشارو نمبر ۷ دارای چند حر ف ازعهد قدیم ساکه . (۱۳)

٤۵ـ کتیبهٔ بریك هیکل حجا ری‌شده دو پهلوان درموزهٔ پشاور که

---

(1) Kasua
(2) Moika
(3) Urumuja
(4) S.K. 2/70
(5) Punyamata
(6) S.K. 2/7
(7) Rathitara. S.K. 2/178
(8) S.K. 2/12
(9) S.K. 2/133 Karavide maitreya
(10) Bhagavat
(11) S.K. 2/128
(12) S.K. 2/133
(13) S.K. 2/133

پران فقط نام میناندره (۱) نوشته‌که‌شکل خروشتهی نام یونا نـــی میناندروس (۲) باشـــد. از عهـــدقدیم ساکه . (۳)

۴۶ــ بریك پایهٔ مجسمه سنگی‌که‌در کلب افسران پشاور بـــو د دریك سطر مربوط به عهد قـــد یم‌ساکه نوشته شده : وقف دیپانکه ره (۴) ساختهٔ تاکهتیدره (۵)

۴۷ ــ کتیبهٔ سنگی موزه پشاورنمبر ۲۰ (عهد قدیم ساکه) کـه تاریخ خروشتهی آن‌مساویست‌با ۲۴اپریل ۸۴م .«درسال ۱۶۸ پانزدهم مـاه جـیای شتـهه (۶) ایـن چاه‌بطور وقف بهمت تره‌وه‌شه‌کوره(۷) مربوط خـوده چه ویهاره کـــند ه‌شد. (۷)

درینجا کلمهٔ خوده چه بامقایسه‌کتیبه مانی کیاله در خور تـو جه است .

۴۸ــ کتیبه‌نمبر۲۱ موزهٔ پشـاو ربرسنگی (۱۶ × ۹ × ۶ انچ) کـــه درسنه ۱۹۱۶ م ازطرف اورل‌ستین‌به‌موزه داده شده وبه‌عهد کوشانیان متعلـق است . درین کتیبه نـــام‌مهاراجه وتاریـخ آن ساییده شـــده وخوانده نمیشود ودربارهٔ کنـــد ن‌چاهی است ازطرف برهمن واسوـ دیوه (۹) پسراینددره‌دیوه (۱۰)ساکن‌اوبهاره (۱۱)

۴۹ــ کتیبه نمـبر ۳۴۷ مـوز ۀپشاور بریك هیکل حجاری شـــده بودهی ستوه نشسته که تختـــــه‌نوشتن در دامن دارد وبران چنیـن نوشته‌اند : «درگیتی که نوشتنیـی‌های خدایان ومرد مان‌آنجاست ».

این کتیبه به‌عهدقدیم‌ساکه‌متعلق‌است (۱۲)

۵۰ــ کتیبه راول نزدیك متهوره‌برکنار شرقی جمناکه در مـــوز ه متهوره موجود است دارای چهـارسطر متعلـق به‌عصر کوشا نیـان سال ۴۱ = ۱۶۸ م (۱۳)

۵۱ــ کتیبهٔ سد و واقع کنـــارِشرقی دریای پنجکوره در غـر ب کوتل کتگله (۱۴) برراه سوات‌بریك‌خرسنگ کوهی در چهار سطـر که خوانش آن کاملا صورت نگـــرفته‌است (۱۵)

---

(1) Minandra
(2) Menandros
(3) S.K. 2/134
(4) Dipankara
(5) Takhtidra
(6) Jyaishtha
(7) Travasakura
(8) S.K. 2/79
(9) Brahman-Vasudeva
(10) Indra Deva
(11) S.K. 2/157 Obhara
(12) S.K. 2/129
(13) S.K. 2/129
(14) Katgala
(15) S.K. 2/9

٥٢ـ چند پارچه ظروف گلی شهر بهلول(۱) شمال شرقی پشاور که دارای حروف وکلمات خروشتهی است ولی به تحقیق خو انده نشده متعلق به عصر قدیم ساکه(۲)

٥٣ـ کتیبهٔ شاه داور (۳)، وا قع وادی اگرور ضلع هزاره، ۳٤ درجه ۳۰ دقیقه شمالی و۷۳ در جه ٤ دقیقه شرقی، بریك خر سنگ کوهی . متعلق عصر قدیم سا که وسال ٦۰ = ۲٥ـ۲٤ ق،م :

«از راجن دامیجه ده (٤) در سال ٦۰ ساکه ، بابهادو (٥) وپدراوو له وردهه (٦) برای ثواب پسرش میتره ورد هنه (۷) ... بر همن . و مادر و برادرش .(۸)

٥٤ درشاه داور کتیبه د یگر بسیار آسیب دیده هم در ٥ سطر موجوداست متعلق به عصر قد یم ساکه درعصر ازیس (۹) در بارهٔ وقف یك شخص متمول مشهور شیوه رکس کیته (۱۰) نوشته شده واملای نام ازیس درخرو شتهی ایاسه (۱۱) است وبدو خط یونانی وخرو شتهی مسکو کات سیمیناوهم یافته اند . که زمان این کتیبه بین ۸۰ـ۱۰۲ ساکه باشد .(حدود٦٤م) (۱۲) .

٥٥ـ کتیبه های صندو قچهٔ کنشکا : درشاهجی دهیری بیرو ن دروازهٔ گنج شهر پشاور . د ر سنه ۱۹۰۹م د رجای ستو پهٔ بزرگ کنشکا که زایران چینی ذکر کرده اند ، بقایای یك ستو په بزرگ ازخاك براورده شده ، که دربین آن جعبهٔ منقش مسی به بلندی ٤ـانچ وقطر ٥ انچ باسر پو ش محکمی موجود بود، و هیکل های بودای نشسته هم دارد ، وهیکل کنشکا بین ار با ب انواع مهر وماه واقع است وبرسر پو ش جعبه اشکال بودا ـ برهما ـ ایندره (۱۳) دیده میشود ، ودربین این جعبه برخی ازیاد گار های بو دا محفوظ بود، که آنرا لارد کرزن (۱٤) وایسرای دهم هند به بودا ئیان بر ما داد ، تا آنرا درمعبد (مند لا ی) (۱٥)

---

(1) Shahr-i-Bahlol
(2) S.K. 2/122
(3) Shahdaur
(4) Rajan Damijada
(5) Bhadu
(6) Valavardha
(7) Mitravardhana
(8) S.K. 2/16
(9) Azes
(10) Sivarakskita
(11) Ayaṣa
(12) S.K. 2/17
(13) Buddha-Brahma-indra
(14) Lord Curzon
(15) Mandlay

گذاشتند . (۱)

تعیین سال اول ا یـن کتیبـــه(مطابق ۱۲۸ م) مشکو کست ودر
ذکر نام کنیشکا نیز مرادکنیشکای‌اول نباشد، بلکه کنیشکای د و م
مذکور در کتیبه آرا خواهد بـود،که مور خ است بسال ٤۱ (۱٦۹م)
وبالاخر تاریخ این کتیبه وجعبه را بین سنه ۷۸ـ۳۲٥ م تعیین کرده
اند، ورروزن فیلد باجان مارشل هم‌عقیده است که همان حـدود سال
٤۱ باشد (۲). درین کتیبه نام‌اگی‌شـله (۳) راهم ما خوذ از اگـــی
سیلوس (٤) یونانی پنـداشته واورایك هنرمند یونانی گفته بودند ،
ولی بعد از ستین کونو این عقیدهٔ‌ازطرف (بورو) (٥) ردگردیدو گفت
که‌این نام بااگی سالا(٦) زبـــا ن‌پالی شبیه است که در خرو شتهی
وبرهمی هم آمده است. بوروایـــن‌کلمه را لقب ماموری شمرده است
که‌بکار تعمیر ویهاره مامور بـــودوبنابرین این بنا وجعبه تقد یمـــی
کدام امپراتوری نیست ، بلکه مانندسایر کتیبه های متهوره تنها بـــه
عصر شهزادگان کوشانی ر بـــطدارد (۷) .

ترجمهٔ مضمون کتیبه : درسا ل‌اول (؟) کنیشکادر شهر اما ...
این وقف دینی باقصر ... ضمیمه‌شد. دران خـیر وسعـادت همـــه
مخلوقات باد ! معمار آنَ بنده اگی‌شله در ویهاره کنیشکادر سنگارامهٔ
مها سینه (۸) بموافقت معلم سره‌واستیوادین . (۹)

همچنین درین تپهٔ شاهی متصلِ‌پشاور پارچه های خشتی زیـا دی
بدست آمده ، که‌بـران کلـما ت وحروف خروشتهی منقوش ودر موزهٔ
پشاور محفوظند .

٥٦ـ کتیبه شکردرهٔ کیمبل پورماورای اتك ، در موزهٔ لا هـــو ر
متعلق به عهد کنیشـــکا ، دارا ی‌چهار سطر نوشته ویك شکل خرو
يك گلدانَ که تاریـخ خرو شتهـی‌آن مطابق است با ۲۷ جـــو لا ی
۱٦۸ م .

---

(۱)پشاور ،تالیفَ جعفر ۲۲

(۲) آرت خاندان کوشان ۲٦۰

(3) Agisala

(4) Agesilaos

(5) Burow

(6) Aggisala

(۷) آرت کوشان ۲٥۹

(8) Mahasena's Sangharama

(9) S.K. 2/137

«درسال ٤٠ روز۲۰ماه‌پراوشتهه‌پده این چاه در معبــر شا لا (۱) بطور تحفهٔ اصحاب درو نی په‌دره(۲) »

۵۷ ـ کتیبه مهر مسی یــکی ا زکشترپه های دورهٔ قدیم سا‌که د ر وادی هزاره تا چیناب بنام شیــوه‌سینه کشتر په شهر ابهی سا ره پرسته (۳)

۵۸ـ کتیبه سکاره ڈهیری (تپهٔزغال) درهشت میلی شمال چا رـ سده پشاور بریــك مجسمه مــوزهٔلاهور مور خ۱۰ می ۳۱۵م : در دو سطر « درسال چارصدم یك کـــم(۳۹۹) روز ۲۲ ماه آشاد ه (٤). درجنت(روزدهم) او(زن)باد ! مــن نگهداری اطفال رامیخواهم . »(۵)

ستین کونو عقیده دارد که اصل این کتیبه یك نوع منظومه (٦) است که هر مصراع آن ٦ + ٤ + ۳سلاببــل دارد ، و بــنا بر یــن در تاریــخ اوزان عرو ضــی ا همیتــی‌خواهد داشت .

۵۹ـ کتیبه سوی ویهــار (۷)در۱٦میلی شمال غرب بهــاو لپــو ر بریك تختهٔ مسی دارای چهـــا رونیم سطر که تا ریــخ خرو شتهــی آن مقارنست با۷ جون ۱۳۹م: «درزمان شاهی مهاراجه دیوه پــتر ه کنشکا در سال ۱۱ روز ۱۸ مــاه‌دایسیوس (۸) هنگامیکه را هــب ناگه‌دته (۹) مبلغ دستورو مــر یدمبلغ دمترا ته (۱۰) مرید مریدا ن مبلغ بهاوه (۱۱) درینجا درد منــه(۱۲) سکونت نمود، پس متو لــی ویهاره زاهد بلا ننده (۱۳)ومادرش‌کدبانو بله جیا (۱٤) علاوه بربنای این مسکن دیوار دورا دور آنــراهم‌بعداً ساخت. برای همه مخلوقــا ت وسیلهٔ خیر وخوشی باد! (۱۵)

٦۰ـ کتیبهٔ ظرف خاك رو غنــی که‌ازسوات بدست آمده وبه یکـــی

---

(1) **Sala**
(2) S.K. 2/160. Dronipadra
(3) Sivasena, the Kshatrapa of Abhisaraparastha. S.K. 2/103
(4) Ashadha
(5) S.K. 2/127
(6) Doha
(7) Sui-Vihar
(8) Daisios
(9) Magadatta
(10) Damatrata
(11) Bhava
(12) Damana
(13) Balanandi
(14) Balajaya
(15) S.K. 2/141

از حکمرانان یونـانی منسوب وترجمه کتیبهٔ دوّرادور ظرف چنیـن است: «ازتهیو دو روس میریدر خ(۱) این یادگـار هـای حـضرت ساکیا مونی بمقصد محافظت همـهٔمردمان بناشد . »(۲)

کلمه میرید ر خ درین کتیبـهٔیك لقب یونانی میرید رکوس (۳) دوره یونانیان ورومن است کهمعنیآن حکمران یك ناحیه است واو در کابل یاارا کوز یا یاگندهارا ماموریتداشته است . (٤)

٦١ ـ کتیبهٔ تجهٔ ضلعپشاور کهشرح وتصویـر آن بـدست نیامده (۵).

٦٢ـ کتیبه های تخت بـاهـی کهدارای آثار یك شهر بـزرگ قدیم است و یـك کتـیبه ازانجـابدست آمده دارای ٦ سطر وتاریخ خروشتهی آن مطابق است بـا ۱۰مارچ ۱۹م : «درسال ۲٦ شا هـی مهاراجه گود وهره (٦) سال ۱۰۳روز اول ماه ویشا کهه (۷) ایـن معبد وقف دینی بله سه مـی (۸)منجی وپسر ودختر اوست بهتعظیم میره (۹) منجی وشهزا ده کپـهٔ(۱۰) بهتعظیم مادر و پدر .»(۱۱)

کتیبه دیگر تخت باهی در موزهٔپشاور است کهبران (تحفهٔ هو ره شده » (۱۲) نوشته شـده و نیـزیك پارچه ظرف سیاه از تخت‌باهی درموزه پشاور افتاده که چندکلمـهٔخروشتهی دارد (۱۳)

٦٣ـ کتیبه های خرو شتهـیتکسیلا:

این شهر تـاریخی به آ ثـارمکشوفه وبقایای یك شهر عظیـم شهرت دارد ومرکز بزرگ‌فر هنگ‌ومدنیت دور های متعدد مو ریـاـ یونانیان باختر ـ وکوشانیان تـاحلول اسلام بـود. ازیـن جـا در حفریات این شهر کتیبـه هـای‌متعدد کو چك وبزرگ برا مـده است :

۱ـ کتیبه دوسطری و قفیه دهرمداسه (١٤) بریك چراغ. (۱۵)

۲ـ کتیبه یك پارچه پشمی دریك‌سطر کهبه تعظیـم اقـارب و هـم خونان و متعلقین شخصی نـو شته‌شده . (۱٦)

---

(1) Theodoros Meridarkh
(2) S.K. 2/4
(3) Meridarkus
(4) S.K. 2/2
(5) S.K. 2/173
(6) Guduvhara
(7) Vaisakha
(8) Balasami
(9) Mira
(10) Kapa
(11) S.K. 2/62
(12) Horashada
(13) S.K. 2/63
(14) Dharmadasa
(15) S.K. 2/90
(16) S.K. 2/91

۳ـ کتیبهٔ یك پارچه سنگ دریك سطر: «میترا(۱)زوجهٔ ایندره‌سینه(۲)
٤ـ کتیبهٔ یك پا رچه پشمـــی دریك سطر: اززوجه‌ایندره‌سینه .
٥ـ یك یك حــر ف بر یــك یك پارچه .
٦ـ کتیبهٔ تخته زرین تکسیــلا که‌ازسرکپ پیداشده ، درسه سطــر متعلق به‌دوره ساکه تاکوشانــیان ،که آنرا یك منظومه دارای ۷+ ٦ سلایبل شمرده اند: «شیرا(۳) یك یاد گار آنحضرت رابرای شادمانی مادر وپدر خود وقف کرد »(٤) .
۷ـ کتیبه بریك ظرف گلی‌موزهٔ پشاور که از تکسیلا برامده :«این ستوپه ازطرف سی‌هاره کشیته(٥) برادران ، به‌تعظیم بو دا هـــا در تکشه شیلا بنانهاده شد. (٦)
۸ـ کتیبه های متعددی ازبقایای‌معبد جاولیا (۷) تکسیلا بر آ مـده واین معبد از قرن سوم تا پنجم‌آبادبود. عدد این کتیــبه هـــا ی کوچك که‌نامهای وقف کنندگـــان‌یادگار ها وتحفه هـــا ی‌بو دا یی بران نوشته شده به (١٤) پار چه‌میرسد مربوط به عصر قــد یــم ساکه (۸)
۹ـ کتیبه های کو چك بر چیــزهای مختلف کـــه ازسر کـــپ (۹) تکسیلا بدست آمده ومربوط بـــه‌عصر قدیم ساکه است عددآن بـــه ۲۱ میرسد ، که از آنجمله بریکی‌هـمان نـام تــهـیو د وروس بـن تهواره (۱۰) نوشته ، که این نا م‌یو نانی در کتیبه سوات وکالدره هم آمده است وبرچند کتیبه د یگــــر کلمات ستاتیر (۱۱) ودرخم (۱۲) دیده میشود، که رواج این کلمات‌یو نانی رادر نقود میرساند . تما م این کتیبه هانیز دربارهٔ موقو فا ت‌اشخاص است (۱۳)
۱۰ـ ازخرابه های ستوپه قد یم‌قریه شاه پور تکسیلا یك قـــا ب مسی برامده که‌دران نام همــــا نمیرید رخ کتیبه سوات آمده‌است : «این ستوپه ازطرف مــیریــد رخ وهمسر اوبه تعظیم مادر و پــد رش برای تقدیم تحیات احترا مکا را نه‌بناشد » ازروی نام میرید رخ ایــن کتیبه مربوط عصر یونانیان با خترخواهد بود. (١٤)

---

(1) Mitra Wife of Indrasena
(2) S.K. 2/91
(3) Sira
(4) S.K. 2/86
(5) Siharakshita
(6) S.K. 2/87
(7) Jaulia
(8) S.K. 2/92
(9) Sirkap
(10) Thavara
(11) Stater
(12) Drakhm
(13) S.K. 2/97
(14) S.K. 2/5

١١ـ کتیبهٔ آبگردان مسی تکسیلاتحفهٔایشوه ره که (١) ازعصرقدیم ساکه (٢)

١٢ـ کتیبه قاب‌مسی که ازخرابه‌های تکسیلا یافته‌شده وبحـرو ف خروشتهی طرز عهد ساکه است وتاریخ خروشتهی آن مطابق با شد باماه جون سال ٦ق،م وشاه موگـه‌را درین کتیبه همان (مـویس)(٣) دانسته اند. که‌یکی ازشاهان ساکه‌حدود ٧٠ ق،م باشد . (٤)

«درسال ٧٨ درعصر مهاراجه‌موگه(٥) شاه بـــزرگ ، روز پنـجـم ماه پانیموس (٦) کشتره‌په‌چوکهسه(چچ)(٧) که‌نام‌اولیاکه‌کوسولوکه(٨) است وهم پسرش پتیکه (٩)درشهرتکـشه شیـلا (١٠) د ر شمـا ل ناحیت شرقی بنام کشیمی (١١)درینجاپتیکه بنای ابتدایی یادگا ر حضرت ساکیا مونی وسنگها را مه‌رابوسیلهٔ روهی نی میتره (١٢)ناظر این بنا نهاد. تادران تمام بو داهـاومادر وپدرش پرستش نمایند . و موجب برکت زندگانی وقوت کشترپه وفرزند وهمسرش باشد . وتمام برادران ومتعلقان اوپرستش نمایند.بحـکم رئیس بـزرگ اوقـــاف : پتیکه »(١٣)

١٣ـکتیبه طومار سیمین تکسیلاکه‌جون مارشل درسنه ١٩١٤ کشف کرده (موزهٔ تکسیـلا) وتاریـــخ‌خروشتهی آن مقارن با١٧ می ٥٢ م باشد :«درسال ١٣٦ روز١٥ مـــاه‌اشاده یادگار آنحضرت از طـر ف یوره سه که (١٤) یکی ازفرزندان‌اینته وهریا (١٥) باکتری ساکـــن شهر نوه چه (١٦) درمعبد بو دهـی‌ستوای خودش ، درمیدان دهر مـه راجیکای (١٧)تکشه شیلا بـــرای‌اعطای صحت به‌مهاراجه شاه‌شاهان پسر آسمان کهوشانه (١٨)و بـه‌تعظیم تمام بوداها و تعظیم پرت یی که‌بود ها (١٩)وتعظیم ارهت ها وتعظیم همه مخلوقات ومادر وپدر و دوستان ووزیران ومتعلقان ورشته‌داران وبرای اعطای صحت بخودش. این بذل واکرام ، رهنمای‌نروانه(مقام راحت ابدی) اوباد !» (٢٠)

---

(1) Ishvarakha
(2) S.K. 2/88
(3) Maues
(4) Cambridge H.I. 1-57
(5) Moga
(6) Panemos
(7) Chukhsa
(8) Liaka Kusuluka
(9) Patika
(10) Taksha Sila
(11) Ksheme
(12) Rohini Mitra
(13) S.K. 2/29
(14) Urasaka
(15) Intavhria
(16) Noacha
(17) Dharmarajika
(18) Khushana
(19) Pratyekabuddhas
(20) S.K. 2/77

درین کتیبه کلمه بههمه لینه(۱)ازطرف جون مارشل با (بالی کینه) یعنی بلخی سنسکریت مقا رنــــتداده شده، وماز کتاب بـر یهـت سمهیتا (۳) تالیف ورا هه میهیره(۱۰ر۷) هم میدانیم که بلخیان بـــا تکسیلاروابطی داشته اند (۵)

۱٤ـ کتیبه ظرف سیمین سرکپ تکسیلا کهبر گردن آن نـوشتـــه خروشتهی دارد و تاریخ (۱۹۱) آن بهعهد قدیم ساکه مربو طست کـه مطابق ۱۰۷ـ۱۰۸ م باشد « در سال ۱۹۱ عصرشاهی جی هونی که (٦) کشترپهٔ چو کهسه پسر مانی گوله(۷) برادر مهاراجه ».(۸)

ستهین کونو گوید از کتیبهٔ سال۱۸۷ خلتسی باین فکر میرسیم کـه این مهاراجه عبارت از و یمــه کـدفیسس باشد .(۹)

جی‌هونی که را بازیو نیسس(۱۰) تطبیق کردهاند که کشترپه چو کهسه (چچ) یعنـی مملکت تکسیلا بـود وبعدازان حکمرا ن مستقـل ا یـــن سرزمین گردید.

٦٤ـ کتیبهٔ تیر ته واقــع مـرزکوهستان سوات ، بریك خرسنگ کـوهی کهطرز خط آن قدیمتراست،ومشابهتی به نوشته هـای عصر اشوکا وساکه هادارد. درینجا زیرنشانه دوپای مقابل انگشتان دو پـا نوشته شده : « نشانهٔقدمهای بودهٔساکیامونی ».(۱۱)

٦٥ـکتیبهٔ توردهـیری وا قـــع تحصیل دوکی وادی تهل نور لا یی بلوچستان کهازینجا در حدود پنجاه پـــارچه ظرو ف گلـی با نـو شته های مدادی بدست آمده ، وازانجمله ۵ پارچه خط برا همی دارد و زبـان این کتیبه هابسیاربطرف سنسکریت متمایل شده است ، واشکال حروف آن هم تنوع دارد ومشابهت زیـــادآن باکتیبه وردگ بنظر میآید ،که تاریخ آن بعداز ۲۰۰م خـــو ا هـدبود. از ارتباط پارچه های متعــد د میتوان کتیبهٔ ذیل را بدست آورد :

«ازطرف شاهی یوله میره (۱۲)رئیس ویهاره ، ایندالان آب، د ر یوله میره شاهی ویهارهٔ خودش بهموافقت معلمان سر واستیوا دیـن، دیناً وقف گردید .

---

(1) Bahaliena
(2) Balhikena
(3) *Brihat Samhita*
(4) *Varaha Mihira*
(5) S.K. 2/74
(6) Jihonika
(7) Mani Gula
(8) S.K. 2/82
(9) S.K. 2/82
(10) Zeionises
(11) S.K. 2/9
(12) Shahi Yola Mira

واز ین وقف را ستین همواره‌ثواب آینده، نصیب مادر وپدر وهم
مخلوقات باد !

وزندگانی دراز نصیب ر ئیس‌دین باد !»(۱)

۶۶ـ کتیبهٔ هند واقع ۱۵ میلی‌بالای اتك برکنار غربی دریا ی
سند در ۳۴ درجه ۲دقیقه شما لی‌و۷۲ درجه ۲۷ دقیقه شر قی کـ
همان ویهند دورهٔ اسلامی با شدوپایتخت ثانی کابلشاهان بـو د
درسنه ۱۸۴۸ یك کتیبه سنگی ا.زآنجا بدست آمد، که‌به گاه شماری
عهد کنیشکا تعلق دارد دردوسطر .وتاریخ خروشتهی آن مطابق است‌ب
۲۶ فروری ۱۸۹ م .

«درسال ۶۱ روز هشتم مـا ه‌چایتره (۲) چاه سه ویرا ها(۳) در
پور واشاپه (۴) کنده‌شد. »(۵)

۶۷ـ کتیبه یاکوبی واقع‌سوا بی‌شرقی پشاور، بریك‌سنگ‌تصویردار
(موزه پشاور) کـه معجزه شـراوستی (۶)رامی نماید، وبوسیلهٔ او
بودا بررؤسای شش فرقه ر قیب‌خود غالب شده بود.

«تحفهٔ ... جوان مرد جینه (۷)بین آنانیکه درراستی مشوش شده
بودند، وازطرف رئیس قریهٔ هـده(۸) سیاست شدند . »(۹)

۶۸ـ کتیبه زیده نزدیك هنـددر ۳۴درجه۳دقیقه شمالی‌و۷۲درجه۲۲
دقیقه‌شرقی‌بریك‌پارچه‌خرسنگ‌مدخل‌این دیه، که اکنون درموزه لاهو ر
است وتاریخ خروشتهی آن مطا بق‌است با۱۹ جون ۱۳۹ م .« درسال
۱۱روز ۲۰ ماه اشاد هـ ـ دراتره‌فل‌گونه (۱۰)چاهی کنده‌شد درز مان
شاهی بادار مهاراجه کنیشکه . وعلاوه ازان یك آبدان هم از طر ف
هیپه دهیه (۱۱) وقف شد. برا ی‌برکت سروا ستی واده (۱۲) بـه
تعظیم کشتر په لیاکه (۱۳) برا ی‌نفع مادرش .

وقف شد به‌توجه مرشد سنگـه‌میتره راجه (۱۴)

۶۹ـکتیبه لداخ : قریه‌خلت سی(۱۵)۵۲ میلی لیه درلداخ واقعست
وکتیبه های متعدد براهمی‌ازان بـرامده که‌برخی‌خروشتهی اند،ومهم تر

(1) S.K. 2/176
(2) Chaitra
(3) Saviras
(4) Purvashadha
(5) S.K. 2/17
(6) Sravasti
(7) Jina
(8) Hida
(9) S.K. 2/133
(10) Uttaraphalguna
(11) Hipea Dhia
(12) Sarvasti vada
(13) Liaka
(14) Sanghamitra Raja. S.K. 2/145
(15) Khalatse

همه نوشته دو سطر یست که‌تاریخ آنرا ۱۸۷ یا ۱۸٤ = حدود ۱۰۳ـ ۱۰٤ م خوانده اندو برا نچنین نوشته است: «درسال۱۸۷ـ یا ۱۸٤ درعصر شاهی مها را جه‌ویما کوتهی سه (۱)»که این نام راستین کونو شکلی‌ازنام‌کدفیسیس‌دوم میداند (۲) ومامیدانیم که ویما کد فیسیس دوم بعد از مرگ کدفیسیس اول در حدود ۷۸ م به سلطنت رسیده‌است که مرگ اودرحدود ۱۱۰ م‌باشد .

این کتیبه ازین رو مهم است که‌نفوذ شمالی خط خروشتهی را تا مناطق لدا خ ووسعت سلطنت کوشانیان بزرگ را تا آ نجا میرساند.

۷۰ـ کتیبه ها ی سنگی نمبر ٥ـ٦ موزه لاهور که هریکی ازا ن یك دو کلمهٔ خط خروشتهی دارد .(۳)

۷۱ـ کتیبه های پالاتوڈ هیری(شرق پشاور) برظرو ف گلی‌موزهٔ پشاور که سه‌نوشته دارای چند کلمه دارد مربوط به‌عصر قدیم ساکه ، وهم بریك پا یه مجسمه(موزهٔ پشاور) چند حرف نوشته شده‌است . (٤)

۷۲ کتیبه های مو هن جودیر و واقع‌لارکانه سندکه‌درانجا آثاریك شهر قبل التاریخ در ۱۹۲۱ م مکشوف گردیده وآثار آخرین آ ن بدورهٔ کنیشکا میرسد ، وسه قطعه‌ظروف خاکی ملمع خط خروشتهی هم ازان بدست آمده که‌در مو ز ۂ کلکته است وحروف آن به‌نوشته‌ـ های عصر بعد از کنیشکا شبیه‌است وجز چند کلمه نوشته دیگری ندارد (٥)

۷۳ـ کتیبهٔ کانهیاره (٦) ناحیهٔ کانگرا (پنجاب)در دوسطر که‌بران باغ کرش‌ایاشسه (۷) نوشته‌است(۸).

۷٤ـ کتیبهٔ بتکره (۹) سوات :برظرف گلی شکسته در حفریا ت ۱۹٦۰م بدست آمده که دردو سطردورادور آن نوشتهٔ خرو شتهی‌شبیه یکی از کتیبه های تکسیلا بد ین‌مضمون دارد:

«تحفه ... درستوپه دهرمه‌راجیکه(۱۰) به‌تعظیم ... (۱۱)

---

(1) Uvima Kavthisa
(2) S.K. 2/80
(3) S.K. 2/115
(4) S.K. 2/120
(5) S.K. 2/173
(6) Kanhiara
(7) Krishaya'sasa
(8) S.K. 2/179
(9) Butkara
(10) Dharmarajika
(11) East and West. P. 81, March 1966

کتیبه های خروشتهی درترکستان شرقی

این تمام کتیبه هادرسنه ۱۹۰۰م ازطرف سر اورل ستین (۱) درآثا
ابنیهٔ قدیم مخروب ماورای دریای‌نیه(۲) ترکستان شرقی کشف
گردید، که‌درکتاب او ختن قدیم(۳) طبع اکسفورد ۱۹۰۷م شر
شده‌است .

همچنین همین‌محقق‌درسنه۱۹۰۶_۸م درهمین سرزمین کشفیات‌دیگری
نمود، که‌آنرادرسنه ۱۹۲۱م‌ازآکسفورد بنام(سرندیا)(٤) نشر داد .
عدد تمام این‌کتیبه‌های‌خروشتهی‌در ترکستان شرقی به ۷٦٤ میرس
ودر آخر کتاب کتیبه های‌خروشتهی‌ترکستان چینی (۵) شرح‌مبسوطی
بر تنوع الفبای خروشتهی در ین‌سرزمین داده شده وپدید می آید
که این هنر خط نویسی خروشتهی‌در شمال کشور کوشانی مطابق
احتیاجات مردم آن سرزمین تنوع‌یافته بود. ولی نفوذ و افزایش آن
ازهمین کتیبه‌های‌فراوان ثابت‌است.در اخیر این جلد نویسندگان این
کتاب یك‌تابلوی (۲٦٦) علامات‌مختلف حروف خروشتهی را هم
ترتیب داده اند که ازروی تمام‌کتیبه های مکشوفه از خاك
افغانستان وهند وترکستان تکمیل‌شده وماآنرا درین کتاب عینا تصویر
گرفته ایم . (عکس نمبر ۱۰)

درتمام این ۷٦٤ کتیبهٔ ترکستان‌شرقی نامهای شش پادشاه آمده
که‌یکی از ایشان اوی جیته سنها(٦) مخصوصاً شاه ختن(۷) یادشده
است (کتیبه عدد ٦٦۱) ولی درباره‌پنج نفردیگر معلومات مستند و
مستقیمی در دست نیست . (۸)

درین نوشته ها سالهای عهدهای شاهی از سال اول‌تا ۳۸ ضبط
شده که بقول اورل ستین زمان بین ۲۳۹تا ۲٦۵ باشد . زیرا
درهمین‌توده‌های خاکی یك‌لوحهٔ چینی‌هم بدست آمده که‌تاریخ‌آن۲٦۹ م
است (۹)

---

(1) Sir Aural Stein
(2) Niya
(3) Ancient Khotan
(4) Serindia
(5) Kharosthi inscriptions in Chinese Turkestan. Oxford 1929
(6) Avijita-sinha
(7) Khotana-Maharaya
(8) Kh-ins p. 323
(9) Kh-ins, P. 335

بهر صورت وجود این کتیبه هادرترکستان شرقی نفوذ مدنیت و فرهنگی راروشن میسازد که دراوایل قرون میلادی بوسیلهٔ کوشانیان شرقا تامتوره و جنو باتاوادی پشین وموهن جودیرو سند وشمالا تاترکستان چینی و ختن پهن شده بود، وحدود غربی آنرا با نفوذ رسم الخط خروشتهی مجا ری دریای هلمند تحدید کرد ه میتوانیم .

سنگ نوشته‌های شناخته‌نشده موزه کابل

درموزهٔ کابل چند ین سنگ‌نوشتهٔ کوچك وبزرگ مو جو د است که‌بران نوشته های خروشتهی دیده میشود .

تحقیق و خوانش این سنگ ها تاکنون صورت نگرفته واگرعکاسی هم شده باشند، تاکنون‌ازخوا نش‌ومطالب آن چیزی نشرنشده و یا بدست مانرسیده است .

کتیبه‌هایی هم‌دیده شده، که‌تشخیص خط آن مشکل‌است ودر خو ر مطالعهٔ دقیق علمای خط شنا س‌ادوار قد یمه است ، که ما درینجا عکس یکی از ین سنگ نوشته هارابطور نمو نه آورده ایم (عکس ۱۲) وخط آن به خروشتهی‌میماند .

نوشته های زبان تخاری برسم الخط یونانی

علاوه برنوشته های یونانی که برسم الخط یونانی ازحدود ۳۰۰ق،م در افغانستان بر مسکوکات و یا سنگ ها دیده میشود، و بر تمام مسکوکات شاهان‌یونانی‌باختر وپارتیان‌استعمال‌شده، رسم‌الخط یونانی در زبان مقامی افغانستان در عصر کوشانیان ازقرن اول میلادی نیز دیده میشود .

زبان‌عصر کوشانی‌که‌کتیبه‌های‌متعددآن باقیست وآنرا زبان تخاری یا باختری یاکوشانی گفته اند، یك‌لهجهٔ شرقی زبان های ایرانی است که مقارن با پښتودرآیزوگلاس‌لسانی بین مجاری هلمند ودریای سند، زبان کتابت و مسکوکات وسنگ نبشته ها بوده، واز قرن دوم تادهم میلادی درمدت ۸۰۰ سال آثارآن موجوداست ،که برخی عناصر آن باپښتو و پهلوی‌وسنسکریت و ترکی مشترکست وآنراباتمام معانی زبان‌یك ایزوگلاس (۱)فرهنگی توان‌گفت‌که‌عناصرمقامی راباقبول اثر های شرقی وغربی وشمالی در خود فراهم آورده‌است ، وحتی این اثر هادررسم الخط یونانی آن هم مشهود است که مادر سابق به‌آن اشارت‌کردیم.

حروف این رسم الخط قراریکه‌درکتیبهٔ بغلان اواسط قرن ۲م آمده وبعد ازان شکسته شده و تغییرشکل داده است (درشکل نمبر ۱۳ دیده شود.)

بدین منوال مطابق قول هیونتسنگ درزبان تخاری (۲۵)حرف وجود داشت که‌در کتیبهٔ بغلان هم‌آمده‌است .وچنانچه گفتیم‌درکتیبه‌-های متأخر دورهٔ اسلامی‌برخی‌حروف‌رابه نقاط هم امتیاز داده اند.اکنون ماتمام کتیبه های مکشوفه این‌رسم الخط را در افغانستان و سرزمین‌های‌متصل‌آن درینجا شرح‌میدهیم، واین شرح مطابق خوانش ومطالعهٔ ورأی خودنویسندهٔ این‌سطور است، که امکان هر گونه تصحیح ازروی مطالعات دقیق‌ترآینده دارد . ولی من اکنون رأی خودرا بطور مطالعهٔ ابتدایی‌مینویسم، و تمام این کتیبه ها را بمدد ادبیات دری و پښتو قابل‌تحلیل میدانم ، که‌این‌زبان‌یك لهجهٔ شرقی‌زبان‌دری‌بوده ، و در خورفهم وتطبیق باادبیات قدیم زبان

---

(1) I-so-Glass

دری است . ولی چون این لهجه در ایزو گلاسی بین فرهنگ و روایات ادبی ولسانی شرق و غرب وشمال واقع بوده ،البته عناصر سنسکریت وپهلوی وترکی وپراکریت های هندی دران مشهود است .که شما آنرادر شرح این کتیبه ها خواهید دید. و لی چون درینجا کاوش وتدقیق ما تنهاراجع به هنر خط نویسی است، بنابرین تنها وجود واهمیت رسم ا لخط یونانی شکسته راد ر ین قسمت شرقی آریانه مورد مطالعه قرارمیدهیم، واز تحلیلات دقیق لسانی آن میگذریم . ودربارهٔ تفصیل آن به دو کتاب من مادر زبان دری وهفت کتیبهٔ قدیم طبع کابل ر جوع فرمایید.

۱ـ کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان:

بقایای یك آتشکدهٔ بزرگ بالای تپه های ۱۵ کیلو متری پل خمری در ولایت تاریخی بغلان شمال افغانستان در ۱۹۵۷ کشف گردید. که درانجا سه نسخه از یك کتیبهٔ قرن دوم میلادی رایافتند.

نسخهٔ بسیار مهم این کتیبه بریك سنگ ۱۳۲ × ۱۲۵ سانتی بخط یونانی وزبان تخاری برامده که ۲۵ سطر و ۹٤۷ حرف یونانی با دو نشان خاص عصر کوشانی دارد ،ومن درسال ۱۳٤۲ ش آنرا در کتابی بنام «مادر زبان دری » تحلیل وخوانده ام.

دونسخهٔ دیگر عین همین کتیبه بااختلاف املاوی جزوی ولی بخط بدو ناپخته یی در همین معبد ازسنگ کاری داخل چاهی کشف شده ، که یکی ۲۱ پارچه سنگ و دیگری ۳۲ قطعه دارد که این پارچه ها ی سنگی رادر داخل بنای چا هی بکاربرده بودند .

ازروی این کتیبه بانی اصلی بگ لنگ (بغلان) بگ شا کنیشکی نامو برگ بود، که بعداز ان دربهارسال ۳۱ عهد کانیشکا(حدود ۱٦۰م) بغرض تعمیر مجدد ،چاهی رادرانجا کندند .

این بناراکه آثار آتش مقد س(ایر = اور پښتو) دران یافته اند به لغت هندی مندر یعنی معبدومالیزیعنی مهادز و حصار بزرگ و نوشال = نوشاد نامیده اند. ومتن کتیبه متضمن فواید بزرگ تاریخی ولسانیست که دران ۱۵۵ کلمهٔ زبان تخاری مورد استعما ل است. (رجوع به عکس نمبر ۱٤)

ترجمهٔ متن کتیبه :

«اینست مهادژ کانیشکه بهره ور: بغلان . که (آنرا) شاه بزرگ

کانیشکه نامور کرد (ساخت).چون‌بزودی این مها دژ تمـــام کـــرده شبد، پس‌آب این معبد نیست شد،‌وچنین (این) مهادژ بی‌آب (خشك) ایستاد (شد) و(چون) رب‌النوع‌نیکوی مقدس آتش معطل ماند، پس خداپرستان نوشاد تبا ه شد نـــد(رفتند) چون جویهای آب‌ایستادند (خشك شدند پس)آب‌اندك شد ومهادژ پدرود گشت .

تاکه نو کونزوك کنارنگ فـــراخدای (مقرر ازطـرف شـــهنشا ه) فریستار آب شاه بگپـور(شاه‌زاده)لـویك بوسر (بن) شیزو گر گ اروابناد (شاد روان) که‌همـــواره‌نامور باد بااراده مهیا (قوی) بـه سی ویکم سال سلطنت هنگام‌نیسان‌ماه‌به بغلان آمـد، ایـن‌مهـادژ ر ا پروريد . تاکه یك چاه کند واز آن‌آب برآورد . وآنرا به‌تهداب سنگی استوار کرد. چنین آب مهادژ زیادشد ونـه کاهید . وچون رب‌النوع نیکوی مقدس آتش‌وجود دا شتـه‌باشد ، پس خدا پرستان نو شا د تباه نخواهند شد. (نخواهندر فت)ومهـا دژ پـــدرود نخواهد شد .

چون آن چاه خام کوب را خشـــت‌ریز کرد بنیاد ورایستاده شد.

بدین چاه (و) بدین خشت‌ریزهمه‌مهادژ نیك پرورده شد، ویك چا ه وصحن بزرگ کرد (ساخت) .

منم برزمهر – منم کوزگاشکـی‌پور –منم رئیـس گانسیگییم (؟) – نو کونزیکی کنارنگ مریگ،بفرمان‌خدای و(بفرمان)ایمن نوبخـت – منم مهره من –منم برزمهر پـو ر،امهره من »

بردیوار های این معبد آتش د ه‌پارچهٔ دیگر سنگی هم یافته اند ،که بهمین رسم الخط کلمات مختلفـــی‌بران دیده میشود ، و تاکنو ن این کتیبهٔ مهادژ بغلان مفصل تر یـــن‌نوشته ایست که‌بدین زبان ورسم‌الخط در دنیا کشف شده‌است. واوضاع امپراتوری چهارم بز ر گ دنیارا دران عصر روشن میسازد.

۲ـ سنگ نبشته‌های‌روزگان:

روزگان در کو هساران شمـال‌شرقی‌بفاصلهٔ دوصد میلی از شهر قندهار درنشیب های جنوب غـوروواقع است . وآثار باستانی ز یادی دارد واز آنجمله در درهٔ شالـی ده‌میلی مرکز روزگان دو کتیبه رسم‌الخط شکسته‌یونانی‌بزبان‌تخاری‌عصرهفتالیان بعد از قرن ۵ـ٦ م موجود است.

این هردو کتیبه در بدخطـی واشکال حروف باهمدیگر بسیـــا ر

مشابه وغالباً به‌یك قلم‌نوشته شده‌وحروف آن برخلاف کتیبهٔ بـغلا
بهمدیگر پیوسته وشکسته است ،ولی علایم فاصله حروف (٥) مانن
کتیبهٔ بغلان دران دیده میشود ، وبالای حرف Z دریك کلمه‌درهرد
کتیبه سه نقطه هم نـو شته شد ه‌است .

خوانش نوشته اول :بکه‌ـشاه ـخوی ـمهرـماه‌ـ زمیگ .
یا: بگه ـ شاه ـ زاول‌ـ مهـرماه‌ـ زمیگ .

یعنی : بکه‌شاه ، شاه‌زاده مهر،ماه زمین . یا: بزرگ شاه زا بـ
مهر، ماه‌زمین .

خوانش نوشته دوم: بکه‌ـ شاه‌ـخوی ـمهر ـزمی ...
یا : بگه‌ـ شاه‌ـ زاول ـ مهر ـزمی ...

(برای شرح رجوع شود به‌کتا ب‌هفت کتیبهٔ قدیم ازعبدالحی حبیبی
(عکس نمبر ١٥)

٣ـ کتیبه های جغتو :

درشمال غربی غزنه بفاصله ٢٠ کیلومتری‌درکوه‌برگول‌برخرسنگ ـ
های کوهساراه کاروانی دونوشتهٔ‌خطیونانی‌بزبان‌تخاری‌دیده میشود
که‌یکی درسه سطر بسیار رو شـن‌وخوانا وهـم، حـرو ف خو شخط
پیوسته باهمدیگر است ومـتن آن‌احترام به‌سه جوهر بو دایی تـر ی
رتنه (١) یعنی‌دانایی ـتقوی‌ـاتحاداست ، و چـنانچـه گــذ شـت
همین مطالب بریك کتیبهٔ تبتی د رتنگی تایغان قزاقستان هم‌نو شتـه
شده‌است .

خوانش این کتیبه :

(١) نمو ـ بد (احتــرام بــه‌بو دا)
(٢) نمـو ـ دهر مه (احترام به‌دهرمه)
(٣) نمو ـ سنگه (احترام بــه‌سنگه)

اما کتیبهٔ دوم جغتو درپنج سطربر صخرهٔ بزر گی است که مطا لب
زیرین‌آن محو شده وفقط مطالب ذیل‌ازان خوانده میشود:

١ـبکه
٢ـ گه که‌تی شا +
٣ـ پور

---

(1) T iratna

٤ـ ویماشا .
٥ـ السغ
یعنی : خداوند گار جفتوشاهپورویما شاه بزرگ . (برای شرح رجوع شود بکتاب هفت کتیبهٔ قدیم)(عکس نمبر ١٦)

٤ـ کتیبه دشت ناور:

دشت ناور برسطح مرتفع غربی غزنه درغرب جغتو واقع و یکی از مراتع معروف کو چیان افغا نی است که درایام تابستان با موا شی خود بدانجا روند.

درینجا نیز سنگ نوشتهٔ طویل ومفصلی بخط یونانی مشابه کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان باحروف کلان وغیر متصل غالباً بهمین زبان تخاری ودری قدیم موجود است .ولی باشکست هایی که در داخل سطح سنگی آن واقع گردیده ، آسیب های زیادی دیده است ، وازروی عکس های ناقص آن که بدست نویسنده رسیده خواندن آن مشکل است . ویك حصهٔ این نوشته ها خروشته ی است.

ازروی طرز خط و حروف یونانی توان گفت که پیش ازعصر کتیبه ـ های روز گان وجغتو و تو چی باشد که مطالعه وتحقیق آن بـا وسایل موجوده برای من ممکن نشد.ولی باطول وعرضی که این کتیبه دارد، اهمیت آن کمتر از کتیبهٔ سرخ کوتل بغلان نخواهد بود ، و من اکنون بیش ازین دران باره چیز ی گفته نمیتوانم.
(عکس یك حصه روشن این کتیبه نمبر ١٧)

٥ـ کتیبه های وادی تو چی وزیرستان :

وادی توچی وزیر ستان و گومل برشاهراه قدیم غزنه بهندوستان ووادی سند واقع بوده ، ودرانجا بقایای شهزادگان کوشانی در قرن ٨ـ٩ میلادی حکم میراندند .

دروادی توچی بین ایدك وسپین وام بسمت غربی بنون آثار ابنیهٔ کهن درمواقع متعدد نمایان است وغالباً نغر کوت مذکور در کتاب الهند وتیمور نامه وبابر نامه هم درینجا واقع بود، که بقول البیرونی نسب نامهٔ کابلشاهان برد یبا یی نوشته دراز جا بود. (١)

---

(١) کتاب الهند ٣٤٩

ازین وادی سه سنگ نبشتـــهٔمهم بسه رسم الخط عربی ـهند ی ـ یونانی بدست آمده کـه در مـوز ذیشاور محفوظند . اما آنچه برسم ـ الخط یونانی و زبـــا ن تخـا ر ی است :

۱ـ سنگ نوشته بر سطحِ سنگی ۲۵ × ۸ انچ که بطرف چپ آن خـط سنسکریت وبر راست تخـــا ر ی نوشته شده وطرف راست آن کـــه آسیب دیده پنـــج سطر است ، که خط آن شباهت زیاد بانوشته ها ی روزگان دارد، وبنابـرین از رو ی تاریخ های این کتیبه ها تاریـــخ کتیبه های روز گان راهم تخمیـــن توان کرد .

کتیبه های تو چی چو ن وضـــع سیاسی وفرهنگی این گوشهٔ شرقی آریانه رادر اوایل قرون اسلا مـــی روشن میگرداند ، و اینکه خـــط شاره داناگری وزبان سنسکر یـــت بـا خــط یـــونانی وزبـــان تخـاری درآنجا موجـــود است آثـــار خلـــط فرهنگی رادرقسمت شرقی آیز و ـ گلاس تهذیبی بین هلمند و سنـــدنمایندگی میکند ، واز نظر لسا نی کلمات مشتر کی رابین این کتیبـــه ونو شتهٔ سر خ کوتل بغلان می یابیم مانند خشون ـ کلدـ فرو مـــان ـمالیز ـ ادـ درحالیکه املای برخی کلمات فرق دارد مانند: (شکل۱۸)

اینك ترجمهٔ فارسی متن کتیبـــهٔ اول توچی قرار خوانش من:

۱ـ ازسال ٦۳۲ سلطنت ، مـــاه هشتم ـماه شاه م ... نی بخت.

۲ـ گومل بغپور یکتا پر ست ، گومان (ازخاندان گو)دریندو قت .

۳ـ گسترانیدم کرد گل رانید نمادژ، ونوبخت +

٤ـ بیها ربزرگ گسترانید ، بهفرمان گوکد (گودودمان)

٥ـ ستاره ـ یـــاستر (اعـــلی)(۱)

درین کتیبه که بنای مادژونوبخت بهار رادر ماه هشـــتم ســـال ٦۳۲ سلطنت گفته مطابق است با۸٦۲م = ۲٤۹ قمری و ۳۹۳۸ لوك کـــاله سموت وهفتم ماه بهادره هنـــــد ی که درمتن سنسکریت همین کتیبـــه توضیح شده. ولی حصهٔ اول نـــا م...نی بخت متاسفانه درهردو متـــن سنسکر یت وتخاری ناپدید است وکلمهٔ نوینه (۲) متن سنسکر یـــت مطابق است بانو = نی تخاری . وبعدازان چنـــدره بهـــو پـــه (۳)

---

(۱) برای تفصیل رجوع برسالهٔ هفت کتیبهٔ قدیم تألیف حبیبی طبع انجمن تاریخ کابل.

(2) Navima

(3) Chandra-Bhupa

سنسکریت عین ترجمه (ماه شاه) تخار یست که‌چندره = ماه وبهو په درسنسکریت شاه وسلطان با شد.واین ماه شاه ... نی بخت گو مل بغپور خودرا در متن سنسکر یت کهو جنه پتره (۱) یعنی کوشا ن زاده خوانده وبدین و سیله مابقایای‌شهزادگان کوشانی رادرین‌سرزمین درحدود قرن نهم میلادی می‌شناسیم(عکس ۱۹)

۲ـ کتیبهٔ دوم وا دی تو چـــی‌بدو زبان ورسم الخط عربی ـ تخاری است که‌بر دوپارچه سنگ از شیرتلا واقــع وادی تــوچی وزیرستان به موزهٔ پشاور آورده شده، و بـرحصهٔ بالایی آن بخط بسیار ناپختــه ومغلق بهم پیچیده کوفی عــبارات‌عربی رادر چهارسطر بهم آ میختــه نوشته اند، که‌خوانده نمیشود ، وتنها کلمهٔ الله دران وا ضــح‌است . (عکس نمبر ۲۰)

این کتیبه خلط اوا خر فرهنگ ورسم الخط یونانی رادر زمان بســط رسم الخط عربی درین سرزمین‌نشان‌میدهد وعیناً درطرز خط یونانی بــا کتیبهٔ نمبر اول سابق ا لـــذ کـــرشبیه است مانند کلمهٔ بغپور کـــه بالای حرف دوم سه نقــطه دارد .وهمچنین درکلمهٔ کوشان شین ونون مانند رسم الخط عربی نقاط دارد ،که‌شاید اثر فرهنگ عربی باشد . ونیز رسم الخط برخی کلمات‌مشترك‌آن باکتیبهٔ اول‌مطابق‌است مانند : ماه ـویگــــ ادـ ستــر ـشاه ـبو ستر انید ـگومل ـ

درینجا من خوانش خودرابحروف‌لاتین (عکس نمبر ۲۰) آو ر ده‌ام.

اکنون ترجمهٔ کتیبهٔ‌تخاری (عکس نمبر ۲۰) رابدری بخوانید:

۱ ـ ازسال ٦۳۵ سلطنت

۲ـ درماه اول (فـــر و ر دیــن‌ماه)

۳ـ (روزهای) ورمز د و مهــر(اول وشانزدهم)

٤ـ درینوقت کــرد (سا خــت)کوشان

۵ـ گومل بغپور بزرگ (ستاره)

٦ـ ازخاندان گو (پهلوان)(گو)دودمان . شاه.

۷ـ بوسر ... خاقان +

۸ـخیل ـخان قزل

۹ـساهو سرای (ســودا گـــ ر سرای)

---

(1) Khojana-Putra

۱۰ـ بو ستوانید (به) فرمان
۱۱ـ ستر (اعلی) یا ستار .

تاریــخ این کتیبه بنای سرا ی‌تجارتی سنه ۶۳۵ سلطنت باشد ، که‌سه‌سال بعد از کتیبـهٔ سا بـق‌الذکر اول نقرشده است . وایـن سال مصادفست با ۳۹۴۱ سمـو ت = ۸۶۵ م = ۲۵۱ قـمری مـأ . فروردین وروزهای ورمزد(اول) تاروزمهر (۱۶ ماه‌شمسی) .

۳ـ پارچهٔ تخاری سنگ دوم که‌ازهمان کتیبهٔ بالا شکسته و جـدا شده ولی حروف وسطح مـنقـو رسنگ بسیار آسیب دیده وخوانش آن دشوار است .

درین کتیبه هم در پنج سطـــر ارقام عدد X-I-E که‌همان سا ل ۶۳۵ خشون باشد با کلمات‌خشو ن ـنیدـکوـ شاـ ادـکرد. بنظـــر می‌آید که تلفیق وتفسیر آن ممکن‌نشد (عکس نمبر ۲۱)

کتیبه‌های شاره دا ـ ناگری سنسکریت

ناگری (۱) رسم‌الخط قدیـــم وعمومی هنداست که تاکنون بحیث رسم خط ملــی آنــجا بــاقیست ومنسوبست به نگر یعنــی « خـــط شهری » که‌کلمهٔ دیوه درآغــاز نام‌آن درقرن ۱۸ اضافه‌شده و قــدیم نیست و دیوه + ناگری بمعنی خط‌شهری خدایی باشد. که از خـــط قدیمي براهمی برامده‌وتاقرن‌یازدهم‌میلادی در اکثر اراضی‌شمالی هند رواج وتعمیم یافته است .

درین رسم الخط ، خطوط عمودی‌تز ئینی وخطوط افقی بالایی را بط حروف اضافه شده، و۳٤ حـرو ف‌صحیح و١٤ حروف علت دارد، که قدیمترین کتیبه های آن‌در هنـــدمربوط به‌قرن ۷ـ۸ م است .

اما رسم الخط دیگربنام شاره دا(۲) نیزدرقرن ۸م بیـن هـندو ان کشمیر رایــج ومقــارن بازبــان ورسم الخط ناگری سنسکریت بود، که باناگری شباهت ونزدیکی داشت‌وگویند که از خــط گــوپــته (۳) وشعبهٔ غربی آن‌در قرن ۸م بمیــان‌آمده‌بود، ودرادبیات شمال غـر بی هند بکار میرفت ، و هرصــوت وحرف نمایندهٔ آن ، نام جداگانه یی هم‌داشت . (فن تحریر ۳٤۰)

دو کتیبهٔ لغمان

درحدود سه‌میلی غربی مهتر لام(لمك) وادی لغمان ، نزدیك قــر یهٔ شمله تك حکومتی قرغه‌یی ،دردامنهٔ‌کوهی سه‌کتیبه موجــود است ، و طوریکه در مبحث کتیبه های آرامی‌شرح دادیم ، یکی ازان بــز بــان ورسم الخط آرامی است ،که‌منسوب‌به‌عصر اشوکا باشد.

درهمین چادو کتیبهٔ دیگر بـــه‌خطی مــوجــوداست ، کــه اشکال حروف آن بزمانهٔ پیش‌از خط ناگری‌ازقرن اول‌تادهم میلادی تعلق دارد، وخطوط واصلهٔ حروف دران دیــد ه‌نمیشود، وحتی برخی از حر و ف آن‌به کتیبه های غار متــورا درهندشبیه است که در قرن اول‌میلاد ی باشد .

چون هردو کتیبه درسال ۱۳٤۸ش کشف وعکاسی شده، بنا بر ین تاکنون تحت نظر وتحلیل متخصصان‌قرارنگرفته وحل نشده است .

---

(1) Nagari (2) Sarada
(3) Gupta

باحتمال نخستین ، سطر چهارم کتیبهٔ نمره (۲۲) کلمات لمکان جتی (۱) دارد، که‌جتی‌درسنسکریت‌بمعنی مخلص و مرید ومطیع دینی (۲) است واین‌میرساندکه‌کلمهٔ لمکان(لغمان کنو نی) هم تاریخی کهن دارد، وممکن است‌تحلیل علمی این دوکتیبه ،مطالبی رادر تاریخ قدیم این‌سرزمین روشن‌سازد.(رجوع به‌عکسی نمبر ۲۲ر۲۳)

---

(1) Lemekan Jati

(۲) قاموس هندو ستانی به‌انگلیسی ازدنکن فوربس .

کتیبه‌های شاره دا_ناگری سنسکریت

رسم الخط هندی شاره دا ودیوه‌ناگری قدیم درشمال غربی هندباهم آمیخت ، واثر آن باروابط قـــو ی‌کلتوری که‌بین مردم وادیهای شرقی وعربی دریای سند موجود بـــود ،تاقرن سوم هجری ودورهٔ اسلا می هم‌رسید . ومسکوکات‌برخی از کـابلشاهان متاخرکه‌بدست آمـده نیز برسم الخط ناگری است و بـر خی‌کتیبه هـا هم بخط نا گـر ی‌موجود انـد.

مهم ترین سنگ‌نبشتهٔ دو خطی‌ودوز بانه درسنه ۱۹۰۷ م ازواد ی تو چی بین اید ك و سپین وام برلوحهٔ سنگی ۲۴ × ۱۲ انچ به موزهٔ پشاور آورده شد، کـه بـالای آ ن‌نوشته عربی نسخی ودر پایین همان مطلب به‌سنسکریت‌وخط مخلوط شاره‌داو ناگری در ۵ سطر مو جـو د است (عکس ۲٤)

درین کتیبه سال ۳۲سموت ماه‌کارتیکه بروز دوم نصف تـا ریك مساویسبت باجمعه ۷ ستمبر ۸۵۷ م = ۱۳ جمادی‌الاولی ۲٤۳قمری. (۱)

نمونهٔ دوم این رسم الخط د ربریکوت سوات درسنه ۱۸۹۷م بـر یك تختهٔ سنگی بدست آمده کـه‌اکنون درموزیم لاهور افتاده ا ست که‌زبان آن‌سنسکریت ورسم الخط‌شاره دا است .

برین کتیبه نام جیه پاله دیوا(۲)دیده میشود که بقرار ذکر مور خان دورهٔ غزنوی دوبارباسبکتگین حرب‌کرد، وازلغمان بطرف شر ق پس رفت ودرسنه ۹۹۱م ۳۸۱ قمـر ی‌لاهور راهم گرفت و بقول العتبی در اوایل سنه ۳۹۳ قـمری خـود ر ابسوخت واز جهان رفت (تاریـــخ یمینی ۱۵۹) وی درادبیـات د ر ی‌عصر غزنویان و فتوحات سلطـا ن محمود شهرت دارد.

برین کتیبـه نـام اورا چنیـــن‌نوشته اند:

«درشاهی مهاراجه بزرگتر یـــن‌شاه ازشاهان بزرگ و ملك بزرگ شری جیه پاله دیوه»

(پتهانان سراولف کیرو۱۱۲) (۳)

---

(1) Ancient Pakistan 1/130 (2) Jayapala-Deva

(3) The Pathans. P. 112. By Olaf Caroe. London, 1953

دوکتیبهٔ دیگری که بزبان‌سنسکریت و رسم الخط دیوه ناگری
ازهمان ویهند تاریخی (هند کنونی)کنار اتك درسنه ۱۸۳٦ م بوسیله
برنس (۱) به موزیم ایشیا تك‌سوسائتی بنگال انتقال داده شد
نیز درخور یادآوریست وپر نسیپ‌آنرا مربوط بقرن ۷ـ۸م میداند
کتیبه اول بریك قطعه مرمر سپیددر ۱۳ سطر است که‌برخی ازا
سخت آسیب دیده وخوانده نمیشودوبنابرین ربط وتلفیق مطالب آ
روشن نیست وفقط از هجوم مردم‌گوشت‌خوار نیرومند توروشکه (۳
ذکری دارد که مراد همان‌هونان‌یفتلی‌باشد وهم نامی ازشری تیله
که‌بر همن (٤) بران دیده‌میشود.

کتیبهٔ دیگر سنسکریت‌برسم‌الخط‌دیوه ناگری هم زیر یك بت
شکستهٔ ویهند در ٥سطر ا ست که‌اکثر سطح آن ساییده شده و
برآوردن مطلب آن مشکل است .(عکس ۲٥)

(کابل تالیف سرالکسندر برنس ۱۲۰ ـلندن ۱۸٤۲م)(٥)

---

(1) Burnes (2) Prinsep

(3) Turushcas (4) Seri Tillaka Brahmin

(5) Cabool. By Alexander Burnes. P, 120 London 1842

رسم الخط پهلوی ودین دبیره

نام پهلوی اصلا منسو بست به‌پارت (خراسان) که‌در کتیبه هـای هخامنشیان پرتهوه (۱) ذکر شده.وچون اشکا نیان یکی ازاقوام پارت (۲٤۷ق ،م ۲۲٤م) دولت بز رگـی‌را ازشمال ایران کنونی تا دامنه‌های همالیا تشکیل دادند ،دراوایل رسم‌الخط ایشان یونانی وخرو شتهـی بود .چنانچه بنیاد گزار خا نـدا ن‌اشکا نی ارساس (۲) =ارشك = اشك بلخی که درحدود ۲۵۰ق ،م‌سکه‌زد ، برمسکوکات او که دروادی هلمند پیداشده، رسم الخط یونا نی‌وخروشتهی هردو دید ه میشـو د (تاریخ افغانستان ۱ر۱۱۹) و بــرمسکو کا ت مهر داد دو م پسـر ارتبان (۱۲٤ر۷٦ ق،م) نیز رســم‌الخط یونانی مشهود است (کونو ٤۳) ولـی درقـرن او ل مسیحـی‌استعمال خط پهلوی بایونا نی بـر مسکوکات اشکانی وبعـدازان د ز‌اوایـل عصر ساسا نـی آ غـاز شد (۳)

خط پهلوی که از آرامی برآمـده‌بود، در دربارهای اشکانی وساسانی از ۲۵۰ق،م ببعد تا ٦۵۱م (۳۱هـ) مدت‌نه‌صدسال دارای رسمیت بود، ولی پهلوی شمالی دربار اشکا نـی‌باپهلوی جنوبی دربار ساسانی ، در رسم الخط ولهجه تفاو تی دا شت که رواج خط عـر بی آنرا از بیـن برد.

اگرچه در قسمت شر قی مجرای‌هلمند، زبان تخاری بارسم ا لخـط یونانی در همیـن عصر ها رو ا ج‌داشت ولی درسرزمین غربی آ ن‌با وجود زردشتیان دروادی هریرود وسیستان ،بودن زبان ورسم الخـط پهلوی نیز مسلم است ، وبـا زهنگامیکه اثر دولت ساسانی تـا مجاری سند رسید، نفوذ رسم‌الخط‌پهلوی نیز تا هند وسعت یافت، و مسکوکاتی رامی بینیم که در دور هٔ‌ساسانی ، بخط یونانـی تـخاری و پهلوی یاناگری وپهلوی دربن‌قسمت‌شرقی فلات ضرب شده اند . (٤)

وچون خسرو دوم ساسا نــی‌خراسان را از هفتالیان در حـدود ٦۱۳ م بگرفت ،وی بیادگار ا یـن‌فتـح مسکو کی راکه دارای ها لـهٔ نور به دور چهرهٔ اوبود ضرب‌کرد.ومابر مسکو کات عصر هفتالی نیز

---

(1) Parthva (2) Arsaces
(3) L'Iran Sous les Sassanides.P. 57
(4) Ariyana Antiqua. P 396/400

کلما ت خراسان خوتاو، و تگیـــن خراسان شاه، وخوره اپـزو ت و هپتل خوتاو ومرتان شاه را برسم‌الخط پهلوی می‌بینیم که در ربـــع اول قرن هفتم میـلادی هنو ز اثـرپهلوی را در زابلستان تادامنه های هندو کش ثابت میسازد و پیش ازایشان هم کیدار یان (کو شا نیا ن کوچك) که درقرن چهارم میلادی‌بین هرات ودریای سند حکمرا نـی داشتند ودربلخ هم سکه زده اند ،سه رسم الخط پهلوی ـ یو نا نـی وبرهمی رابر مسکوکات خـــو دنوشته اند.مثلابریك سکه پیرو(۱) (حـــدود ۳۷۸م) خـــط برهمی وپهلوی وبریك سکه ورهــران (۲) تنها پهلوی (حدود ٤۰۰ م)وبریك‌سکه پیرو چ (۳)همین نام به‌پهلوی وبریك سکه بهاسه (٤) هم برهمی‌وپهلوی ونیز برسکهٔیك ستر ا پ نامعلوم شاپور سوم حروف پهلو ی‌مبهمی دیده میشود (مجلهٔ سکـــه شناسی ۱۹۳۸م ص۳۹)(۵)

چنین بنظر می‌آید که باقطع‌سلطه‌ساسانیان درحدود ٤۰۰م و اشغال این سرزمین ازطرف هونان سپیـدیفتلی ،نفوذ خط پهلوی هم کمی‌یافته وبجای آن‌طوریکه درسنگ نو شته‌هادیده میشود، زبان تخاری و خط شکستهٔ یونانی باقی مانده باشد .ولی همین هفتلیان که‌در غـــر ب مجرای هلمند بوده اند با ز هـــم‌خط پهلوی را چنانچه گفتیم بـــر مسکو کات خودنوشته اند.

بایدخاطر نشان کردکه تا کنو ن‌هیچ کتیبه یی جز مسکـو کـا ت پهلوی در افغانستان بدست نیا مده‌است که‌علت آن هم‌نفو ذ طویـــل رسم الخط های آرامی ـ هند ی ـیونانی درین سرزمین باشد که‌توام باسلطهٔ سیاسی و حکمرانی بـــوده‌است ، ومامی بینیم‌که اکثرکتیبه‌هارا شاهـــان و اربـاب اقتـدا رمـــی‌نوشتند ، وچون این مردم باآدا ب و فرهنگ غیر پهلـوی مـانـوس‌بوده‌اند ، وسلطهٔ سیاسی ومستقیم ساسانیان هم مدت کمی دوام‌کرده،بنابرین تاکنون سنگـك نـو شتـهٔ پهلوی رادرین دیار سراغ‌نداریم.

خط پهلو ی که‌مانند آرامـی ازراست بچپ نوشته میشد ، بسبب محدودیت ۲۵ شکـل حـرو ف ونداشتن اعراب و حروف مصـو ت

---

(1) Piro
(2) Varahran
(3) Piroch
(4) Bhasa
(5) Numismatic Supplement 1937-38. p 39

حرکی ناقص بود، وهم یك شکل به‌چندین صوت خوانده میشد،وبسا
کلمات آرامی از ا لسنهٔ سا مـــی نیز دران بطور هزوارش دخیل شده
بودند ، بنابرین برای ضبط صحیح کلمات والفاظ کتاب دینی اوستا ،
رسم الخطی راکه دارای اعرا ب بود،بنام «دین دبیره »در قرن ششــم
میلادی درست کردند، وکتا ب اوستا راکه درازمنهٔ قدیم شاید بخطو ط
میخی وآرامی وپهلوی نوشته میشد ،برسم الخط دین دبیره نوشتند ،که
قدیمترین نسخهٔ خطــی مکــشو ف اوستا بهمین الفبا ، اکنــون د ر
کوپنهاگ دنمارك موجود است ،که‌آنرا درسنه ۱۳۲۳ م نوشته اند .
(گاتها ٤٩)(۱)

چون پیروان کیشی زردشـــت ومومنین بکتاب اوستا در قسمت غربی
آریانه تاحلول اسلام بوده‌اند ،وخطدین دبیره هم‌وسیلهٔ نگارش کـتاب
مقدس ایشان بــود، بنابرین وجودرسم الخط اوستایی دین دبیره هــم
درین سرزمین ، بعید نیست ، که‌جمله (٤٤) حرف ونشا نه هـــا ی
صوتی داشت ، وبخو بی‌از عهد هٔضبط حرکات واعراب کلمات برامده
میتوانست .

این رسم الخط از الفبا هـــا ی‌آرامی ـ پارسی ـپهلوی ـ یونانی
که‌در محیط رواج اوستا سوا بقــی‌داشت ، ترتیب شده بــود ، واز
راست بچپ نوشته میشد .   (شکل ۲٦)

---

(1) Poure Davoud, Holy Gathas 49.Bomby 1927

دورهٔ سه رسم الخط

دورهٔ اخیر رسم الخط مقارن‌ظهوراسلام را ازروی اسناد مکشو فـــه زمان رواج سه خط گوییم. زیرادرسه قرن اول اسلامی آثـــا رو علایم سه خط رادر قسمت شر قی‌آریانه می بینیم ، که‌یکی یو نانــی شکسته ودوم شاره دانا وناگر ی‌مخلوط وسوم خط عربی ابتــدا یی نازیبایی باشد .

ازسوابق ونوشته های یونانی وشاره داناگری درمباحث گـذ شته مابا ختصار صحبت کردیم ، ا یـن‌دورهٔ سه رسم الخط تا فتوح‌یعقوب لیث صفاری وسبکتگین و نها یـت‌قرن سوم هجری دوام کرد، وبعد ازانکه کابل شاهان به‌ویهندوسوات‌پس نشستند ، وشهزادگان ا خیـــر کوشانی هم در گردیز و گـومـل‌وزیر ستان به‌سلطهٔ غزنویان خاضع ومسلمان شدند ، لهجهٔ تخاری بـارسم الخط یونـانی وآثـار زبا ن سنسکریت بارسم الخط شاره دا وناگری نیز جای خودرا رسما به‌خط وزبان عربی ودری گذاشت .

جای تعجب است: کـه‌درنیمـــهٔ‌قرن سوم هجری هنگامیکه یعقو ب لیث صفاری از زرنـج برخاست وزبان آنجا بشهادت تاریخ سیستان پارسی بود (ص ۲۰۹) واین پارسی‌برای ماآکنون هم روشن و مفهـو م است ، در کوهساران وزیرستــان‌لهجهٔ تخاری باحالتی که درکتیبه‌ها مشهود است مـوجود بـود. وصدسال بعددر عصر سلطان محمـو د بکلی مفقود ونابود گردید، و جای‌آنرا دری فصیـــح دربارسا ما نیا ن وزبان دقیقی ورو دکـــی گر فت ، واثری ازلهجهٔ‌شرقی‌تخاری ورسم‌ـ الخط آن نماند !

بهر صورت رسم الخط هـــا ی‌هندی ـیونانی ـ پهلوی جای خو د رابرسم الخط عربی ماند، که‌دکتوراسرائیل و لفنسون درتاریخ لغا ت سامی آنرا ماخــو ذ از خط نبطــی‌متاخر داند وقدیمترین کتیبهٔ ایـن خط در جبل دروز حران (شام) برسنگی بالای دروازهٔ کلیسایی بزبان عربی ویونانی موجوداست ، که درسنه ۵۶۸م نوشته اند. و لی‌دردورهٔ اسلامی لوحهٔ قبریکی از حجا زیان‌عبدالله بن جبر درسنه ۳۱ هـ (موزهٔ مصر شکل ۲۷) و نوشتهٔ صخـرهٔ‌بیـت المقدس ۷۲ هـ قـد یمتر بن

سنگ نوشته های همین خط عربی است. (۱)(تاریخ اللغات السامیه ۲۰۱)
درشمال وغرب افغانستان نفوذ خط عربی ازقرن اول اسلامی ظاهر است . بدین معنی که اکثرحکمرانان عربی دربلخ ومرو وهرات و زرنج بهمین رسم الخط سکه زده اند ، که ازانجمله درکرمان درسنه ۹۰ ه ودر مرو درسنه ۹۰ ه ودر بلخ درسنه ۱۱۷ و ۱۳۲ ه و ۱۸۲ ه و ۱۸۵ و ۱۸۷ ودرهرات در سنه ۱۹۳ و ۲۰۶ درزرنج سیستان در ۱۸٦ ه سکه زده شده، که اکثرآن درموزهٔ کابل وبرتانیه و غیره موجود ند وطاهریان پوشنگی هم درنشاپور درحدود ۲۰۵ تا ۲٤۰ سکه های عربی دارند ویعقوب لیث صفاری درحدود ۲۵۰ ه وامیر ابونصر احمد بن محمد فریغونی جوزجان درحدود ۳۹۰ ه وداود بن الیاس از آل بانیجور تخارستان درسنه ۲۳۲ ه ومکتوم بن حرب امیر اندراب در حدود ۳۵۹ ه وامیر الپتگین درغزنه درسال ۳۵۹ ه وامیر سبکتگین در پروان درحدود ۳٦٦ ه بهمین رسم الخط عربی (نسخی یاکوفی)سکه زده اند .
ولی درقسمت شرقی آریانه نفوذ خط عربی ازدو کتیبهٔ مکشوفه (نمبر ۲۰ و ۲٤) سالهای ۲٤۳ و ۲۵۱ هجری که ازوادی توچی بدست آمده اند نمایان است. اگرچه فتوح عربی در وادی هلمند و ارغنداب ودریای کابل در قرن نخستین اسلامی تکمیل شده بود ، وبا این پیروزیهای سیاسی عرب، دین اسلام ورسم الخط قرآن نیز بدینجا رسیده بود ولی نفوذ آن درکوهساران شرقی افغانستان خیلی

---

(۱) این کتیبه هارا از نمونه های اقدم خط کوفی دانسته اند ، ولی درهمین عصر مقارن با کوفی ،رسم خط نسخی عربی هم رواج داشت ، چنانچه یك نامهٔ شخصی که در مصر درسنه ٤۰ ه نوشته شده، ودو ورق را هداری مصری (پاسپورت) سال ۱۳۲ ه بدین رسم الخط است (فن تحریر ازمحمداسحاق صدیقی ۲۰۹ طبع علیگره ۱۹٦۲) از کتیبه های مکشوفه و سکوکات شرقی فلات ایران بر می آید ، که اثر هردو خط عربی نسخی وکوفی در قرن اول هجری بدین سرزمین رسیده بود، و دونمونه شکل ۲٤ مربوط به عصریست که هنوز اصطلاح کوفی ونسخی نبود .

بعد تر مینماید . زیراما درکتیبهٔ مکشوفه از مسجد بمپور حوالی کراچی (غالبادیبل تاریخی) که در سنه ۱۰۷ هجری ۷۲۵ م به امر مروان بن‌محمد مولی‌امیر المومنین‌ازطرف علی بن موسی نوشته شده و ۱۸ سال بعداز فتح محمدبن‌قاسم‌سپه سالار اموی دران بلا داست، می‌بینیم که رسم الخط آن زیبا ومهذب متمایل بکو فیست (تاریخ افغانستان بعداز اسلام ۱ر۷۱۲) واین‌سخن بر نضج کلتور ورسم‌الخط عربی درانجا دلالت دارد (عکس نمبر۲۸)

ولی خطوط هردو کتیبهٔ مکشوفه‌وادی توچی مربوط اوا سط قرن سوم هجری آنقدر ناپخته وابتدایی‌است که ناآشنایی کامل خطاط و آغاز خوانش وخط نویسی نسخی‌عربی رادرانجا میرساند.

چون ازین دو کتیبه تنها یکی‌بادو متن عربی وسنسکریت خود خواناست ، مامضمون آنرا که د ر۹سطر و ٤۲ کلمه است باعکس آن (نمبر ۲٤) آورده ایم ومضمون عربی‌آن چنین است (۲٤۳ هـ)

«هذا ما امرعقد هذالتلاح حیی‌بن‌عمار تقبل الله منه صالح عمله و غفرله سوء عمله . قدکتب یوم‌الجمعه لثلثة عشرة خلون من جمادی الاولی. سنه ثلثة و اربعین‌ومائتین . صلی الله علی محمدو آل محمد الطاهر(ین) » .

ترجمهٔ متن سنسکریت این‌کتیبه‌درشرح نوشته های سنسکریت داده شد. چون خط مخلوط شاره داناگری درین دورهٔ سه رسم الخط رواج داشت ، مانمونهٔ حرو ف‌آنرادرینجا از مجلهٔ پاکستان قدیم نقل میکنیم ، ودر حقیقت بتا ریخ‌خاك پښتونستان کنونی ربط دارد ، که‌ساحهٔ شرقی آریانه باشد .(شکل۲۹)

خط سغدی

درتاریخ آریانا ی کهن-مخصوصاًسرزمین های شمالی آن ـ خط سغدی نیز جای دارد، که مرکز سغدیانه شهر سمر قند بود، وزبان سغدی هم یکی از زبانهای آریا یی‌آسیای میانه است ، که‌با بعضی السنهٔ مروجه این سر زمین نزدیکی‌ها دارد .

زبان وخط سغدی بافتوح اسلامی‌ورواج خط عربی متروك گردید ، ولی نویسندگان دورهٔ اسلامی‌آنرا می شناختند ، چنانچه بوریحان بیرونی‌درآثارالباقیه‌وکتاب‌التفهیم (۱) نامهای شهور سغدی راضبط کرده ، برخی فرهنگ‌نویسان هم زبان سغدی را یکی از السنهٔ متروکه نوشته اند .

میان اوراقی که در آغاز قرن‌بیستم در ترکستان چین کشف شد، اسناد متعددی نیز به زبانی‌ناشناخته وجود داشت ،که‌به خطوط مختلف نوشته‌شده بود . یك‌سنگ‌نوشتهٔ‌سه‌زبانی‌نیز، به‌ترکی باستان وچینی ویك زبان دیگر در ویرانه‌های قره بلغسون (مغولستان شمالی) بدست آمده بود ، که‌بعدمعلوم شد ، زبان سومی همانست که‌در بعضی اوراق مکشوف در ترکستان چین نیزبکاررفته‌است .
درحدود سال ۱۹۳۱م در ویرانه‌های قلعه یی بر کوه مغ (در پنج‌کنت ۱۲۰ کیلو متری سمر قند)مجموعه‌یی ازنوشته هاکه روی چرم وکاغذ چینی‌وچوب‌بودبدست‌آمد، که‌دران نام «دیواشتیج » شاه سغد وسمرقندنوشته شده‌وذکراین‌شاه درمنابع عربی نیز هست که درمقابل هجوم تازیان پایداری‌میکرد .

این اسناد بزبان وخط سغدیست‌که سکه ها یی هم بدان خط یافته‌اند ودر برخی از متون سغدی قطعات‌ادبی زیبا بازمانده ،مانند قطعاتی از داستان رستم و قسمت هایی‌از کتاب کلیله ودمنه بزبان سغدی .

ازجملهٔ این متون نوشته بیست‌ازکوه مغ (شکل ۳۰)در نه‌سطر که‌ترجمهٔ آن چنین است :

---

(۱) آثار ،ص ۷۰ ـ التفهیم۲۳۰

۱ـ خداوند پنج ۲ـ دیوا شتیـــج‌را ۳ـ هشت سال است ٤ـ مـاه نیسان ٥ـروز خور روز ٦ـوگرفت اغو شمریك ۷ـ ازفرماندار ۸ـاوت ۹ـ پوست ونیز واریاك (۱).

این خط سغدی ازیـك شیـو ۀتحریری خط آرا می مشتق اســت ، ونیز احتمال می‌توان داد ، کـه‌اصل خط مزبور ، خط پهلوی کهن باشد.درخط سغدی‌نیزمانند پـهلوی‌برای مصو تهای کوتاه ، نشا نـۀ خاصی وجود ندارد ، تنها سه‌حرف‌برای واکهای مصوت (فونیم) بلند هست (اـ و ـ ی). (۲)

مادر شکل سوم پیدا یش خطوطنشان داده ایم، که چگونه الفبا ی آرامی منبــع خطوط دیگر بوده‌استاکنون در (شکل ۳۱) که مقتبس از تاریخ زبان فارسی است ، اختلاف‌اشکال حروف رادر خطوط مختلف متفر ع از آرا می مـــلا حظـــه‌فرمایید .

---

(۱) یعنی : پادشاه سر زمین‌پنج‌دیواشتیج درسال هشتم فرمانروایی خود ،درماه نیسان ویازد همیـــن‌روز ...

درسطور دیگر اغو شمریـك واوت را اسم خاص شمرده اند ، و واریاك رایکنو ع پوست پرداخته.

(۲) دکتر پرویز ناتل خانلری‌درتاریخ زبان فارسی ۱ر۲۷٥ تا۲۹٤ طبع تهران ۱۳٤۸

۳

خط وکتاب دوره اسلامی

سوابق کتاب نویسی

مردمان قدیم پیش از اختراع کاغذ که درسنه ۱۰۵ م در چین روی داده، خطوط خودرا بر موا د طبیعی مستعد نگارش مانند الواح سنگ والواح زر وسیم و بر گهاوپوستهای درختا ن والواح گلی پخته واستخوانهای حیوانات وصخره های کوهی ودیوار های ابنیه برمواد آهکی و گچی وچرمهای حیوانات می نوشتند وقدیمتر ین نوشتهٔ خط چینی مربوط بدورهٔ شاهان ین (۱) است که در قرن ۱۲ ق ـ م باشد ، وبعد ازان اختراع قلم موسطابق سنت های چینی د ر عصر منگ ـ لین (۲) پادشاه سازندهٔ دیوار چین بوده ، که در حدود ۲۱۰ ق ـ م مرده است .(۳)

مرکز دوم مدنیت قدیم وا دی نیل مصر است ، که دران هم آثار خط وکتا ب نویسی قدیم انسا نی بدست آمده وکهن ترین لفا فهٔ بردی آن متعلق بسال ۲۴۰۰ ق،م وخط هیر وغلیفی است که آنرا باقلم Calamus تراشیده از ساقهٔ پردرحدود قرن سوم ق،م می نوشتند ، وسیاهی را از زغال آمیخته باآب وصمغ می سا ختند ، وبرا وراق بردی کتابت میکردند .وهمچنین دربقایای مدنیت آشو ر و بابل ،الواح گلی نوشته شد هٔ مربوط ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق ، م بدست آمده ، وبیست ودو هزار لو حهٔ مکتوبهٔ گلی ازکتابخانهٔ آ شور ـ بانیپال (۴) متعلق به قرن هفتم ق،م است . وآثار مکتوبه اوراق برد ی (پاپیروس) یونان قدیم هم به قرن چهارم ق،م میرسند ، ونخستین اختراع کاغذ بوسیلهٔ تسای ـ لون (۵) چینی درسنه ۱۰۵ م بو د ه است . (۶)

درهند وایران وسغد شما ل افغانستان ، نیز آثار نوشته های قدیم قبل وبعد از میلاد فراوا ن یافته شده، ودر افغانستان نیز سنت کتابت بوده است ، ونمونه های کتیبه نویسی قدیم رادر فصول سابق نشان دادیم ، واینک دلایلی که وجود کتاب رادر ازمنهٔ قد یم

---

(1) Yin (2) Meng-L'ien.

(۳) مجله هنر ومردم طبع تهران شماره ۳۸ـ آذر ماه ۱۳۴۴ ش

(4) Ashur Banipal. (5) Tsai-Lun.

(۶) سونددال درتاریخ کتا ب ، ترجمهٔ عر بی ۴ تا ۳۳ طبع قاهره ۱۹۵۸ م

در افغانستان وکشور های مجاو رآن نشان میدهد:

بریك مجسمهٔ او زاها ریس نیتیدرموزهٔ واتیکان روم ، مطالبی‌نوشته است که داریوش پادشاه هخامنشی‌این شخص رابمصر فرستاد ، تا به کتابخانه ها کتاب بدهد، و جوانان‌رابدانها داخل کند. (۱)

کتز یاس (۲) که۱۷ سال (۴۱۵ـ۳۹۸ ق م) طبیب دربار پارس بود در پر سیکا (۳) گوید:

که‌وی کتاب خودرا ازروی دفترهای چرمی کتابخانهٔ شا هی (٤) ترتیب داده است .

درکتاب اردا ویراف نا مه(۵)تا لیف (حدود قرن۳ = قرن۹م) میگوید :

« اوستا وزند برپوست های گاوآراسته وبه آب زرین نوشته بود . که اسکندر رومی پتیاره بد بختبیدین بدکردار آنرا بر آورد و بسوخت » (٦)

قراریکه درنامه تنسر (۷) (ص۱۱) ومروج الذهب وکتاب ا لتنبیه والا شراف مسعودی و تاریخ‌طبری‌آمده : این اوستای زرین خط بر دوازده هزار پوست گاو نگا ر شیافته بود، که فردوسی ۱۲۰۰فصل نوشته برالواح زرین گوید . (۸)وابو منصور ثعالبی (حدود ٤۱۰ هـ ۱۰۱۹ م) مینویسد : که‌گشتا سپ‌دربلخ بود وزردشت کتابی با و آورد، که آنرا بر پوست دوازده‌هزار گاو نوشتند ، وهر کلمه رادر پوست کنده ، قشری را از طلادران قرار دادند. (۹)

حمزه بن حسن اصفهانی (۳۵۰هـ۹٦۰م) درایام ملوك اشکانی بعد ا ز اسکندر هفتاد کتاب را ذکر میکند.که درعلوم نجوم وطب وفلسفه و

---

(۱) مجلهٔ هنر ٤٤، خر داد ماه۱۳٤۵ ش.

(2) Ctesias (3) Persica

(4) Basilikai-Difterai پور داود ـ یسنا ۸۱

(5) Arda Viraf Namah

(٦) ارداویرافنامه ۲۲ د کتررحیم عفیفی ـ تهران ۱۳٤۲ش.

(7) Tansar's Epistle.

(۸) پور داود، گاتها ۵۰

(۹) ترجمهٔ فا رسی غرر اخبارملوك الفرس وسیر هم از محمو د هدایت ۱۱۹ طبع تهران ۱۳۲۹ش

حراثت (کشاورزی) بیونانـی وقبطی ترجمه شـده بود (۱) وهـم
زی از کشف پنجاه عدل کتبی لـه‌بر پوستها (جلود) نوشته شده بود
درسنه (۲۵۰ ﻫ)خبرمید هد ، له‌درداخل شهر جی ازبنای قدیم‌سارویه
بدست امد، وخط انرا مردم قبـلاندیده بودند ونمی دا نستند کـه
درچه هنگام این کتابها رادرانجـا گذاشته اند (۲) و نی ابن ندیـم
گوید :
که ابوالفضـل بن عمید بـرخی‌ازین کتابها رادرسنه ۳٤۰ واندی
به‌بغداد فرستاد و من بچشـم خوددیدم و چندی ازان پیش شیخ مـا
ابوسلیمان اندرین وقت (۳۵۰ ﻫ)باقی بود . (۳)
هم‌وی بحوالهٔ کتاب ا ختـلا فـالزیجه مترجم ابو معشر منجم‌بلخی
(حدود ۲۵۰ ﻫ ۸٦۳م) مینویسد :شاهان (فلا ت ایران) بصیانت‌علوم
وبقای آن توجهی تمام داشتـند وبغرض نگهداری کتب از حوا د ث
جوی وزمینی ، اوراق پوست درخت‌خدنگ که آنرا توز گفتند ی، برای
نوشتن کتب برگزیدنـد، که ازتعفن‌وپوسیدگی محفـوظ بـاشند، و در
مقابل حوادث پـایداری و پایندکـی‌دارند .
چنانچه همین وسیلهٔ نویسندکی‌رادر هند وچین وممالك مجاور دیگر
هم تقلید کردند (٤) . ومحمد بـن‌عبدوس جهشیاری گوید: که مرد م
فارس برچرم، ورق (پوست نازك)نوشتندی وگفتندی که کتا بها یی
خودرا برچیزی که‌دربلاد ما پیـدانمی شود نمی‌نویسیم. (۵)
کتابها یی که‌زردشتیان د ر علم‌نجوم وطب وطبایـع بفارسی(قدیم)
داشتند ویکی ازان کتابی بنام‌کشتج‌بود، بعدازانکه بامر سکندر بزبا ن
رومـی و قبـطی تـرجمه کـردنـدسوختانده شدند . ولی برخی ازان
کتب ازترس این فعل سکندر ، بـه‌هند وچین فرستاده شده بودند و
نجات یافتند . (٦) و ابـن نـدیـم‌ازتاریخ اسحاق راهب نقل مینما ید
که‌یکی از ملوك اسکندر یه شخصی‌راگماشت که‌این‌کتابهای علمی راباز

(۱) تاریخ سنی ملوك‌الارض والانبیاء ۳۰ طبع‌برلین ۱۳٤۰ ق
(۲) همین کتاب ۱۲۷
(۳) الفهرست ۳۳٦
(٤) سنی ملوك ۱۲۷ والفهرست۳۳٤
(۵)کتاب الوزراء و الکتاب ۱۳۸قاهره ۱۹۳۸ م
(٦) الفهرست ۳۳۳ به نقـل‌از کتاب النهمطان تالیف ابو سهل
بن نوبخت .

فراهم سازد . وی پنجاه وچهارهزاروصدوبیست کتاب جمع کردو گفت . هنوز هم کتابهای سند وهند وچین وکرکان وارمن وغیره باقی مانده است. (۱)

این روایاتی بود دربارهٔ وجود کتاب درازمنهٔ باستانی در این سرزمین ها، که ازانجمله داستان اوستا واحراق آن بامرسکندر ازنظر علمی (بقول گیرشمن) (۲) متزلزل است. ولی اگر آنرا جعل و الحاق هم بدانیم ، بازهم مفکورهٔ ایجاد کتاب رادر ازمنهٔ قدیم آشکار می‌سازد ، که برخی از اسناد مثبت تاریخی نیز موید آنست : مانند اسناد دورهٔ پارتهای آریایی بلخی نژادکه خراسانیان اصیل بوده اند (۲۵۰ - ۷٦ق،م) واین اسنادتحریری بر چرم گاو والواح سفالی رنکین لعاب دار در نساو او رامان، بزبان پارتی یعنی پهلوی شمالی بدست آمده (۳) وبصورت واضح علمی وجود کتاب رادر خراسان قدیم ثابت میسازد وما میدانیم که بعد از اسکندر نخستین بار کتاب اوستا بفرمان ولخش (٤) یابلاش اول اشکانی پارتی (٥١ -٧٨ م) فراهم آورده شد. (٥) چون این آثار دورهٔ اشکانیان رابر چرمهای گاو در نساو خراسان قدیم یافته‌اند، پس داستان مورخان عرب که اوستا بر چرم گاو نوشته شده‌بوداین فکر راتایید میکند، که اوستای فراهم آوردهٔ عصر بلاش اول را نیزبرچرم گاونوشته باشند.

دربارهٔ وجود کتاب دردوره‌های قبل ازاسلام ،در سرزمین خراسان دلیل بسیار محکم تاریخی اینست:که درعصر امویان وعباسیان صدها جلد کتابرا ازپهلوی والسنهٔ هندی‌بعربی ترجمه کرده‌اند ، و اکثر این کتابها به خراسان ویا کتب‌خانهای خراسان تعلق داشته است .

مثلا ابن‌ندیم‌دربارهٔ احوال سمنیه(بودائیان) وپیشوای ایشان بوذا سف ازکتابی نقل نماید که‌آنرا یکنفر خراسانی نوشته بود. (٦).

---

(۱) الفهرست ۳۳٤

(۲) Ghirshman ایران‌ازآغازتااسلام۲۷۲ترجمه‌دکتور معین - تهران ۱۳۳٦ ش .

(۳) اشکانیان‌م، م دیاکونو

(4) Vologeses

(٥) پورداود - گاتها ٥١ بحوالهٔ‌دینکرت.

(٦) الفهرست ٤٨٤

درسنه ۲۰۷ هـ ۸۸۳ م راجـــهمهر وگ کشمیر وپنجاب به حا کم منصوره امیر عبدالله نوشت کـــهشخصی رابحضور م فرست کــه بزبان هندی احکام اسلامیرابما آموخته بتواند. وی یك مرد هوشیار و شاعر مسلمان خراسان راکه چنـدزبان هندوستان دانستی بدر با ر راجه فرستـاد و بخـوا هـش ا و قرآن عظیم را بـز بان هـنـدی ترجمه کرد . (۱)

دردربارکابلشاهان نیز تأ لیـفکتاب رواج داشت ، چنانچه بقـول البیرونـی یـکی از علـمای در بارکابلشاه اخیر انند پاله بنجیه پاله که او گره بوت نامداشت و مودبشاه بود ، کتابی را در علوم نجوم بنام شکهت پرت تالیف کرده بود(۲) .

همین البیرونی می نویسد :کـهنسب نامۀ کابلشاهان کـه قر نها برین جا حکمرانده اند ، بر دیبایینوشته شده و در قلعۀ نغر کـوت محفوظ بود ، و من میخواستم آنرا ببینم ، ولی بنـابر عللی مـوفـق نشدم . (۳)

از کتابهای قـدیمی کـه دریـنسر زمین خبر داریم کتابی بود نزد خیذر بن کاووس مشهوربه افشینیکی از نجیب زادگان اسرو شنـۀ ماوراء النهر قاید معروف لشکر ی عصرمعتصمعباسی(۲۱۸ـ۲۲۷هـ = ۸۳۳ ـ ۸۴۱م)که در در بار بغدادقدرت و نفوذ فراوان یافتـه بــود و عاقـبت هـدف دسایس در باریو رقابت رجال آن عصر گردید وبه تهمت بیدینی و زندقه محاکمه شدو او را در شـعـبـان (۲۲۶ هـ = ۸۴۰م)بـکشتـنـد و جـسد شی راسو ز ا نـیـد نـد و بـدجلــه افگندند .

در اثنای آستنطاق و محـاکمه ،یـکـی از علل اتـهـام او کتابـی مـذهب و مـرصع گـوهـر نشانبـود ، کــه در خـانـوادۀ او از اجـدادش بـاقـی مـانـده بــودوخوانــدن آنــرا دلیـل کفـر و بیدینی او شمرد ند وحکم بقتـلاو دادنـد و طبـری کــه صورت مـحاکـمـه و سوالـهـای هیئتمحاکمـه را بــه تفصیل آورده ،

---

(۱)عجایبالهنداز بزرگ بنشهریارحـــدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲م طبع لیدن .
(۲) کتاب الهند ۱۰۵
(۳)کتاب الهند ۳۴۹

در بارهٔ این کتاب گوید :محمدبن عبدالملک زیات وزیر که رئیس این هیئت استنطاق بودازوپرسید : این کتا بیکه به طلاو جواهر ودیبا آراسته یی و حاوی کفر بخداست چیست؟ افشین جواب داد : این کتاب ازپدر بمن میراث مانده ودرآن برخی از ادبیا ت عجم ضبط گردیده است که من فقط از بهرهٔ ادبی آن تمتع می برم وغیرازان بکلمات کفریهٔ آن غرضی ندارم چون در سابق آراسته وپیراسته بود، حاجتی بد فع پیراستگی های آن نداشتم وبرحالت سابق آنرا ماندم ، مانند کتاب کلیله و دمنه وکتاب مزدک که درخانهٔ تست . و این دلیل خروج من از اسلام نیست(۱).

طبری گوید که در کتابخا نهٔ افشین کتابهای فراوان یافتند ،که در آن کتاب مجوس و بسا کتب دینی بود که وی داشت .

این کتاب آراسته وپیراسته رادرادبیات دری «دفترافشین » یا «گوهر افشین » گفته اند . مختاری غزنوی (حدود ۵۰۰هـ ۱۱۰٦م)گوید :

گربدیدی هنر بذله پرگوهر تو

گوهردفتر خودبرفشاندی **افشین (۲)**

از آثار بسیار مستند نمو نهٔ قدیم کتاب درافغانستان، اوراق پوست درخت کتابیست که دربامیان در سنه ۱۹۳۰م در حصص شر قی هیکل ۳۵ متری بودااز طرف موسیو ها کن کشف شد وموسیو سیلون لوی آنرادر شماره مارچ ۱۹۳۲م ژورنال از یاتیک نشر داد وآنرا رسم الخط عصر کوشانی قرن ۳ـ٤ و نوشته های عصر گو پتا قرن ۷ ـ ۸م وبر خی بخط ختنی شمرد ، که زبان آ ن سنسکر یت ا ست ونوشته قد یمترین آن بقرن سوم تعلق دارد، که تاقرن ۸م میرسد،وبعقیدهٔ موسیو سیلون لوی در کتابخانهٔ این معبد قدیم بودائی این کتابهای پوست درخت موجود بود ، که آنرا درخودبامیان نوشته ویا از کتابخانه های دیگر باین کتابخانه نقل داده باشند و برخی ازین نوشته ها قطعات کوچك رساله های «ابهی دهر مه» متعلق به مذ هب

---

(۱)طبری ۱۰ ر ۳٦٥

(۳) دیوان مختاری ٤۳۷ طبع جلال همائی ـ تهران ۱۳٤۱ ش

بزرگ بودایی (۱) است که مانند آن از گلگت هم بدست آمده است ، ولی در بین این پارچه های کتب خطی برخی از صفحات کتاب وینایا (۲) نیزموجود است که بمذهب کوچك بودایی (۳) تعلق داردو برسم الخط گوپتا (٤) و سنسکریت باشد ، و چون ازکتاب وینایا تنها ترجمه چینی باقی مانده و اصل سنسکریت آن در بین نیست ، بنابرین کشف این پارچه های سنسکریت ازین کتاب خیلی اهمیت دارد ، واینك ما نمونه های خط این کتب قدیمهٔ کتابخانهٔ بامیان را در ینجامی آوریم (عکس ۳۲) که اصل آن در موزهٔ کابل موجود است .

در ماه حوت ۱۳٤۸ش هیئت باستان شناسی افغانی ضمن حفریات تپهٔ شترهده (مرکز هنر گندهارا) در ننگرهار شرقی افغانستان ، در مجموعهٔ ستوپه های قدیم بودایی مجسمهٔ بود ایی رایافت که سرآن شکسته است . بریشت این مجسمه یك مجموعهٔ کوچك تعویذ مانندی از پو ست خرمای بهم پیچیده دیده میشود ، که باز کردن آن از همدیگر وکشف محتویات آن به توجه دقیق علمی نیازمند است وا حتمال میرود نوشته یی در بین آن باشد .

---

(1) Maha Yana
(2) Vinaya
(3) Hina Yana
(4) Gupta

خط وکتاب درعصر اسلامی

سنت کتاب نویسی و تاسیس کتابخانه ، از ادوار قبل اسلام به عصر بعد از فتوح اسلامی نیزانتقال کرد، واز وجود کتابخانه ـ های بزرگ ازین وقت خبر هایی‌داریم . مثلا ابن طیفور احمد بن طاهر که‌از سلالهٔ ملوك خرا سا ن‌بود (۲۰٤ـ۲۸۰هـ = ۸۱۹ـ۸۹۳م) ویکی از مولفان قدیم خرا سان‌بشمار میرود ، که ابن ندیم ٤۸ تالیف او را ذکر کرده‌است (۱) وی‌در تاریخ بغداد روایت میکند : که عتابی شاعر معروف دورهٔ عباسی(متوفا ۲۰۸هـ ۸۲۳م) گفت :که برای نقل گرفتن کتب عجم درخزانهٔ کتب مرو بودم و این خزانه‌از عصر یزد گرد تاکنون قایمست ودرکتب عجم معانی موجود است .
لغت از ما ومعانی از یشانست (۲)

عتابی سه باربه بلاد عجم سفرکرد و کتب خزانهٔ مروو نشا پور رابخواند ودر تأ لیفات خود از آن‌کتب سود برد ، وبدر بار عبدالله بن طاهر پوشنگی پرورده شد۰(۳) و این خبر بخو بی میرساند که کتابخانه های بلاد خراسان‌بوجود کتب فراوان قدیم غنی‌تر بوده اند.

در آغاز ورود اسلام (قرن هفتم‌میلادی) مردم ولایات شمالی وشرقی افغانستان‌بشمول بامیان‌ـ کا پیسا ـ کابل‌ـ لغمان‌ـ ننگرهار ـ گندهارا تا تکسیلادین بود ایی داشته‌وکتب‌دو مذهب کبیر و صغیر بود ایی رواج داشت و هنگامیکه هیون ـ تسنگ در سال ٦۳۰م این ولایات‌را می‌دید ، وی ازشش سلسلهٔ کتب‌دینی ذکر میکند ، که اگر کسی همین شش دورهٔ کتب را میخواندآنوقت بمرتبهٔ‌بلندتر علمی‌میرسید که برای سواری خود فیلی با بدرقه‌یی (٤) همراه داشت و محفلی را برای مبا حثه تشکیل داده‌میتوا نست ۰(٥)

---

(۱) الفهرست ١٤٦

(۲) ضحی الاسلام ۱ر ۱۸۰بحوالت تاریخ بغداد ابن طیفور ۷ ر ۱٥۷

(۳) برو کلمن در تاریخ ادبیات‌عرب ۲ر ۳٦ ۰

(4) Surrounding Escort (5) Si-Yu-Ki 2/137 Calcutta 1958

پس مطابق بهمین روایات عر بی‌وچینی میگو ییم : که سنت کتا
نویسی و کتابخانه در افغـانستان‌غربی و شرقی از ازمنهٔ قبل‌الاس
بعصر اسلامی انتقال کرده بود وازکتب قدیمی کـه در خراسان تالی
شد، یکی **اخبار ماوراء النهر** است‌که مؤلف آن خراسانـی بـود و
ابن ندیم کـتاب **اخبـار خـراسان**قـدیـم را بخـط مـر د خراسان
دیده بود . ووی از کتاب دیگری‌که‌در شرح ملـل وادیان هنـد تال
شده ونسخهٔ آنرا در محرم ۲٤۹ هـ نوشته بودند خبرمیدهد و گوید
که یحیی بن خالد برمکی بلـخـی‌شخـصـی ر ا بـــــر ا
آوردن عقاقیر بهند فرستاد وضمناًامرداد : که‌درباره ادیان هنـد ه
اطـلاعاتـی فـراهـم آورد و ایـن‌مرد همین کتابرا نوشت . (۱)
چنانچـه گفتیم در آغـاز قـرن‌هفتم در افغانستان رسم الخط ه
یـونانی ـ شره دانا گری ـبراهمی‌وپهلوی مرو ج بود، ولی با آغ
فتوح اسلا مـی (نصف اخیر قـرن‌هفتم) رسم الخط عربی کـه قـر
بـه آن نـوشته میشد ، از طـرف‌غـرب بـه خـراسان رسیـد وب
مرور سه قـرن تمام رسم الخطهای‌سابـقـه وادیـان قـدیـم ، جـ
خودرا بدین اسلام و خط عر بـــی‌گذاشتند .

رسم الخط عربی:

مادرشکل ۷ نشان دادیم ،که‌خط عربی‌مأخوذ ازخط نبطی متأ خـ
و از ریشه آرامی است که در قرن‌پنجم رواج داشت و نمونهٔ قدیمت
ایـــن خـط بـر لـوحـهٔ بـنـای‌کلیسایـی در مخروبـــهٔ زبد بی
قنسریـن و در پای فرات یافته‌شده، کــه تاریـخ آن ۵۱۱ م باشد
و بزبان یونانـی و سریانـی نیـزنامهای بانیان کلیسا نـوشته ش
است (شکل ۳۳) و در آغاز آن‌کلمه(الاله) عربی ونامهای شر حـو
سعدو ـ سترو ـ شریحو د یـــده‌میشود.
اما خـط بسیار شبیه بـه عربی‌در حران شمالـی جبـل دروز ش
بـرسنگـی بالای درب کلیسابزبان‌یونانـی و عربی موجود است ،
تاریـخ آن سنه۵٦۸ م است (شکل۳٤) و خوانش آن چـنیـن است
«اناشر حیل بن ظلمو (ظالم)بنیت‌ذالمرطول سنت (سنه)٤٦۳ بعـ
مفسد خیبر بعم (بعام) » این‌نوشته نـزدیـکتریـن خطـی است بـ

---

(۱) الفهرست ٤۸۳ـ٤۸٤

خطوط عربی قرن اول هجری (۱)و روشن میسازد که خط عربی پنجاه سال پیش از هجرت چئو نه بوده است .

چون کتیبهٔ قدیمتری بقلم نبطی متأخروشبیه به عربی برمدفن امری القیس بن عمرو ملك حیره درنماره درسنه۳۲۸م نوشته شده ، بنابر ین مستشر قان ، زمان پیدایش خط عربی قدیم رابین سال ۳۲۸ و۵۱۱ در قرن چهارم و پنجم میلادی درشبه جزیره طور سینا میدانند. (۲)

در عصر نبوی خط عربی باهمان سادگی ابتدائی خود باقی بود، که نمونه‌های کهن تر عصر اسلامی آن در فرامین حضور پیامبر بنام ملوك موجود است و از آن جمله نامهٔ مبارك نبویست بنام نجاشي ملك حبشه که دم دنلوب مستشرق سکاتلندی اصل آنرا یافته ودر مجلهٔ آسیایی شاهی انگلستان (جنوری ۱۹٤۰م)نشر داد (شکل ۳۵) نامهٔ مبارك دوم به مقوقس عظیم قبط است که در کلیسای اخمیم صعید مصر بدست آمده ودرمجلهٔ الهلال قاهره در۱۹۰٤م طبع شده (شکل ۳٦) ـ سوم نامهٔ آنحضرت است به منذربن ساوی (شکل ۳۷) که از دمشق بدست آمده ودر مجلهٔ مستشر قین آلمان ZDMG جلد ۱۷ سال۱۸٦۳ انتشار یافته (۳) و علاوه از ین دوکتیبه عربی در جنوب کوه سلع مدینه موجود است که بهمین نوع خط «انا علی بن ابوطالب»و نامهای پیامبر و ابو بکرو عمر نوشته شده و هم کتیبه یی ازحضرت عمر درآنجا دیده میشود(٤)

از نوشته های عصر نبوی قرآنی بود بخط حضرت علی، که برخی از اوراق آن ضایع گشته و تا حدود قرن چهارم هجری در خاندان امام حسن باقی بود و خود ابن ندیم آنرا نزدابویعلی حمزه حسنی دیده بود (۵)

قدیمترین نوشتهٔ سنگی عربی که تاکنون بدست آمده ، لوحهٔ سنگ مزاریست در موزهٔ قاهره، که درسنه ۳۱ هـ ٦۵۱ نقر شده، و خط آن هم همان نسخی ممزوج بکوفی نامزین است (شکل۳۸) که آنرا چنین خوانده اند :

---

(۱) تاریخ اللغات السامیه ۱۹۱ـ ۱۹٤ دکتور اسرائیل و لفنسون ـ قاهره ۱۹۲۹م (۲) همین کتاب ۲۰۱

(۳) الوثایق السیاسیه ازدکتور محمد حمیدالله حیدر آبادی طبع قاهره ۱۹۵٦م ص٤۵ـ۷۲ـ۸۱

(٤) همین کتاب ، مقدمه و۳۰۲ (۵) الفهرست ٤۲

سطراو ل : بسم‌الله الر حمـــن‌الرحیم هذالقبر
سطر ۲ : لعبدالله‌بن‌خیر(جبر؟)الحجری(الحجازی؟) اللهم ا غفر له.
سطر ۳ : وادخله فی رحمة منك‌وآتنامعه
سطر ٤ : استغفرله اذاقراء هـــذالکتب (الکتاب)
سطر ٥ : و قل امین وکتب هذاا
سطر ٦ : لکتب (الکتاب) فـــی جمدی (جمادی)الا
سطر ۷ : خر(الاخره) من سنت(سنة) احدی‌و
سطر ۸ : ثلثین (وثلاثین)(۱)

کتیبهٔ دیگر قدیمتر در قبهٔ‌صخره‌بیت المقدس درسال ۷۲ ه ٦۹۱ م کشف شده (۲) وهم‌براوراق‌برد ی Papyri مصر نوشته ها ی عربی باخط یونانی مـــو جو د است‌که‌در عصر ابو العباس الو لیـــد بن عبدالملك خلیفه اموی (۸٦ـ۹٦ه = ۷۰۵ ـ۷۱۵م) بر پوســت درخت بردی نوشته شده و عبا رت‌ازبسمله وکلمهٔ توحید است و بخط یونانی ترجمهٔ آن بانام عبدالله‌الولیدامیر المومنین
Abdela Aloylit Amiral Moyminin

نوشته شده‌است (۳) و خـــــطعربی آن ممزوجی ازکوفی ونسخی متمایل به تو قیع است ، وا زیـــن‌هم‌بر می‌آید که در اواخر قـــر ن اول هجری (اوایل قرن ۸م) همین‌شیوهٔ ممزوج نسخی و کوفی رواج داشته است (شکل ۳۹) ونمو نـــهٔ‌دیگر آن برسنگ علامت فا صلـــه Mile Stone ۱۰۹میلی‌دمشق موجوداست کـــه در عصـــر عبدالملك بن مروان (٦٥ـ٨٦ ه)آنرا نوشته اند. (٤) (شکل ٤٠)

ازنوشته های خط عربی یکـــــی‌آنست که درخزانهٔ المامون کتا بـــی بخط عبدالمطلب بن هاشم در جلدچرمی موجود بود، وخط آن بـــه خط زنان می‌ماند . واین مطلب را ابـــن‌ندیم ازکتاب مکه تالیف عمر بـــن شبه Umar Bin Shabba متوفا ۲٦۲ ه = ۸۷٦ م نقـــل کـــرده ، که‌یك نسخهٔ این کتا بـــرابخط همین مولف خود ابن ند یـــم

---

(۱) تاریخ اللغات الســـا میـــه۲۰۳
(۲) همین کتاب ۲۰٤
(3) Arabic Papyri by Adolf Grohmann 1/11 Plate 1
(4) Muslem Calligraphy by M. Ziauddin Calcutta 1936.

دیده‌بود (۱) وازین برمی‌اید که‌در قرن اول پیش از اسلام تاقرن سوم نوشتن کتابها بهمین خط رواج‌داشت و مراد از خط زنانه شاید تحریر بدوابتدا یی آن‌با شد(۲)وماز قول البلاذری میدا نیم که‌زنان عصرنبوت خط مینوشتند که‌ازانجمله شفاء Shaffa بنت عبدالله عدویه از قبیله عمر‌بن خطاب درعصر جا هلیت هم کتابت میکرد، وحفصه زوجه پیامبرازو خط آموخت (۳).

نسخ خطی زیاد قرآن بخط کوفی قرن ۲ـ۳ هـ منسوب به‌ائمه اسلامی اند مثلا :۱ـ جزوقرآن منسوب به‌خط حضرت عثمان ۲ـ جزو قران منسوب بخط حضرت‌علی ۳ـ جزو قرآن منسوب بخط حضرت علی ٤ـ جزوقران منسو ب‌بخط امام حسن (هرچهار در کتابخانهٔ خطی کابل برچرم اهو)(شکل ٤۱ـ٤۲ـ ٤۳ـ٤٤) ٥ـجزو قران برچرم اهو بارقم کتبه علی‌بن ابی طالب ٦ـ جزو قرآن دارای رقم کتبه حسن ابن علی ابن ابی‌طالب فی‌سنه احدی ار بعین .

۷ـ جز و قران بارقم کتبه‌حسین‌ابن علی ۸ـ جزو قر آن بارقم کتبهٔ علی بن‌الحسین بن علی بن‌ابی‌طالب۹ـجزو قرآن بارقم کتبه علی‌بن موسی (هر پنج درکتابخانهٔ مشهدبرچرم آهو)(شکل ٤٥)

اگرچه این نسخ قرآن در همین‌عصربه خط ائمه کرام منسو بند . ولی خط آن بابقا یای خطوطی که‌از قرن اول اسلامی با قیست مطابقتی ندارد ، وچنین نوشته‌های دیگر قدیم هم موجود بود ، چنانچه سبط ابن جوزی گوید : که‌یهودیان نامه یی از حضرت محمد بخط حضرت علی نوشته سال ۷هـ۶۲۸م بدر بار خلیفهٔ‌بغداد آو ردند، که‌مبنی برمعافی یهود از ادای جزیه‌بود (٤) وهم‌یك عهدنامهٔ منسوب‌به حضرت علی بایهودیان ، دراصفهان‌موجود بود، که‌مجعول بودن آن از روی خط کوفی وسطور نسخی ثلث‌نما وهم از وضع انشاء سست و رکیك آن که‌غلطی‌های فراوان نحوی‌دارد ثابت است (٥) (شکل ٤٦)

---

(۱) الفهرست ۷ـ۱٦۳

(۲) سبك شناسی بهار ۱ر ۹٥طبع تهران ۱۳۳۷ش

(۳) فتوح البلدان ٥۸۰

(٤) سروی آرت پر شیا ۱۷۱۸بحواله مرآةالزمان ۳۰۰ نسخهٔ‌خطی موزه بر تانیا .

(٥) بیست مقاله قز وینی۱ر۱۳۱ طبع‌بمبی ۱۳۰۷ش، ومجلهٔ‌ایرانشهر ٤ر٤۲۹ طبع برلین ۱۳۰٥ ش .

ابن ندیم گوید: که کاتبی بنا مسعد ، مصاحف وشعر واخبار را
برای ولید بن عبدالملك می نوشت(حدود ۹۰ هـ ۷۰۸م) وهم اوست که
نوشته های ایات سمت قبله مسجدنبوی را به خط زر ین نـــو شتــه
بود (۱)

درپرورش خط عربی دست مردم‌حراسان قدیم (افغانستان کنو نی)
نیز سهیم بوده است ، مثلاخاندان‌برمکیان بلخی به‌تهذ یب و پرورش
خط وخطاطان توجهی داشته اند ،وحتی ازیحیی بن خالد برمکی (متوفا
۱۹۰ هـ ۸۰۵ م) اقوالی‌در دساتیرخط نویسی مروی است (۲) و د ر
عصر عباسیان یك قلم خاصی بنام(الر یاسی) شهرت یا فت کـــه
پرورندهٔ آن وزیر معروف خراسا نی‌فضل بن سهل ذوالر یا ستیـــن
(حدود ۲۰۰ هـ ۸۱۵ م) بود، کـه‌درهمین سال بهمین خط در مروسکه
زده است .وابن ندیم گوید: که‌خطریاسی یکی از زیباترین خط هـــا
بود ، وازان اقلام دیکر بنـــام خـــط ریاسی‌کبیر وریاسی متوسط وقلم
ثلث ومحقق ومنثور ووشی و رقا ع‌ومکاتبات وغبار ونر جس و بیا ض
برامد (۳)

ازمطالعهٔ این اسناد چنین بـــرمی‌آید: که خط عربی ازشکل‌ابتدایی
نسخی شکسته در اوایـــل قـــر ن‌دوم‌هجری (۹م)آهسته‌آهسته‌به‌کوفی
نزدیکتر گردید و «سبك عرا قی »که آنرا محقق و وراقی گفتندی در
عصر عباسیان بوجود آمد ،وکاتبان‌ودر بار یان مامون به جودت خطوط
پرداختند ، ومردم به‌آن تفا خـــر کردندی ، تاکه ازدستگاه برمکیا ن
(بلخی) خطاطی بنام احمد بن‌خالداحول برامد، ودساتیر و قوا نیـــن
خط نویسی را ترتیب نمود وبصورت‌عمومی (۲٤) قلم بـــو جـــو د
آمد. (٤)

رواج خط عربی (نسخی- کوفی)ویاممزوج هردو در خراسان از روی
اسناد کتبی یعنی مسکوکات وسنگ‌نبشته های باقیمانده چنیـــن‌شرح
میشود :

---

(۱) الفهرست ۱۰
(۲) ادب الکتاب الصولی ٤۱طبع‌قاهره ۱۳٤۱ ق
(۳) الفهرست ۱۳
(٦) همین کتاب ۱۲-۱۳

۱ـ **مسکوکات** : امرای مسلما ندر نصف اول قـرن اول هجـر ی برمسکوکات روم و فارسیان بنـام‌خود سکه زده‌اند ، چنانچه خالد بن ولید درسنه ۱۵ هـ ٦۳۵ م به‌تقلیدسکهٔ رومی بانشان صلیب بحرو ف یونانی وشکل عربی در طبر یـــه‌سکه زد وهم معاویه برحاشیه‌دینار- های فارسیان که شکل شاه فارس‌وآتشکده دارد بسم اللـه و نـــام خودرا ضرب کرد، وبعد ازان د رسنه ۲۸ هـ در قصبـهٔ هر تــك طبر ستان سکه خط عربی ضر بشد. وهم عبدالملك بن مروان بین سنه ٦۵ـ۸٦ هـ دینار های دمشق‌راتنها به خط عربی ضرب و روا ج داد ،که ازانجمله یکی بخط نسخـی‌کوفی آمیز درسنهٔ (۷۳ـ هـ ٦۹۲م) در دمشق ضرب شده است (۱) وبرهمین سنت در عصر خلفای اموی وعباسی برخی از امرای عـر بـی‌در خراسان و سیستان سکه‌زده‌اند، ازان جمله مسکو کات وا لیـــا نخراسان حمید بن‌قحطبه طایی۱۵۱هـ ۷٦۸م و عبدالملك بن یزیدخراسانی(۱۵۹ هـ ۷۷۵م) وجعفر بن‌محمـد (۱۷۱ هـ ۷۸۷ م) وعلی بن عیسی(۱۸۰ هـ ۷۹٦م) وهرثمه بن اعیـن (۱۹۱ هـ ۸۰٦ م) وغسان بن عبـاد(۲۰۲ هـ ۸۱۷ م) موجود است(۲) وهم درهم‌غطریفی‌درسنه۱۸۵هـ ۸۰۱م د ر کـــوشك ما خك بخـــا را بنام‌غطریف‌بن‌عطامامای‌هارون‌الرشیدضرب شده‌بود (۳) ومادر مـــو زهٔ کابل سکه هایی بهمین خط عر بی‌نسخی کوفی آمیز داریم که‌در سنه ۹۰ هـ ۷۰۸م درکرمان ومروو درسنه۱۱۷ هـ ۷۳۵م و۱۳۲ هـ و۱۸۲ هـ ۷۹۸م و۱۸۵هـ ۸۰۱م‌و۱۸۷هـ ۸۰۲ م‌دربلخ ودر سنه ۱۹۳ هـ ۸۰۸م در هرات و درسنه ۱۸٦ هـ ۸۰۲ م درزرنج ودرسنه ۲۰٦ هـ ۸۲۱م د ر هرات ودرسنه ۲۱۷ هـ ۸۳۲م د رگزه (جزق سیستان) و در سنـه ۲۰۱هـ ۸۱٦ م درسمرقند ضـر ب‌شده‌اند (٤) ولی‌ازتمام نوشته های این مسکوکات روشن می‌آید ، که‌در اواخر قرن‌دوم‌هجری (۹م) خـط شکستهٔ ممزوج نسخی کوفی آ میزبه طرف کوفی خالص متمایل است، چنانچه برسکهٔ فضـل بـن سهـل‌ذوالریاستین که‌درسنه ۲۰۰هـ ۸۱٦م

---

(۱) تاریخ التمدن الا سلامـــی‌۱ر۹۸ جرجی زیدان طبع قـــا هره ۱۹۰۲

(۲) ز مبآ ور در معجم الا نساب۱ر ۷۷

(۳) تاریخ بخارا ٤٤

(٤) فهرست مسکو کات اسلامی‌موزهٔ کابل طبع دمشق ۱۹۵۳م

در مرو ضرب شده دیده میشود(۱)وهم ازطرف شاهان اسلامی ماوراء ـ النهر مسکوکاتی بخط کوفی ضرب‌شده، که‌ازان جمله سکه سا یـر بن عبدالله شاه اسرو شنه(۲۸۰هـ)نصر بن‌علی ایلك است و بـرا ن نوشته‌اند: (ضرب هذاالفلس بفرغانه‌سنه ست‌وتسعین وثلثمائه)۳۹٦(۲)

از ملـوك خراسان سکـــه هـای‌طاهربن حسین (۲۰۵ هـ)وطلحه‌بن طاهر (۲۰۷ هـ) وعبدالله بن‌طا هر(۲۱۳هـ) وطاهر بن عبدالله(۲۳۰هـ) و محـــمد بـــن طـا هر (۲٤۸ هـ)شاهان آل طاهر خراسان موجو د است (۳) وهمچنین ازشاهان زرنج‌سیستان سکه های یعقوب بن لیث (۲٥٤ هـ)وعمرو بن لیث (۲٦٥ هـ)وطاهر بن محمد بن‌عمر و(۲۸۹هـ) ولیـث بن علی لیـت (۲۹٦ هـ) واحمد بن محمد بن خلف (۳۲۰ هـ) واز سامانیان بلخی سکه های احمدبـــن ا ســـد (۲۰٤ هـ) و اسماعیل بن‌احمد (۲۷۹ هـ) واحمدبن اسماعیل (۲۹٥ هـ)ونصربـــن احمد (۳۰۱ هـ) وغیره ، واز آ ل‌بانیجور بلخ واندراب وبامیان سکه های داود بن عباس (۲۳۲هـ)ومحمدبن احمد بن بانیجور (۲٦۰هـ)واحمد بن محمد بن احمد (۲۷۹ هـ)واحمدبن جعفر بن احمد (۳۷۲هـ)و ازآل فریغون جوزجان سکه ابو نصـــرمحمد بن فریغون (۳۷۷ هـ) و ا ز امرای اند راب سکه مکتوم بـــن‌حرب (۳٥۹ هـ) وسهلان‌بن مکتوم (۳٦٥ هـ)واز غزنویان قدیم سکـه‌های سبکتگین (۳٦۷هـ)والپ تگین (۳٥۱ هـ) موجودند، که‌ازمسکوکات‌قدیم دورهٔ اسلامی درخراسا ن بخط عربی کوفی شمرده میشوند . (٤)ورواج کامل‌خط کوفی‌رادرافغانستان روشن ومدلل می‌سازند .

۲ـسنگ نبشته ها :

ازروی منقورات سنگی قدیم کـه‌درشرق افغانستان ووادی سنـــد تاکنون بدست آمده، چنین معلو م‌میشود : باو جود یکه نفوذ خـــط کوفی در حدود ۲۰۰ هـ ۸۱٦ م درقلب خراسان ثابت است ، و لـی

---

(۱) سروی آرت پرشیا ۱۷۱۷ـ۱٤۸۰

(۲) مجلهٔ باستان‌شناسی‌شوروی‌عدد ۳ سال ۱۹٦۸ م ص ۲۲٤طبع مسکو .

(۳) زمباور د ر معجـم الانساب۲۹۹

(٤) همین کتاب در صفحـــا ت‌متعدد .

در همین اوقات در اراضی شرقی یعنی وادیها ی پختیا و کومل و کورم تادریای سند خطی رواج داشت که شبیه تر بانوشته ها ی نسخی شکسته وابتدایی فرامین نبوی وکتیبه های جبل سلع مدینه واوراق بردی مصر است .

مثلا بر کتیبه های وادی توچی (شکل ۲۰ ر ۲٤) مربوط او اسط قرن نهم، که ذکر آن گذشت، خط نا زیبای نامهذب نسخی شکسته دیده میشود ، در حالیکه همین خط عربی بشکل زیبا و مهذب متمایل به کوفی در کتیبه مسجد بمپور (شکل ۲۸) درسنه ۱۰۷ هـ ۷۲۵ م موجود است واز ین برمی آید که نفوذ خط کوفی به وادی سند پیشتر از وادیهای شرقی افغانستان رسیده بود .

افزایش جنبهٔ هنری وتزئینی درخط

خط ازمظاهر اجتماعی ز ند گانی‌انسانیست ومانند دیگر مبادی‌حیا تی باحرکات سیاسی و اقتـصاد ی وروحـــی دستخـوش تحــو ل و ارتقاست .

درآغاز زندگانی کو چی گــر ی‌وزراعتی وتشکیل مراتب ابتدا یی ملوك طوایف ، هموا ره خط بحیـــث‌یك ضرورت سادهٔ انسانی مــرو ج می‌باشد، ولی درهنگـام نضـــج واقتدار سلطنت این پدیدهٔ اجتما عی ومدنی انسانی مانند هنر هـــا ی‌دیگر مقام هنری را احراز می نماید. ودر صف هـنرهای زیـبا قـــد م‌می‌نهد .

ملت های آریایی نـژاد آسیا ی‌وسطی ، سوابـق در خشان‌مصوری ونقاشی برابنیه وکتابها داشتند ونظایر آن بردیوار های نگارین‌بامیان وهده وتپــهٔ سردار غزنه و آلــــاربگرام و پشاور و غیره در بقایای دورهٔ بودایی افغانستان در مـد ت‌ده قرن نمایان است ، و هم بـــر بقایای ابنیهٔ مکشو فه از پنج کنت‌وسمرقند دیده میشود .

در خطو ط ابنیهٔ دورهٔ هخا منشی‌ایران استعمال رنگ وتز ئین ر ا یافته اند وچنانــچه گــذشـــت د رکتب زردشتی گویند که‌اوستا بـــر پوست گاو بخط خوش طلا نوشتــه‌شده بود. آثار دینی مانوی نیـــز نگارین ومصور بود ومورخان دو رهٔاسلامی مانند ابن مقفع والبلاذ ر ی وابن ندیم وابن قتیبه و الصو لــی‌وابن درستو یه ازبسا آ ثار هنـــری خطو ط وکتب مصور خو شخط خبرمیدهند . (۱)

هنگام تشکیل خلافت عباسیا ن‌در اواسط قرن ۸م که‌عربهاازدریای نیل تاکنار های سند بر مملکـــت‌وسیعی حکم میراندند وموار یـــث هنری بینزا نتیـــن Byzantien وایران وهنر گندهارا وسغـــد ومانیان بایشان رسیده بود ،حتماازدیدن ابنیهٔ عالی نگارین و کتــب ومواریث هنری این ملـــل متاثـــرمی‌شدند . ابن نـدیم وطـبـری و مسعودی از ارسال بتان ز یـبا ی‌بامیان وکابل وداور و بست کـــه بجواهر مر صع بودند ، بدر بـــاربغداد خبر مید هند، که‌مد تهـــا این بتان رابرای تماشای مـــر دم‌در قصر خلیفه وبعد ازان سه رو ز در ادارهٔ مـــر کـزی پلیس بغــدادبه‌نمایش عامه گذاشته بودند (۲)

---

(۱)سروی آرت پرشیا ۱۷۰۹ (۲)الفهرست۴۸۶ومروج‌الذ هب۴ر۲

که‌مورد تعجب ودلچسپی مردم بودوآنرا مثل مسلمانان قرن اول‌اسلامی نمی شکستاندند .

چون مسلمانان بموجب روایا ت‌دینی خودنمی توانستند ،صورتهای انسانی رادر معابد خود نقش کنند،بنابرین برای تز ئیـن مساجد ا ز هنر خطاطی ونقاشی اشیای بی‌جان بردیوار ها وابنیهٔ دینی خـــو د کار گرفتند ، واین حرکت هنـر ی‌ساختن خط ازهمان اوایل دو ر ۀ عباسیان واواسط قرن ۸م آغازشده‌بود. زیرا عوامل اقتصادی ا یــن دورهٔ نضــج فیودالیزم تماما مساعدپرورش این هنربود .

درپرورش این هنر چنانچه گفتیم‌بازدست مردم خراسان سهیم بود، زیرا یحیی برمکی (متو فا ۱۹۰ هـ۸۰۵م) به‌خطاطی علاقمندی فراوان داشت واو بزرگترین خطاط در بارمامون احمد بن ابوخالد احـــو ل‌را پرورش داد ،که‌برای خط عر بـــی‌قواعدی راتر تیب کرد و خطو ط او بسیار زیبا و د لکش بود نـــد .وهمچنین وزیر دیگر خـرا سا نی فضل بن سهل سر خسی بخطا طی‌توجهی داشت چنانچه در عصر ا و قلم الریاسی رواج یافت که مبـد ألثلث ومحقق ورقاع وغبار و غیـــره گردید (۱).

توجه به‌تهـذیب خط عـربـی وهنری ساختن آن ،بعد ازین فراوان گشت وابن قتیبه (متـو فا ۲۷۹ هـ۸۸۹م)گویدکه خطاطان میکو شیدند تاخط زیبا راباحروف قوی درســت‌بنویسند (۲). والصو لی و ابـــن درستو یه درقرن دهم درکتاب‌الکتاب‌مقاصد وقواعد خطاطی و اصـــو ل استیتك آنرا شر ح‌دادند ، وابوبکرالصولی که‌ادب الکتاب رادر ۳۲۵ هـ ۹۳۷م نوشت گوید : که خطــو طاحمد احول راکه به قسطنطنیه از طرف مامون فرستاده شده بود بـــردر بـ‌صومعه آویخته بودند (۳) تـا زیبایی آنرا تما شاکنند ، وخلیفـه‌المعتمد در اوا خر قرن نهم‌نامه‌یی بامپراتور بیز نتین فرستاد آنقـد رزیبـــا و خو شخـط بـــو د کـــه امپراتور گفت: « برهیچ چیـــز ی‌از عرب رشك نمی‌برم جز این خط زیبا (٤) ».

---

(۱) الفهرست ۱۳

(۲) ادب الکتاب ۲ طبـع لـيد ن۱۹۰۰ م

(۳) ادب الکتاب ٤٥

(٤) همین کتاب ٤٥

خط عربی کوفی تزئینی در اروپا نیز بواسطهٔ مسلمانان فاتح اسپانیا ازراه فرانسه نفوذ کردودر کتیبه های تزئینی ابنیه جای گرفت وحتی بردیوار های ابنیهٔ دینی و صوامع مسیحی در ایتالیا واسپانیا وفرانسه ، آیات قرآنی رانیز بغرض تزئین بخط زیبای عربی نوشته اند. دربه کلیسای بزرگ سنت پیتر St. Peter نیز بچنین نوشته آراسته بود ،ولی بعد ازآن آنرا ممنوع قرار دادند (۱) واینگونه تأثیر هـای هنری اهمیت تاریخی خودرا از دست نداده وارزش تزئینی آنحرموزونیت Rhythm وتقاون Symmetry اشکال آن نهفته است (۲) که تاثیر های آن در هنر تزئین ابنیهٔ انگلستان هم نمایان باشد ، وبقول برگس M.S. Briggs این تاثیرها ازراه فرانسه بانگلستان نیز نفوذ کرده بود . و پروفیسر لیتابی Lethaby آثار آنرا بر طاقچه هـای پشت محراب Retables واکثر کلکین های کلیسای و یست منستر Westminster در هنر تعمیری انگلستان نشان داده است . (۳)

و حتی تأثیر هنری خط کوفی بدرجه یی بود که پادشاه مسیحی مرسیا Mercia بنام اوفا Offa (۷۵٦-۷۹٦م)

سکهٔ خودرا بدین خط زده بود، وبر صلیب برونزی آیرلیندی در قرن نهم میلادی بسم الله بخط کوفی دیده میشود ، وهم در ایتالیا بر شانهٔ راست تصویر حضرت عیسی خط کوفی نمایان است .(٤)

درعصر خلفای عباسی خط عربی ازحالت سادهٔ نسخی خود برآمده بوضع بسیار دلکش تزئینی وهنری کوفی متمایل گشت که یک نمونهٔ این تهذیب نخستین ۱۱سطر کوفی مهذب ، بین نقاشی زیبا بر کتیبه مرمرین مسجد المهدی بغداد در ۱۵۵ هـ ۷۷۱ م موجوداست ، وبرخی نظایر آن که متعلق به ۱۷۵هـ ۷۹۱ م یا ۱۹۵ هـ ۸۱۰ م باشد در دربند رباکو ازطرف خانیکوف Kanikoff کشف شده است (۵) ودرخراسان هم درحدود ۳۰۰ هـ ۹۱۲ م آثار

---

(1) S.P. Scott's History of the Moorish Empire III 29
(2) E. Herzfeld, Encyclopaedia of Islam 1-364, 365.
(3) The Legacy of Islam 178

(٤) همین کتاب ۱۱٤ر۱۵٤

(۵) مسلم کالگرافی ۲۱ از قدیم‌ترین نمونه این خط نسخهٔ قرآنیست در موزهٔ دمشق که بقول دکتر صلاح الدین منجد درسنه ۲٦۷ هـ نوشته شده است .

بن عبدالملك ازفارسی بعربی نوشته بودند. (۱) وبنابرین اسنا د نتوان کفت که‌مردم این سر ز مین کتاب آرایی راتنها ازمانو یان آموخته باشند ، والبته اثری ا زهنر مانی در کتب منقو ش‌ومذ هب ومصور توان دید.

اما اثر هنرمانی یاهنر د یگر برخود خط کو فی تز ئینی کمتر دیده میشود وممکن است آنرا خودمردم عراق وایران وخراسان‌بحالت تز ئینی درآورده باشند ، ز یرادراوراق مانوي (شکل ٤٨)خو د خط مانوی مزین ومشجر یا گلدار وهندسی نیست ، بلکه صفحات وحواشی آنرا گل کاری یامصور ی‌کرده اند ، ولی خط تزئینی کو فی چنین است که خود حروف آ نرا باشکال دلکش تزئینی در آورده‌اند ومامی بینیم که این تمایل تز یین‌حروف کوفی در قرن نهم و د هم آهسته آهسته نشو ونماکرده‌ومخصوصاً برابنیه آنرا نوشته‌اندوشایددر کتابها یی که‌مرجع استفادهٔ مر دم‌بود ، آنقدر در تزئین حروف‌افراط نمیکردند .

مثلا سر لوحهٔ صفحات نخستین‌دو کتاب قدیم خطی کتاب الا بنیه بخط اسدی طوسی (٤٤٧هـ ١٠٥٥م)(شکل ٤٩) وتر جمان البلا غه بخط ارد شیر بن دیلمسپا ر قطبی‌درسنه‌٥٠٧ هـ ١١١٣م (شکل ٥٠)هردوبه کلمات (بنام خداوند بخشا یند ه بخشا یشگر) آغاز می یابد ، و لی تزئین حروف یکسان است‌که‌حرف(ش)کلمهٔ ٣ـ٤ را ازمتن بیرو ن کشیده وبالای آن بطور گلی‌آراسته‌اند، درحالیکه درمتن کتاب هیچگونه تز یین هنری مشهود نیست ، ولی‌تزئینات وتکلفات هنری در عین حروف کتیبه های ابنیه در همین‌عصر موجوداست . که نمونهٔ آن‌در خراسان در کتیبه های کو فی‌مسجد خر گرد وبنای سنگ بست عصر سلطان محمود غز نوی دیده‌میشود (۲)

در مسجد نایین شکل تزئینی بلند زا و یه دار خط کوفی نمایان است که درسنه ٣٥٠ هـ ٩٦٠ م‌کتابت شده (شکل ٥١) وبعد ازان درسنه‌٤١٨ ١٠٢٧ م‌درمقبرهٔ‌پیرعلمدار‌آنقدر باگل وشاخ وبرگ و اشکال

---

(۱) التنبیه والاشراف ٩٢ طبع‌قاهره ١٩٣٨ م
(۲) سروی آرت پرشیا ١٨٢٨

تزئینی آمیخته ،که انسان آ نــ را تنها خطو ط واشکال زیبا و نظــر ربایی می پندارد (۱) (شکل ۵۲)وهمین شیوه منقش در قرن ۱۲ م برطاق مسجد مغا ك عطاری بخا رادر غایت پیچیدگی بنظرمـی‌آیـد . (۲)

درخطو ط ابنیه چنانچه دیدیم ، تزئین وامتزاج نقوش و گلها و خطـ های هندسی غالب بـود ولـی درکتابها که‌مورد خوانش و احتیـا ج عامه بودند، حتی المقدور ازسادگی‌وخوانا بودن خط کار گرفته اند ، و در ینجاست که کوفی از امتزا ج‌نسخی دربین کتابها انواع متعـد د دارد، وهم خطی بمیان آمده کـــه‌ابن ندیم آنرا فیرآموز (معرب پیر آمو زفارسی) خوانده است ، وازنام آن پیداست که‌دربـیـن فارسی زبانان بوده ودنبالهٔ هر حرف آ ن‌بانیش قلم وبنازکی مو بـا حـرف دیگر پیوسته است و جنبهٔ تز ئینی‌آن غالب بـاشد ، کـه بـد ا ن مصحف می نوشتند . ونمو نهٔ یـك‌ورق قرآن باین خط در ذخایرمشهد رضوی موجوداست (۳) ودیگر کتاب‌صفات الشیعه تالیف شیخ صدو ق است که‌درسنه ۳٦۰ ه ۹۷۰م تالیف‌شده وآنرا بهمین خط پیر آ مـو ز تزئینی ، نصربن عبدالله قز و ینی‌درسال ۳۹۱ ه ۱۰۰۰ م نوشته(٤) که اکنون دریك مجموعهٔ شخصـی‌تهران است . (شکل ۵۳ و٥٤)

از قرآن خط‌کوفی سادهٔ آمیختـه‌بانسخی ذخایـر آستـان ر ضو ی مشهد وقفی ابوالقاسم منصور بـن‌محمـد هروی وزیر سلطان محمو د درسنه ۳۹۳ ه ۱۰۰۲م (شکل ۵۵)وقرآن وقفی ابوالبرکات رازی۴۲۱ه ۱۰۳۰(۵) (شکل٥٦) وهمچنین‌قرآن٤۱۸ه ۱۰۲۷م که بخامهٔ عیسی بـن عبدالله بلخی (٦) نوشته شده (کتا بخـانـهٔ میـلا ن Milan پدیدمی آید ، که در اوایل قرن۱۱جنبهٔ هنری خط کوفی قرآنی متما یل به‌نسخی در کتابها کم بود و اگـرمیخواستند آنرا مزین سازند بطور مشکول‌می نوشتند . مانند خـــط‌عثمان بن‌حسین وراق غـــز نو ی

---

(۱) سروی هنر پر شیا ۱۷٤٤لوحهٔ ۲٦٦
(۲) ابنیه وآثار تاریخی اسلا م‌در اتحادشوروی تاشکند ۱۹٦۳ م
(۳) گنجینه قرآن ۲۸
(٤) کتاب وکتابخا نه هـا ۹ ومسلم کالگرافی ۸
(۵) گنجینه ۳۵
(٦)سروی هنر پرشیا ۱۷۲٤

٤٦٦ هـ (؟)-١٠٧٣م (١) گنجینـهٔمشهد رضوی (شکل ٥٧) ولی بر ابنیه والواح آنرا زیباتر وبا شاخ و برگ وخطوط هندسی و الف های کشیده وزوایای قائمه نوشته اند.وآثار اقدم این گونه خطاطی درغزنه بر قبور سبکتگین وسلطان محمود در اوایل قرن ۱۱ پیدا ست ،وحتی بر قبر محمود دو نوع بسیارزیبای کوفی ور قاع دیده میشود .(شکل ۵۸ و ۵۹)

غزنه که مرکز سیاست و ثقافت آسیای میانه در قرن ۱۱-۱۲ بوده ازنظر خطاطی نیز غنی‌ترین مراکز بشمارمی‌آید وعلاوه‌برنمونه‌های نسخه های قرآنی که در صفحات گذشته نشان دادیم مخطوطات خاص این مکتب قرآن نویسی موجودند ، که آیات قرآنی رابخط کوفی مزین هنری برزمینه مشجر گل کاری نفیس باتشعیر زیبای حاشیه بصورتی نوشته اند، که تمام صفحه گل کاریست و خط آیات قرآنی با سیاهی پختهٔ سایه دار خیلی برجسته بنظر می‌آید ، ونمونهٔ بسیار زیبای این مکتب غزنه قرآنیست که در رمضان ٥٦٦هـ جون ۱۱۷۱ م بخط ابوبکر بن احمد بن عبیدالله الغزنوی نوشته شده (شکل ٦٠) ودر موزهٔ مصر موجود است (۲) وهم نسخهٔ دیگر قرآن درمجموعهٔ چستر بیتی Chester Beatty انگلستان است (۳) که عینا بهمین سبک نقاشی گلدار بر تمام زمینهٔ صفحات دارد، ولی خط آن کوفی متمایل به پیر آموزاست (شکل ٦١) وهمچنین قرآنی که در سنه ٥٠٥ هـ ۱۱۱۱ م دربست کنار هلمندنوشته شده (شکل ٦٢) (کتابخانهٔ ملی پاریس) بهمین سبك نسبتی دارد(٤) وهم قرآنی در گنجینه مکشوفه جدید مشهد رضوی بخط وتذهیب محمد بن عثمان وراق و مذهب غزنوی بدست آمده، که تاریخ وقف آن ٤١٤هـ است ویکی از آثار مغتنم مکتب خطاطی کوفی وتذهیب غزنه شمرده میشود .

درکتیبه های تزئینی کوفی بعداز نوشته های مراقد سبکتگین ومحمود ، بسا الواح سنگی ونوشته‌های دیواری در غزنه موجوداست ، مانند نوشته های کوفی دو منار غزنه که یکی بنام بهرامشاه (٥١٢-

(۱) گنجینه ٤٩
(۲) سروی هنر پرشیا ۹۳۰ وکالگرافی ٦
(۳) سروی ۹۳۱ کتاب و کتابخانه ۲۱
(٤) سروی ۹۲۷

۵۴۷ هـ ۱۱۱۷ـ۱۱۵۲م) و دیگری از سلطان مسعود علاءالدوله بن ابراهیم(۴۹۲ـ۵۰۸هـ۱۰۹۸ـ۱۱۱۴م)است وهم باستان شناسان ایتالوی درسالها ی بعد از ۱۹۶۰ م درعصرسلطان مسعود نمونه های ابیات دری رابه رسم الخط بسیار مزین کوفی بر سنگهای دیواری از زیر خاك بر آور ده اند (۱) که آنرامظا هر متکامل خط کوفی دراواخر دورهٔ غزنویان توان شمرد (شکل۶۳) والواح سنگی که از همین دوره دربست باقی مانده وهمچنان پارچه های نوشته های کوفی که بردیوار های قلاع غزنویان درلشکری بازار بست دیده میشود ، نیز از بقایای خطوط کوفی دورهٔ غزنویان است .

ازبقایای جامع اولیاء طرف شرقی بالا حصار غزنه ، محراب قد یمی است منقش وزیبا ، که باخط کوفی مزین گلدار وخط رقاع (دربین) مزین است وسنگی دران بخط ر قاع نوشته شده، که نام ظهیر الدوله سلطان ابرا هیم بران منقور است وازین برمی آید که در عهد سلطنت او (۴۵۱ ـ۴۹۲ هـ ۱۰۵۹ ـ۱۰۹۸م)بناشده باشد (۲) رجوع کنیدبه شکل (۶۴) وخطوط تزئینی کو فی گل دار بهم پیچیده رباط شرف سرخس(۳) درحدود ۴۵۰ هـ (شکل ۶۵) نیز نمودار این سبك خط تز ئینی است .

از دو لوحهٔ سنگی قبوریکه دربست باقی است۵۹۵و۶۱۱هـ ۱۱۹۸و ۱۴۱۴م ولو حهٔ قبر محمد بن اسمعیل غوری متوفا ۲۴ جمادی الاولی ۵۳۰هـ که ازهرات بدست آ مده(موزهٔ هرات) پدیدار است که خط سادهٔ کوفی متمایل به نسخی رابدون تزیین وگل پردازی نیز می نوشته اند و نمونهٔ آن در (شکل ۶۶)لوحهٔ مزار واقع هرات نشان داده شده است.

سیر تکامل تزئینی خطوط کوفی برا بنیه شکل غلو وافرا ط را بخود میگیرد ، که دردورهٔ سلجوقیان نمونهٔ آن بر قبرامام یحیی د ر جوزجان (شکل ۶۷) ومحراب او لیاء ومنار هاوسنگهای نقاشی شد ه قصر مسعود سوم در غزنه وبقایای ابنیهٔ لشکری بازار بست و چشت

---

(۱) کتیبه های کوفی قصرمسعود سوم در غزنه طبع ر و م ۱۹۶۶ م

(۲) ریاض الالواح ۱۳۸

(۳) دکتر عیسی بهنام ـ مجلهٔ هنر ۵۲ بهمن ماه ۱۳۴۵ ش تهران

ومسجد جامع هرات ازبنا هـا یغیاث الدین محمد سام ومنـا ر زبیای جام در قرن ۱۲ موجود ،ند(شکل ٦٨) که‌تکامل تـز ئـینی و نفاست هنری خط کوفی رادر دربارهای غزنو یان وغوریان نمایند گی میکنند وروشن می‌آید که سوا بـق‌هنری پیشن از دورهٔ تیموریان د ر افغانستان ،درتحت‌شرایط اقتصادی‌و اجتماعی هنر پرور سلطنت ها ی قو ی چگونه بوده‌است ؟

زیرا مادر همین عصر یك کتیبهٔخط عربی نامزین ونسخی شکسته را از بن‌چاهی در ویهنـــد کنـــاراتك بدست داریم ، کـه آنـرا در ٤٨٢ هـ ۱۰۸۹م یکنفر فقیه‌جوزجانی‌ابوجعفر محمد بن عبدالجبار بن‌محمد دربنای چاهی نوشته‌است‌واگراین‌خطرا درپهلوی‌خطوط معاصرابنیهٔ مجلل سابق الذکر بگذاریم پدید می آیدکه ارزش هنری خطوط تماماً مرهون پرورش ارباب اقتدار بوده و ابنیهٔبنا کردهٔ رجال مقتدر ، مظـاهـــر باشکوه هنـری خطا طا ن گشتــــه‌است .

ازکتابهای قدیم زبان فارسی که‌تاکنون دردست است کتاب‌الا بنیه عن حقایق الادویه بخـط ا ســد یطوسی در ٤٤٧ هـ ١٠٥٥ م قدیمتر (شکل ٤٩) وکتاب شر ح تعر فـ‌مکتوب ٤٧٣ هـ ١٠٨٠م (مــوزهٔ کراچی) کتاب دوم (شکل ٦٩) وکتاب هدایة ا لمتعلمین مـکـتو ب ٤٧٨ هـ ١٠٨٥م (کتابخا نه بادلیا ن‌اکسفورد)کتاب سوم (شکل ٧٠) دارای تاریخ معین تحریر شمـــرده‌میشوند ، که‌شیوه خط کتاب‌الابنیه بکوفی شبیه تر واسلوب دومــی وسومی به‌نسخی متمایل است . در حالیکه نسخهٔ خطی تر جمان البلاغه‌موزهٔ استانبول تـحر یـر ٥٠٧ هـ ١١١٣ م (شکل ٥٠)شبیه تر بـه‌کتاب‌الابنیه است . وازین پـد ید می‌آید کـه کاتبان در اختیار شیـوهٔتحریر تابع ذوق ورواج محیط خود بوده و در بین کوفی و نسخی شیوهای مختلف راپدید می‌آورده ا ند که بسهو لت قابل خواندن باشد .ودربین خط کتب، به‌تزئین ها وگل کاریهای فراوان هنری‌نمی‌پرداختند،الادر آغاز کتاب یاسر فصول کـه بایك سلیقه و ترکیب و تز ئیـــن‌بسیار مشابه در آغاز هـــردوکتاب الابنیه وترجمان البلا غه جمله (بنام‌ایزد بخشایندهٔ بخشایشگر) بخـط کوفی مزین کشش داری نو شـــته‌اند. درحالیکه متون هردو کتـــاب ازین گونه آرایش هــای هــنـر ی‌عاریست . وتمایل کاتبان بـطر ف سلیقهٔ خط نسخی وسادگی آنست‌ودرنوشتن قرآنها هم حتی المقد ور

خوانا بودن آنرا رعایت کرده اند.واز پیچ وتابهای تز ئینی کو فی که‌بر ابنیه موجود است در نوشتن‌قرآن خود داری داشته اند. و اگر هم بتزئین وپیچ وتاب دادن خطمی پرداختند درسر سور هاوپاره‌ها ومنازل قرآنی بوده‌است .

درهمین اوقاتست که خط نسخی‌در کتاب نویسی بسیار مستعمل است ومامی بینیم که‌بعد ازتر جمان‌البلا غه ٥٠٧ هـ ١١١٣ م در حدود (٢٥) سال خط نسخی از آ میز ش‌کوفی بکلی تغییر شکل داده و نسخی خالص بمیان آمده‌است که‌درنسخهٔ تفسیر ابوبکر عتیق سور- آبادی ٥٢٣ هـ ١١٢٨م بخط محمودبن گرگین تر کی دیده میشو د (نسخهٔ خطی اندیا آفس لندن طبع‌عکسی تهران ١٣٤٥ ش (شکل ٧) ولی درنسخهٔ خطی المختصر من‌کتاب الو قف تحریر عبد الله بن علي در ٥٢٦ هـ ١١٣١م برای‌ابوبکرعتیق بن محمد بن خسرو (کتاب خانه مرحو م محمد شفیع لاهوری)هنوزهم آثار کوچك کوفی در بین نسخی باقیست (عکس ٧٢) وبا یدبمو جب رسم الخط بسیار مهذب نسخی هدایة المتعلمین مکتو ب٤٧٨ هـ (نسخه بادلیان اکسفورد) رواج نسخی رادر کتب از اوا سط‌قرن پنجم هجری حساب کرد (شکل ٧٠) چون درحدود (٤٧٠ هـ) درجهٔ‌تهـذ یب وزیبایی نسخی رادر ین کتاب می بینیم ، باید خط نسخی‌متمایل به‌کو فی ٢٣ صفحه با قی ماندهٔ داستان وامق و عذرای‌عنصری(شکل٧٣) رامربوط بدورهٔ نسخی + کوفی درحدود (٤٥٠ هـ) بدانیم که‌نمایند هٔ یك دو رهٔ خط د ر افغانستانست (١)

ازرسم الخط قر آنی که در سنه٥٨٤ هـ بخط محمد بن عیسی بن

---

(١) این اوراق رامر حوم پر وفیسر محمد شفیع لاهوری دربین دفتین کتاب کهنه المختصر من‌کتاب الوقف یافت و تشخیص کرد که ازنسخهٔ گم شدهٔ وامق وعذرای‌عنصریست ودرین ٢٣ ور ق کهنهٔ خطی ٣٥٣ بیت آن مثنوی محفو ظاست . بروری اول یك فهر ست کتابهای مملو که صاحب سری زکی‌بن‌محمد بن‌علی عبدالحمیدالبامیا نی بخط تعلیق ابتدایی نوشته شده ،وباید که اصل نسخه مثنوی هم درافغانستان یا بامیان نوشته شد هباشد، که‌در ملك همین شخص بامیانی بود. اصل عکس این اوراق‌باشرح وتعالیق پروفیسر مر حو م در ١٩٦٧ م ازلاهور طبع و نشرشده‌است.

علی نشابوری برای سلطـا ن غـورغیاث الدین محمد بن سام نوشتـ
(٤ مجلد موزهٔ ایران باستان) پدیدمی‌آید که در خط نسخی شیوه های
ریحان و رقاع وتوقیـع بهم آمیخته‌شده‌است (شکل ٧٤)

درکتابخانهٔ خطی کابل مجمو عهٔرسایل متفر قه موجود است که از
بامیان بدست آمده ودرسنه ٦١١ هبخط دولتشاه بن حبشی تو لکـی
نوشته شده وخط آن نسخی دور ازشیوهٔ هنر یست و آثار کو فـی
دران مشاهد نیست وازین برمی‌آیدکه ازهمین او قات شیوهٔ نسخـی
وتعلیق آمیزش یافته بود (شکـل٧٥)

درقرن ١١و١٢ که آسیای میانه‌وخراسان درتحت اقتدار سیا سـی
غزنویان ـسلجو قیان ـ خوار ز مشاهیان ـ غوریان بود، هنر خـط
نویسی کوفـی ونسخی وثلـث بـافروع آنها در خـراسان فـراوا ن
پرورش دیده بود، واگر ما بقا یا یاین نوع خطوط رادر غز نه وهرات
وبست وبلخ ومشهدوسمرقند ودیگربلاد خراسان ـ بمعنی و سیـع آن
وقت ـ ببینیم مـی‌فهـمیم که قـر ن١٢ زمان ریـعان هـنر ی خطـو ط
عربی است که خامهٔ هنر وران‌چیره‌دست خراسان ، این هنر ارز نده‌و
بدیع را ازنشابور تا بخارا و سمرقند و شاش وطراز و غزنه‌وویهند
کنار سند پرو رانده است . حتـی‌بهمت غزنویان و غوریان افغا نـی
این متاع گرانبها در اواخر قر ن١٢بقلب هند ودهلی نیز رسیده بود.
که‌درسنه ٥٩٦ ه ١١٩٩م يك‌کا پی‌منارجام غور در مسجد قو ة الاسلام
بنام منار قطب ساخته شد (شکل٧٦) که‌اینك بحیث نمونهٔ نفـو ذ
هنرورسم الخط تزئینی خرا سا نی‌تاکنون دردهلی باشکوه وو قـا ر
عظیمی ایستاده وما می بینیم که‌بعدازمدت سه‌قرن هنر خراسـان ا ز
هرات وغور وغزنه بقلب هند نیـزرسیده بود ودر تحت اثر قـو ی
محرکات سیاسی وعقیدوی‌واقتصادی‌گسترش ونشو نما می یافت‌و اغلب
شاهان ومقتدران می خواستند بـابنای کاخها ومنار هاو مساجد مجلل
ومزین مراتب قدرت خود را تبـارزدهند وبران ابنیهٔ معظـم بجـا ی
تصاویر انسانی ، خطو ط نظـرربای بسیار زیبا ونقوش مواد غیر
حیه رابنو یسند و برای این کارخط‌کوفی برازندگی تمامی داشت . و
حتی تماماً بشکل گل کاری ونقاشی‌بدیعی درامده میتوانست.

خط کوفی باانواع متکامل خـو دبرابنیه بصورت تز ئینی ودرنسخ
قرآن وکتب دیگر مقارن با خـطنسخی نشو ونما نمود، وتا آغا ز
قرن ١٣ وخروج مغل درتمام کشورهای اسلامی بافروع خود مـور د

استعمال و تبارز هنری مردم بود. مثلا در گنبد مرقد ملك غیاث الدین غوری درمسجد جامع هرات ر قا ع ریحانی بسیار زیبا و ناهی برابنیه رقاع وریحان وثلث ومحقق وثلث خاص کتیبه نو یسی با الف ها ی کشیده وهم محقق شجری وثلث طغراو ثلث تعلیق نما ودیگر شیو های مخلوط این خطوط دیده میشود وهم خط نسخی آ نقد ر مهذ ب و پرورده گر دید که شکل کا مل هنری را گرفت ونمونهٔ آن در قرآن خط عبدالله صیر فی ۷۲۰ ه ۱۳۱۹ م گنجینهٔ مشهد رضوی د یده میشود. (شکل ۷۷)

اگرچه چنگیزیان درمد ت نیم قرن اول خرو ج خود، بسا ابنیه ؤ کتابها را در سمرقند وبلخ ومروونشاپور وهرات وسیستان و دیگر بلاد معمور آنوقت ازبین بردند ودرین جمله هنرمندان وعلما نیز تلف شدند وبرخی به ممالك دو ردست عثمانی وهند گریختند ،ولی بعدازیك قرن حکمرانان مغل نیز با ثقافت وهنرخراسانی درماوراء النهر و افغا نستان وایران آشنا یی یافتند ، ودرین میانه برخی ا ز حکمرانان محلی مانند آل کرت هرات وامرای پارس ازدر مدارا با مغلا ن پیش آمدند وبه حفظ هنر وکلتورخود توجه کردند . چنانچه از آثار این دوره درهرات نمو نه های گرانبها ی خطاطی برمقابر وابنیه دورهٔ آل کرت باقیست واین آثا رهنری رامایك حلقهٔ وصل وپیوستگی هنری بین دورهٔ قبل از مغل وآغازرنسانس هنری تیموریان میدانیم ، که مواریث گرانمایه هنری مردم عصر غزنویان وسلجوقیان وغوریان را به رنسانس تیموریان انتقال داده اند.

از آثار خطاطی این دوره خط ثلث عالی بشیوهٔ قدیم بر لو ح مزار خواجه شهاب الدین عبدالله غا وردانی هرات است در سنه ۷٤٤ ه ۱۳٤۳ م وخط توقیع نمای مزارجوانی در خاك شیخ ابو العلا در محرم ۷۵۹ ه ۱۳۵۷ م وخط تو قیع تعلیق نمابر مزار طغر ل بن امیران فوشنجی درباط پی غربی هرا ت از ۷۵۶ ه ۱۳۵۵ م وخط رقاع تعلیق نمای سلطان شاه درسنه ۷۷۷ ه ۱۳۷۵ م برظرف هفت جوش جامع هرات که بامر سلطان غیاث الدین محمد کرت ساخته شده است (شکل ۷۸)

فراموش نباید کرد: که در مد ت پنج قرن اول دورهٔ اسلامی، هنگامیکه خط کوفی باانواع آن در عراق وخراسان وماوراء النهر پرو ر د ه میشد ، یك شیوهٔ خاص شمالی آن از قفقاز تاخوارزم در شمال وجود

داشت کــــه پیچیدگی و ابهـــام‌واعـــو جاج خاصی دران‌مشهوداست ونمونهٔ قدیم آنرا د ر سال ٤٧١ ه‍١٠٧٨م بر کتیبهٔ چـهار سطــر ی مسجدالرشید بن محمد بن‌ابی بکردرباکو توان دید (شکل ٧٩) وبعد ازان برکتیبهٔ آرامگاه یـو سف بن‌کبیر در ٥٥٧ ه ١١٦١م نو عی‌ازین شیوه دیده میشود (شـکل ٨٠) وبقایای همین روش مهذب شـده بر لوحهٔ قبریست که در٦٧٠ه‍ ١٢١٧ م کنده‌شده (١). وهم دراور گـنـج کهنه درقرن ١٢ بالای مدخل‌عمارت‌مشهور به‌قبر فخر الدین رازی (؟) نوعـی ازان درکنـده کـار ی گـل‌پخته بانقوش ظریف گل وبو تـه موجوداست . (شکل ٨١)

حدس من اینست : که این نوع‌کوفی نویسی شمالی قفقازوخوارزم مبداء خط ناشناسی است‌که‌نمو نـهٔ‌متأخر آن در یك مصحف مشهـــد رضوی موجوداست و دا نشمنـــد گلچین معانی آنرا «خـط با بـری » اختراعی محمد بابرشاه مـو سس‌سلسلهٔ تیموری هندمی‌داند .

خط بابری :

مورخان دورهٔ تیموریان هندمانندعبدالقادر بداونی در منتخب‌التواریخ وعلاءالدوله قزوینـی در نـفا یس‌المآثر وابوالفضل در اکبر نا مــه وخواجه نظام الدین احمد هــرو ی‌درطبقات اکبری وخو د بـا بــر درتزك خود خبرمیدهند : که ایـن پـادشاه (٨٨٨ـ٩٣٧ ه ١٤٨٣ ـ ١٥٣٠م) خطی اخـــتراع کـــرده ونسخهٔ قرآن بدان خط نوشته و به مکه فرستاده بود (٢).

در کتابـخانــهٔ مشهد رضـــو ی‌مصحفی بخط ناشناخته با کا غـذ وتذهیب کشمیری موجود ا ســت(نمبر ٥٠) وقفی شاه حسین صفو ی در ١١١٩ ه که نخستین بار درنا مه‌آستان قدس (نـوروز ١٣٤٤ ش) معرفی شد. ودانشمند گلچین‌معانی‌آنرا بهمان خط اختراعی بابر شا ه شمرد (٣) .

در تحقیق این خط میرمن‌دانشمندصباحت عظیم جانوا رئیس موسسه تحقیقات شرقی اکادیمی او ز بـك(تـاشکند) در جنوری ١٩٦٤ بـه

---

(١) مسلم کالگرافی ٢٢ـ٢٣
(٢)منتخب ١ر٣٤٣ واکبر نا مه١ر١١٨ وطبقات ٢ر٢٧
(٣) گنجینهٔ قرآن ١٧٨

مجلس بیست وششم بین المللی مستشرقان دردهلی مقالتی تقدیم داشت که بابراین خط را در سنه ۹۱۰ هـ ۱۵۰٤م اختراع کرد ونمونه الفبای آن در کتاب خطی عجایب الطبقات محمد طاهربن قاسم موجود است که درسنه ۱٦٤٥ م در بلخ بامر سید ندرمحمدخان تالیف شده ،و نسخ متعدد خطی آن در کتابخانهٔ تحقیقات شرقی اکادیمی علوم اوزبکستان محفوظ میباشد . (۱)

درین مقاله عکسی از عین نسخه خط بابری داده شده (شکل ۸۲) که ابدا بانسخهٔ مصحف آستان قدس (شکل ۸۳) برابری ندارد (۲) و اشکال حروف عجایب الطبقات کلیدی برای حل اشکال حروف این مصحف شده نمیتواند و مااختلاف اشکال هردو متن را در (شکل ۸٤) نشان داده ایم .

بهر صورت مبدأ خط مصحف مشهدرضوی بیقین معلوم نیست ، ولی شباهت تام آن باخط بالای درب عمارت اورگنج (شکل ۸۱) بنظر می‌آید وشاید ربطی باشیوهٔ شمالی قفقازی داشته باشد .

---

(۱) مجلهٔ سنترل ایشیار یویوجلد ۷ص ۲_۱۹٦٤م

(۲) عکس چهار صفحهٔ این مصحف شریف بوسیلهٔ جناب آقای محمود فرخ دانشمند وشاعر معروف خراسان بمن رسیده است که درینجا ازیشان صمیمانه تشکر میکنم.

دورهٔ عروج خطوط

در اواخر قرن ۱٤ امیر تیموردرآسیای میانه امپراتوری و سیعـــی تشکیل داد، که تــمــام ممــا لــك‌ماوراء النهر و افغانستان و ایران رادر بر میگرفت . چون مردم این امپراتوری مواریث هنری دو ر ۀ غزنویان وغوریان وخوارزم شاهیان‌وسلجو قیان رابا آثار هنر اسلامی ازغرب وهنر چینی وهندی‌و مغو لی‌ازشرق پیش روی داشتند،هنگامیکه شاهرخ پسر امیر تیمور در آغــازقرن ۱۵ درهرات مر کز امپراتوری خودبنشست ، وی مواریث هنر رادرسمرقند وهرات پرو رانید و این شهر مرکز رنسانس هنری آسیای‌میانه‌گردید ومخصو صاً هنر کتاب نویسی بمعراج خودرسید و ابنیـــۀعظیمی که‌بران کتیبه های ز یبـــا بانواع خطوط تز ئینی موجود است‌ساخته شدند . واین مکتب هنری هرات تااواخر عصر سلطان هنــــرپرور حسین بایقرا واواخر قرن ۱۵ درهرات دوام کرد. وبعد ازان دیده‌میشود که هنرهای خطاطی، نقاشی، مصوری ،کتاب سازی ، میناتــو رازین پرورشگاه رنسانس هنر ی به بخارا و اصفهان وتبریز و هندانتقال‌کردند.

درین رنسانس هنر استعدادخلاق‌مردم هرات وتمام ملل‌امپرا تو ری تیموریان هرات ازمرزها ی چیــن‌تاتبریز‌کار میکرد ، و بنابرین هــرات رادران اوقات مرکزی باید پنداشت‌که خلاقیت هنری تمام این مـــردم دران جا فعالیت داشت و هزارا ن‌نفر هنر مند ـ خطاط ـ مصـــو ر ـ مذهب ـ نقاش‌ـ جلدساز ـمعما رـکاشی‌سازـ رنگ ساز و غیره در تحت پرورش رجال هنر خواه امپراتــوری تیموریان به تخلیــق آ ثـــار خا لد هنری می‌پرداختند .

رنسانس هنری هرات آ ثـــا رجاویدانی رادرشقوق مختلف هنری آفرید ، که این کتاب کو تاه‌حوصلهٔشرح آنرا ندارد وباید اندران باره کتابها نوشته وپرداخته آید ، و لی‌من درینجا دو شهکار جهانی ایــن مکتب هنر را یاد آوری‌میکنم:

اولین اثر خـــالد ایـــن د بستان‌نسخهٔ خطی شاهنامـــهٔ فـــر دو سی موزهٔ گلستان تهران است در سنه۸۳۳ ھ ۱٤۲۹م بخط جعفربایسنغری که از لحاظ خط ـ نقاشی‌ـمصوری‌ـکاغذ ـ تذهیب ـ جلد وصحافی به تشخیص متخصصان بین الملـــلی ،گرانبها ترین کتب جهان شمر ده

شده ونمایندۀ عالی ترین‌مرحلۀکتاب‌سازی انسا نیست . (شکل ۸۵)
دوم مسجد گو هر شاد آستان‌قدس مشهد است که بهمت ملکۀ دربار هرات گو هر شاد وشهزادگان‌هنرمند وهنر دوست تیموری در۱۲ سال تحت نظر قوام الدین معمـا رساخته شده وازنظر معماری سبك خاص خراسانی و تزئین و کا شـی‌کاری وخطاطی درزمرۀ دوازده بنا ی بسیار عالی تاریخی دنیا وشهکـا رهای انسانی گـذشته محسوبست و بنای آن در حدود ۸۲۱ هـ ۱٤۱۸ مختم شده است . (شکل۸٦)
چون مو ضوع مشخص ا یــن‌جستجو ی ماتنها خطـا طی دو رۀ تیمور یان هرات است ، بنابر یـن‌از خلا قیت های دیگر هنری ایـن دوره گذشته وتنها دربارۀ خطاطی‌لمی شرح میدهیم :
گفتیم که هنر خطاطی دربین ملل‌مسلمان ازقرن ۸ بدینطرف مرا حل تکامل خودرا در مدنیت اسلا مـی‌بنحو احسن پیمود و بجای هنــــر مصوری مکتب گندهارا و ما نـــی‌وسوابق تصویر سازی امپرا توری نوشانی وساسانی وبیـزانتـین وجریانهای هنر چینی وبودا یی هـم ایستاد و بنابرین در ابنیۀ دینی‌بطورتزئینی بکار رفت. اگر چه شاهان درکاخهای شاهی خویش گا هـــی‌دیوار های نگارین و مصو ر هــم داشتند که‌بر بقایای قصـر هـا ی‌لشکری بازار بست تصاویری‌نمایان است (شکل ۸۷)وهم‌بیهقی مور خ‌دربار غزنه ازیك خانـۀ مصـور و نگارینی که‌شهزاده مسعود در با غ‌عدنانی هرات ساخته بودخبرمیدهد، ولـــی ایـن عمل شهـــزاده مـوردباز پرس ورنجش پدرش سلـطا ن محمود واقع گردید (۱) واز همیـن‌داستان می‌دانیم که گویا برابنیـۀ دولتی تصاویر رنگین را با احتیاط‌بکار می‌بردند ، ولی ابنیۀ دینی و معابد ومقابر ازان خالی بود، وبجای‌تصاویر ، انواع خطو ط تز ئینـی وگل کاری ها ونقوش غیر جاندارا بکار می بردند که همین عـا مـل دینی واخلاقی محرك پـرو ر ش وایجاد ورواج انواع خطوط تزئینـی در هنر اسلامی گردید ، وهزارا ن‌نسخۀخطی مزین ومنقش ومطلا ر ا از قرآن نوشتند و یابر ابنیۀ خـودانواع خطو ط تزئینی ونقا شی های گوناگون راباقی گـذاشتند و همین‌نظر دینی موید پیدایش خطـــو ط وخطاطان بسیار ماهر چیره د ست‌وخلاقی‌گردیدوبرابنیه‌دینی هنر د ر قالب عقیدۀ دینی ریخته شد ،وتوجه‌بهنر خطاطی در عصر تیـموریا ن

---

(۱) تاریخ بیهقی ۱۲۱

بدرجه یی بود که شهزاد گان این‌خاندان مانند بایسنغر وابرا هیـــم وبدیع الزمان نیز خطاطان ما هـــربوده‌اند .

از آغاز قرن ۸ تاقرن ۱٦ درمدت۷قرن از خـط کـو فی و نسخـی سادهٔ اوایل دورهٔ اسلامـی فـروع‌هنری بوجود آمد، که نامهای انواع آن خطوط به‌پنجاه میرسد ، و لـی‌درقرن ۱۵ م «اقلام‌سته » ذ یــل بطور خطو ط ا سا سـی و جـو ـداشت:

نگارمن خط خوش مینویسد بغایت خوب ودلکش‌مینو یسد
مناشیرومحقق ، نسخ وریحان **رقاع وثلث** هرششش مینویسد

برابنیه وکتب دورهٔ تیموریـــان‌خط کوفی باانواع تزئینی آن نمودار است از انجمله خط مشجر مشکو ل‌ببیرونی گنبد گور امیر تیمور را در سمرقند ۸۰۷ ه ۱٤۰٤م وهم د رمدرسهٔ الغ‌بیگ ۱٤۲۰م و مر قـد خواجه احمد یسوی در تر کستان‌زقرن ۱٤ وهـم بربرخی از ابنیـهٔ تیموریان در هرات وبلخ و کوهسان‌هرات وانواع معـقلـی و مقفـل و هندسی آن درخشت کاریها ی‌مسجدگوهرشاد ومدرسهٔ الـغ بیگ وشاه زنده سمرقند ودیگر ابنیهٔ آ نو قت‌وهمچنین درسـر سـور هـا ی قرآنی مکتوب این عصر تـو ا ن‌دید.وازین برمی آید که‌کوفی نویسـی درین عهد به‌تکامل نهایی خـــو درسیده بود. (شکل ۸۸)

درپهلوی تکامل وتنوع هفت‌قرنهٔ‌خط کوفی، تهذیب وهنری شـد ن نسخی نیز جریان داشت ودر کتاب‌های فارسی روش کوفی مخلو ط با نسخی درجریان این قرون دیـــده‌میشود، ولی چو ن نسخی جنبـهٔ تزئینی کمتر داشت بر ابنیه آنــرا نمی نوشتند واز تهذیب و هنـری گردیدن کوفی ونسخی بود کــه‌ثلـث با فروع خود محقق وریحا ن ورقاع بوجود آمد، وبرای نـوشته‌های دفاتر ومناشیر خطی ازامتزا ج نسخی وفروع ثـلث بنام **توقیــع**یا **مناشیر** رواج یافت که نـوشتن آن سهل وزود وبدون تکلفات‌هنری‌وبدیعی بود . ونمونهٔ اینگو نه خلط وامتزاج فروع ثلث رادر نسخـــهٔ‌کتاب التفهیم البیرونی (کتابخا نهٔ مجلس تهران) توان دید که د ر۵۳۸ ه ۱۱٤۳م نوشته شده است . (شکل ۸۹)

خطاطان وهنر مندان خـلا ق درامتزاج این شیو ه ها و پیدا یش اسلوبها ی خصو صی هنری در هرعصر دستی داشتند وبنابر یـــن

امتیاز انواع ایــن خطوط ممــزوج‌وتعیین نام هر شیوه‌دشوار است.
برابنیه و مقابر و کتب مر بوطرنسا نسں تیمو ریان در مملکتی‌که مــورخ دربــار آن عصر عبدالرزاق سمرقــندی آنــرا **خــراسان** گوید نمونه‌های ذیل دیده‌میشود :

اول : انواع متعدد ومتکامل‌کوفی‌که چند نمونهٔ آن گفته شد.
دوم: ثلث بسیارپخته ومتکامل‌مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکــل ۹۰) و شصت ورق قــرآن بخط شیخ محمــد طغرائــی‌تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰٦ مو شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع‌شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳م (شکل ۹۱)و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱٦م (شکل ۹۲)و قرآن به خط نسخ وثلث و رقا ع بسیار عالی عبدالله طباخ هــروی‌مورخ ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) درگنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیــه نیز انواع متکا مــل و بسیار زیــبای خــط ثلث نمایان است مانــنـد خطو ط ثلث و ریحان‌ومحقق و رقــاع منــارها ومســجد جامع وگازرگاه هرات و ابنیه دیگرآن شهر وثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابــدال‌در قنــدهار و خطوط متعــدد ثلث و ریحان با یسنغر بــن شاهرخ برپهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجــد گــو هرشاد مشهــددر سنه ۸۲۱هـ ۱۴۱۸م .(شکل۸٦)

ابنیهٔ دورهٔ تیموری در گازرگاه‌هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط‌ثلث و کــوفــی و معقلی و ریحان و رقاع ونسخی و محقق و توقیع‌مظا هــر بــر جستــهٔ هنــر خــط نو یسی رنسانس تیموریان است ،واز آن جمله سنگ تاریخ مصــلای هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی‌عصر شاهرخ است کــه در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱هـ ۱۴۳۷ بقلــم جلال‌جعفر نوشته‌شده‌است(شکل۹٤)واین شخص فرزند خطــاط معروف جعفر با یسنغر یست که نمــونــه‌های خطوط پدر وپسر هردو برابنیهٔ هرات موجود است ،همچنین قبــرشیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸هـ ۱۴۳٤ م در گازرگاه خط ثلث‌بسیارعالــی دارد .و مادر ینجا نمــونــهٔ بسیار عالی خط ثلث را از بقایای‌بنای محرابی در هرات گرفته ایــم (شکل ۹۵) کــه در قصبــهٔ حوض‌کرباس غربی شتهر هرات درمسجد

امتیاز انواع ایـــن خطوط ممزوج وتعیین نام هر شیوه دشوار است.
برابنیه و مقابر و کتب مر بوطرنسا نس تیمو ریان در مملکتی که مــورخ دربــار آن عصر عبدالرزاق سمرقــندی آنــرا خــراسان گوید نمونه‌های ذیل دیده‌میشود :

اول : انواع متعدد ومتکامل کوفی که چند نمونهٔ آن گفته شد.
دوم: ثلث بسیار پخته ومتکامل مانند هفت ورق قرآن بخط شهزاده بایسنغر بن شاهرخ متوفا ۸۳۷ هـ ۱۴۳۳ (شکــل ۹۰) و شصت ورق قــرآن بخط شیخ محمــد طغرائــی تحریر ۸۰۹ هـ ۱۴۰۶ م و شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ تحریر ۸۲۷ هـ ۱۴۲۳م (شکل ۹۱)و قرآن بخط خواجه عبدالله مروارید متوفا ۹۲۳ هـ ۱۵۱۶م (شکل ۹۲)و قرآن به خط نسخ وثلث و رقا ع بسیار عالی عبدالله طباخ هــروی مورخ ۸۴۵ هـ ۱۴۴۱ م (شکل ۹۳) درگنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیــه نیز انواع متکا مــل و بسیار زیــبای خــط ثلث نمایان است ماننــد خطو ط ثلث و ریحان ومحقق و رقــاع منــارها ومســجد جامع وگازرگاه هرات و ابنیه دیگرآن شهر وثلث تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سید حسن ابــدال در قنــدهار و خطوط متعــدد ثلث و ریحان با یسنغــر بــن شاهرخ برپهلوی ایوانها و پیشانی و گنبد های مسجــد گــو هرشاد مشهــد در سنه ۸۲۱هـ ۱۴۱۸م .(شکل۸۶)

ابنیهٔ دورهٔ تیموری در گازرگاه هرات و مشهد رضوی و سمرقند و بخارا در استعمال اقسام خطوط ثلث و کــوفــی و معقلی و ریحان و رقاع ونسخی و محقق و توقیع مظا هــر بــر جستــهٔ هنــر خــط نویسی رنسانس تیموریان است ،واز آن جمله سنگ تاریخ مصــلای هرات بخط جلی ثلث بسیار عالی عصر شاهرخ است کــه در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه گوهرشاد در سنه ۸۴۱هـ ۱۴۳۷ بقلــم جلال جعفر نوشته شده است(شکل ۹۴)واین شخص فرزند خطــاط معروف جعفر با یسنغر یست که نمــونــه‌های خطوط پدر وپسر هردو برابنیهٔ هرات موجود است ،همچنین قبــر شیخ الاسلام محمد بن احمد ۸۳۸هـ ۱۴۳۴ م در گازرگاه خط ثلث بسیار عالــی دارد .و مادر ینجا نمــونــهٔ بسیار عالی خط ثلث را از بقایای بنای محرابی در هرات گرفته ایــم (شکل ۹۵) کــه در قصبــهٔ حوض کرباس غربی شتهر هرات درمسجد

کوچك کهنه یی باقی مانده استوآنرا نمونهٔبسیار گرانبهای خطاطی و سبك تزئین بنا از هرات دورهٔتیموریان گفته میتوانیم ،که شاید خط یکی از اساتید مانند جعفر یاپسرش باشد .

وهم بربالای محراب مسجد بلندومدرسهٔ میر عرب بخارا خط ریحان جلی بسیار عالی کتیبه نویسی ازقرن ۱٦ (شکل ۹٦) وبر اطراف طاق نماز گاه بخارا نمونهٔ معقلیقرن ۱٦ (شکل ۹۷) و در مدرسهٔ میر عرب بخارا ومسجد بی بی خانمسمر قند اواخر قرن ۱٤ نمونهٔ

بسیار عالی جلی ثلث (شکل ۹۸) و همچنین ثلث جلی ومتوسطمتمایل بریحانی برلوح مرمرین حکیم ترمذیدر قرن چهارده وخط رقاع ریحانی بسیار عالی در مقبرهٔ جنوبی او زگند ۱۱۸٦ م نمایان است .(شکل ۹۹)

در ینجا باید یاد آوری کرد :کهازآغاز قرن۱٤ در ترکستان شیوهٔ خاصی در ثلث وریحان و رقاع و نسخی بوجود آمده بود که «**شیوهٔ ترکستانی**» باشد و آنرا مخلوطی ازثلث وریحان و محقق توان گفت کهنمونهٔ آن قرآنباترجمهٔترکی چغتایی بخط محمد بن شیخ یوسف اباری سید الخطاط ۷۳۷ ه۱۳۳٦م گنجینهٔ قرآن مشهد رضوی است (شکل ۱۰۰)و در همینگنجینهٔ قرآن بخط ثلث شیوهٔ ترکستان قرآنی از قرن ۱٦ نیزموجود است (شکل ۱۰۱) که این شیوه خاص ترکستانی را درخطوطقرن ۱٤ ـ ۱٥ در آسیای میانه فراموش نباید کرد مخصوصاً نمونهبسیار زیبای جلی متمایل بهتعلیق درتاریخ یکیاز بناهای شاه زندهٔسمرقند در۷٦۲ ه۱۳٦۰ موبرسنگ مرقد قثمبن عباس درسنه ۱۳۳٤موبربالای ایوان قبر بیان قلی خان دربخارا ۱۳٥۹ م.(شکل ۱۰۲) .

سوم : چنانچه گفته شد خطوط عربی درخراسان تحول یافت ودر طول قرن سیزده علاوه بر اقلام سته یك قلم جدید دیگر (که کاملا محصول ذوق و سلیقهٔ مردمخراسانبود) متدرجاً بوجود آمد ، که آنرا **تعلیق** گفتند ومخلوطیبود ازنسخ ورقاع و توقیع و چون این خط در مراسلات سرکاری وعامه استعمالگردید آنرا **ترسل** هم گفتند ومولانا جامی گفت :

کاتبان را هفت خط باشد بطـرزمختلف

ثلث وریحان ومحقق ،نسخ‌وتوقیع‌ورقاع

بعد ازان **تعلیق** آن خطست کش‌اهل‌عجم

ازخط‌توقیع استنباط کـردند ، اختراع

تعلیق نسبت‌به‌خطوط دیگرپیچ‌پیچیده‌بود وبنابرین قا آنی آنـرا بـازلف خوبان تشبیه نمود: «ای زلـف تـو پیچیده تـر ازخط **ترسل**» خط تعلیق بر کتیبه وابنیه نوشته نمی شد ،وگاهی در کتب وعموما در مراسـلات استعمال میشد .

از صفحهٔ اخـیر نسخـهٔ خطی‌طبقات الصوفیه کـتابخانهٔ نا فذ پاشا دراستانبول که‌با نسخی‌پخته‌به‌خط دمتاش بن عبدالله د ر شعبان ۶۷۲ هـ ۱۲۷۲م غالباً در خـراسان‌نوشته شده ثابت می آید که خـط نسخی درین زمان متمایل به تعلیق‌گشته بود ، زیرادرین صفحهٔ اخیـر نسخه سطوری مشابه به‌خط تعلیـق‌از قلم همین کاتب دیده میشود(شکل ۱۰۳) وبنا برین آغاز تعلیق را یك‌قرن پیش از خروج امیر تیمور باید دانست، زیرا برگور همین امیر درسمرقند خطی که تعلیق نسخ آمیز متمایل به ثلث باشد دیده می شودرهم نمونهٔ نسخ تعلیق آمیزصفحات اخیر نسخهٔ اسرار التوحید کتابخانه‌سلیم آغادر استانبول است که در سنه ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م‌به‌خط محمد صالح برای قاضی علی جوینی در خراسان نوشته شده ، که‌آن رانمونه‌رواج تعلیق گفته می‌توانیم .

(شکل ۱۰٤)

از کتیبهٔ مرقد قثم بن عباس د رسمرقند نیز پدید می‌آید که‌در حدود ۱۳۳٤م خط نسخی‌وثلث‌ماوراء النهرنیز به‌تعلیق متمایل بود وبمادراشکال (٤۹ــ۵۰ــ۶۹ــ ۷۰ ــ۷۵) نمو نـه‌های تحول خط نسخی و کو فی رابه تعلیق بالتدریج دیده می توانیم‌وشایدنمونهٔ تبدیل تدریجی نسخی بـه تعلیق همان قباله زمین باشد که دکتور هورنل Hoernle یافت ومر گلیوث Margoliouth تاریخ آنرا ٤۰۱هـ ۱۰۱۰م خواند(۱) وهم بیلین Belin در کتیبهٔفارسی مسجد کهنه ارض روم بـر دیواری نوشتهٔ منقوری‌یافته‌بود که‌درسنه۳۱۵هـ ۹۶۰م‌نوشته‌شده(۲) وخط

---

(۱) جورنال ایشیاتیك سوسایتی۷۶۱ بابت اکتوبر ۱۹۰۳ م

(۲) همین مجله ۲۷۶ طبع ۱۸۵۲م

مدور متمایل به‌نسخ و نستعلیق(؟)(توقیع) داشته است، که‌حلقهٔ‌وصل با کوفی زاویه دار شمرده می‌شود،واز اسناد جدیدی که‌در بارهٔ قدمت شیوهٔ تعلیق بدست آمده ، سطو رآخرین نسخه قرآنیست که‌در حوت ۱۳۴۸ ش از ذخیرهٔ قرآنهای آستان‌رضوی مشهد دریك پسخانهٔ مسدود یافته شد واین عبارت در آخر آن به‌خط تعلیق خوانده میشود: «فرغ من کتبه‌یوم الثلثا السابع من ذی‌الحجه‌روز بهمن من شهراسفند از مدسنة خمس عشر واربع مائه» واقف این‌نسخـهٔ قـرآن ابـوالوفـانام‌داشت که درهمین سنه ۴۱۵هـ وقف کرده‌است (۱) ،وازین هم برمی آید که خط تعلیق دراوایل قرن پنجم‌هجـری‌هم نوشته می شد ،وهم شیوه های توقیع و تعلیق گاهی باهم‌آمیخته‌بود.

ازین اسناد حدس بایدزد ، کـه‌مبادی خط تعلیق قدیمتر است ودر قـــرن ۱۳ ـ ۱۴ راه خـــو د را به رواج عمومی وهنری شدن‌تزئینی کشوده است ، که‌نمونه‌های آن را در خطوط بسیـار استادانـهٔ زیبای تعلیق نویسان دورهٔ تیموریان خواجه‌تاج‌الدین و خواجه اختیارهروی‌منشی سلطان حسین بایـقرا وعبـدالحـی‌منشی ابوسعید میرزا وخواجه‌عبدالله مروارید هروی توان دید .(شـکل۱۰۵ ـ ۱۰۶) .

چهارم: در نصف اخیر قرن ۱۴م‌ازامتزاج و تلفیق هنری نسخ‌وتعلیق خطی بسیار زیبا ودارای ارزش‌بدیعی‌به‌وجود آمده بود، که‌آنرا نستعلیق گویند ،ونام آن‌هم دلالت بر آمیزش‌نسخ وتعلیق دارد .

اگرچه واضع نستعلیق را میرعلی‌تبریزی قبلة الکتاب (حدود ۷۹۰ هـ ۱۳۸۸ م)دانند وخطاط سلطان علی‌مشهدی گفته است :

نسخ تعلیق گرخفی و جلـی‌است
واضع‌الاصل خـواجه میرعلی‌است
وضـــع فرمـود او ، ز ذهن‌دقیـق
ازخط‌نســخ و ز خـــط تعلیـــق

مگربه قول ابوالفضل علامی دردیباچهٔ (مرقع شاهی) بـر خـی از قطعات خط نستعلیـق پیش‌از عصرتیمـــو ر یعنـــی ۷۷۱ هـ ۱۳۶۹ م

---

(۱) این نسخه‌را نویسندهٔ ایـن‌سطور درحمل ۱۳۴۹ دیده‌ام .

بنظر آمده وخود نویسندهٔ ا یـــن سطور هم نمونه های نستعلیق ر ا پیـــش ا ز یـــن عـــصر د یــده‌ام . چنـــا نچـــه کتـــاب مجمع‌ـ النوادر تالیف محمد عو ض بـــن بختـــی شو ع بخط نستعلیق نگاشته ۷۸۵ هـ ۱۳۸۳م دیده شده ، کـــه معاصر میرعلی است درکمال نفاست و نضـــج ، وباید پیش از ین عصر مراتب آغاز وپختگی را طی کـــرده باشد. وهم نسخهٔ خط نستعلیـــق بسیار مهـــذب وپختهٔ زیبای طبقات ـ الصو فیه انصاری در کتابخانه نورعثمانیه استانبو ل بقلم نستعلیـــق نیمه جلی درویش صو فی در ۸۳۹هـ ۱٤۳٥م موجوداست (شکل ۱۰۷) که معاصر اواخر عمر مـــیر علـــی تبریزی باشد . و اگـــر واضـــع آن خط زامیر علی بدانیـــم نتوانیم گفت: که دز همان عصر نستعلیق نویسا ن معاصرش هم بدان درجه پختگـــی ونضـــج هنری نستعلیق ر ســـیده باشند. واز ین روست که غـــلا م محمد هفت قلمی دهلوی مولف «تذکرهٔ خوش نویسان » درحدود ۱۲۳۹ هـ ۱۸۲۳ م می نویسد : «که پیشتـــر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند ، لیکن این مرد بزرگوار قواعد در خط نستعلیـــق مقرر نمود.»(۱) بنابرین زمان آغاز نستعلیـــق هـــنری راحـــد ود ۷۰۰ هـ ۱۳۰۰ م تعیین باید کرد، در حالیکه اساس آن درخط تعلیق پیش ازسه قرن گذاشته شده بود.

ماسندی دردست داریم که نمونهٔ نستعلیق نویسی را دراواخـــر قرن هشتم هجری بخط یك هروی نشان میدهد ، بدین معنی که نسخهٔ خطی کتاب عجایب المخلوقات فا ر سی به نستعلیق خالص مورخهٔ ربیع الاول سنه ۷۹۰هـ درکتابخانهٔ ملی پار یس موجود است (۳۳۲ تکملهٔ فارسی) که درآخر آن نوشته اند: بتا ریـــخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هر وی عفی عنه .»

این کتاب برای کتابخانهٔ سلطازاحمد خان (شیخ اویس ایلکـــا نی ۷۸٤ـ۸۱۳ هـ) نوشته شده‌اســـت(یا دداشتهای قزویـــنی ۷ـ۲۰۳)

بهر صورت در عـــصر تیـــمور وشاهرخ خط نستعلیق که زیباتر ین خطوط بوده وهم زادهٔ قـــر یحـــهٔ تابناك مردم خراسان است ، د ر مملکت تیموریان ر و اج گا مـــل یا فت وبرابنیه وکتب مستعمل گردیدو در دربار تیموریان شـــا گـــر دا ن میرعلی که استاد ومرتب این خـــط

---

(۱) تذکرهٔ خوش نو یسان ٤۳ طبع کلکته ۱۹۱۰ م

بود (شکل ۱۰۸) بعدازعبدالله‌پسرهنر مندش پرورش یافتند ، کـــ
ازانجمله مولاناجعفر و پســر شـ‌جلال ومولانا اظهر متو فا ۸۸۰ ه
۱٤۷٥م وپسرش محمد و سلطا ن‌علی بن محمد مشهدی ومیر علـــی
هروی ومحمد او بهی و ســلطا ن‌محمد خندان وسلطان محمد نـور و
دیگر مشاهیر نستعلیــق نویسانند(شکل ۱۰۹ـ۱۱۰ـ۱۱۱ـ۱۱۲) کـه
بعداز قر ن ۱٦ سبك نستعلیـــق‌ایشان ازهرات به ماوراء النهـــر،
ایران وهند و عثمانی نیز ا نتقا ل‌یافت.

نفایس آثـا ر هنری نستعلیــق‌نویسی برابنیهٔ تیموریان در هرات
فراوان است . مانند لوح قدیم‌مرقدمولاناجامی منسوب بخط میرعلـــی
هروی ولوح مزارشیخ‌زین العابد ین‌خوافی ۸۳۸ه ۱٤۳٤ م و لــو حهٔ
سنگ مرمر بـــا خط نستعلیـــق‌بسیار جلی وعالی در رواق حو ض
زمـزم گازرگاه هـــرات و قطعـــات‌سنگ مرمر مرقد هـــرات ۸٥۹ ه
۱٤٥٤م والواح نستعلیــق‌گازر گا ه‌بر قبر رستم محمد خان و خـــط
نستعلیق سلطان علی مشهدی بـــرگور امیر غیاث الدین منصور پدر
سلطان بایقـرا ۸۸۲ ه ۱٤۷۷ م وچهار قبر دیگر شهزادگان تیمور ی
بخط همین سلطان علی. وچند مرثیه‌دراندرون گنبد آرامگـاه شــهزاد ه
بایسنغر درخیابان هرات و دو بیت‌بقلـم بسیار قوی جلی نستعلیـــق
برمرمر سپید مرقد پیر هرات بخطحسن خان شاملو . (شکل ۱۱٤)

درین عصر عموماً کتابها را بـــه‌نستعلیق خوش می‌نوشتندونستعلیق
نویسان مکتب هرات ، آثارگرانمایه‌وشهکار های خطی بوجودآورده‌اند،
که ازانجمله جـعفر بایسنـغـر ی‌شهکار هنری خودیعنی نسخهٔ‌نفیس
شاهنامهٔ‌بایسنغری‌رادرسنه ۸۳۳ ه‍۱٤۲۹ م نوشت که‌درموزهٔ گلستان
تهران است . (شکل ۱۱٥) و هــم‌سه‌ورق مجمو عهٔ خطو ط نستعلیق
وریحان ونسخی وثلث و رقـــا ع‌وشکسته ونستعلیق با مضا ی‌اوست
درموزهٔ ملی تهران (شکل۱۰۹) وهم‌هشت نمونهٔ دیگر خط او بر کتب
ودواوین شعرا والبم هادر موزیـــم‌های دنیا موجوداست .

پنجم: خط تعلیق ونستعلیق د رطول قرن ۱٥ وخروج امیر تیموردر
پهلوی نسخ وفروع ثلث در سر تاسر مملکت تیموریان رواج دا شت
وکاتبان دفاتر وامور عامه در ضمـن‌چابك نویسی از امتزاج و در هــم
شکستن هردو خطی بو جودآوردندکه‌آنرا شکسته یاشکسته نستعلیق
گویند.

اسلوب شکسته نو یسی نیز درطول قرن ۱۵ـ۱۶ رنگ فنی وهنری گرفت وماهی بینیم که در عصر تیموریان هرات علاوه براقلام سته اساسی ودو قلم تعلیق و نستعلیق یك قلم نهم شکسته مستقلاافزوده شد واستاد جعفر با یسنغری در اوراق نمونهٔ خطوط مذکوره خویش که درموزهٔ ملی تهران است دو سطر بسیار زیبا و نفیسی را بهمین شکسته نستعلیق هم نوشته است (شکل ۱۰۹) که پختگی این شیوه رادر عصر شاهرخ میرسانند. وبعد ازان میرزا فصیحی هروی و شفیعای هروی ومرتضی قلی شاملو هروی ودر ویش عبد المجید طالقانی وغیره از هنرمندان نامور این طریقه‌اند وبرخی ازشکسته نویسان چون شیوهٔ خاصی داشتند، آنرا شکسته آمیز ومنسوب به شفیعای هروی **خط شفیعه** هم گفته‌اند.

ولی خط شکسته برای کتابت وکتیبه‌نویسی کمتر استعمال شده ورواج آن تاکنون هم برای مراسلات عامه ودفتری بوده ، و گاهی بطور نمونهٔ هنری و تزئینی برقطعات زیبا نوشته شده است (شکل ۱۱۶) .

خوشنویسان متأخر

دربارهٔ خوش نویسان وخطاطان متأخر افغانستان چند کتاب درین اواخر نشر شده که شرح حال ونمونه های خط خطاطان متأخر را به تفصیل نوشته و آورده اند:

۱ـ هنر خط در افغانستان دردوقرن اخیر تألیف بناغلی عزیز الدین وفلزائی طبع کابل ۱۳۴۲ ش که خود ازاساتید معاصر هنر خط اند ودرین کتاب تذکرهٔ بسا خطاطان افغانستان رانو شته و هم نمونه های فراوان انواع خطوط خود را داده اند که ازان مهارت اودر اکثرخطوط قدیم و جدید ظاهر است و قدرت خامهٔ او مسلم .

۲ـ گنجینهٔ خطوط درافغانستان ازجناب آخوند میرمحمد علی هروی طبع کابل ۱۳۴۶ ش که وی نیزاز اساتید هنر خطاطی است وانواع خطوط رابقلم خودنوشته است .

۳ـ تعلیقات بردیباجه دو ست محمد کتابدار ازمرحوم فکری سلجوقی هروی ، که کتابی مفیداست ودران ذکر برخی از خطاطان متاخر بانمونه های خطوط ایشان آمده است ، این کتاب از سنه ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۸ درمجلهٔ آریانا طبع کابل نشرگردیده ودرسنه ۱۳۴۹ یکجا بطور کتاب علاحده هم انتشاریافته است که قسمت اخیر آن بعد از وفات مرحوم فکری بهمت فرزندهنرمند او حسین وفا سلجوقی نشر گردیده است. این پدروفرزندهردو از خوش نویسان وخطاطان گرانمایه معاصر ند.

برای اینکه کتاب حاضر از ذکر خطاطان گرانمایهٔ متأخرو معاصر خالی نماند ، نمونه های خطوط برگزیدگان گرامی این گروه را نیز آورده ایم:

شکل ۱۱۷ : نمونهٔ خط میرعبدالرحمن هروی استاد نستعلیق در قرن سیزدهم هجری .

شکل ۱۱۸ : نمونهٔ خط مرحوم سید عطامحمد قندهاری استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۱۹: نمونهٔ خط مرحوم میرزامحمد یعقوب کابلی استاد نستعلیق در قرن چهاردهم هجری .

شکل ۱۲۰ : نمونهٔ خط مرحوم شیخ محمد رضا هروی
استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری .
شکل ۱۲۱ : نمونهٔ خط بناغلی محمد داؤد حسینی
استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری .
شکل ۱۲۲ : نمونهٔ خط بناغلی سید محمد ایشان حسینی
استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری .
شکل ۱۲۳ : نمونهٔ خط بناغلی عزیز الدین فوفلزائی
استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری .
شکل ۱۲۴ : نمونه خط بناغلی آخوند محمد علی هروی
استاد خطوط در قرن چهاردهم هجری .
شکل ۱۲۵ : نمونهٔ خط بناغلی حسین وفا سلجوقی جوان
هنرمند معاصر .

رسم الخط پښتو

زبان پښتو که بیش از ۱۵ ملیون گوینده درافغانستان وپښتونستان دارد باوجودیکه ازالسنهٔ قدیم آریاییست ولی آثار خطی آن اززمان کهن باقی نمانده ومعلوماتی نداریم ، که قبل ازرواج خط وحروف عربی (نسخی ـ کوفی) این زبان چه رسم الخطی داشته است ؟

از آثار یافته شدهٔ خطوط آرامی ـ یونانی ـ دیوه ناگری ـ خروشتهی دربارهٔ خط قدیم پښتو سراغی بدست نمی آید .

ازسنگ نوشته های توچی وجغتو وروز گان که بخط شکستهٔ یونانی و یك لهجهٔ شرقی دری قدیم (تخاری) است میدانیم ، که درمحیط زندگانی افغانان خطوط یونانی وشاردا + ناگری وخروشتهی رواج داشت . ولی معلوم نیست که آثارادبی قدیم پښتو دراوایل اسلام بکدام خط نوشته می‌شد ؟

از آثار ادبی کهن زبان پښتو که ازقرن ۷ـ۸ـ۹م باقیمانده روشن می‌آید ، که این زبان در غزنه وغور ودربارهای سوریان غور و لودیان ملتان وهم درقبایل پښتون کوه سلیمان، لسان ادب و شعر بوده ، ولی ازرسم الخط کهن آن، قبل از رواج خط عربی خبری نداریم .

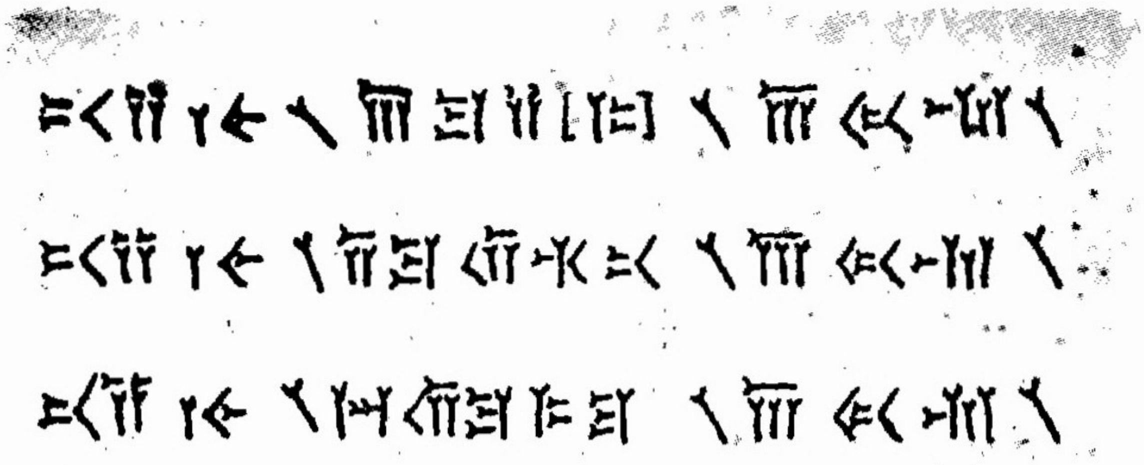
در سنگ نوشتهٔ بیستون پارس که با مرداریوش هخامنشی (۵۲۲ ـ ٤۸٦ ق ،م) بخط میخی وزبان فرس قدیم کنده شده، درستون چهارم (سطر ٦۳ـ٦٤) یك حماسهٔ اخلاقی مضبوطست ، که بعقیدهٔ برخی از دانشمندان یك قطعه سه مصراعی است ، که هر مصراع آن شش هجا دارد . (۱)

الفاظ وکلمات این سه مصراع منظوم اگر بغور ودقت تحلیل گردد، باندك تحول لهجوی عینا به پښتوی امروزی برمیگردد ، ومیتوان آنرا به مصراعهای شش هجایی پښتو تبدیل کرد، درحالیکه اصالت کلمات وریشه های کهن آن بجا باشد ، ودرپښتو هم امروز باندك تحولی مستعمل !

---

(۱) کنجکاویهای علمی و ادبی طبع تهران ۱۳۲۹ مقالهٔ دکتور معین ص ٤۲

این سه مصراع در اصل‌کتا بـه‌بخط میخی چنین است : (۱)



اگـر بـه خـط امـروزی پښتوبنویسیم ، چنین‌میشود :

نی‌اړیکه اوم (نه ـیی ـا ـړی ـ که ـ وم)

نی دروجنه اوم (نه ـیی ـ درو ـ جه ـ نه ـ وم)

نی زورکړه‌اوم(نه ـیی ـ زور ـ که ـ ړه ـ وم)

تقطیـع متن فرس قدیم بخـطانگلیسی چنین است :

مصراع ۱:	naiy	a	rai	ka	â	ham = ٦
	نی	ا	ری	که	آ	هم
مصراع ۲:	naiy	drau	ja	na	â	ham = ٦
	نی	درو	جه	نه	آ	هم
مصراع ۳:	naiy	zûr	ka	ra	â	ham = ٦

اکنون‌باید دید، که‌چگونه ا ین‌متن قدیم به‌آسانی به پښتو بـر میگردد ؟

نی (نه‌یی)اړیکه‌وم (دهیچااړیکی‌اومانع نه‌وم)

نی (نه‌یی) درو جنه وم (نه ماد چا سره دروه در لوده)

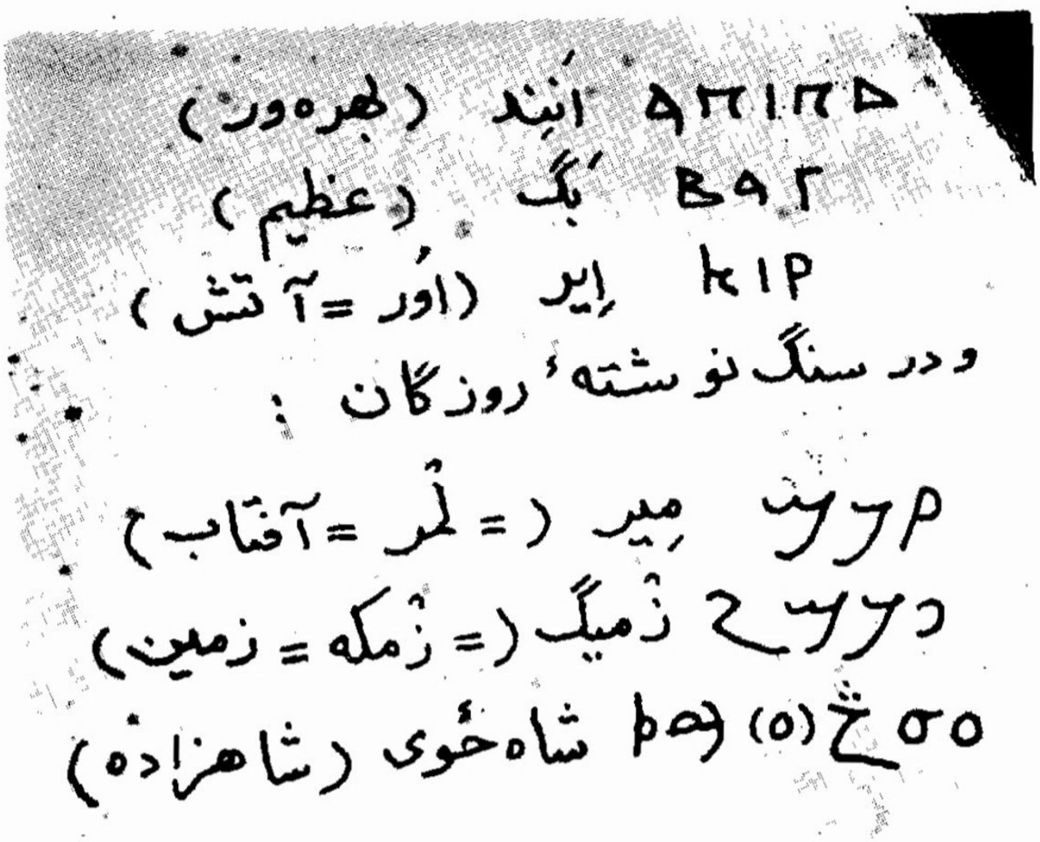
نی (نه یی) زورکړه وم (نه پرچازور کړونکی وم)

چون اصل کتابه همه بخط میخی‌قدیم عهد هخامنشی است ، بنابرین

(۱) نوشته های فرس قد یم‌در خط میخی ٦٧ طبـع دانشگاه پهلوی شمیراز ، ازنورمن شارپ واو لـدبرشن ۱۲۹ تا لیف کنـت طبـع امریکا ۱۹۳۵م.

نوان گفت : که‌یك نمونهٔ نو شتـهٔ کلمات وجمله بندی بسیار قـریب به‌پښتو در خط میخی قد یم‌موجوداست ، وهم دررسم الخط یو نانـی مروج عصر عروج کـوشانیـان دراوایل عهد میـلادی درزبان تخاری یالهجهٔ شرقی در ی قدیم ، کـــه‌بسیار نزدیك به پښتوبود،رسم‌الخط برخی ازکلمات مشتـرك پښتـو وتخاری درسنگ نو شتـه ها با قی مانده که ازان لااقل شکل مخطو طبرخی از کلمات پښتو را تـــو ان دریافت .

مثــلا درسنگ نو شتهٔ بغــلان‌کلمات :(۱)



چون بعداز دورهٔ خطوط قدیم ،درعصر اسلامی بافتوح عربی رسم‌الخط کوفی ونسخی با قــرآن و اســلام‌بافغانستان آمد ،واین رسم الخــط قرآن بقایای خطوط قدیم رابشد تءوسرعت در نوردید، بنابرین با ید گفت : که‌اگر مطلبی رابزبان پښتومی‌نوشته اند ، شایــد بـهمــا ن رسم الخــط نو وارد کو فـــی یـانسخی بود.

ازقدیمترین کتاب نوشته شــدۀتذکرة الاولیاء سلیمان ماکو بـــن بارك خان (ساکن ارغسان قندهار)که‌درسنه ٦١٢ ق تالیف شده وفقط هفت صفحهٔ آن بدست آمده، و درسنه ۱۳۲۰ ش درکتاب پښتنا نـــه شعراء (جلد اول طبــع کابل) عین‌آنرا عکاسی ونشر کرده ام ، وحتما

(۱) هفت کتیبهٔ قدیم طبع کابل۱۳٤۸ش از حبیبی.

کتابت بعد از سال هزارم ق است پدید می‌آید، که کتابهای پښتو را بخط رایج الوقت می‌نوشته‌اند.

خط این صفحات تذکرة الاولیا مخلوطی است از نستعلیق + نسخی بسیار ابتدایی وناپخته ونازیبا ، که خواندن آن هم مشکل است، ونوشتن این صفحات را بعد ازسال هزارم قمری هجری تخمین توان کرد . (شکل ۱۲۷)

اما قدیمترین کتاب دارای تاریخ کتابت که بزبان پښتو باقیمانده ، همان نسخهٔ واحدهٔ خطی خیرالبیان تألیف بایزید انصاری مشهور به پیر روښان (۹۳۱-۹۸۶ ق) صوفی نبرد آزمای آزادیخواه قرن دهم است ، که بخط فقیر بهار تویی (۱) بتاریخ ۲۰ رمضان ۱۰۶۱ ق برای بی‌بی خیر خاتون نوشته شده ونسخهٔ خطی واحد آن اکنون در کتابخانهٔ توبنگن المان غربیست ،وخط آن نستعلیق متوسط است، که ارزش هنری فراوان ندارد .(شکل ۱۲۸)

بهر صورت از ملاحظهٔ صفحات تذکرة الاولیاء وخیر البیان وبرخی ازنسخ قدیم پښتو که در حدودسال هزارم هجری کتابت شده میدانیم ، که شیوهٔ نسخی + نستعلیق رادر نوشتن پښتو بکار می‌برده اند وهمین شیوه درتمام نسخ قدیم کلیات خوشحال خان ختک وآثار منظوم ومنثور دودمان او هم دیده میشود .

چنین بنظرمی آید، که پیش از پیر روښان ،مردم بارسم الخط پښتو کمتر آشنایی داشتند ،وچون مردم پښتو زبان، قرنها باحمله آوران شرقی و غربی دست بگریبان بودند، باکتاب و نوشتن کمتر سروکاری داشته اند ، واندرین گیرو دار تحمل فرسا ، رسم الخط پښتو نیز مهجور مانده بود .

دولت شاعر پښتو دربارهٔ مرشدخود پیر روښان (حدود ۹۸۰ ق) گوید :

افغانی لفظ مشکل و، لوستکوینبی نشه
ور ته و شوه کښنده د یار لس حرفونه

یعنی : «لفظ افغانی مشکل بود،خوانده ونوشته نمی‌شد ، پس ۱۳

---

(۱) در اصل توی است کـه‌آنرا سهواً طوسی خوانده اند. ولی تویی منسوب بست به‌توی نام جاییکه‌در وادی ماوراء خیبر بود.

حرف آنرا ترتیب داد. » وازیـــن برمی آید ، که اصوات مخصوص پښتورا باشکال خاص در الفبـا ی عربی و فارسی جای داده باشد .

کتاب خیر البیان بایزید به‌چهارزبـان پښتو ــ عربی ــ فارسی ــ پنجابی تالیف شده، ودر آغـا زآن‌بایزید ۱٤ صفحه را وقـف شرح اصوات خاص پښتو نموده واشکالی‌را بیان داشته که مادر شکل(۱۲٦) درستون خاص نوشته ایم. و لـــی‌این رسم الخط خیر البیان بانسخه های خطی مخزن اســلام اخونـــددرویزه که درهمان عصر در مقابل خیر البیان تالیف شده تفا و تـــی‌دارد ، ودر شیوهٔ خط هم اکثـــر نسخ قدیم خطی مخزن برسم الخـط نسخی اند ، وتفاوت اشکال حرو ف خاص پښتو رادر جـدول (۱۲٦)ملاحظه کرده میتوانید .

درقرن ۱۱و۱۲ هجری دو مر کزکتاب نویسی پښتورا میشناسیم ، کـــه یـکـــی در ملـتـــان بـــو دو درآنجا مخصوصاً نسـخه هـا ی مخزن اسلام اخوند درویزه (متو فا۱۰٤۸ هـ) راکه یکی از مخـالفان سرسخت بایز ید پیر روښان‌است‌می‌نوشته اند، ومن نسخه هـــا ی متعدد مخزن اسلام رادیده ام، کــه‌درملتان بخـط کا تبـان متعـــد د نوشته است مـثـــلا در ۱۱٤٤ق و۱۱٦۷ق .

مـــر کـز دوم کتاب نو یسی دراکوړهٔ ختهك و مقر خاندان خوشحال خـــا ن بـــود ، کـــه بسا نسـخ‌خطی کلیات خوشحال خان در ینجا به امر افضل خان بن اشرف خان‌بن‌خوشحال خان بقلم شیــخ محمداعظم نو مسلم بخط نستعلیـق ملیحـــی‌نوشته شده است.وازان جمله‌نسخه بیست در حدود ۱۵۰۰ صفحه کـه‌همین شخص بتاریخ ۱۸ جـــمادی الثانیه ۱۱٤۲هـ بامر اسد خـــا نختهك نوشته واکنون در نسخ خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل مو جود است .

درجملهٔ نسخ قدیم پښتو، دیوان‌دولت مرید پیر روښان (حـدو د ۱۰۵۸ هـ) وسلوك الـغزاة تـالیف‌ملا مست زمند (حدود ۱۰۰۰ هـ) هم درکتابخانهٔ خطی کا بل‌مو جودبود، وهم کتابی منظو م بسبـــك خیر البیان در قندهار نزد مر حوم‌دوست محمد بریخ بود، که ایـــن نسخه هانیز بخط نستعلیق نوشته‌شده‌اند .

در قرن ۹ـ۱۰ هـ از هنگامیکـــه‌نسخه های خطی پښتو باقیمانده ، شیوهٔ نستعلیق رسم متبع‌کاتـبا ن‌پښتو بود ولی گاهی درنسخ خطی مخزن اسلام اخوند درویزه عبارات پښتو را به رسم‌الخط نسخی وفارسی را به‌نستعلیـــق نوشته اند ، وبعدازان هم تاحدود ۱۲۰۰هـ گاهی به

نستعلیق وزمانی به‌خط نسخ دیده‌میشود ، مثلا نسخه های دیوان پښتوی احمدشاه بابا به نستعلیق‌خوشی موجودند (نسخه خطی کتاب‌خانهٔ عامهٔ کابل ونسخهٔ خطی کتابخانهٔ تاشکند) ولی بعد از آغاز قرن ۱۳ اکثر نسخه هارابه خطنسخي خوبی نوشته اند. وهنگامیکه فن طباعت درهند و افغانستان‌رواج‌یافت ، نیز تمام کتب پښتو رابه خط نسخ نوشته و طبع‌کرده اند ،وهم در اروپا حروف پښتو را به شیوهٔ نسخ زیبا ساخته اند، که‌نمونهٔ آن چاپ گلشن روه تالیف راورتی (طبع هر تفورد ۱۸٦۰م)ودپښتونخوا ها رو بهار تالیف دار مستتر (طبع پاریس ۱۸۸۸م)است . وهم کلید افغانی تا لیف پادری هیوز (طبع لا هو ر۱۸۹۳) .

درنوشتن شیوهٔ نسخ یانستعلیق‌خط پښتو بافارسی وعربی فر قی ندارد ، ولی چنانچه گفتیم پیرروښان در اوقات تالیف خیر البیان چند صفحهٔ آن کتابرا به املای‌اصوات مستعمل در پښتو اختصاص داد، وشاید این اشکال را ازروایات‌قدیم رسم الخط پښتو درین رسا‌له شرح داده باشد .

اخوند درویزه نیز دربارهٔ اشکال‌اصوا ت مخصو ص پښتو چنین شرح میدهد :

«دیگر معلوم با د که چون‌حروف در الفاظ افغانی‌وهندوی ثقیل می‌آیند بنابران علا متی‌بران آورده میشو د تا معلوم گردد، که این همان حر ف‌ثقیل است . چنانچه ب چون ثقیل شود ، سه‌نقطه درتحت‌او ایزاد گردد پ میشود. و گاهی ت چون ثقیل شودجزمك درتحت آن داده ټ میشود وگاهی ج چون ثقیل شود ،سه نقطه در تحت اونهاده چ میشود ، وگاهی چون ثقیل‌ترشود ، سه‌نقطه برفوق او نهاده څ میشود . و گاهی دچون‌ثقیل شود، جزمك‌درتحت اوایزاد گرددډ میشود. وگاهی‌ر مهمله‌چون ثقیل شود،جزمك در تحت‌آن‌ایزادگردد ړمیشود.وگاهی‌ز معجمه‌چون ثقیل شود سه نقطه بر فوق او داده ژمیشود ، وچون ثقیل ترشود یك نقطه برفوق ویك نقطه‌درتحت ایزاد گردد ، ږ میشود، وگاهی س مهمله چون ثقیل‌شود ، یك‌نقطه برفوق و یك نقطه درتحت آن نهاده ښ‌میشود ، و ك عربی چون‌عجمی شود ، سرکشش کاف رااندکی طرف تحت‌کج کرد، ګ

عجمی میشود . .» (۱)

در املای حروف پښتو که‌اصوات‌خاص این زبان را نمایندگی‌میکند، ودر عربی وفارسـی آن اصـوا ت‌نیست هشت حرف خـاص موجـود است :

ټ ـ ځ ـ څ ـ ډ ـ ړ ـ ږ ـ ښ ـ ڼ

ازین حروف خاص درشرح با لاذکر (ځ ـ ڼ) نیست، وتامدتی‌حرف اول را (ځ) یابدو نقطه بالاوپایین‌وحرف دوم راهم‌به شکل‌ڼ نوشته‌اند

در رسم الخط خیرالبیان ا یـن‌حروف راچنین می‌نوشته اند :

ټ ـ ځ ـ څ (یك نقطه زیر شکل‌د)ډ ـ ړ ـ ږ(ژ)ږ(بین‌دیك نقطه)ښ ـ ڼ

اما دررسم الخط خاندان‌خوشحال‌خان چنین است :

ټ (ط ز یـــر آ ن یـــك همزه) ځ (ح در بین دو نقطه و یك همزه) څ (ح زیر آن همزه) ډ (بالای‌د یك همزه) ړ (بالای ر یك همزه) ږ (ژ) ښ(ش) ڼ(بالای‌نون‌یك‌همزه). (برای شرح رجوع به شکل۱۲٦)

دواوین و کتابهای چـاپ شدهٔ‌پښتو درین قرن اخیـر تمـاماً بـه نسخی نوشته وطبـع شده، و تاکنون همین شیوهٔ نسخی در چاپ وقلم متبع است .

درشیوهٔ نسخی پښتو ، کو چکی‌کشش های حروف باگردی دوایـر وخانه ها وسادگی نوشته بـدو نرعایت تزئین مراعات شده وامروز استاد ترین خطاطان این شیوه‌جناب‌استاد عزیز الدین پوپلزایی است .
(عکس ۱۲۹)

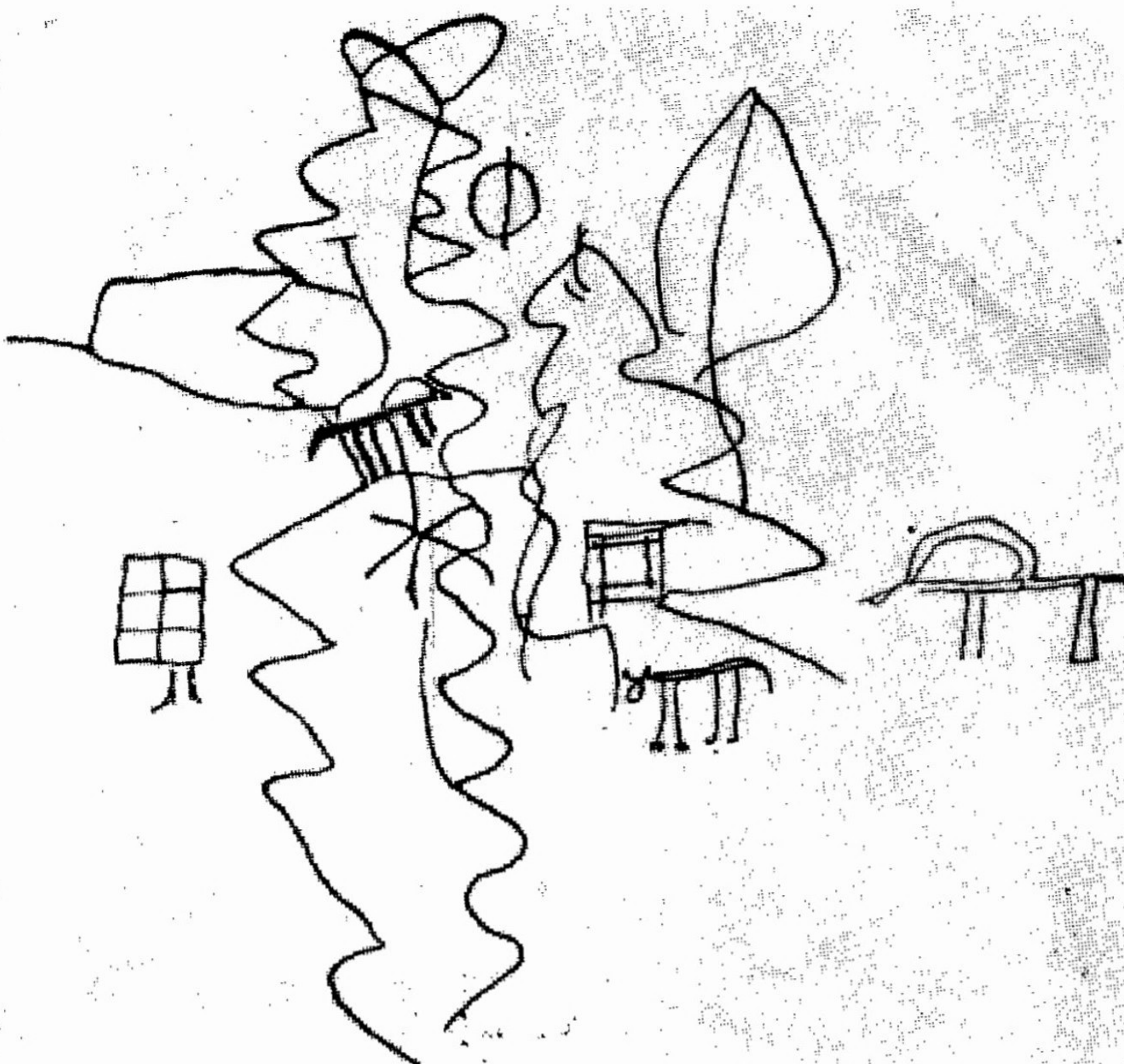
درشماره های شمس النهار که‌بعداز ۱۲۹۰ ازبالا حصار کا بـل بزبان دری وخط نستعلیق خـــوب‌میرزا عبدالعلی چاپ ونشر میشـد نیز دیده میشود که اگر کلمهٔ پښتویااسمی ویاجمله‌یی ازین زبان د ر ضمن انشاء دری آید ، آنرا بـــه نستعلیـق نی ، بلکه با نسخـی خوب ودلکشی می‌نویسند ، و لی‌بالعکس برمهر سر منشی دربارامیر شیر علی خان (محمدنبی واصل)به‌نستعلیـق بسیار زیبا وپسند یده کلمات‌پښتو (لوکښل)رابادبیرالملك‌نوشته اند.

بهرصورت : رسم الخط متبـع‌ومروج زبان پښتو نسخی بود ، ولی گاه گاهی بانستعلیق هم‌نوشته اند.واین امر البته به ذوق ومهارت‌کاتب مربوط بوده است.

---

(۱) میـخزن ۱۳۷ طبـع پشاور۱۹٦۹م

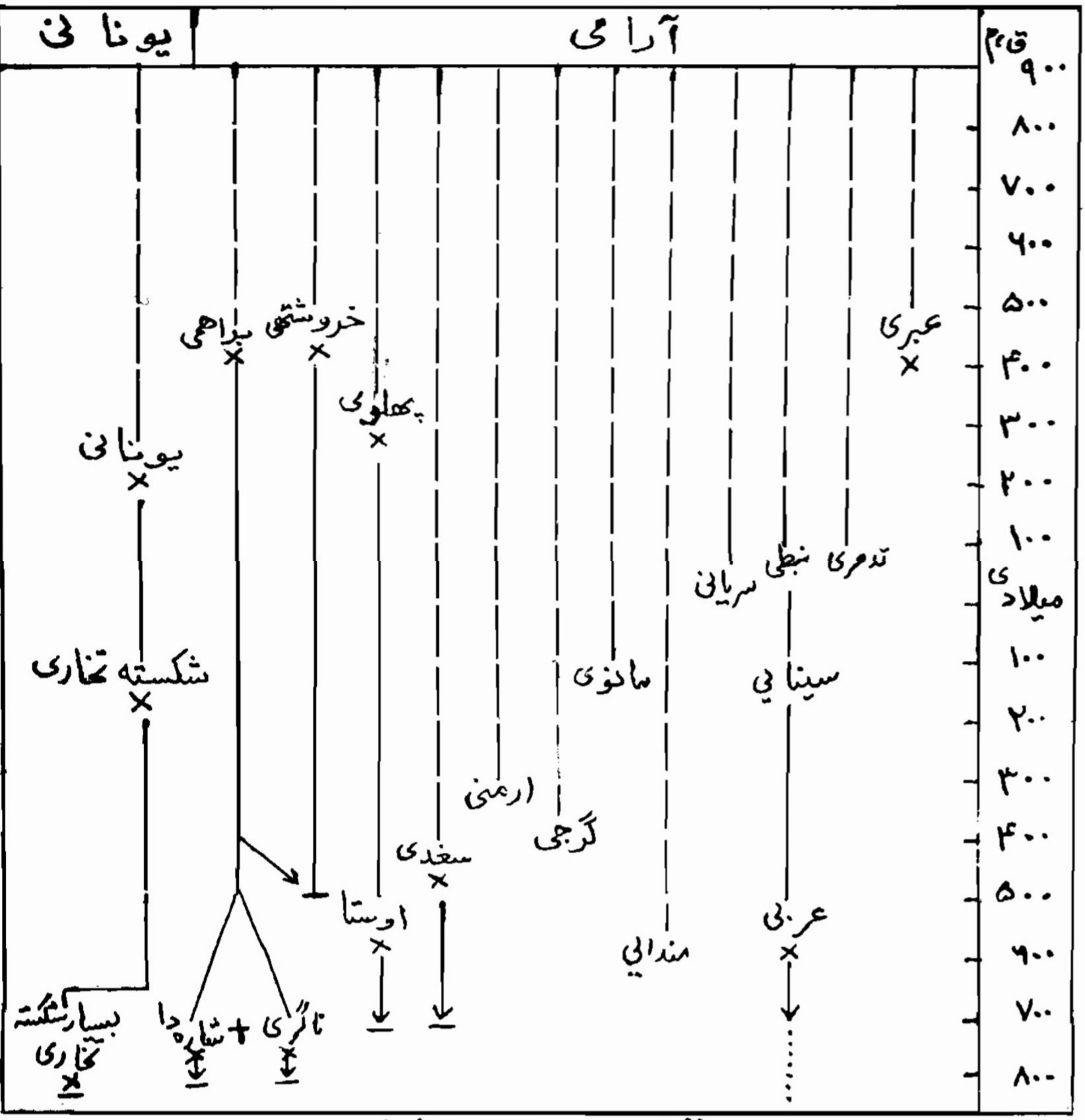
عکسها



شکل (۲)
برصخرهٔ کوه
هزارسم
سمنگان



شکل (۱)
برصخرهٔ کوه
درهٔ الی شنگ
لغمان



شکل سوم پیدایش خطوط

× علامت خطوطی که در افغانستان قدیم بوده .

تسلسل خطوط بر ریشهٔ اصل .

دوام خطوط و تحول آن بشکل دیگر .

دوام آن تا کنون در افغانستان .

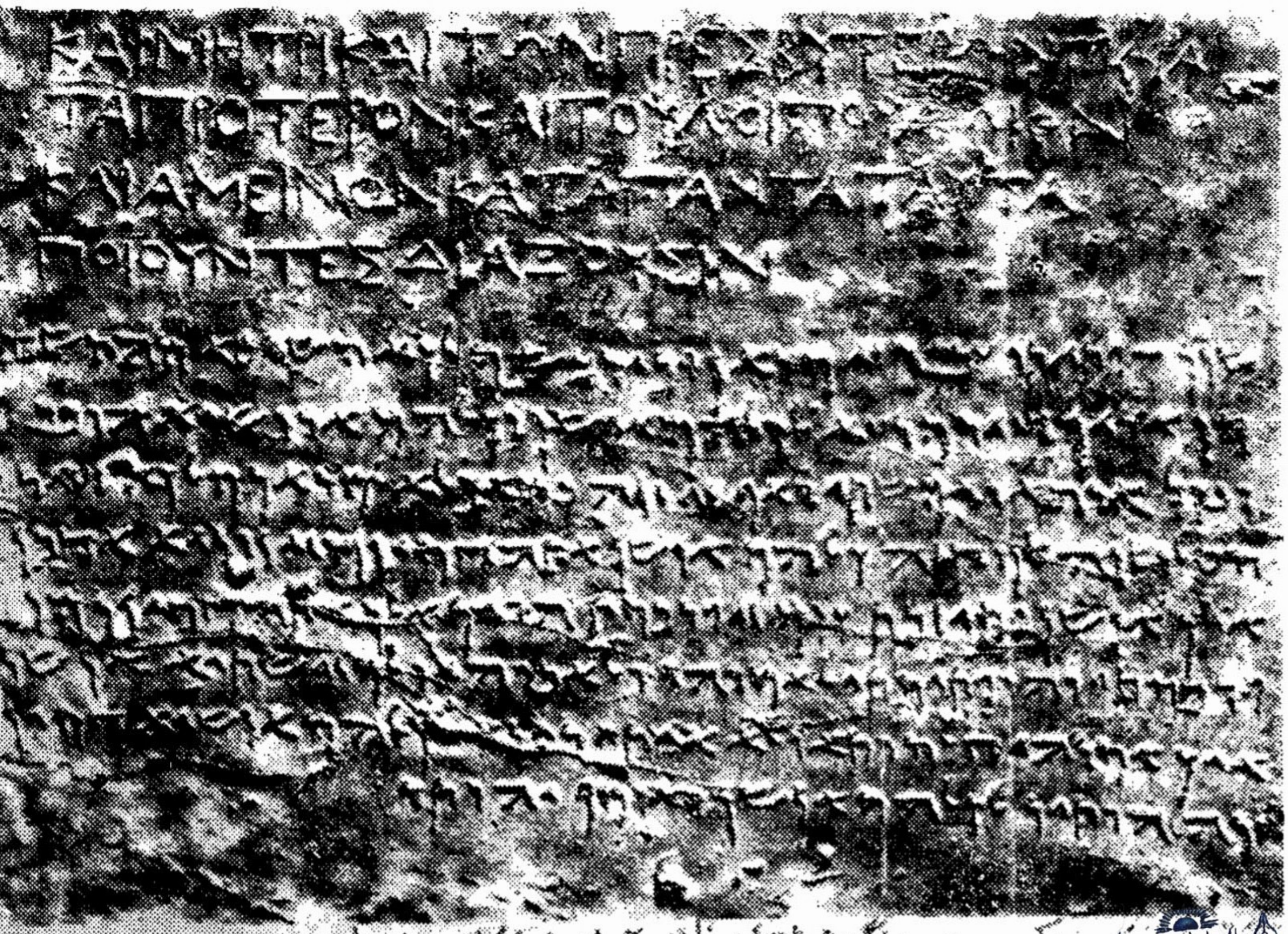
قطع استعمال خطوط در افغانستان .



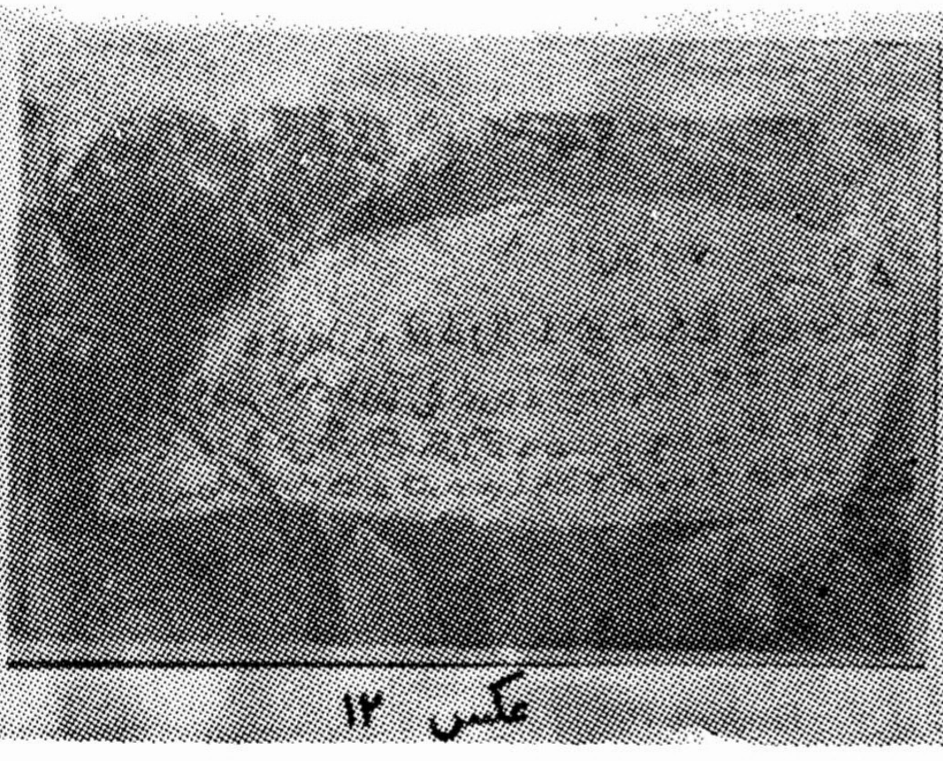
شکل ٤

کتیبهٔ آرامی مکشوفه از تکسیلا که جون مارشل درحفریات آنجاکشف کرد ، وتاریخ آنرا به حدود ۵۰۰ـ ق ، م میرسانند .

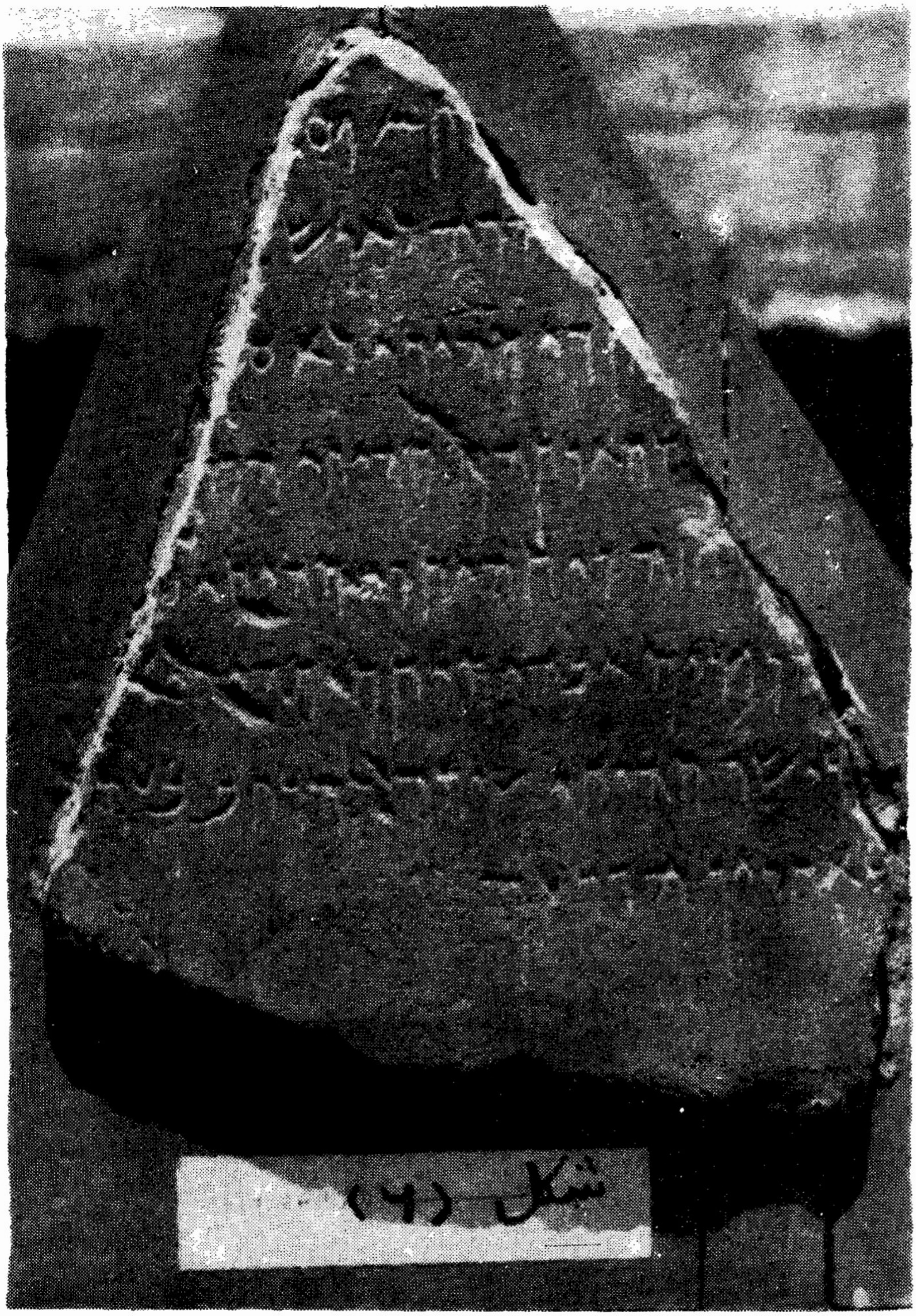
عکس این سنگ نوشتهٔ بسیار قدیم از کتاب رهنمای تکسیلا تالیف جون مارشل گرفته شده است .



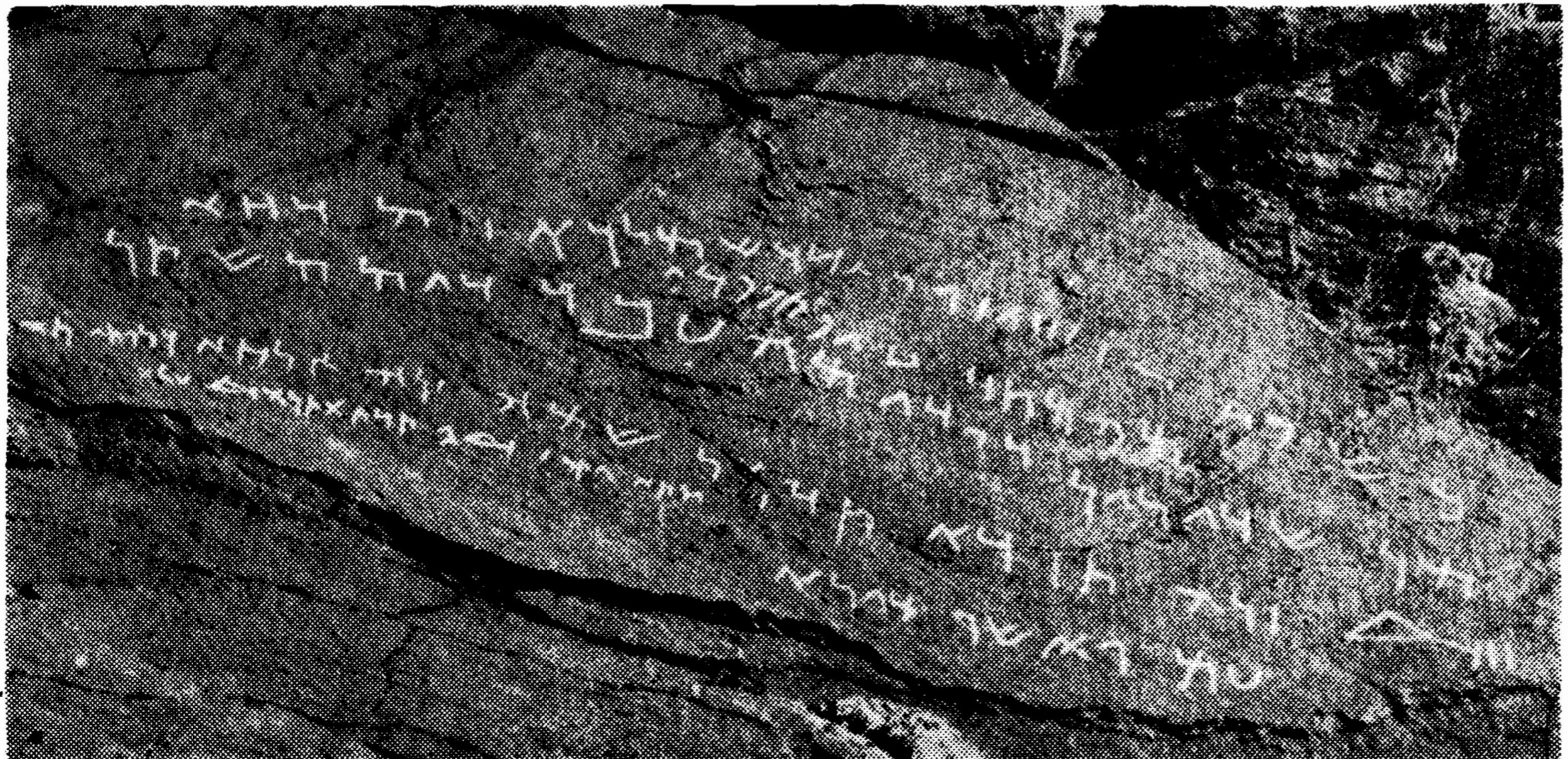
عکس ۵ سنگ نوشتهٔ یونانی و آرامی اشوکا در قندهار



عکس ۱۲



سنگ نوشتهٔ آرامی درونته



۷- سنگ نوشتهٔ آرامی لغمان



کیداره ←

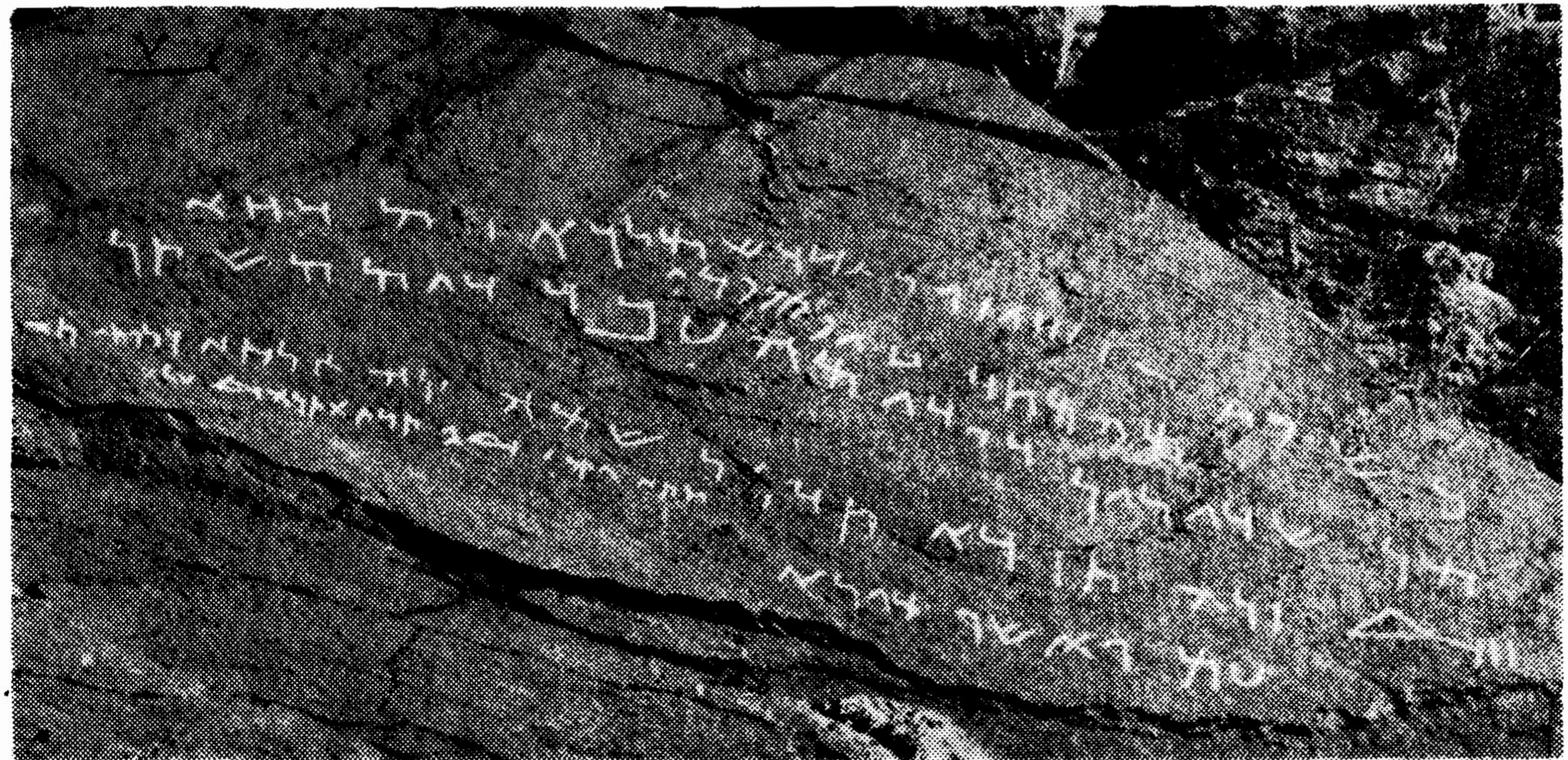


ورهران →



پیرو ←

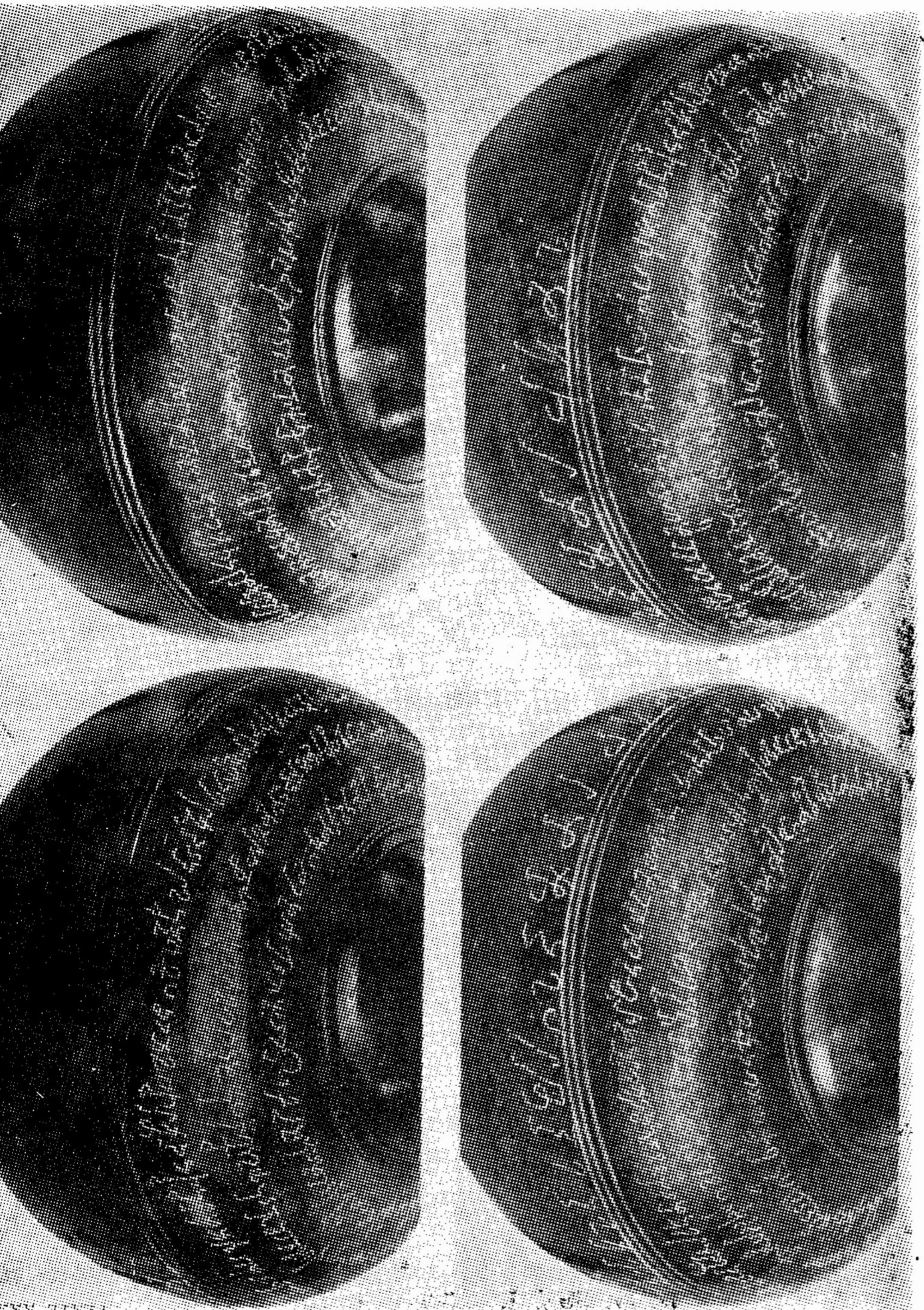
عکس ۷ خطوط براهمی بر مسکوکات کیداریان



۷ـ سنگ نوشتهٔ آرامی لغمان



شکل ۱۰ حروف خروشتهی از آریانا انتیکوا



شکل ۱۱ نوشته های خروشتهی برظرف‌مکشوف از خوات وردگ

شکل ۱۳ حروف یونانی در نوشته‌های مکشوفهٔ افغانستان

عدد	یونانی	کنونی	انگلیسی	امثله
۱	Δ Α Δ Α Α Δ α	آ-اَ-ا فتحه	A-Ā	ABΓ (تا) تاد TAΔ - آب AB بگ (خداوند) ΧΑΝ (خان)
۲	Β Β Β Β Β Β	ب	B	BOCAP بُوسَر (نام) Βοοο ΠΑΜΟΒΑΡΓ نامُوبَرگ (بُد) (نامور)
۳	Π Π Π Λ Π Λ Λ	پ	P	ΠΟΧΡ پُوهَر (پور) BAΓΠΟΡ بغپور ΠΟΡ پور
۴	Φ Φ Φ Φ Φ	ف	F	ΦΡΕΙCΤΑΡ فریستار (پرستار) ΦΑΡΡ فَرّ ΦΡΟΜΑΝ فرومان فزرگ (بزرگ)
۵	Τ Τ Τ Τ Τ Τ Τ Τ	ت	T	CΤΑΔ شتاد (ایستاد) ΟΤ اوت (واو عطف) ΜΕΡ شتر (بزرگ) ΒΟΟCΤΑΡΑΝΑΔ بُستَرانید (گسترانید)
٦	θ Θ Θ Θ	ث ـ خ	TH	ACΑΓΓΗΙΘ اسَنگیث (سنگی)
۷	Χ Χ Χ Χ Χ	خ	KH	ΧΡΟΠ خشُون (سلطنت) ΧΑΓΑΝ (خاگان) ΧΑΝ خان
۸	Δ Δ Δ Δ Δ Δ	د	D	ΚΙΡΔ کِرد (ساخت) CΑΡΔ کِرد ΔΑΡΑΜΑ ذهرمه (تقوی)
۹	Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ Ρ	ر	R	ΧΙΡΓΟΜΑΝ خِرگومَن (خرمن) ΟΡΑΟ سرای ΟΡΜΟΖΔΟ ورمزد
۱۰	Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ Ζ	ز	Z	ΖΟ از CΙΖΑΓ قزل ΜΑΑΡΙΖ مهالِز (مهادِز) ΖΟΜΙΓ زمیگ (زمین)
۱۱	څ	څ ځ	TS	ΣΟΟ څوی (پسر) ΣΑΟΛ څاول

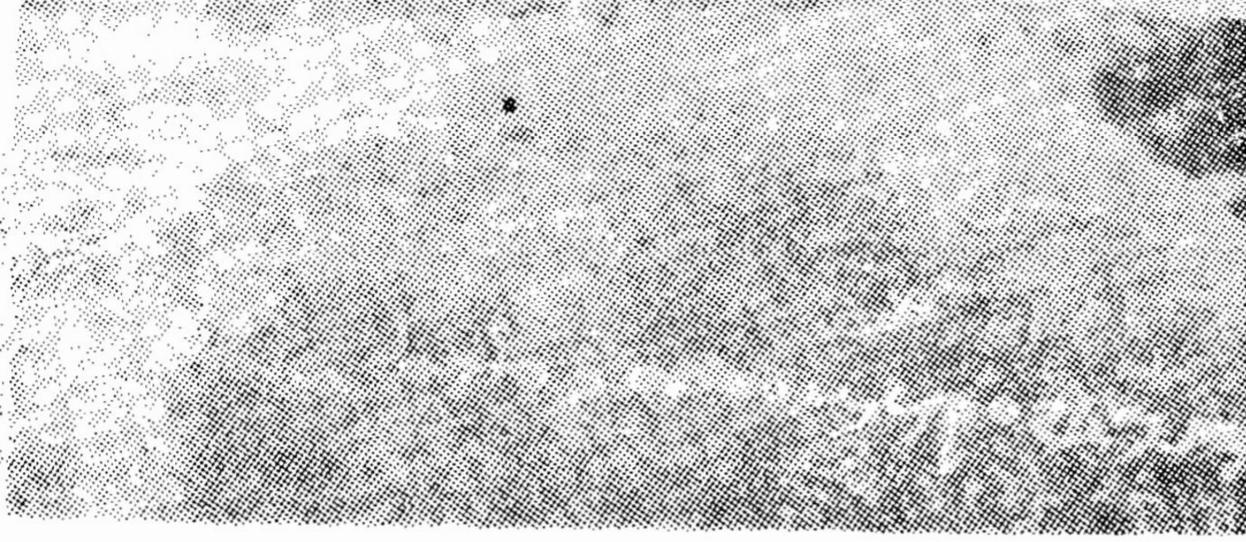
CAΔ ساد (چاه) [illegible] سَنگَه (جامعه) CAMO [illegible] سرای [illegible] سَر	S	س	[illegible]	۱۲
ÞA شا (شاه) [illegible] اشَگ (هشتم) [illegible] شاه XÞOΠ خشوب	SH	ش	[illegible]	۱۳
ÞXAA بنال (بناد) [illegible] کوُشان	X	بش	[illegible] — ÞX	۱۴
KIΔ کید (کَه) [illegible] نکَه (نام) [illegible] نکَه [illegible] کرد	K	کٔ	K [illegible]	۱۵
BAΓ بگ / [illegible] گو مَل [illegible] وِ بگ (بگ) [illegible] گوُمان (پهلوان زاده)	G	گ	Γ [illegible]	۱۶
[illegible] بغپور [illegible] الُغ	GH	غ	[illegible]	۱۷
BAΓΛAΓΓ نگ لَنگ (بغلان) [illegible] سنگه (جامعه)	NG	نگ	ΓΓ [illegible]	۱۸
MAA مال (وقت) [illegible] الُغ [illegible] مالیز (تهاجز)	L	ل	Λ [illegible]	۱۹
ΦPOMAN فرُومان (فرمان) [illegible] مهر [illegible] ماه	M	م	[illegible]	۲۰
ΙΑΝΑΝΔ انند (بهره ور) [illegible] نو (نیایش) [illegible] کوشان	N	ن	[illegible]	۲۱
ΠΟΦΡ پوُهر (پور) [illegible] مهر [illegible] دُهر (تقوی)	H	ح	[illegible]	۲۲
ΕΙΔ اِید (هست) ΠΙΔΕΙΠ پدین (بدین) ΕΙΡ اِید (اوز آتش) در کتیبه سرخ کوتل بغلان BAΓΕAC بگیس (خدائی)	E	ی اِ	Є Є E	۲۳

ωᶜ٩٢ᐅ وِشُوگذ (مهیا) ω/(وِیگ (یک) ωμω نَمُو (نیایش)	W	و	ω ω	۲۴
۱، واو خفیف مانند XOAᐅh خُوذِی (خدا - شاه) ۲، ضمه: مانند KATThpKO کُنتُک (در حالت اضافی) p ω۱ω p بُرزُ پِهر BOP2O ۳، واو معروف: مانند ΛOP پور TTOB/XT نُوبِخُت (نام) ωσεd گُومُل (جای) ۴، الف مضموم: مانند Oح - Oᐅ اوت - اود (واو عاطف - و) ۵ - فاصله بین کلمات: مانند (۵)ᖾ٩ شا(۵) BA٢ بگ - (شاه بزرگ) ۶، خاتمهٔ کلمات: مانند (۵)ΛA ما (ماه) (۵) AB آب (۵)CTᗡC شَتَر (عظیم)	o u	و اُ - . ضمه	o ᐅ ᑲ ᑌ ᑫ ᑕ ᑭ	۲۵
XOAᐅh خوذِی KATThpKl کَنتَکی ATᐅh2 اَنذِیز (فراوان)	i	ی کسره	h	۲۶
۱، کسره: ΠIᐅ پِد (پدر) KIᐅ کِد (که) ωωgω رِبَد (معبد) ۲، اضافت و بنوت، بعد از فاصله ۵ PICOTAP٢ (۵)DOCAP بُوشَتر و گرگ، یعنی پسر شیز و گرگ ۳، ی معروف: Zωyو زییک (زمین) حسرو ویا Qoopoω مُشترا	〃	〃	ا) ɔ (ʃ ɣ	۲۷

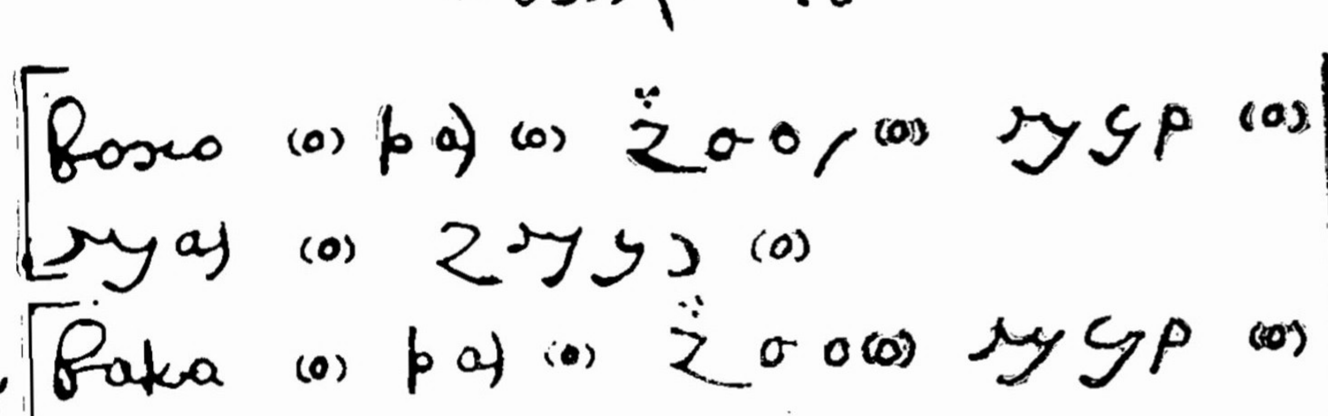




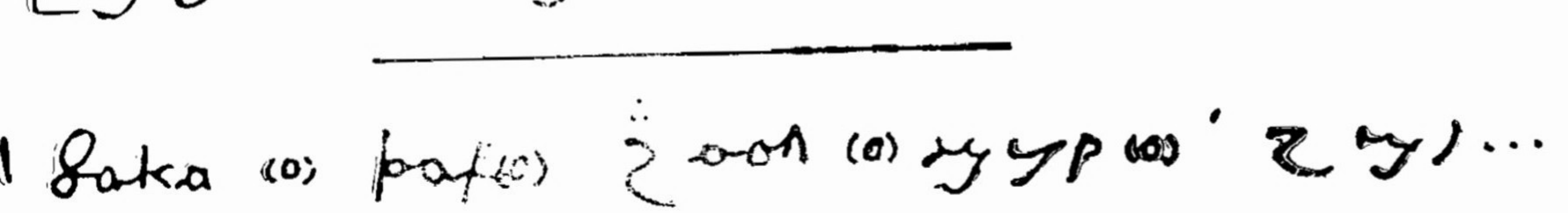
شکل (۵) سنگ نوشتهٔ اول روزگان



کتیبهٔ دوم روزگان



دوخوانش نوشتهٔ اول روزگان



دوخوانش نوشتهٔ دوم روزگان ↑



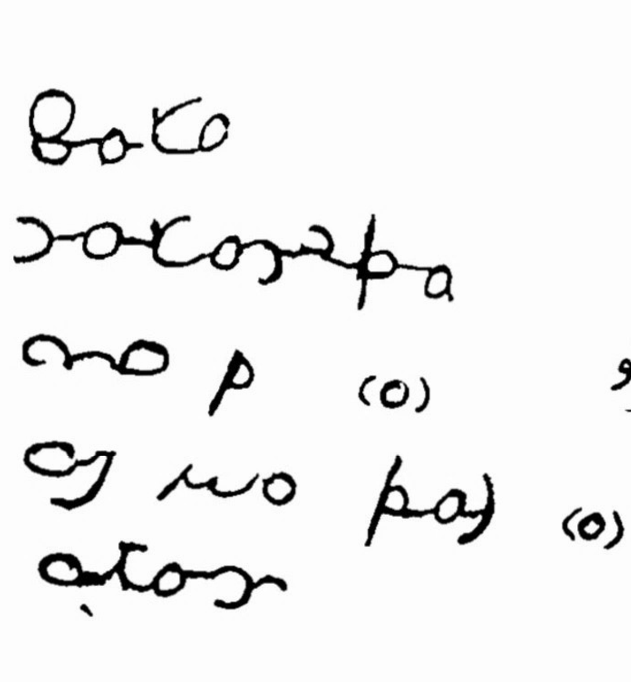
NAMW (0) BOD NAMW (0) DHARMA NAMW (0) SANGA	عکس ۱۶- نوشتۂ اول جغتو بحروف انگلیسی ←

← عکس ۱۶ اصل نوشتهٔ دوم جغتو



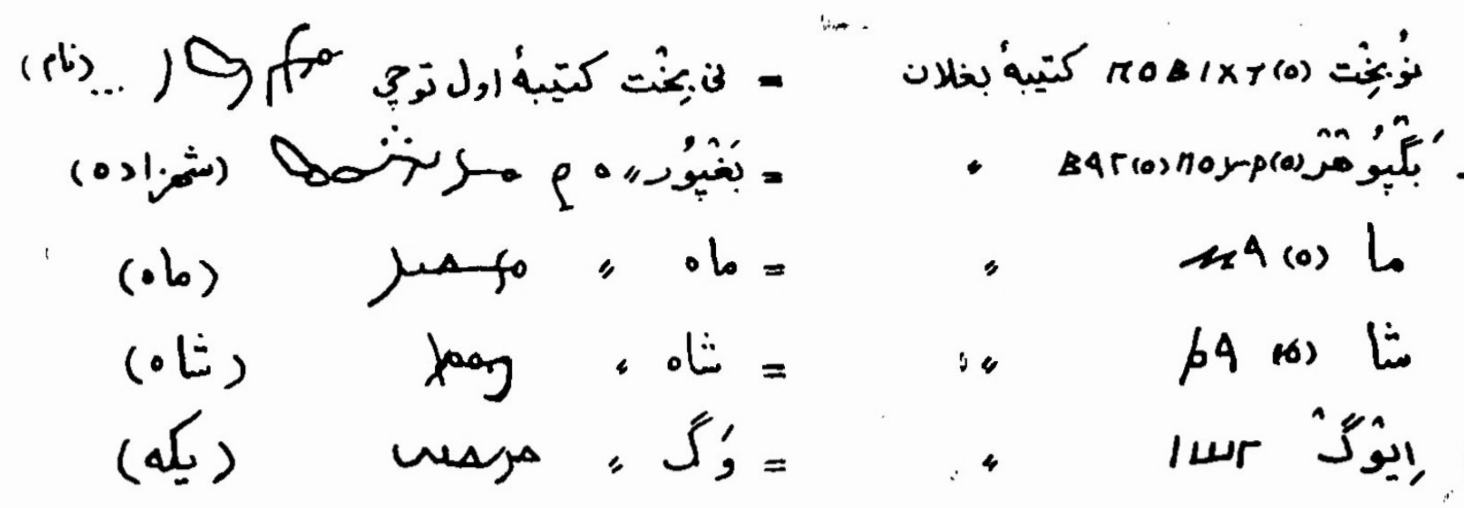
نقل خطی این نوشته در پایین است ↓

← نقل خطی عکس ۱۶
نوشتهٔ دوم جغتو

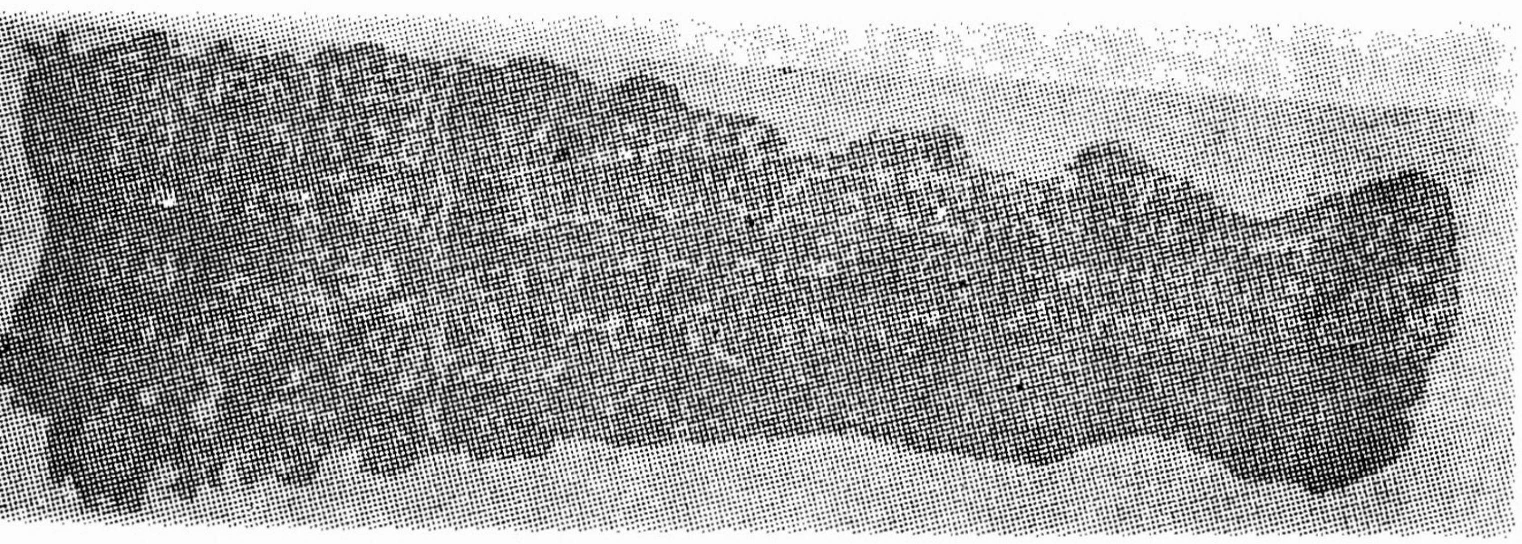


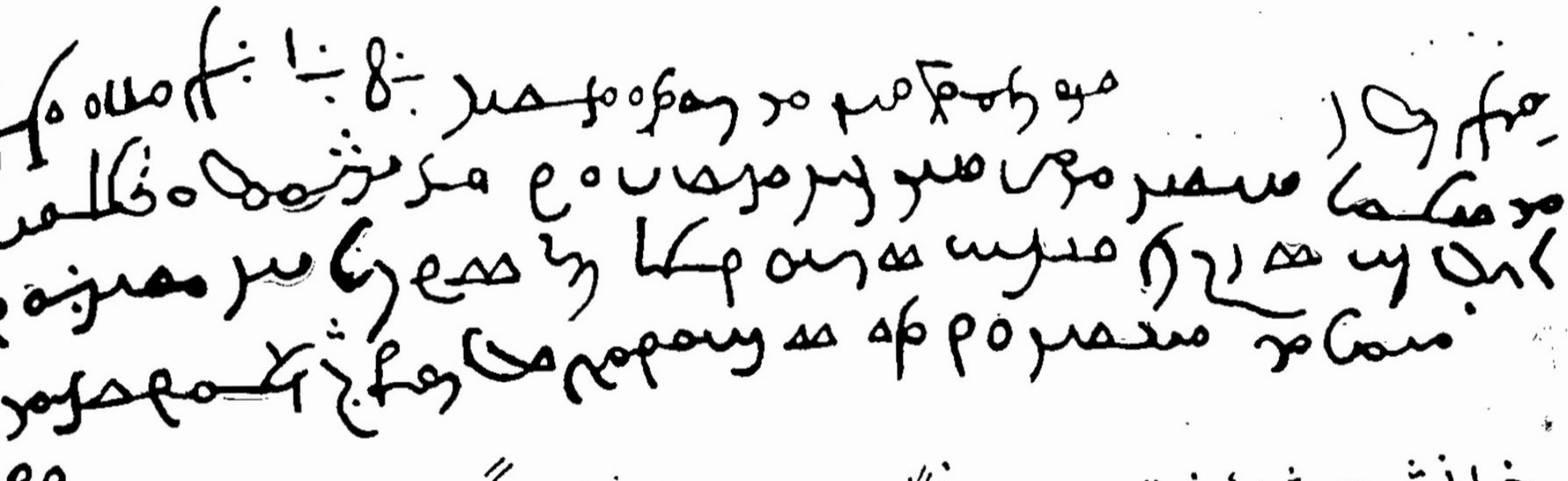


شکل ۱۷ یك حصهٔ سنگ نوشتهٔ دشت ناور



شکل ۱۸
فرق املای کلمات در کتیبه های مکشوفهٔ یونانی افغانستان





خوانش نوشتهٔ فوق بحروف انگلیسی در صفحهٔ دیگر

شکل ۱۹

1. (OṂ NAMAḤ SAMVATSARE ASHṬATRIṂSA) TITAME

SAMVAT 38 BHĀDRA-

2-(PADA MĀSA SUKLA PAKSHA SAPTA)MYĀṂ SUDI 7 TATRA

3- DIVA-(SE).......NAINA- CHANDRA BHUPA *

4- .... SA YA .... DDA .....

5. .... KULA - NARAPA KHOJANA- PUTRA

۸

مربوط شکل ۱۹
خوانش قسمت
سنسکریت طرف
چپ نوشتهٔ
تخاری

1- Z (o) XSHON (o) X ÷ I ÷ B ÷ MAH (o) ASHAHG (o)

MAHSHAH (o) M... NIBIXT (o)

2-GOMAL (o) BAĠ (o) POR (o) WIG (o) MINAN (o)

GOMAN (o) KALD (o) BO-

3-STARANIDAM KIRD (o) GILRANIDAN (o)

MALIZ (o) OD (o) NIBIXT-

4- BIHAR (o) FZRAG (o) BOSTARANID (o)

FROMAN (o) GOKA....

۷

مربوط شکل ۱۹
خوانش متن
تخاری کتیبهٔ

بالا : عربی ←

عکس ۲۰

کتیبهٔ سوم

توچی



عکس ۲۰

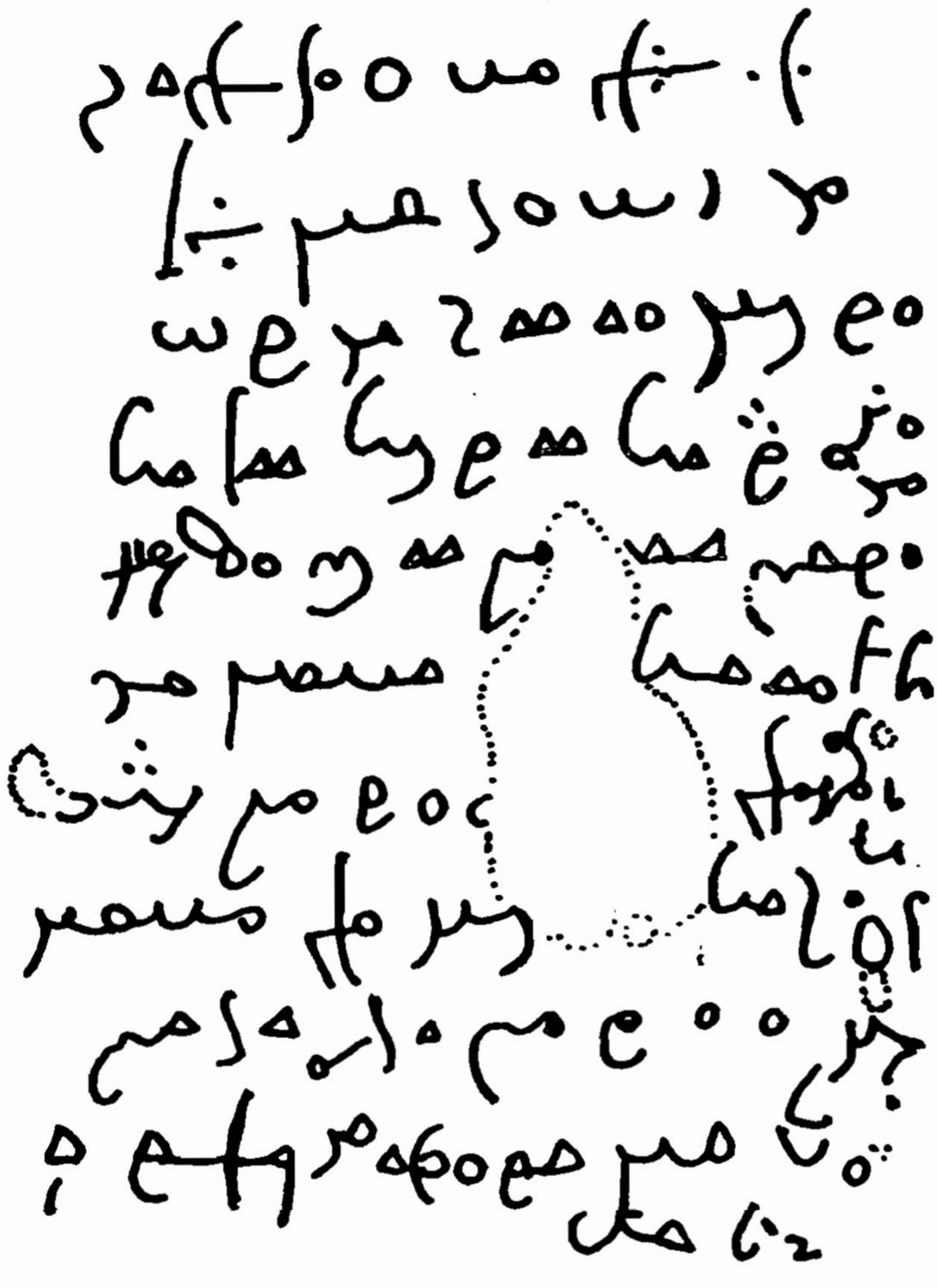
نقل خطی کتیبهٔ

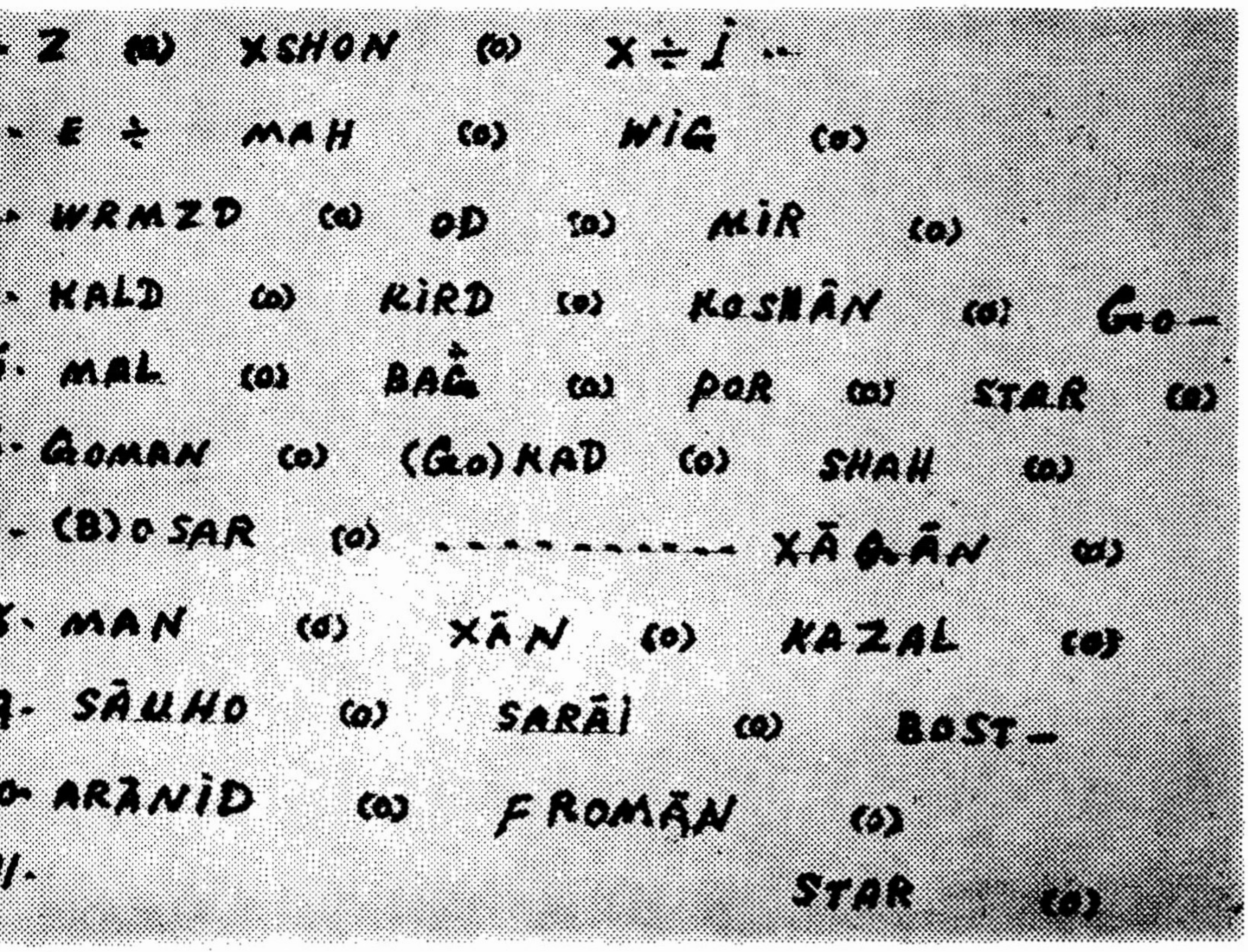
سوم توچی

متن تخاری

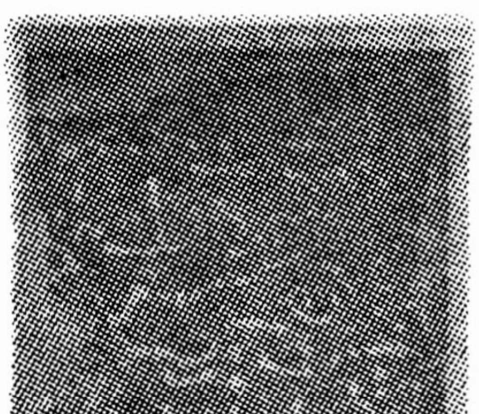
ترتیب گوبل

↓





مربوط شکل ۲۰ خوانش سنگ‌نوشتهٔ نمبر ۲۰ بحروف انگلیسی



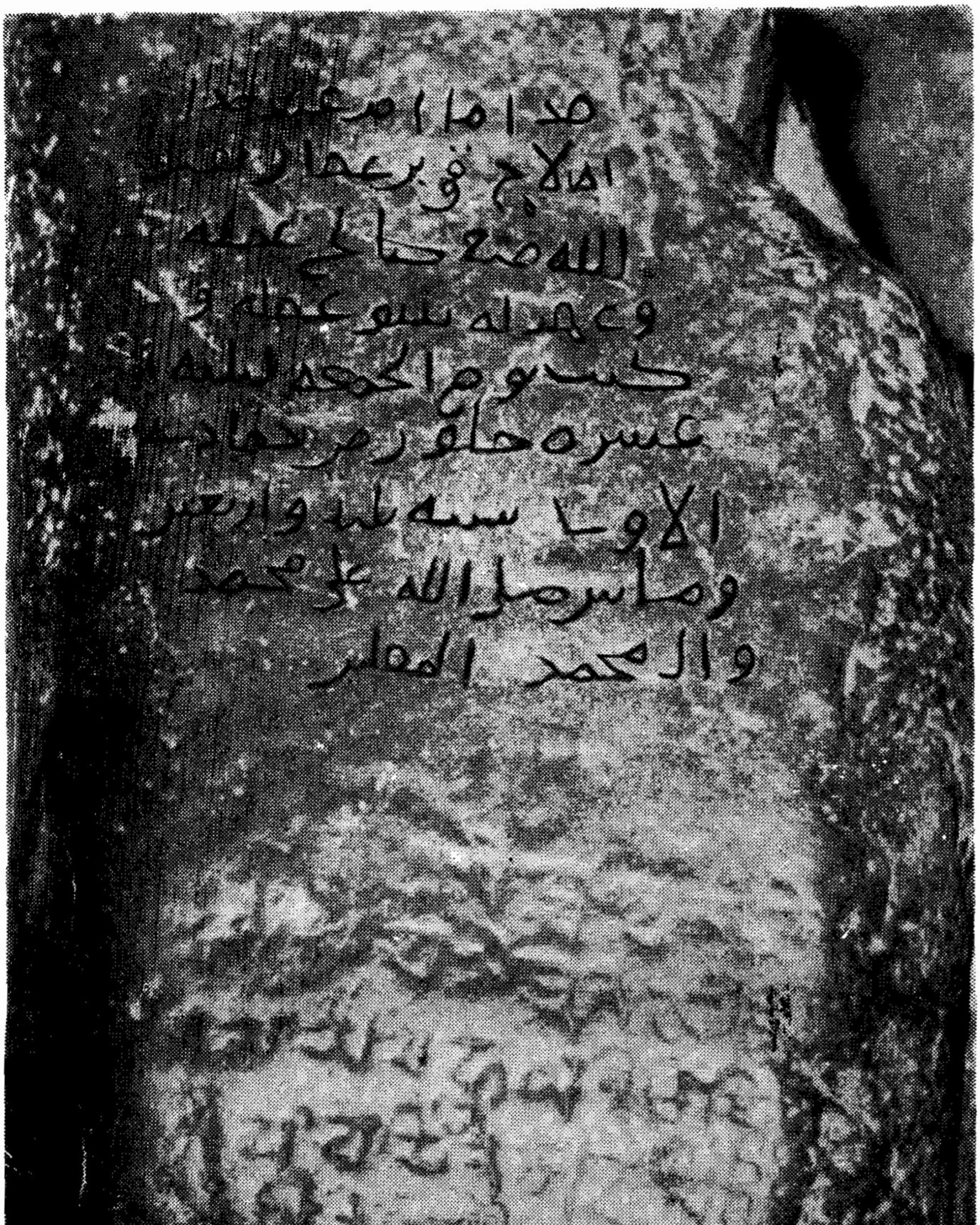
عکس ۲۱ متن تخاری ←
بر سنگ پارچه جدا شده
از کتیبهٔ سوم توچی



شکل ۲۲نوشتهٔ دیوه ناگری لغمان نزدیك نوشتهٔ آرامی‌نمبر ۷



شکل ۲۳ نوشتهٔ دیوه‌ناگری لغمان نزدیك نوشتهٔآرامی نمبر ۷

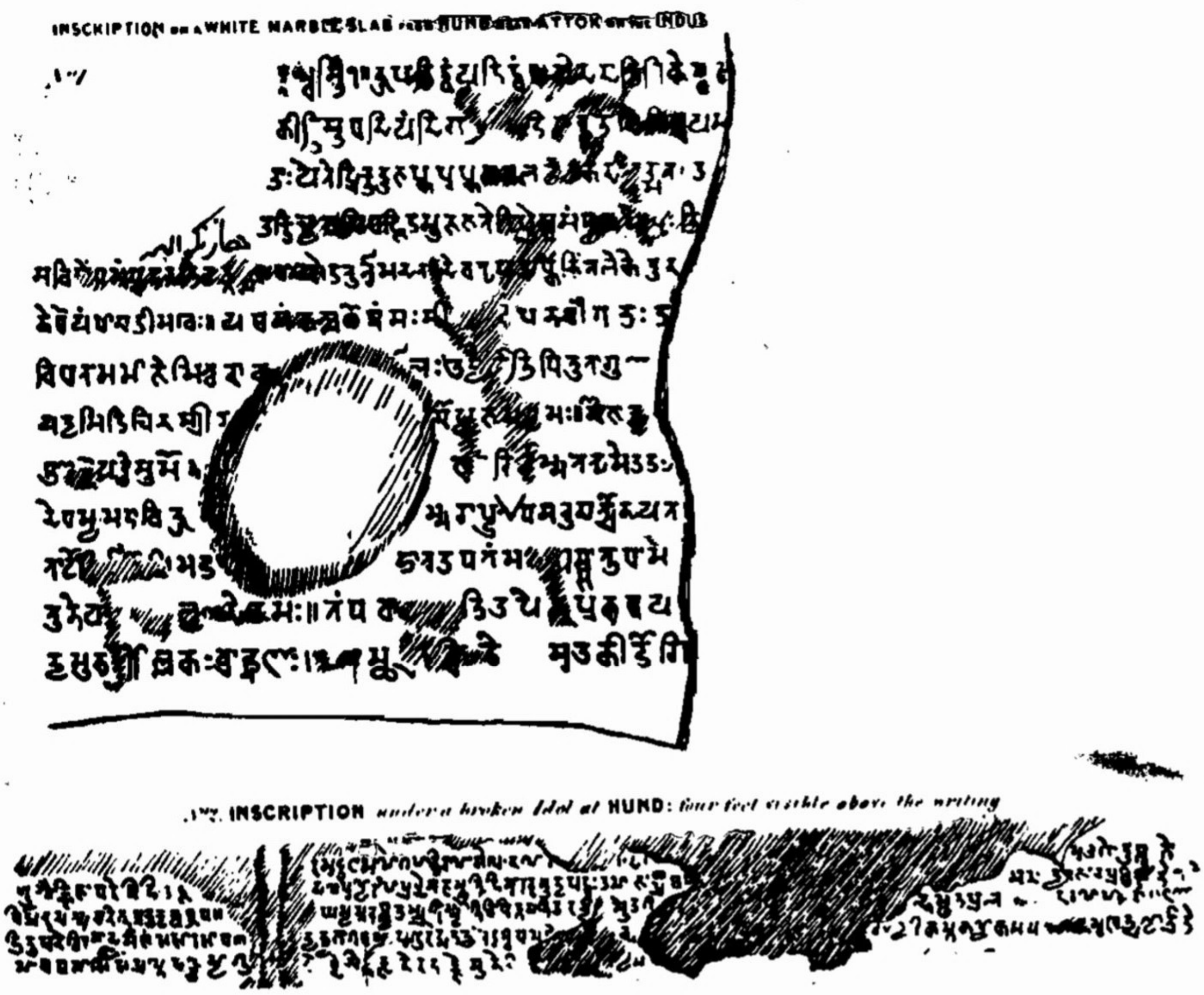


شکل ۲۴ سنگ نوشتهٔ عربی وسنسکریت تو چی

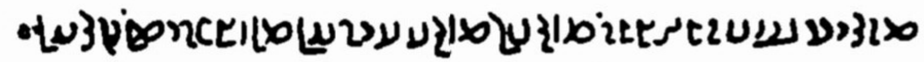
1. (OM NAMAḤ SAṂVATSA)RE DVĀṚIṂSATI
2. (TAME) SAṂVAT 32 KĀRTI-
3. (KA) MĀSA BAHULA TITHAU DVI (TI-
4. (YA) YĀṂ VADI 2 ATRA DIVA-
5. (SE) ------------------ (۱۰۱)

ترجمه
اوم . سلام . در سال ۳۲ سموت در ما
کارتیکه (ستمبر و اکتوبر) بروز
دوم نصف تاریک .
تعیین روز

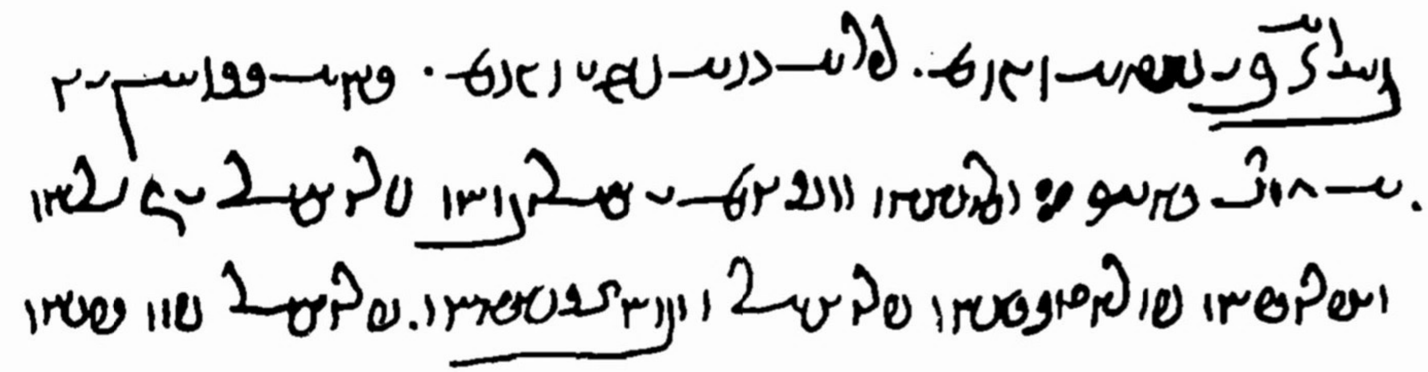
خوانش و ترجمه نـو شتهٔسنسکریت نمبر۲٤ تو چی که
زیر نوشتهٔ عر بی ۲٤۳ق نوشته‌شده است .



شکل ۲۵ دوسنگ نو شته دیوه ناگری ویهند از کتاب کابل
الکسندر برنس

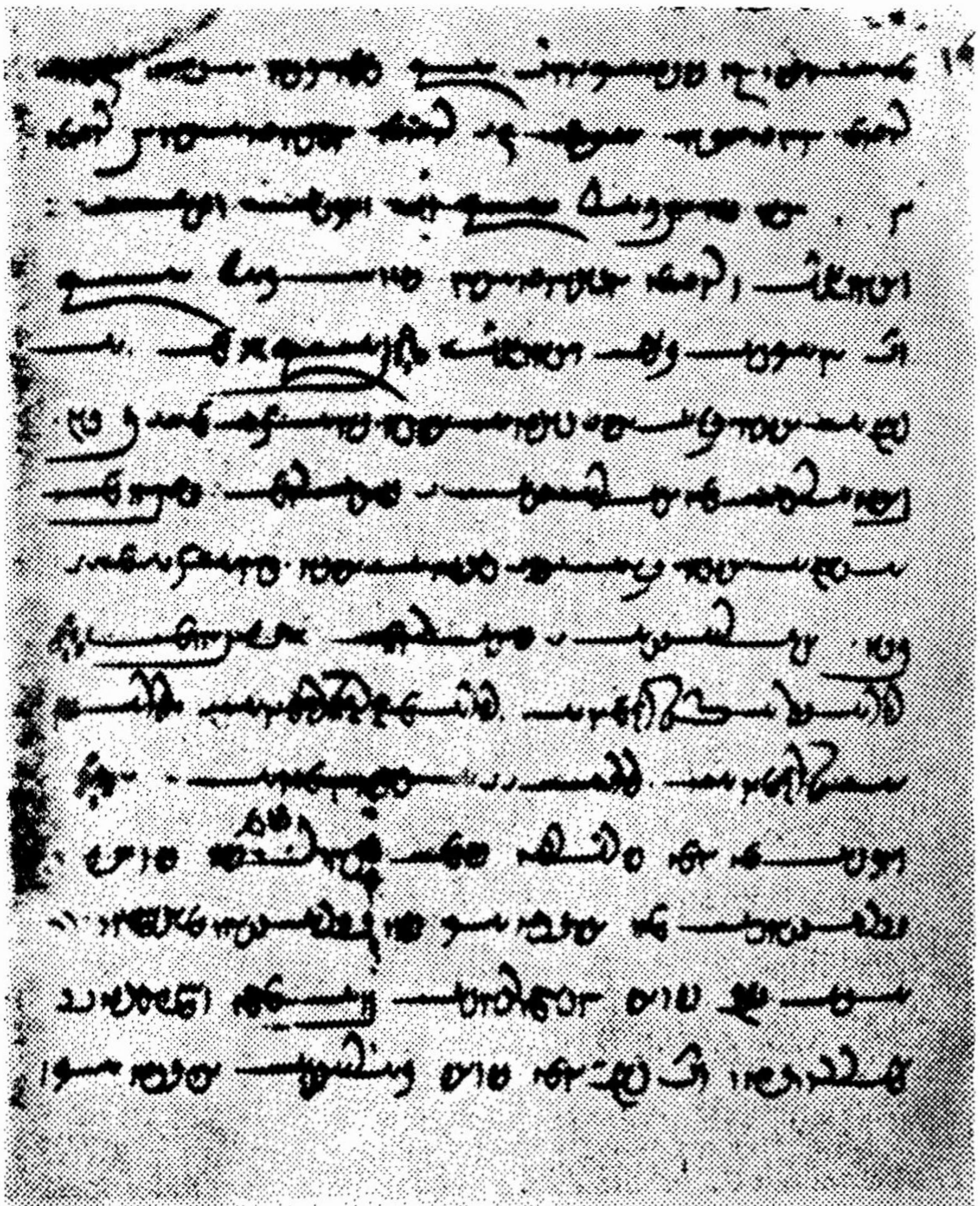


نمونهٔ خط پهلوی ساسانی بر سکهٔ اردشیر پاپکان درحدود ۲۲۴ م که چنین
خوانده میشود : مَزد یَسْنی بَغی اَرْتَخشَتر مَلکان مَلکا اَیْران مَنوشترمن یزدان .
یعنی : خداپرست خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران که نژاد اوازخدایان است .
(سبک شناسی ا ر ۱۳۶)

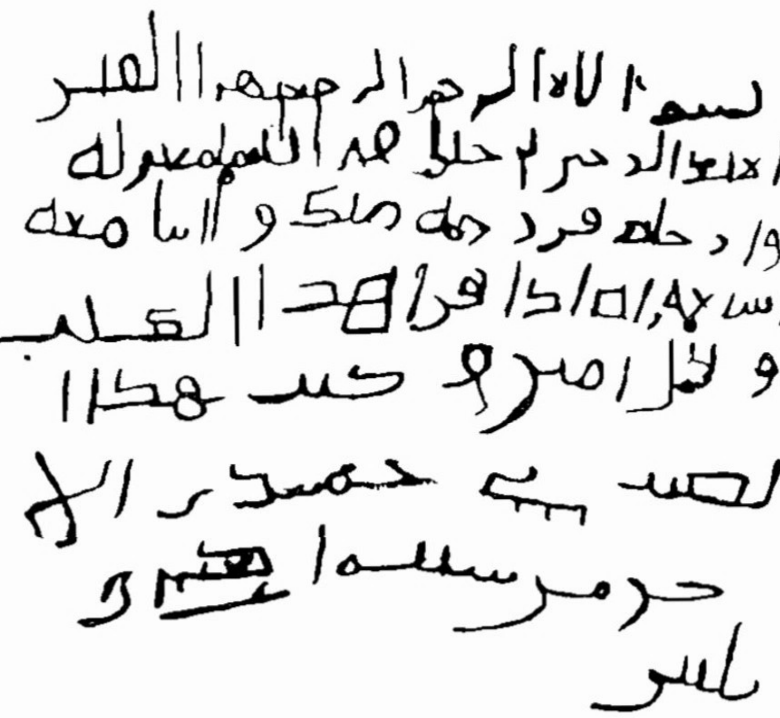


نمونهٔ خط اوستا (دین دبیره) از نسخهٔ خطی یِسنا که در سنهٔ ۷۲۴ ه ۱۳۲۳ م بخط
مهربان کیخسرو نوشته شده و درکو پنهاگ موجود است وتاکنون نسخهٔ قدیمتر مکشوف
دنیا شمرده میشود . (گاتها ۵۶)

شکل (۲۶)

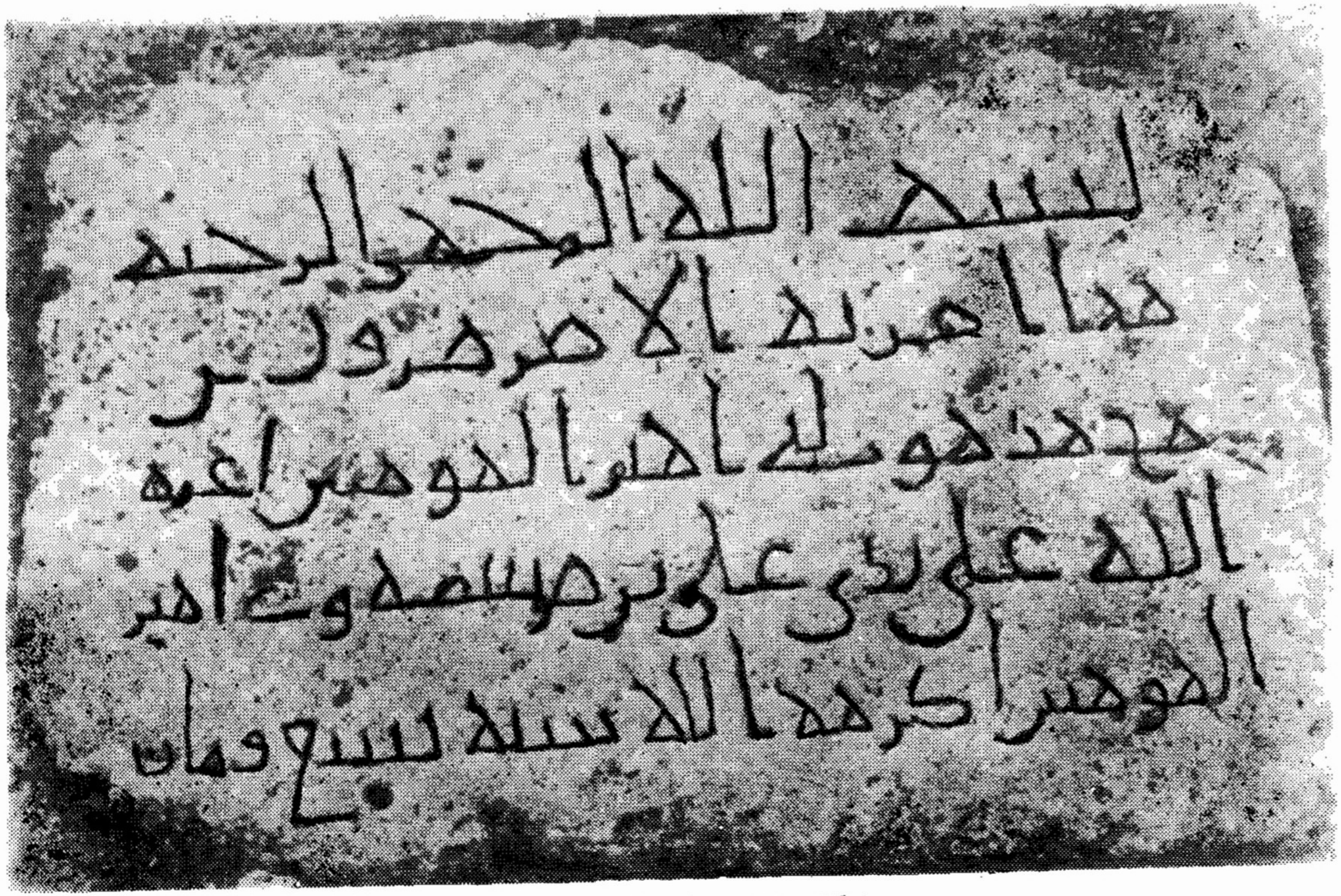


ر ۲۶ صفحه‌ای از اوستا (یسنا) محفوظ در اکسفورد

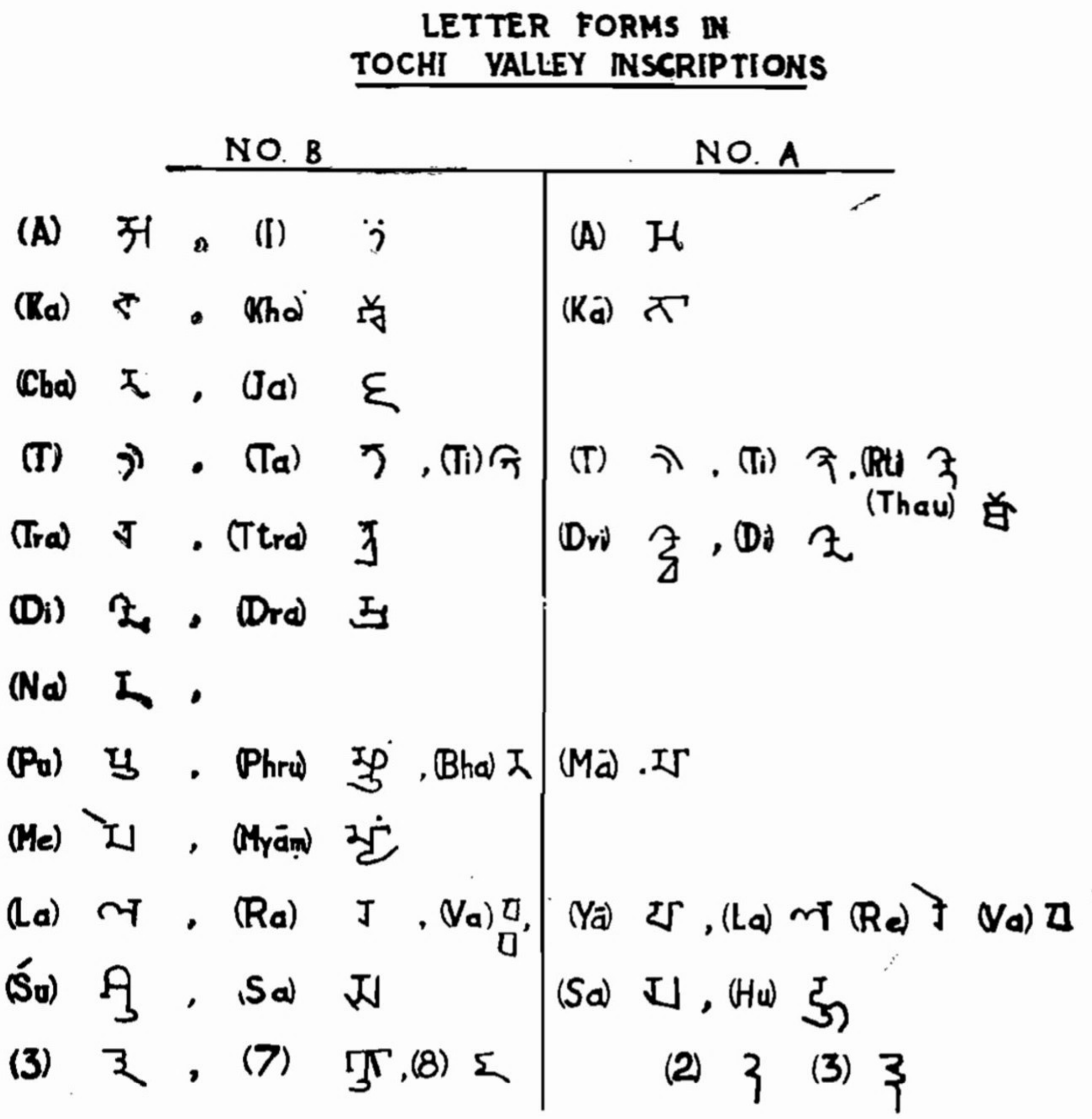


بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر
لعبد الله بن جبر الحجازی اللهم اغفر له
و ادخله فی رحمة منک و آتنا معه
استغفر له اذا قرأ هذا الکتب
و قل آمین و کتب هذا ا
لکتب (الکتاب) فی جمدی الآ
خر (ه) من سنت احدی و
ثلثین .

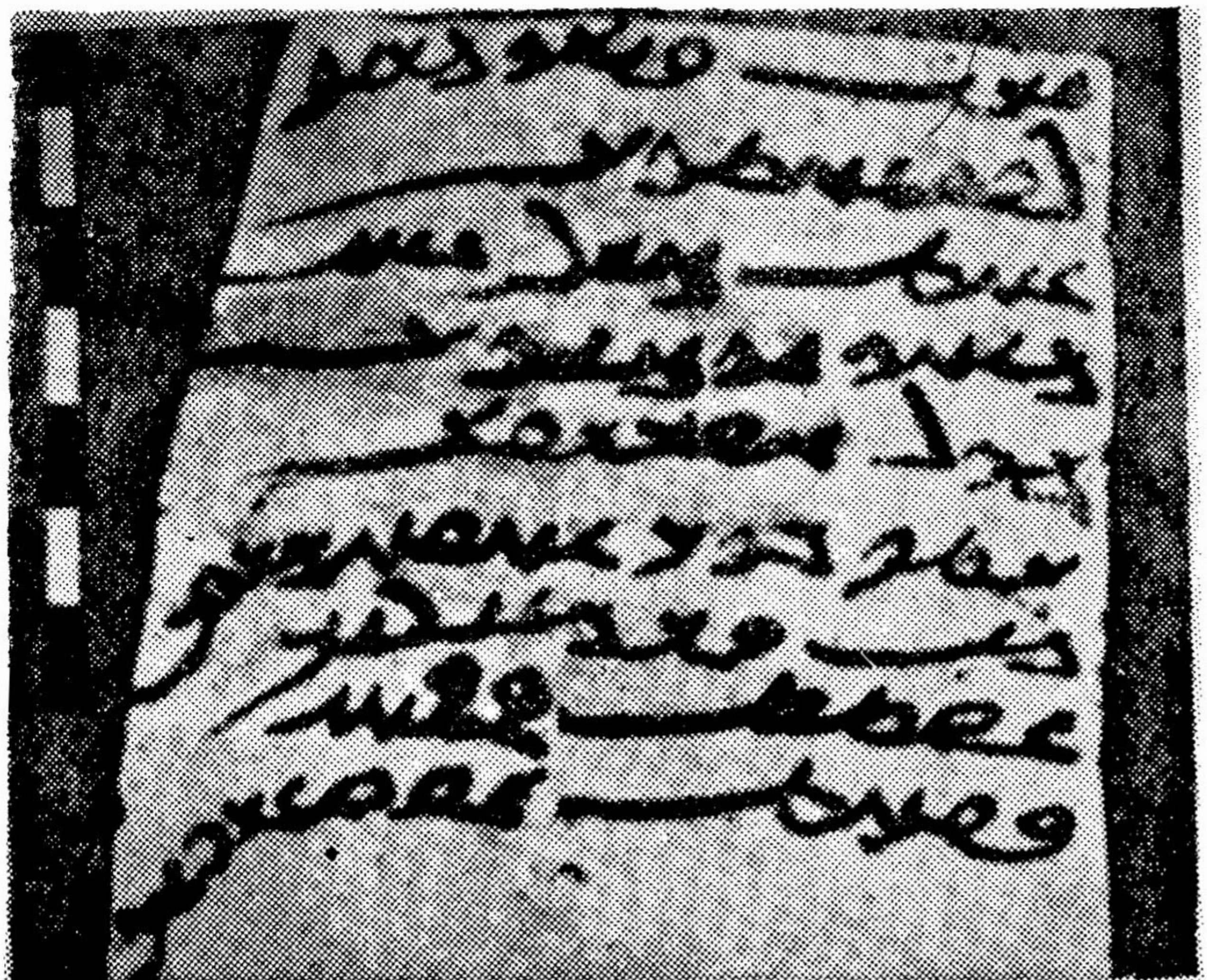
نمونهٔ خط عربی بر یک لوحهٔ قبر، موجود در موزهٔ قاهره، منقول سنه ۳۱ ه
(تاریخ اللغات السامیه ۲۰۳)
شکل (۲۷) ۳۸



شکل ۲۸ سنگ نوشته کوفی بمپور ۱۰۷ ه



شکل ۲۹ حروف‌دیوه ناگری کتیبه های وادی تو چی

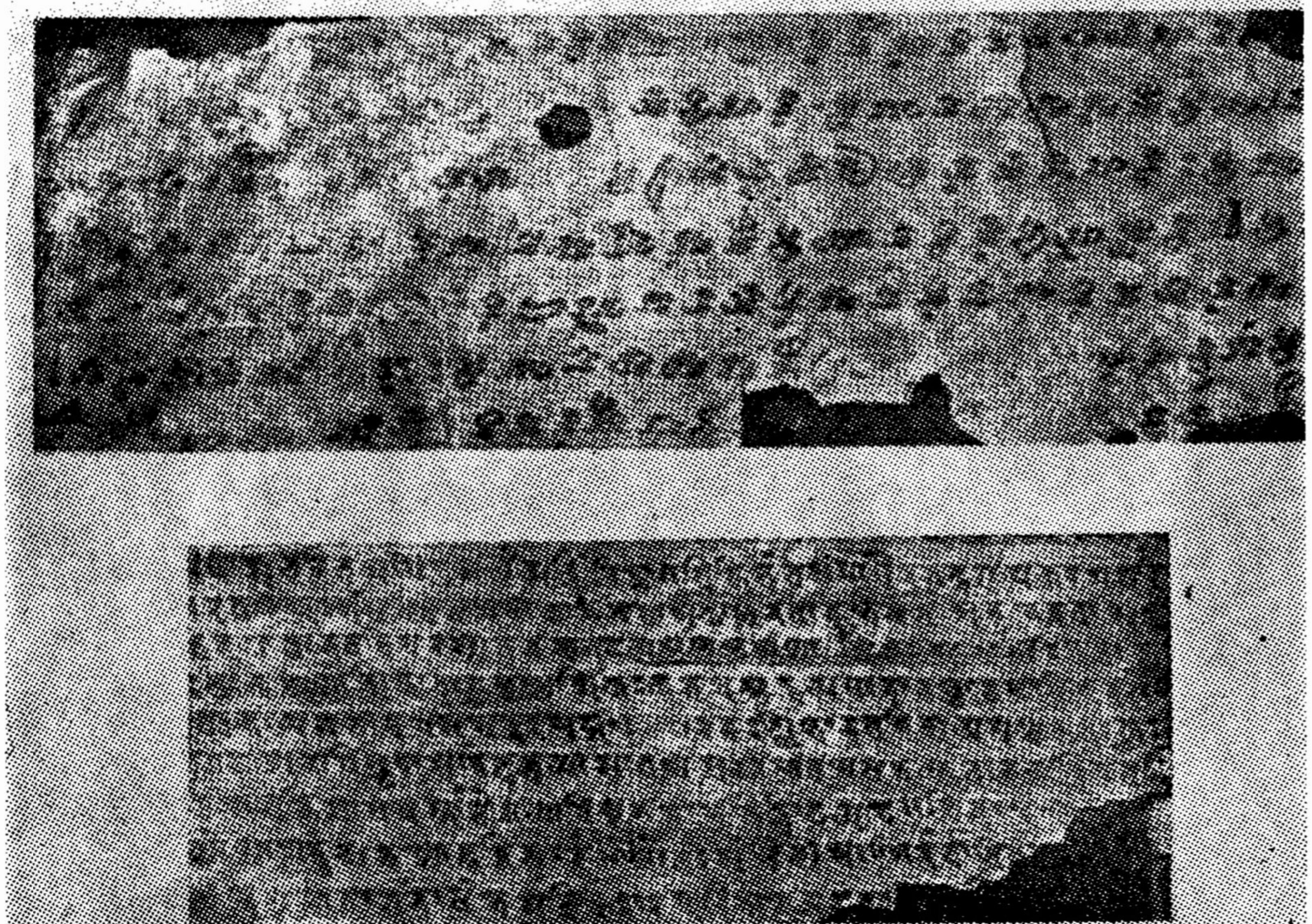


ترجمهٔ نمونهٔ سغدی

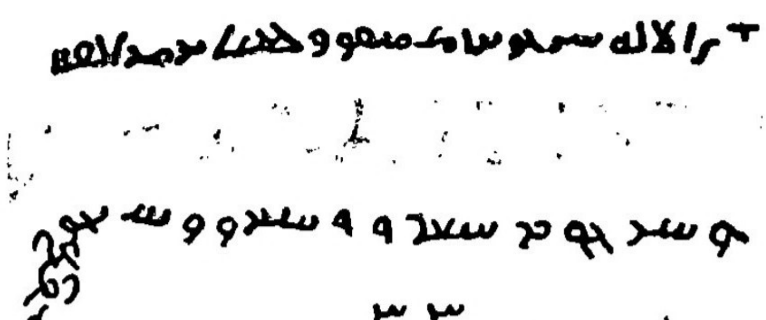
(۱) خداوند پنج (بنجکنت) (۲) دیوا شتیچ را (۳) هشت سال است (سال ۸ حکو مت) (٤)ماه نیسان (٥) روز خـور روز (یاز دهم) (٦) وگـرفـت اغو شمریك (اسـم خـا ص) (۷) از فـر مانـدار (۸) اوت (اسم خاص) (۹) پوست ونیز واریاك (نو عی از پو ست)   (از تاریخ زبان فارسی ۱ر۲۷۸)



۱ـ خط فارسی ۲ـ آرامی جزیرة الفیل ۳ـ سنگنوشته های پهلوانیك سکه های اشکانی ٤ـ خط قباله های اورامان ۵ـ سنگنوشته ها و سکه‌های ساسانی ۶ـ خط پهلوی کتابی ۷ـ خط سغدی



عکس ۳۲ نوشته های سانسکریت مکشوفه از بامیان



ر ٣٣

نقش ز بد

قرائت ليتسبرسكي :

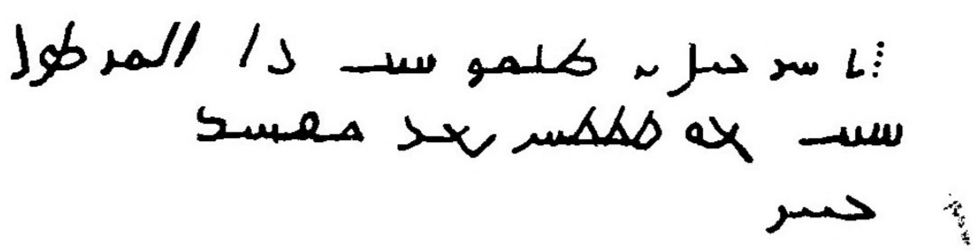
(بسـ) م الآله شرحو برمع قيمو بر مرالـ
بر سعدو و سترو و (شر) يحو (بتميمو

قرائت ليتمان :

(بنصر) الآله شرحو برامت منفوظ
وشرحو الخ ....

(تاريخ اللغات الساميه

ر ٣٤ نقش حران



١ - انا شرحبيل بن ظلمو بنيت ذا المرطول
٢ - سنة ٤٦٣ بعد مفسد
٣ - خيبر ٢ - بعام (تاريخ اللغات الساميه ١٩٢)



كتاب النبي صلى الله عليه وسلم الى النجاشي

خوانش شکل ۳۵

١ ـ من محمد رسول‌الله ، الی‌النجا
٢ ـ شی عظیم‌الحبشه . سلام‌علی من
٣ ـ اتبع‌الهدی . امابعد : فانی‌احمد الی
٤ ـ ك‌الله‌الذی لااله الاهوالملك
٥ ـ القدوس السلام المؤمن‌المهیمن .
٦ ـ و اشهد ان عیسی‌بن مریم‌روح
٧ ـ الله ، وکلمته القاها الی‌مریم‌البتو
٨ ـ ل‌الطیبة‌الحصینة ، فحملت‌بعیسی من ر
٩ ـ وحه ونفخه ، کما خلق آدم‌بیده . و
١٠ـ انی ادعوك الی‌الله وحده ،لاشر
١١ـ یك له، والموالاة علی طاعته، وان
١٢ـ تتبعنی و توقن بالذی‌جاءنی‌فانی ر
١٣ـ سول‌الله . وانی ادعوك‌وجنو
١٤ـ دك الی‌الله عزوجل ، و قدبلغ
١٥ـ ت ونصحت فاقبلو نصیحتی‌والسلام
١٦ـ علی من‌اتتبع (کذا) الهدی.

الله
رسول
محمد

(الوثایق السیاسیه ٤٥)


نامهٔ مقدس حضرت رسول
صلی‌الله علیه وآله‌وسلم
بمقوقس
۳۶

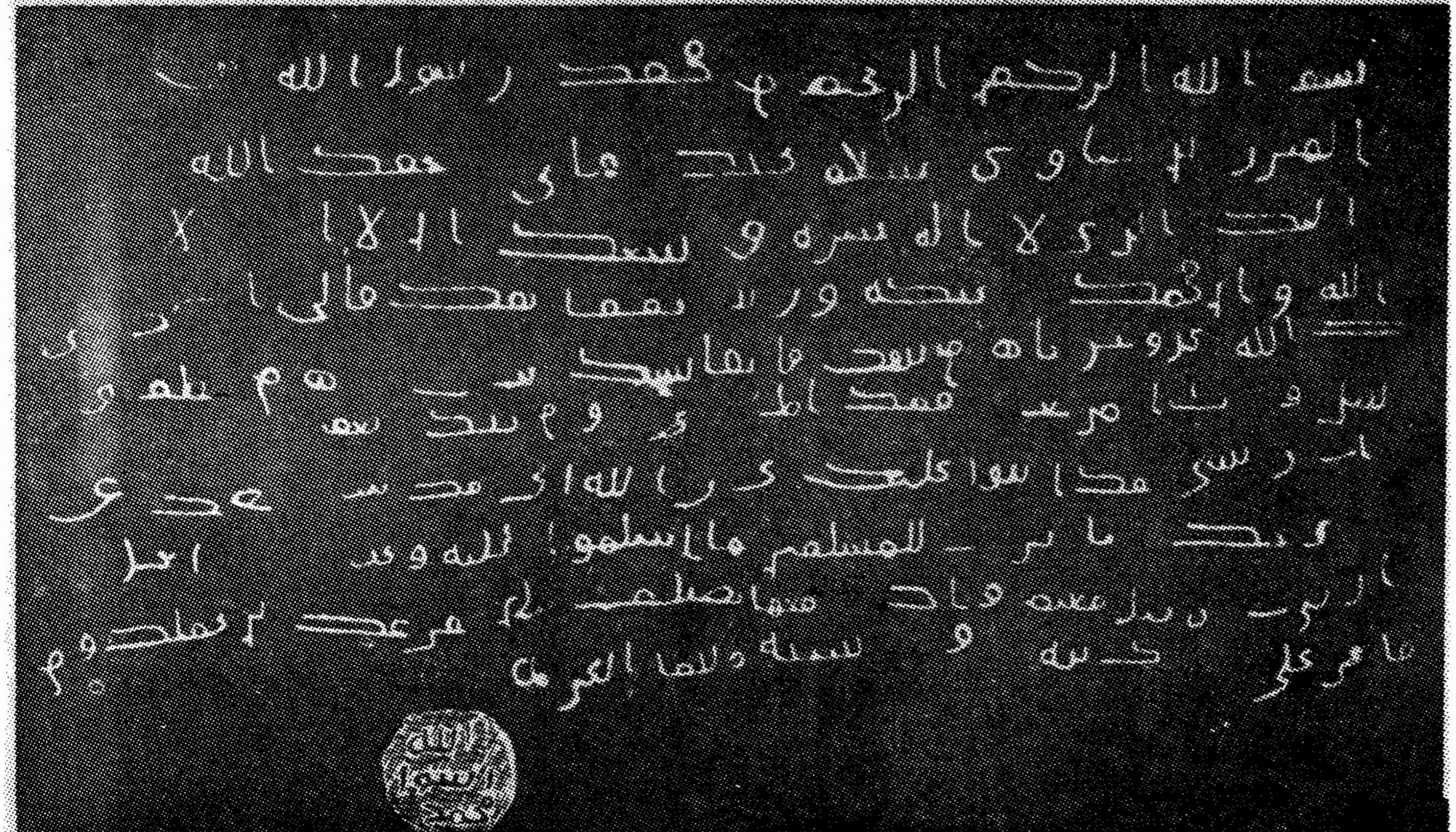
خوانش شکل ۳۶

١ ـ بسم الله الرحمن الر حيم .من محمد عبدالله و
٢ ـ رسوله ، الى المقو قس عظيم القبط سلام
٣ ـ على من اتبع الهدى.اما بعد:فانى
٤ـ ادعوك بد عاية الاسلام ، اسلم تسلم ،
٥ ـ يوتك الله اجرك مرتين .
٦ ـ فان تو ليت ، فعليك اثم القبط.
٧ ـ «يااهل الكتاب تعالوا الى كلمة
٨ ـ سواء بيننا و بينكم ،الانعبدالا الله
٩ ـ ولا نشر ك به شيئاً،ولايتخذ بعضـــنا
١٠ ـ بعضاً اربابا من دون الله ، فان
١١ـ تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسـ
١٢ ـ لمون.»

الله
رسول
محمد

(الوثايق السيا سيه ٧٢)

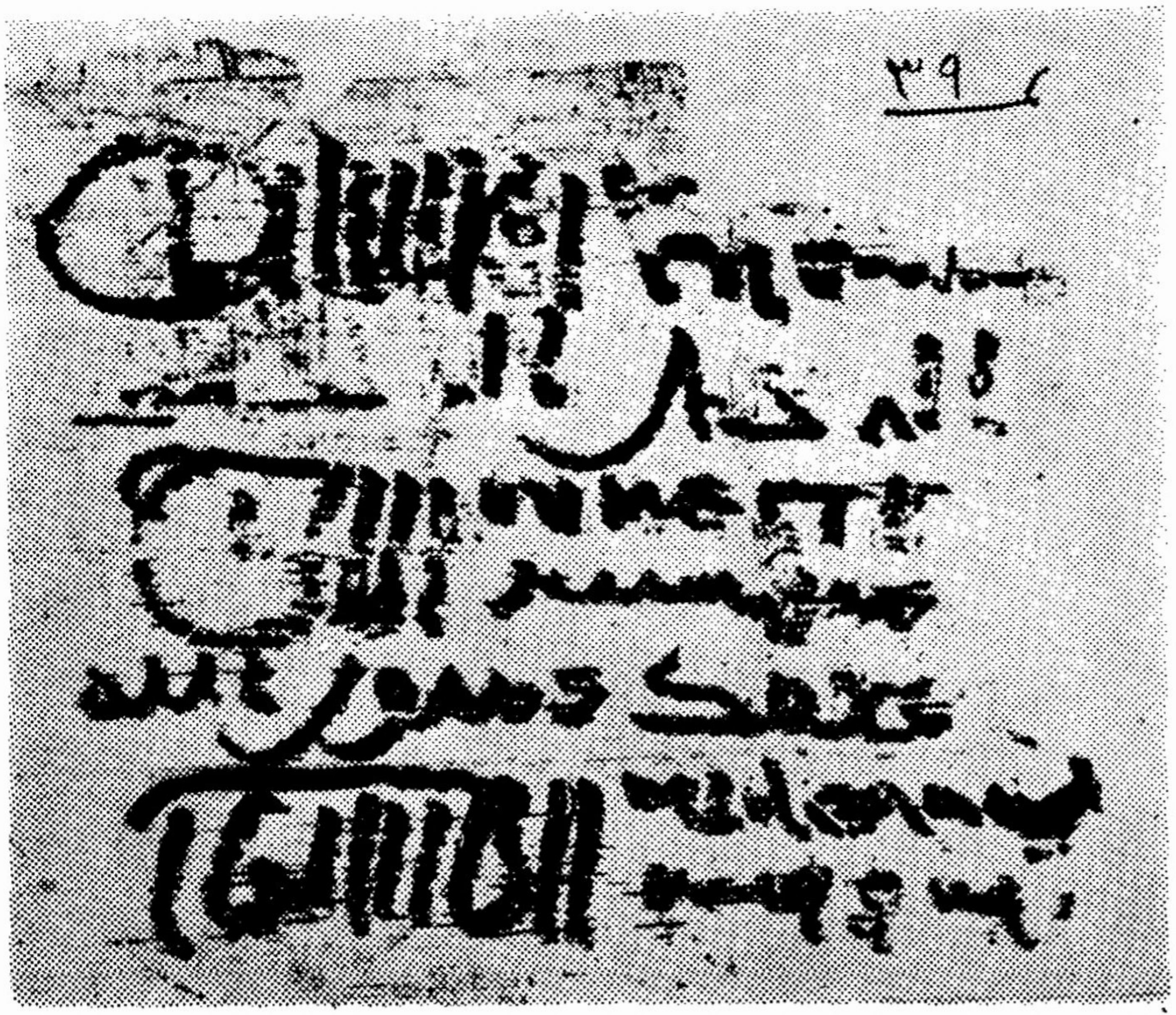
٣٧ نامه به منذر

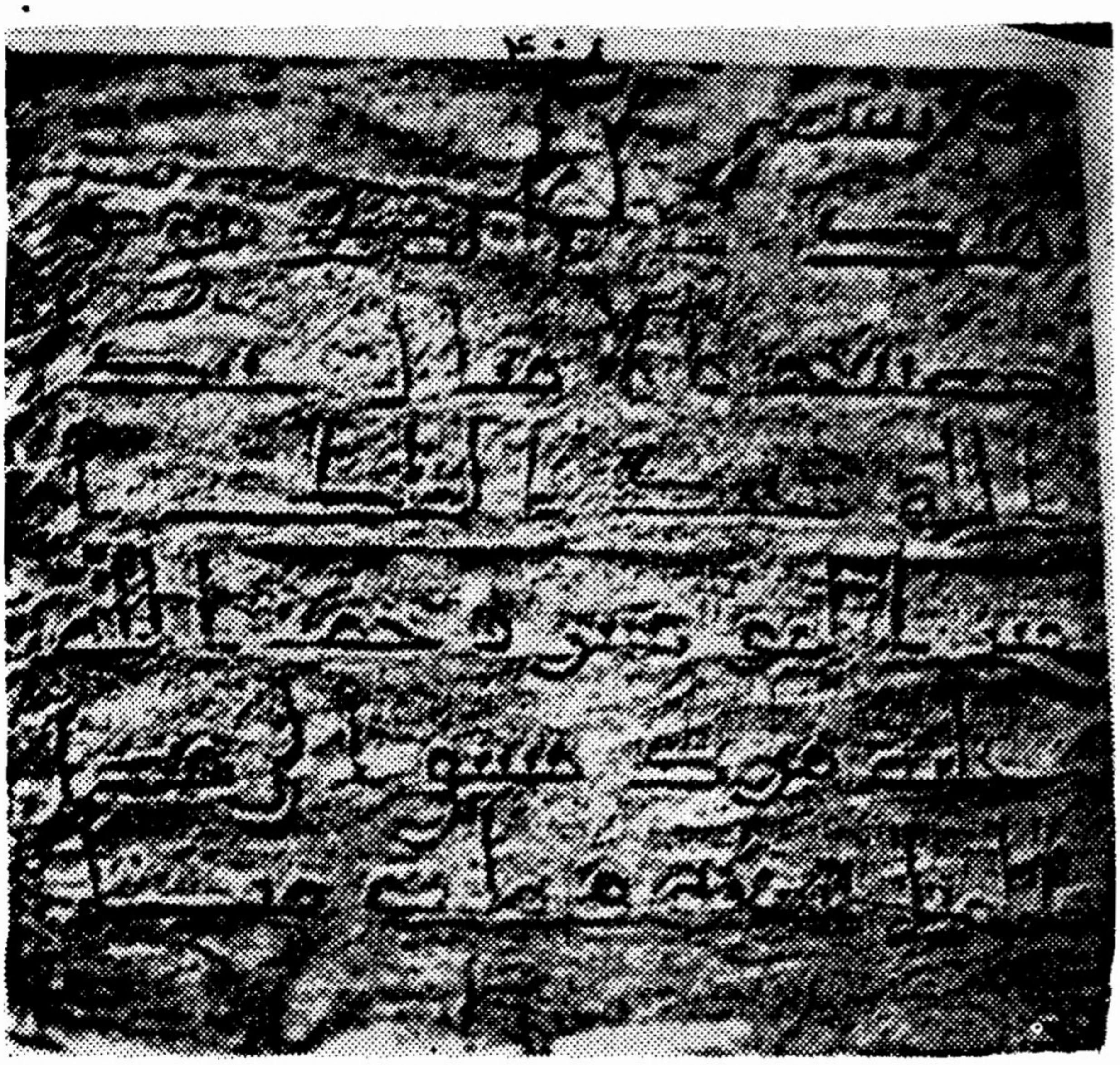


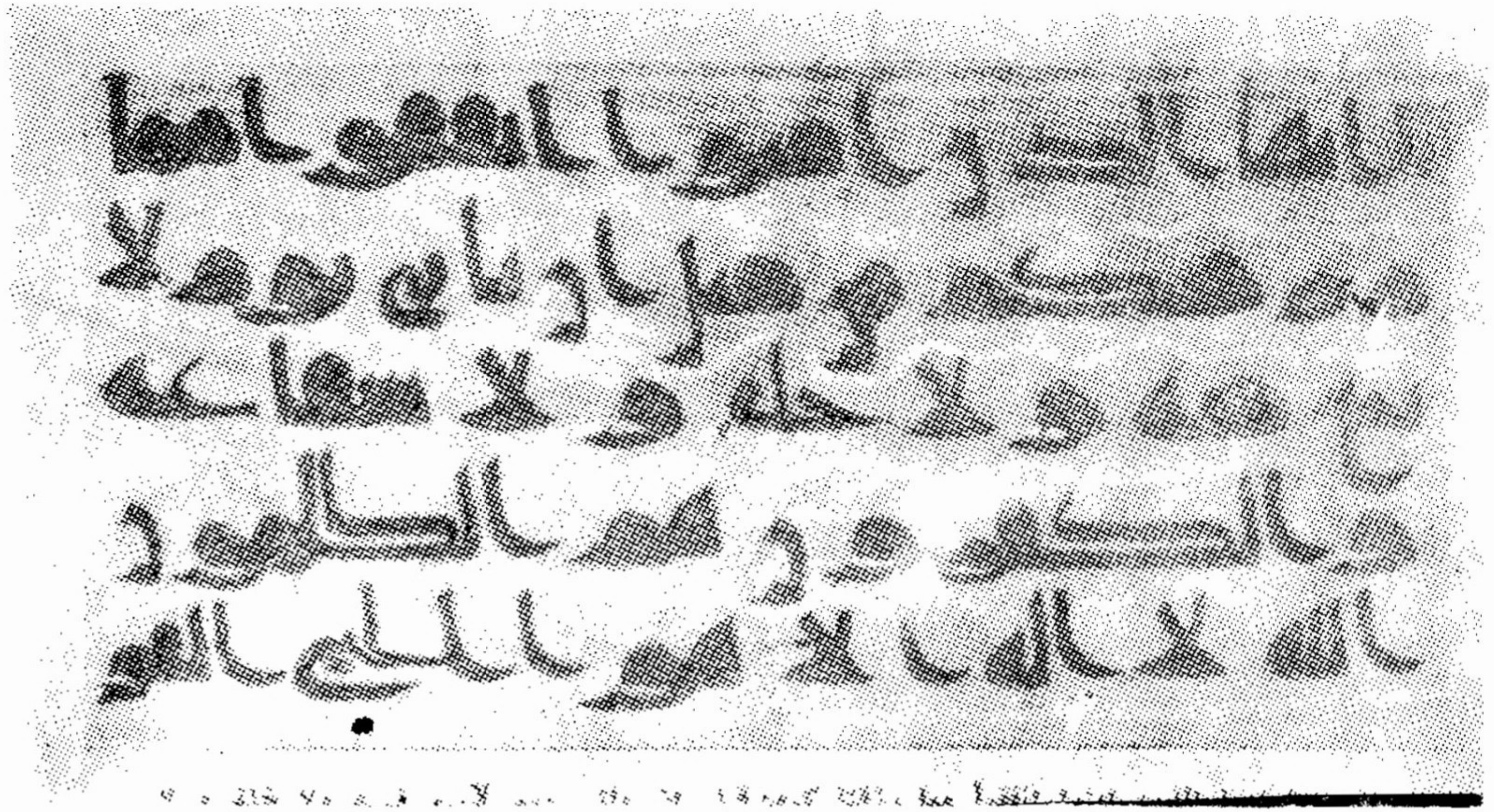
١ ـ بسم الله الر حمن الر حيم .من محمد رسو ل الله الى
٢ ـ المنذر بن ساوى ، سلام عليك، فانى احمد الله
٣ ـ اليك الذى لا اله غـيره ، واشهدان لا اله الا
٤ ـ الله، وان محمد عبده ورسوله اما بعد : فانى اذكر
٥ ـ ك الله عزوجل ، فانه مـــن ينصح فانما ينصح نفسه ، وانه من
يطع ر
٦ ـ سلى و يتبع امر هم فـــقداطاعنى ،ومن نصح لهم فقدنصح لى و
٧ ـ ان رسلى قد اثنو عليك خيراً وانى قد شفعتك فى
٨ ـ قومك ، فاترك للمسلمين مـا اسلموا عليه ، وعفو ت عن اهل
٩ ـ الذنوب ، فاقبل منهم ،وانك مهما تصلح فلن نعزلك عن عملك ، و
من
١٠ ـ اقام على يهود يته او مجوسيته فعليه الجزيه .

الله
رسول
محمد

(الوثايق السيا سيه ٨٠)



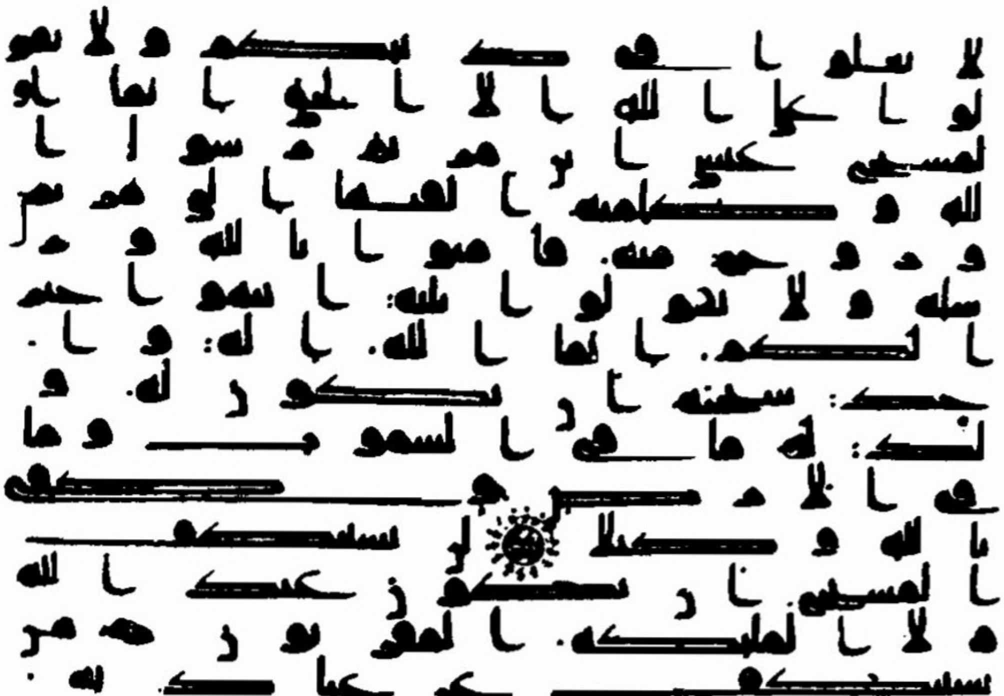




يا ايها الذين امنوا انفقوا مما رزقنا كم من قبل ان ياتى يوم لا بيع فيه ولا خلة و لا شفاعة والكافرون هم الظالمون الله لا اله الا هو الحى القيو (م)

قرآن كريم كتابت خط كوفى قرن دوم هجرى روى پوست آهو
منسوب بخط مبارك حضرت عثمان رضى الله عنه محفوظ در كتابخانه نسخ خطى افغانستان

مشكل ۴۱ سورهٔ ۲ آيت ۲۵۴



لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما المسيح عيسى

بن مريم رسول الله وكلمته القيها الى مريم وروح منه فامنوا بالله ورسله

۴۲

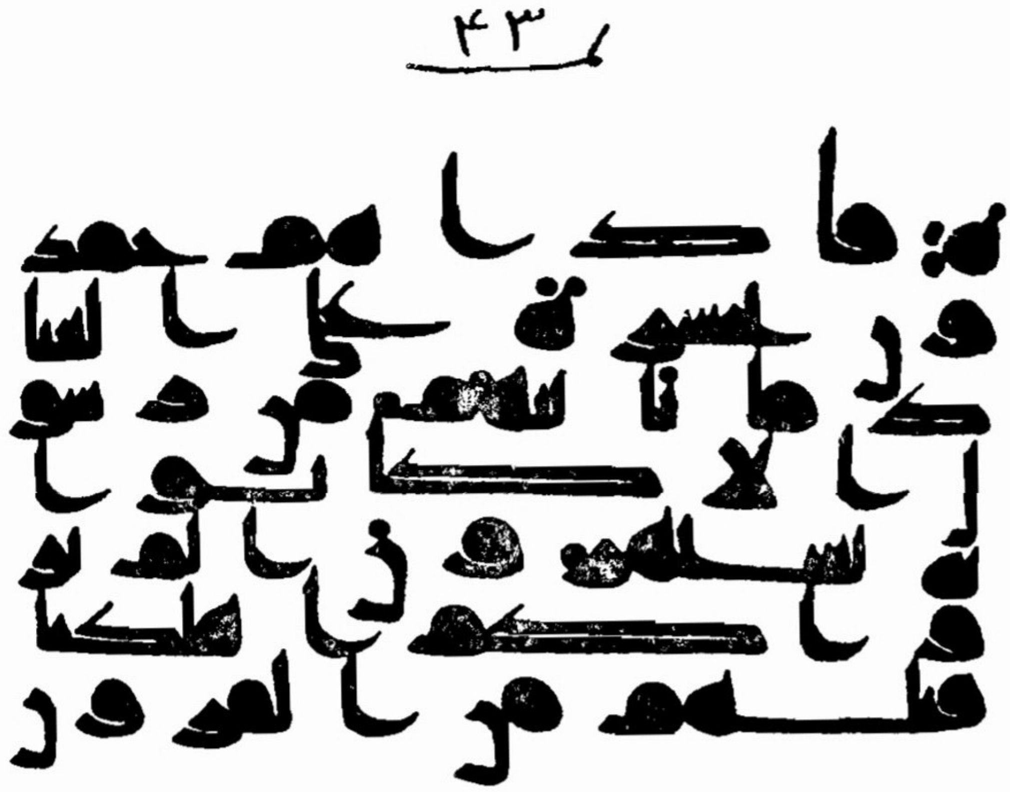
تقولوا ثلثة انتهوا خيرا لكم انما الله اله واحد سبحانه ان يكون له ولد له

السموات وما في الارض وكفى بالله وكيلا لن يستنكف المسيح ان يكون

دا لله ولا الملئكة المقربون ومن يستنكف عن عباده ....

شکل ۴۲

يك صفحه از قرآن شريف منسوب به خط حضرت على رضى الله عنه، كه درموزهٔ مشهد رضوى خراسان دريكصد ورق ۲۶ + ۳۷ سانتى متر محفو طست وبر پوست نوشته شده كه در آخر رقم مبارك (كتبه على بن ابى طالب) دارد، و هر صفحه داراى ۱۴ سطر است .

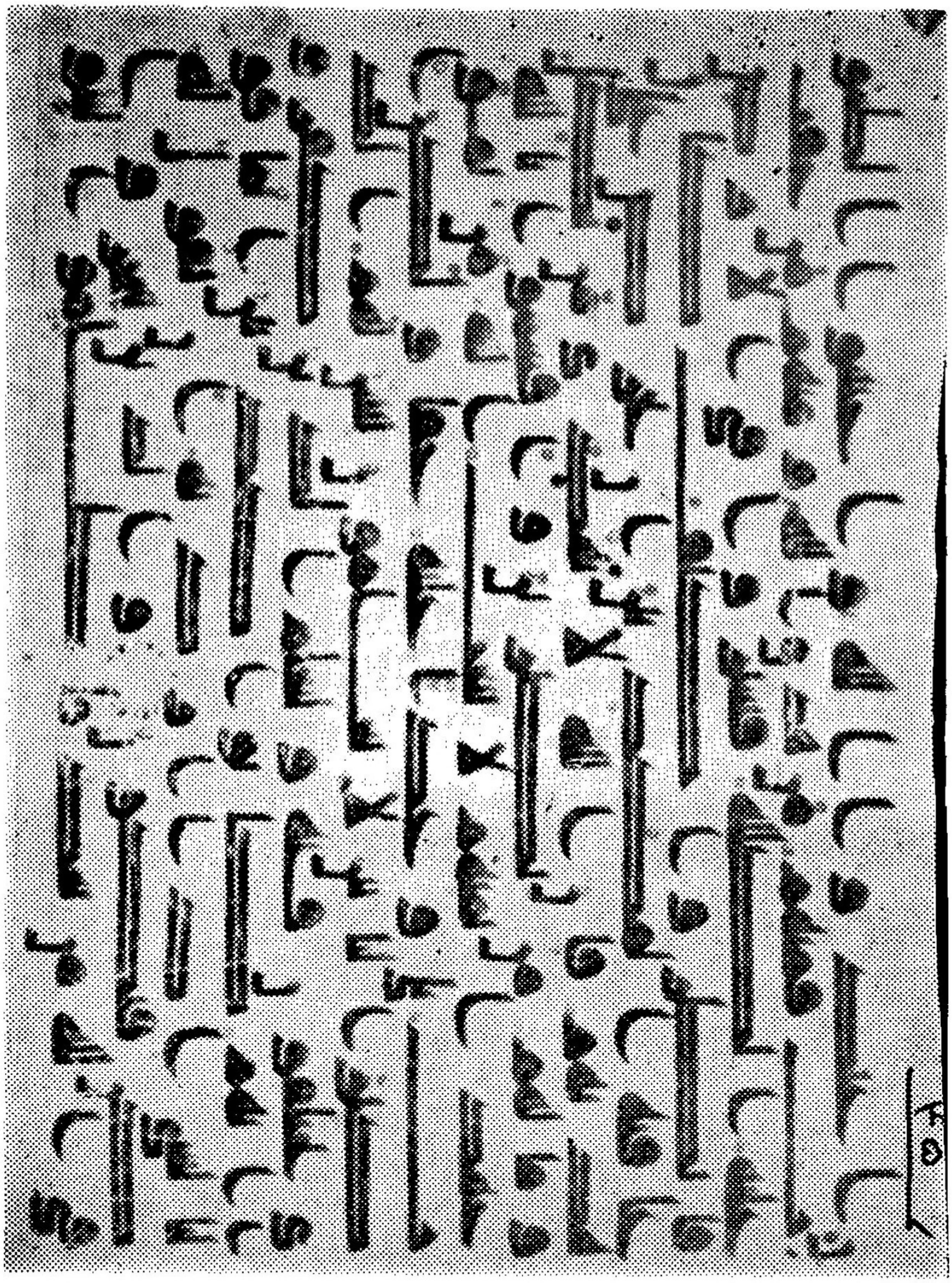


فاذا هم خمدون یحسرة علی العباد ما یأتیهم من رسول الا کانوا به یستهزؤن الم یروا کم اهلکنا قبلهم من القرون ..

(قرآن عظیم ـ سورهٔ یس ـ آیت ۳۰)

شکل ۴۳ـ۴۴

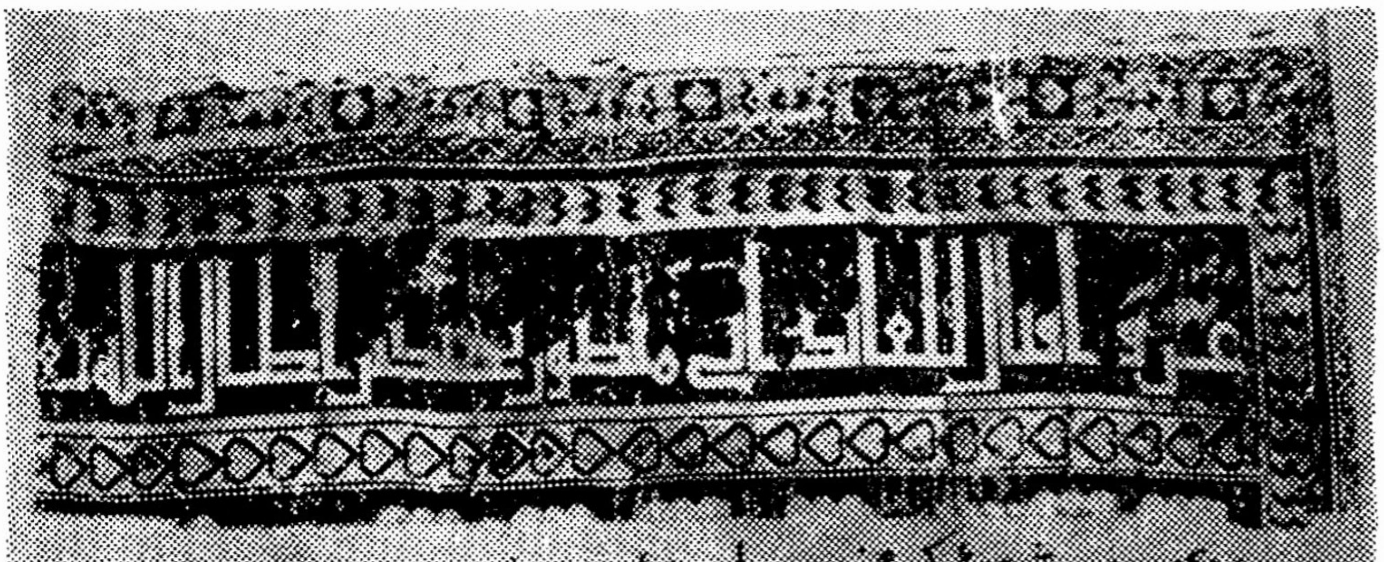
صفحه یی از قرآن شریف منسوب به خط حضرت حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنه محفوظ موزهٔ مشهد رضوی دارای ۱۲۲ ورق پوست آهو، هر صفحه ۷ سطری، نوشته سال ۴۱ هـ که واقف آن شاه عباس صفوی است ووقف نامهٔ آنرا مرحوم شیخ بهایی نگاشته .



یک صفحه قرآن شریف منسوب به خط حضرت علی در مشهد



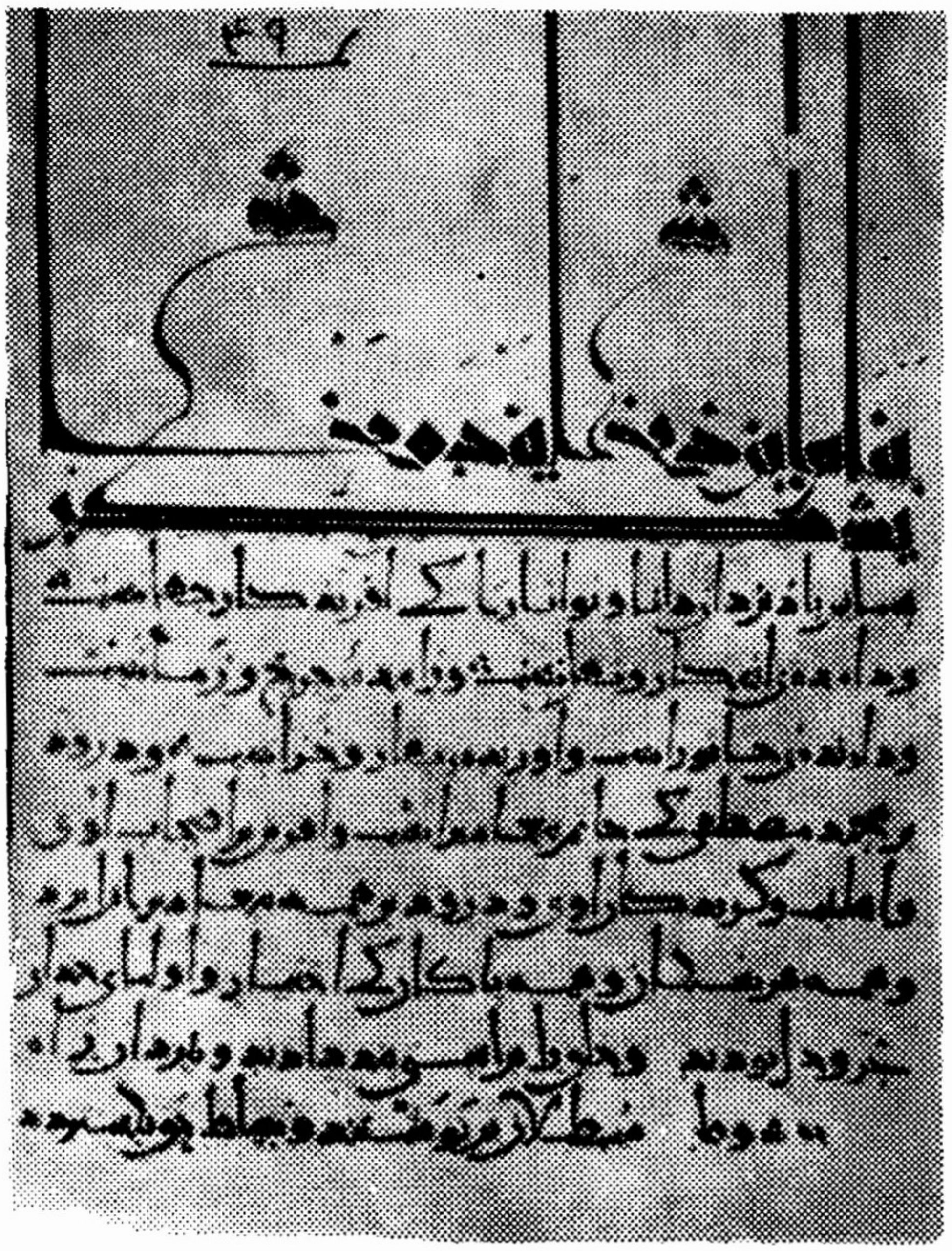
عهد نا مه مجعول منسوب به خط
حضرت علی رض از مجله ایران‌شهر



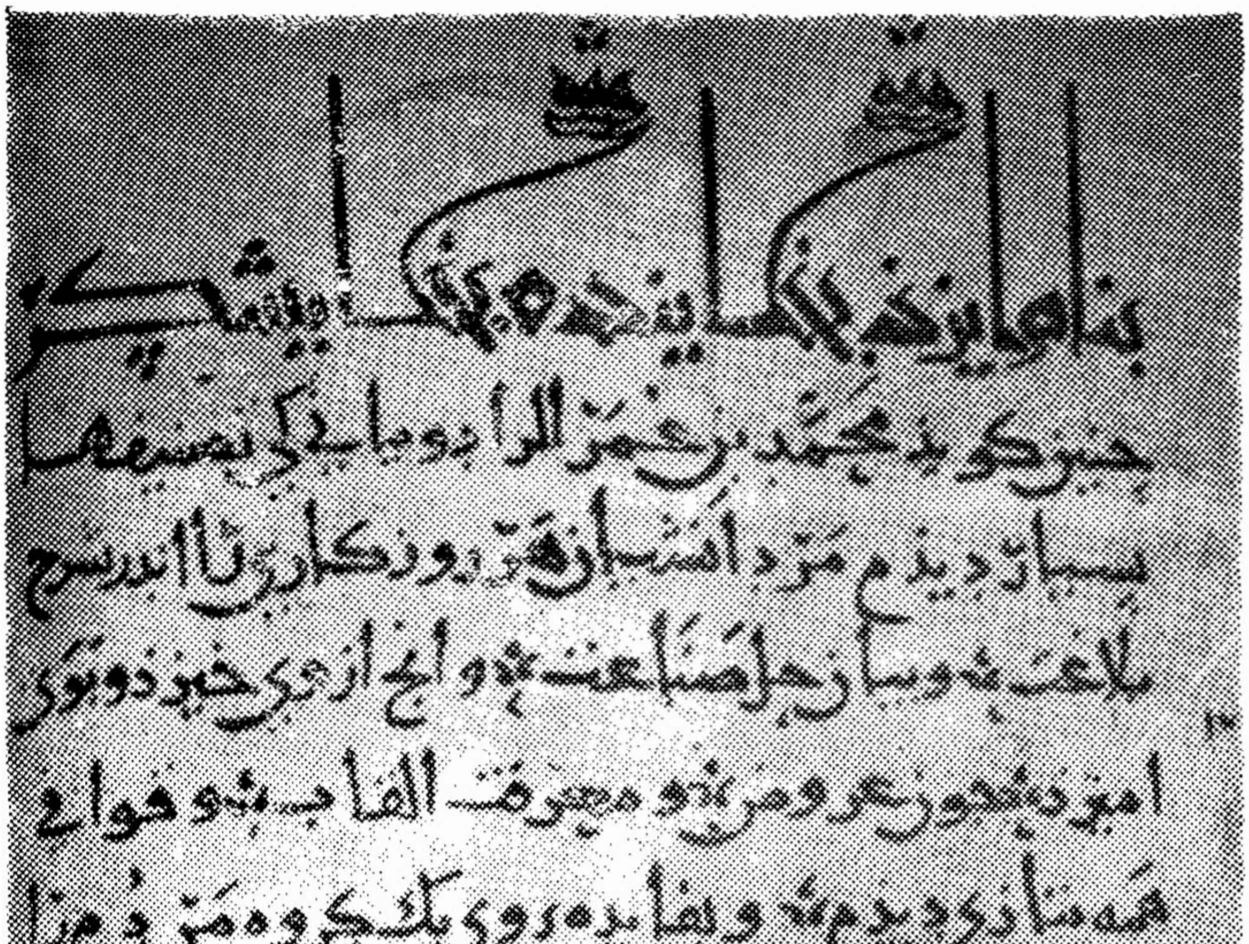
۴۷ نوشتهٔ کوفی بر پارچهٔ ابریشمین حدود ۳۴۰ ه



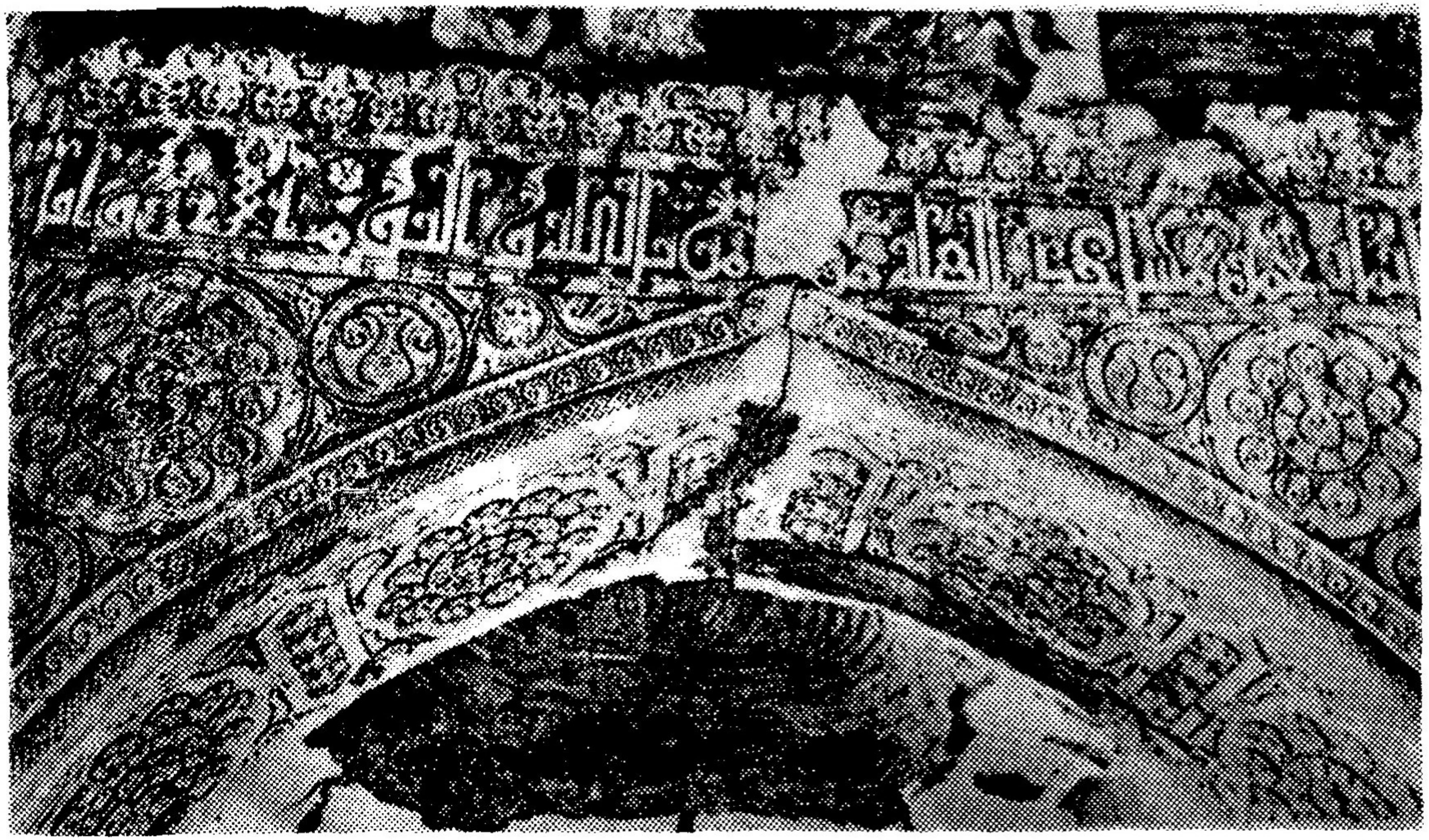
۴۸ نمونهٔ اوراق مانوی



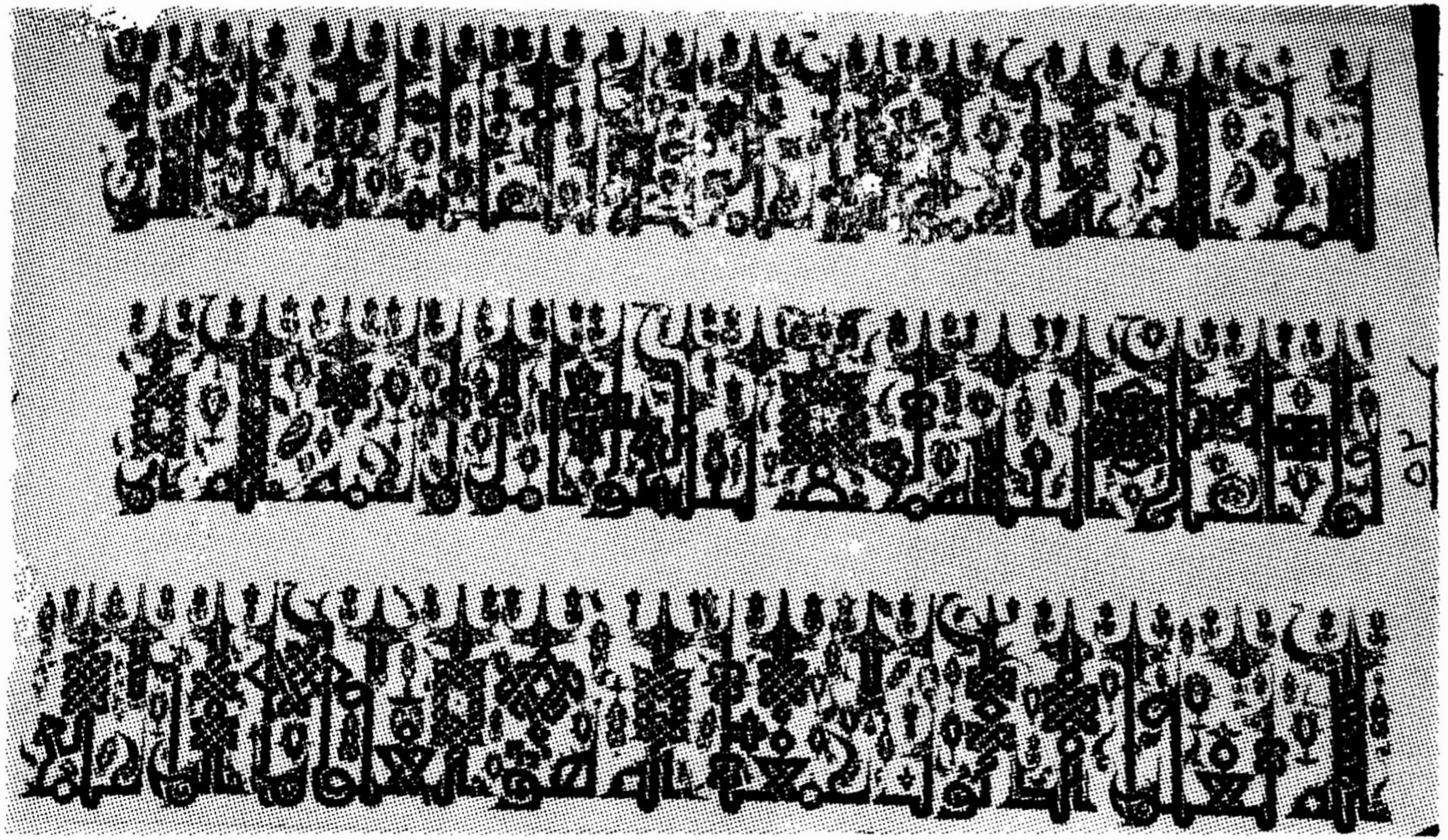
٤٩ صفحه اول كتاب الابنيه ٤٤٧ ه



۵۰ صفحهٔ اول ترجمان البلاغه ۵۰۷ ه

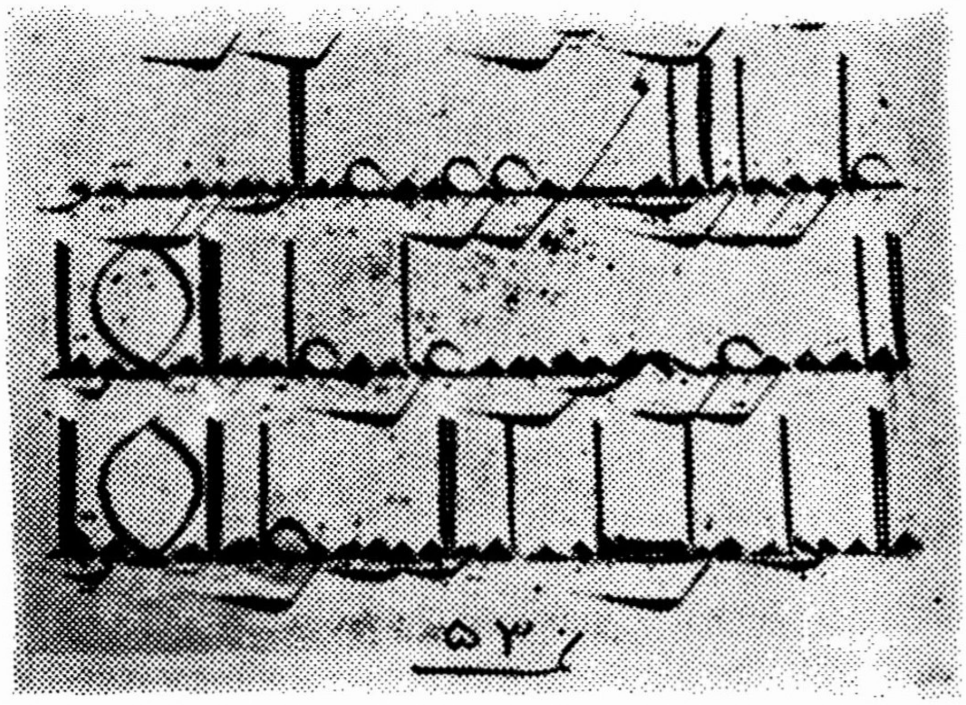


۵۱ نمو نهٔ خط کو فی مسجد نا یین ۳۵۰ ه

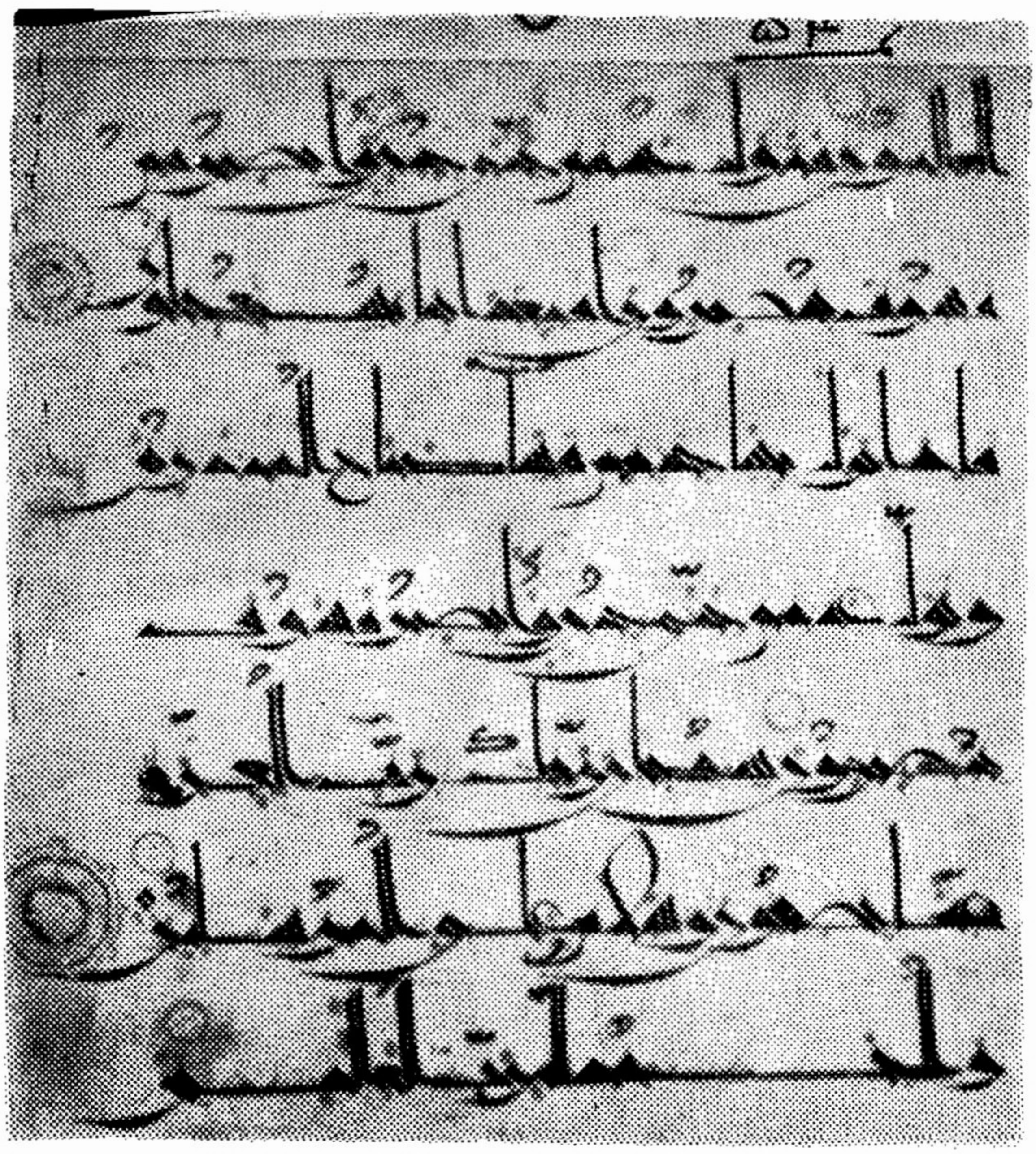


٥٢ خطکو فی‌تزئینی مقبره‌پیرعلمدار ٤١٨ ﻫ

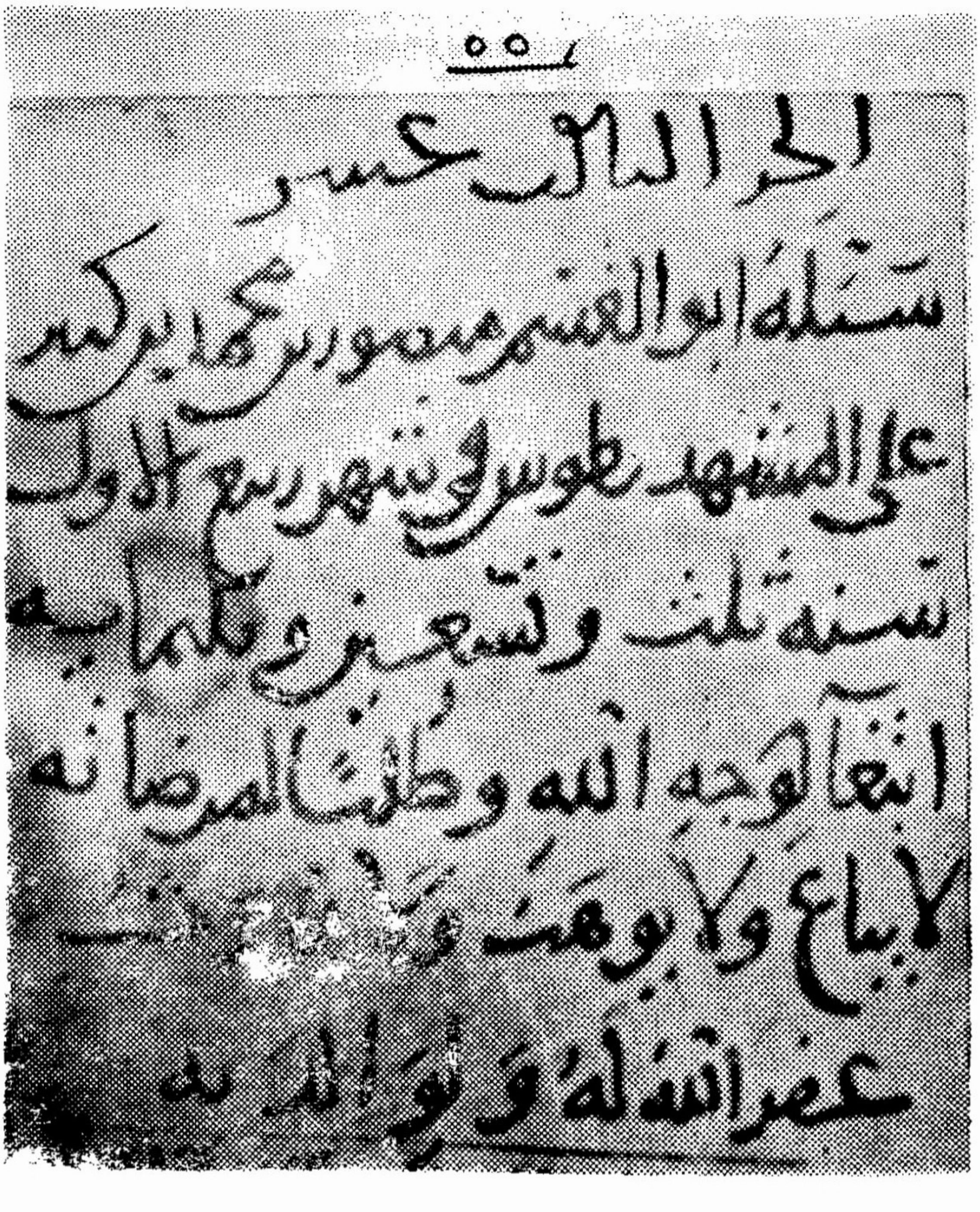
(از سروی آرت پر شیا)



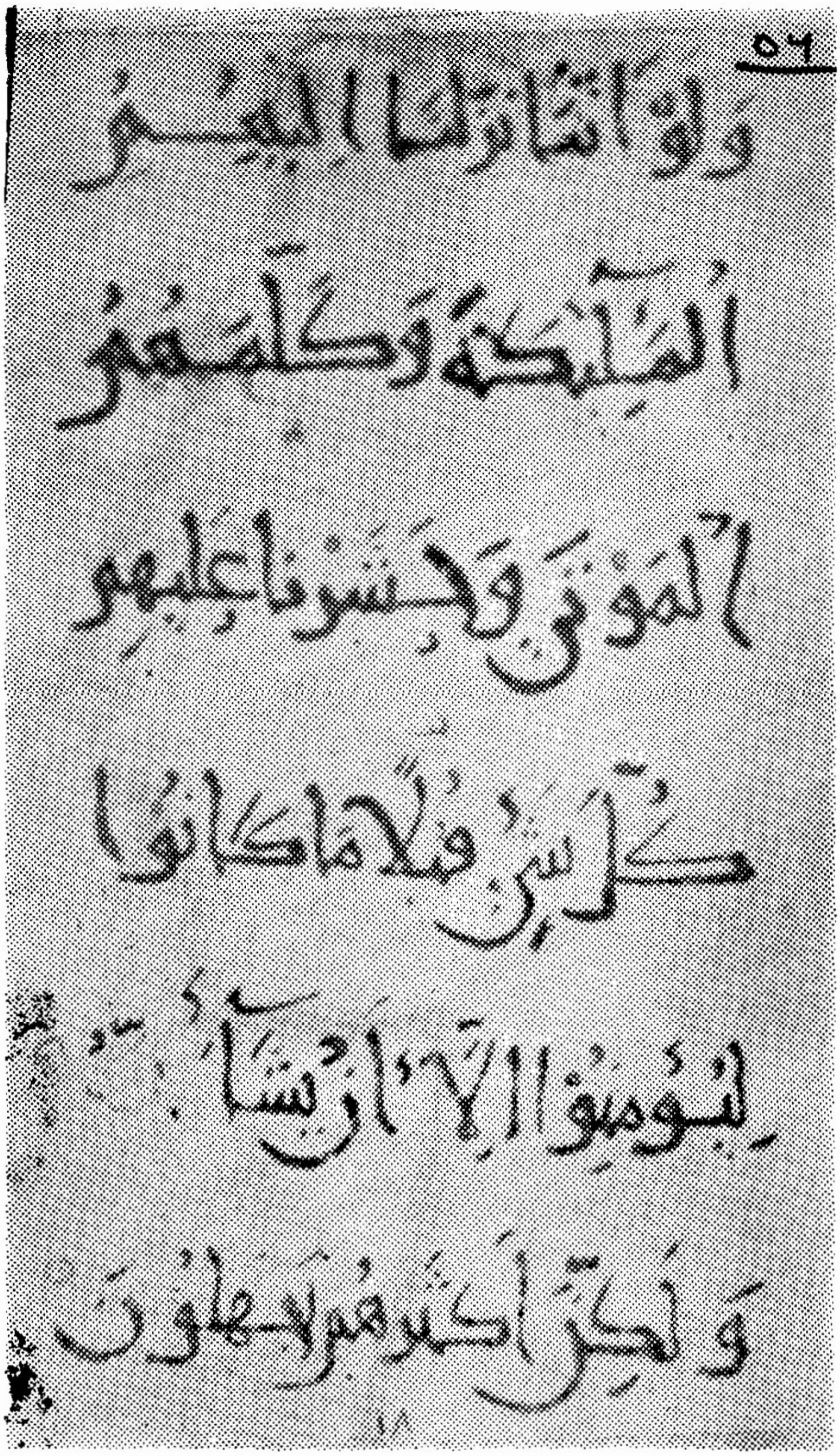
خط پیر آموز کتاب صفات الشیعه نوشتهٔ ۳۹۱ قمری



قرآن عظیم به خط پیر آموز قرن ٤ هـ در مشهد رضوی



۵۵ صفحهٔ آخر قرآن عظیم بخط ابوالقاسم منصور هروی وزیر سلطان محمـود، نوشته ۳۹۳ ق درآستان رضوی‌مشهد
(از گنجینه قرآن)


٥٦
ولو اننا نزلنا اليهم
الملئكة وكلمهم
الموتى وحشرنا عليهم
كل شىء قبلا ما كانوا
ليؤمنوا الا ان يشاء
ولكن اكثرهم يجهلون

۵۶ خط ابو البرکا ت رازی ۴۲۱ ق قرآن شریف آستان رضوی مشهد
(گنجینهٔ قرآن)



٥٧ قرآن شریف به خط عثمان وراق غزنوی ٤٦٦ ق درآستان رضوی مشهد
(از گنجینه قرآن)



۵۸ نو شته آرامگاه امیر سبکتگین در غز نه حدود ۳۸۷ ق

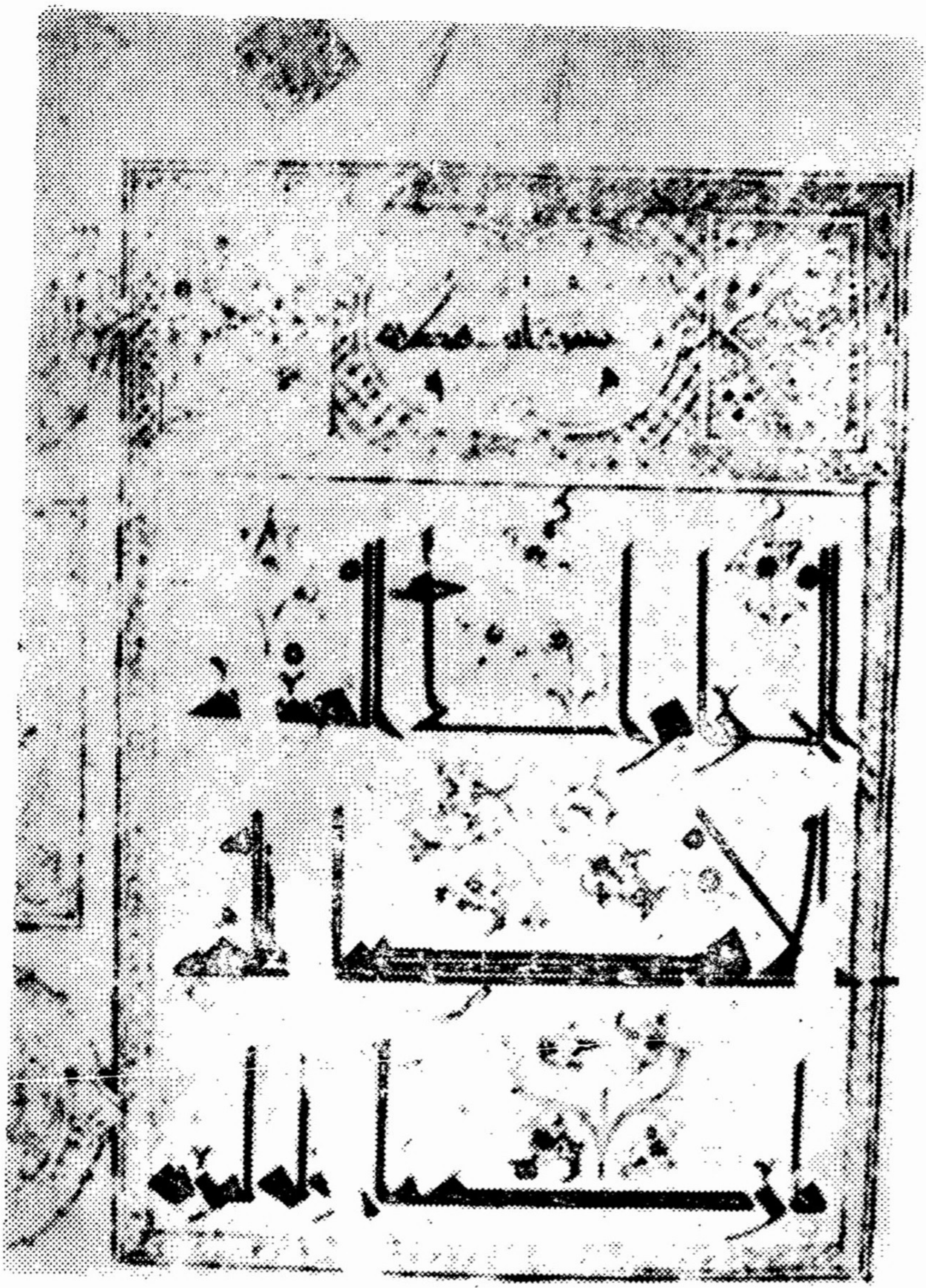


۵۸ نوشتهٔ قبر سلطان محمود در غزنه حدود ۴۲۱ ق خط کوفی

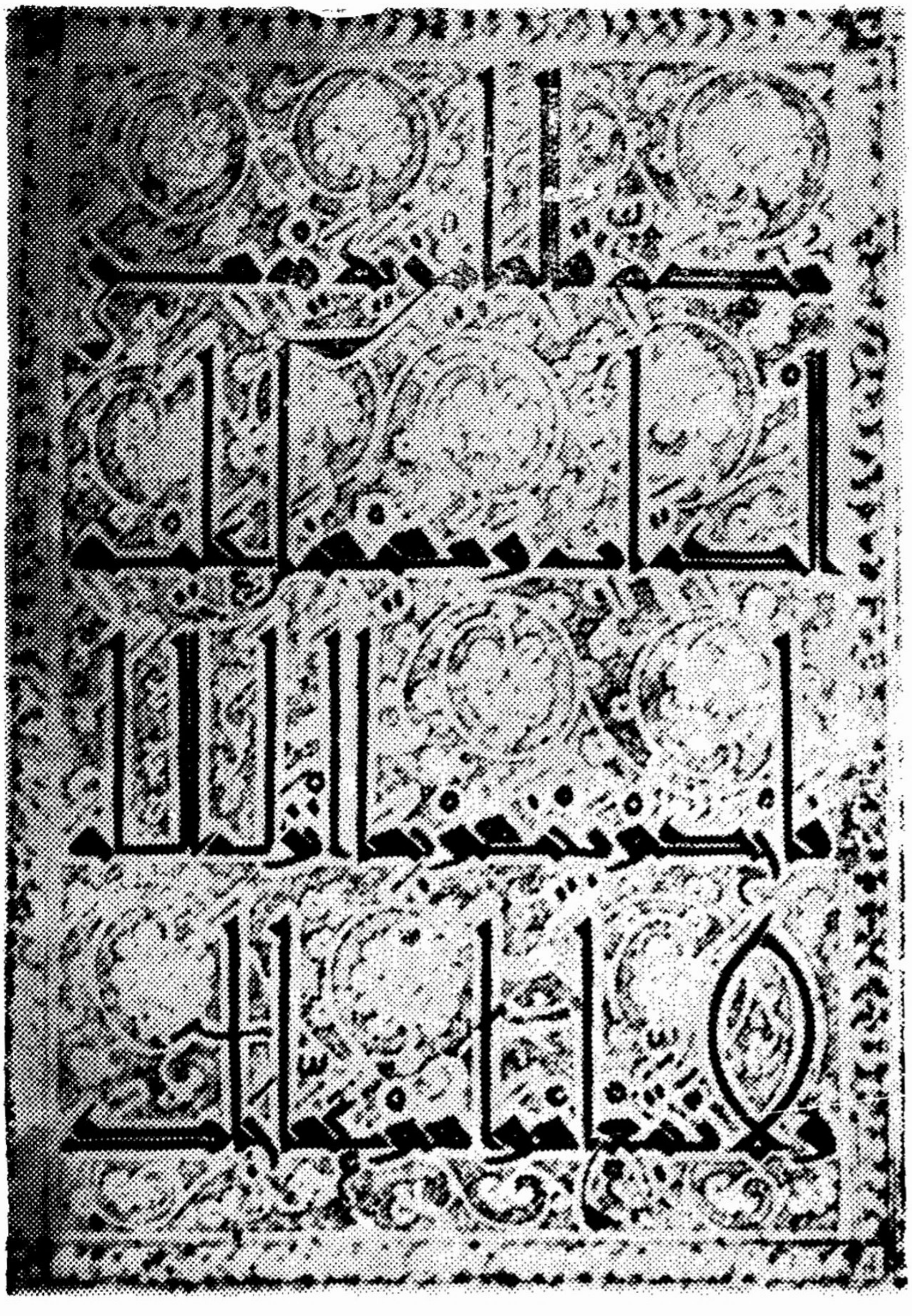


ـــ ۵۹ خط رقاع قبر سلطان محمود در غزنه
حدود ۴۲۱ ﻫ

عیناً نقل بخط شیخ محمد رضا هروی



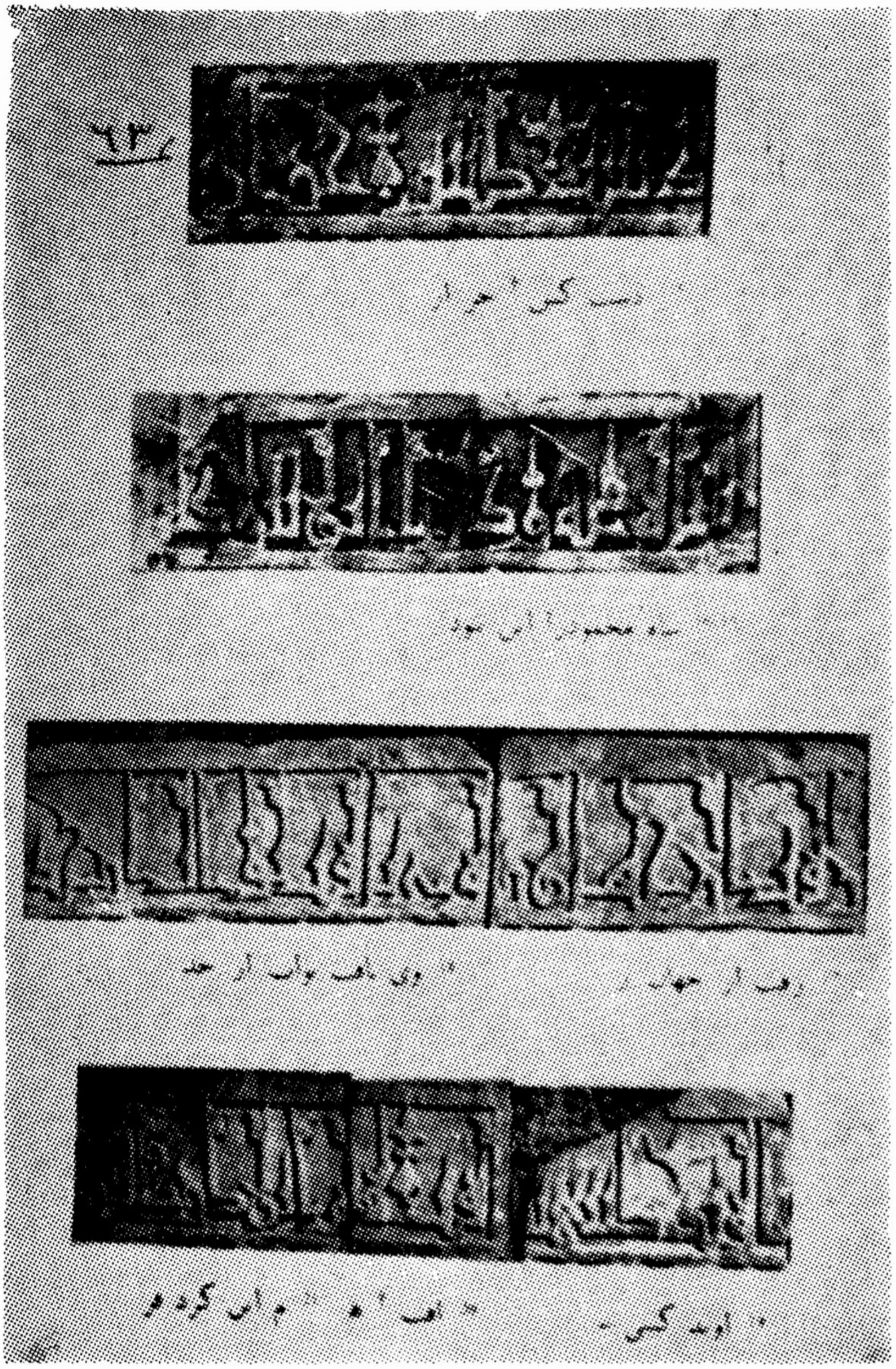
صفحه قرآن عظیم به خطابوبکر بن احمد غزنوی ۵٦٦ق در موزهٔ مصر . (از سروی هنر پر شیا)



٦١ تلفیق خط کـو فـی با پیر آموز در قرآن شـر یـف
مجمو عهٔ چستر بیتی لندن (از سروی هنر پرشیا)



۶۲ قرآن عظیم که در ۵۰۵ ق در شهر بست نوشته شده در کتابخانه ملی پاریس . (از سروی هنر پرشیا)



۶۳ نمونه های خطوط کوفی عبارات زبان دری از بقایــای قصر مسعود ســوم در غز نه‌حدود ۵۰۰ ق



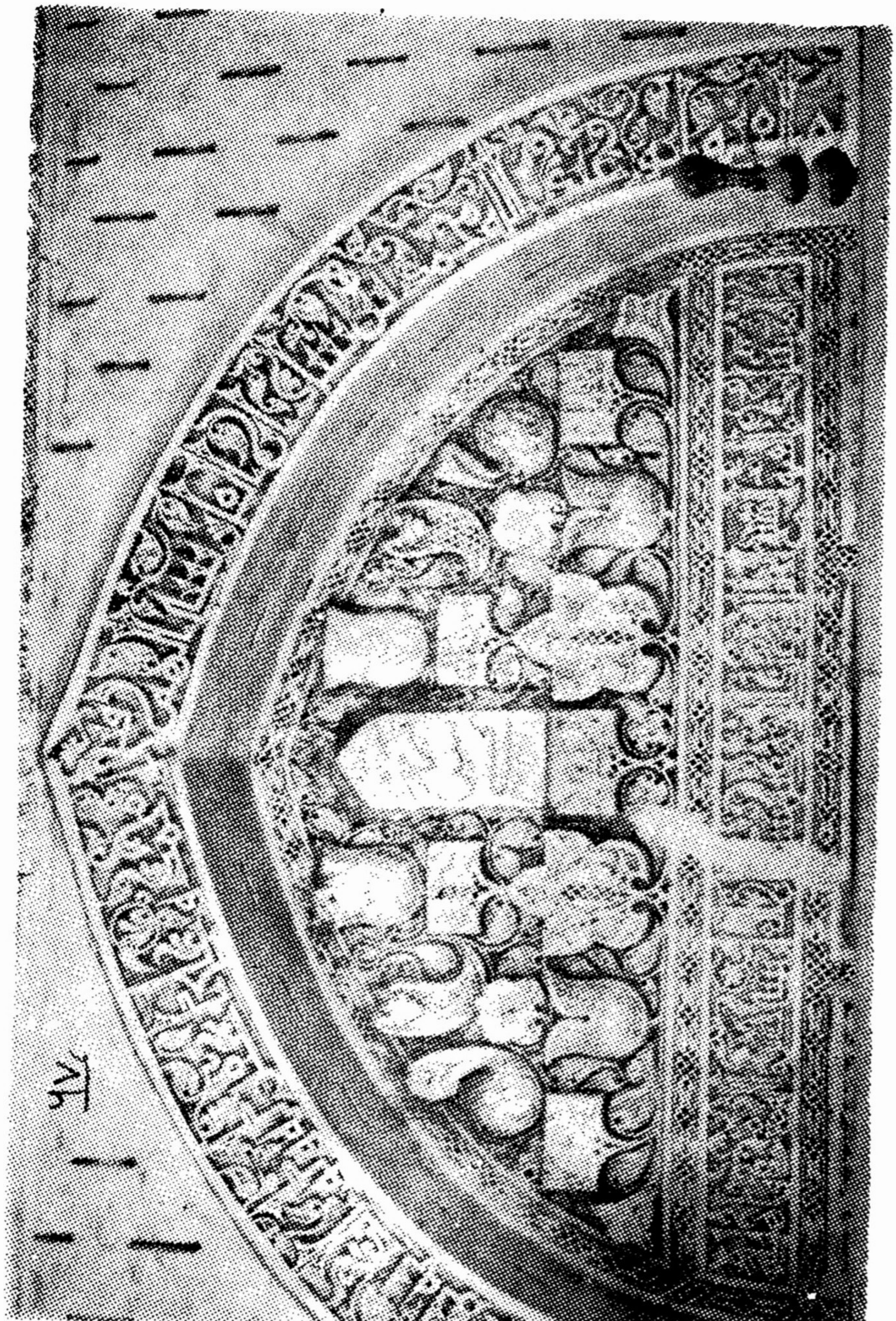
٦٤ خطوط کوفی جامع اولیا در غزنه



٦٥ خط کوفی تزئینی رباطشرف‌سرخس در حدود ٤٥٠ ق
(از مجلهٔ هنر و مردم ٥٢)

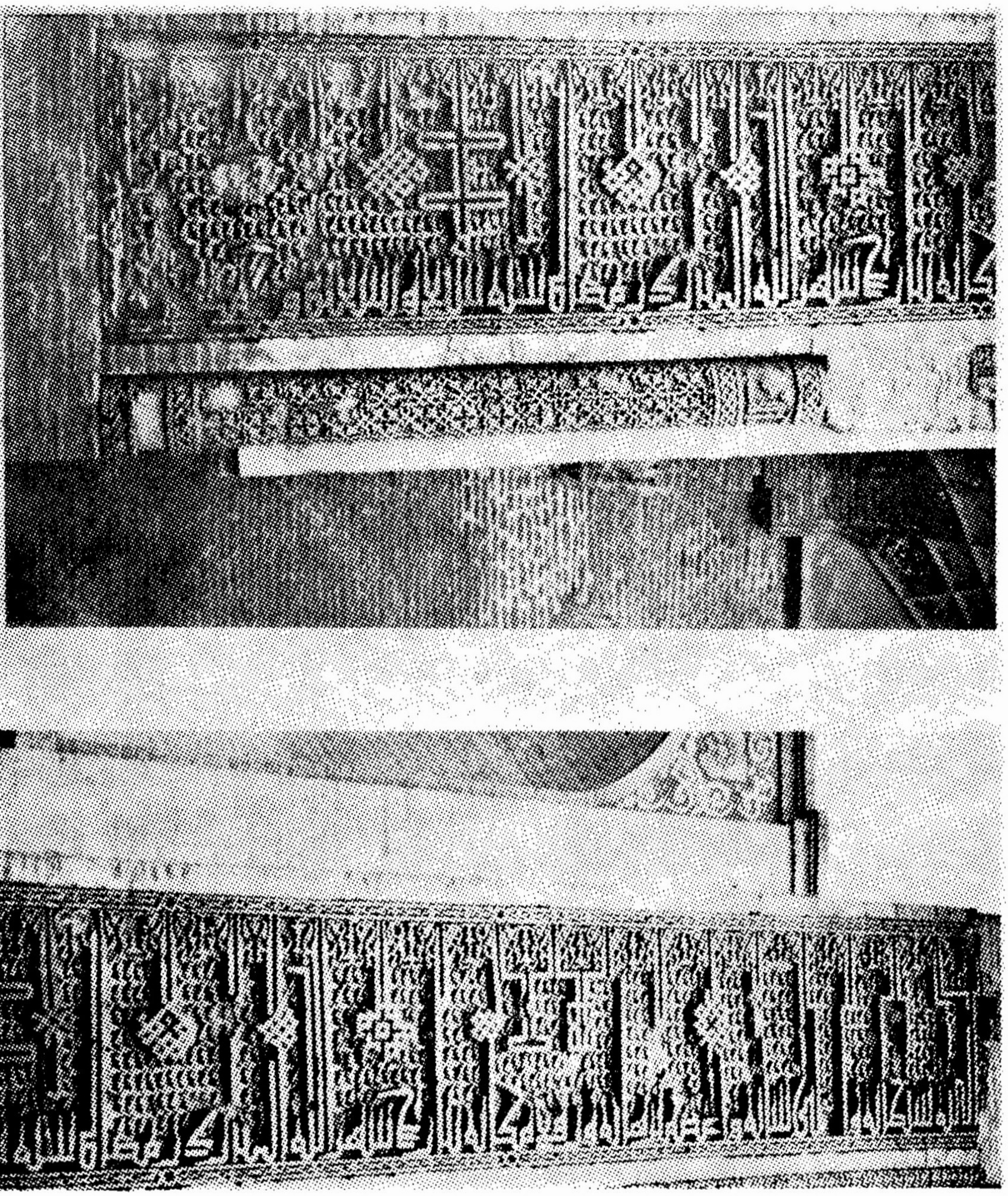


٦٦ نمونهٔ خط کوفی متمایل بـه‌نسخی هرات ۵۳۰ ه
از سنگ مزار درخواجه عبدالله‌طاقی ـ موزهٔ هرات .
۱ ـ بسم الله
۲ ـ الرحمن الرحیم .
۳ ـ هذا قبر الشیخ
۴ ـ الر ضی العابد محمد بن‌اسمعیل
۵ ـ الغوری ، بتاریخ یوم الاربع
۶ ـ العشرون من جمادی الاول(کذا)
۷ ـ سنه ثلثین و خمسما ئه ...
۸ ـ له ولوالدیه ولمن ...



٦٧ تکامل خط تزئینی کوفی برمزار امام یحیی درجوزجان حدود ٤٣٠ ق

نمبر ٦٨



خوانش ۶۸

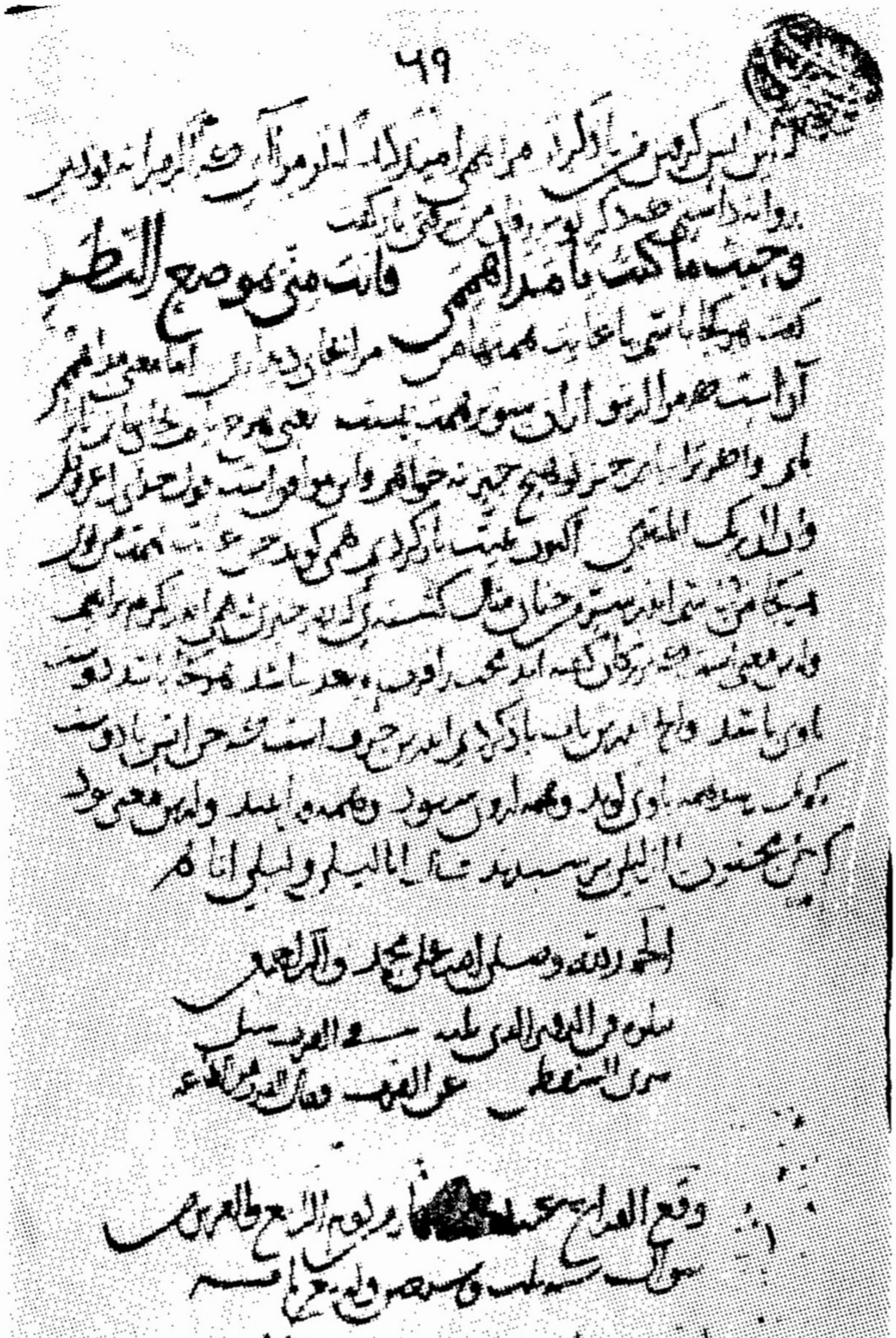
کتیبهٔ بناء مسجد هرات در عصرغیاث الدین محمد سام غوری ۵۹۷ ه

۱ ـ السطان‌المعظم ، شهنشاه‌الاعظم ، مـالك رقاب الامم ، مـو لی ملوك العرب وا لعجم ، سلطان ارض‌الله ، حافظ بلاد الله ، معین خلیفه .

۲ ـ غیاث الدنیا و الدین ، معزالاسلام والمسلمین ، نظام العالم ، ابو الفتح محمد بن سام قسیم امیر المؤمنین انار الله بر ها نه ..

۱ ـ (امر) ببناء هذه المسجد من‌خالص ماله السلطان المعظم ، شهنشاه الاعظم ، مالك رقاب‌الامم ،مولی‌ملوك‌العرب والعجم ...

۲ ـ ....الله سلطانه،واعلی شانه‌واعظم برهانه ورفع مکانه ، بتاریخ شهر الله المبارك رمضان سنه سبع‌و تسعین و خمسمائه

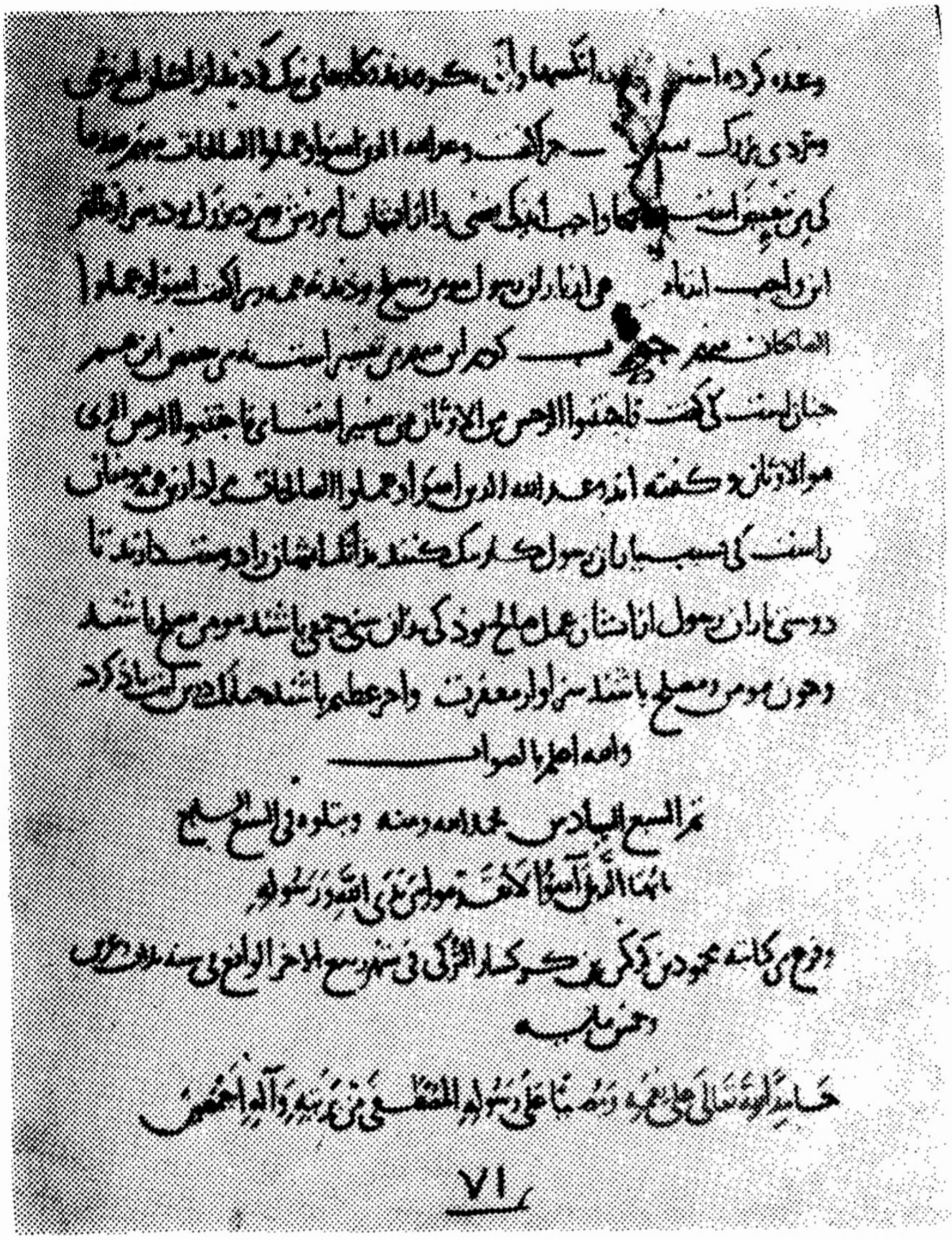


٦٩ صفحهٔ آخر شرح التعرف موزهٔ کراچی ۴۷۳ ق



بسم الله الرحمن الرحیم

۷۰ صفحهٔ اول کتاب هدایة المتعلمین ۴۷۸ ق
نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد



والله اعلم بالصواب

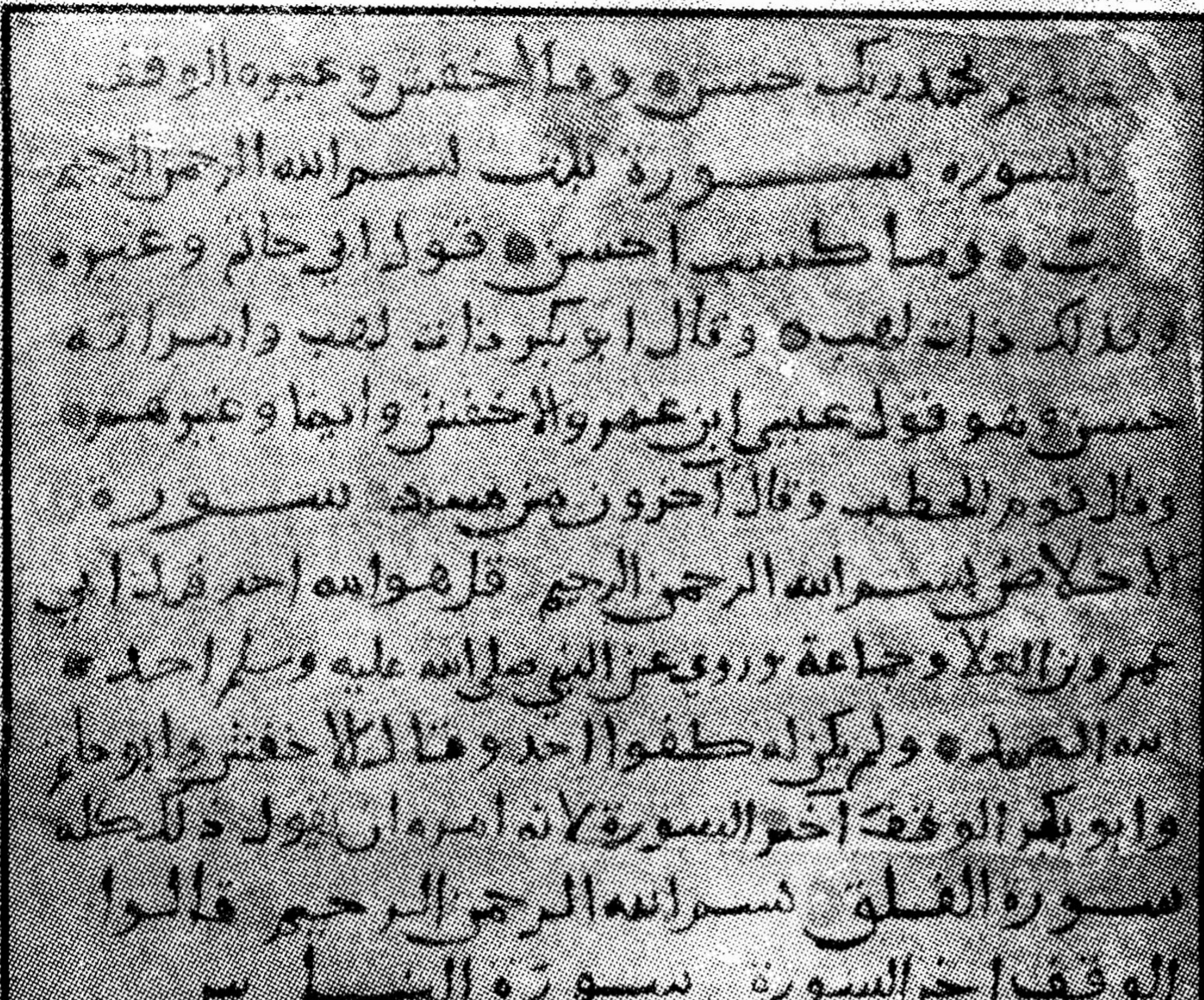
تم السبع السادس بحمد الله ومنه ويتلوه في السبع السابع

يا ايها الذين آمنوا لا تقدموا بين يدي الله ورسوله

٧١

صفحهٔ آخر تفسیر سورآبادی ۵۲۳ق
نسخهٔ اند یا آفس لندن

شكل ٧٢


... بحمد ربك حسن ● وقال الاخفش وغيره الوقف
اخر السورة ● سورة تبت بسم الله الرحمن الرحيم
تبت ● وما كسب احسن ● قول ابو حاتم وغيره
وكذلك ذات لهب ● وقال ابو بكر ذات لهب وامراته
حسن ● هو قول عيسى بن عمر والاخفش وابيما وغيرهم
حمالة الحطب وقال اخرون من مسد ● سورة
الاخلاص بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد قول ابي
عمرو بن العلا وجماعة ● وروي عن النبي صلى الله عليه وسلم احد ●
الله الصمد ● ولم يكن له كفوا احد وقال الاخفش وابو حاتم
وابو بكر الوقف اخر السورة لانه امر ان يقول ذلك كله
سورة الفلق بسم الله الرحمن الرحيم قالوا
الوقف اخر السورة سورة الناس
بسم الله الرحمن الرحيم والناس اخر السورة
والله اعلم بجميع ذلك تم الكتاب المختصر
من كتاب الوقف بحمد الله وتوفيقه وصلى الله على محمد
آله اجمعين وكتبه عبد الله بن علي بن احمد ... من ...
... العزيز النجيب الرشيد ابو بكر عتيق بن محمد بن خسرو
رزقه الله العلم والادب برحمتك يا ارحم الراحمين
في المنتصف من شهر رمضان سنه ست وعشرين وخمس مائة

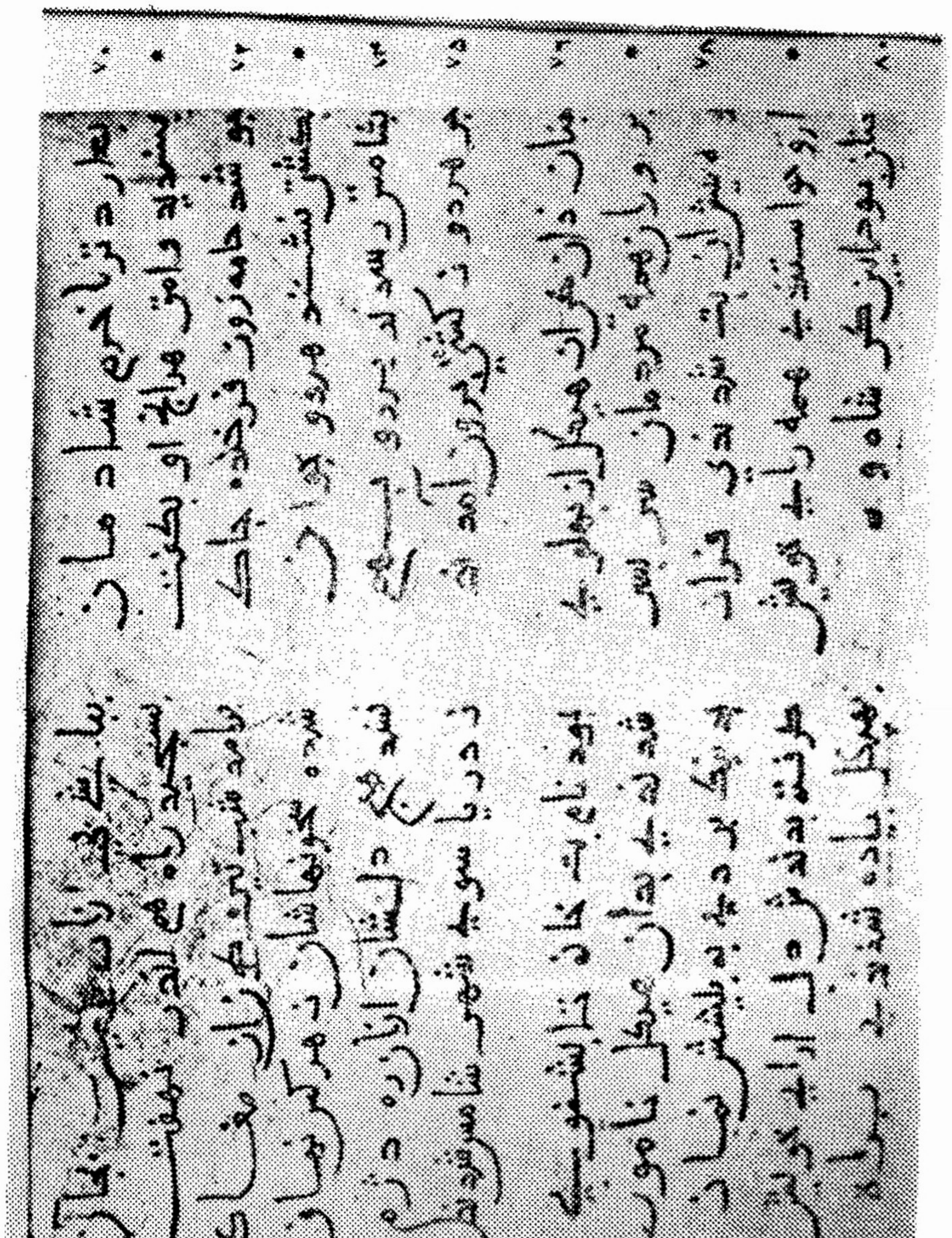
٥٢٦هـ – المختصر من كتاب الوقف ←

این نسخه مختصر کتاب الوقف در ۵۲۶ ه بخط عبد الله بن علی نوشته شده که نمونهٔ نسخی اواسط قرن ۶ ه است .

این نسخه برای ابوبکر عتیق بن محمد بن خسرو نو شته شده ، که ظاهراً همان مولف تفسیر سورآبادی باشد !که در کتاب السیاق عبدالغافر نامش ابوبکر عتیق بن محمد متو فا ۴۹۴ ه است .

که بدین حساب باید نویسنده همین نسخهٔ ۵۲۶ ه نباشد .

اگر چه مولوی محمد شفیع مرحوم این هردو ابوبکر عتیق را یکنفر شمرده ولی بین وفات ابو بکر عتیق سور آبادی مفسر ، واین ابوبکر عتیق فاصله سی ساله موجود است ، چون در ۵۲۶ ه این شخص جوان رشید مستحق دعای رزقهٔ الله العلم والا دب بوده بنا برین باید سال وفات سور آبادی ، او قات پیدا یش وی باشد .



نمبر ۷۳ به صفحهٔ آینده رجوع شود

بـدارد تـرا خـرم (و) شادمان
بیا شی بـی آزا د و ایـمن بجان

پسند یـد وا مق هر انچ او بگفت
بسنجید را ه هـم انـدر نهفـت

چو شد جامه روز فر خنده چا ك
برا مد شب تیره گون از مغا ك

بکشتی نشستند هر دو جـوا ن
شده سخو نهاشان زهرکس نهان

بشا مس ر سید ند هر دو بـهم
نشد هیچ د لشان تذان ره د ژ م

چون هردوز کشتی برون آمدند
ز دریا سوی شهر شامس شد ند

چنان دان کی آن هیکل از پهلوی
بـود نـام بت خانه تا بشنو ی

برو زان همه مر دمان سر بسر
شدندی بدان هیـکل نـا مـو ر

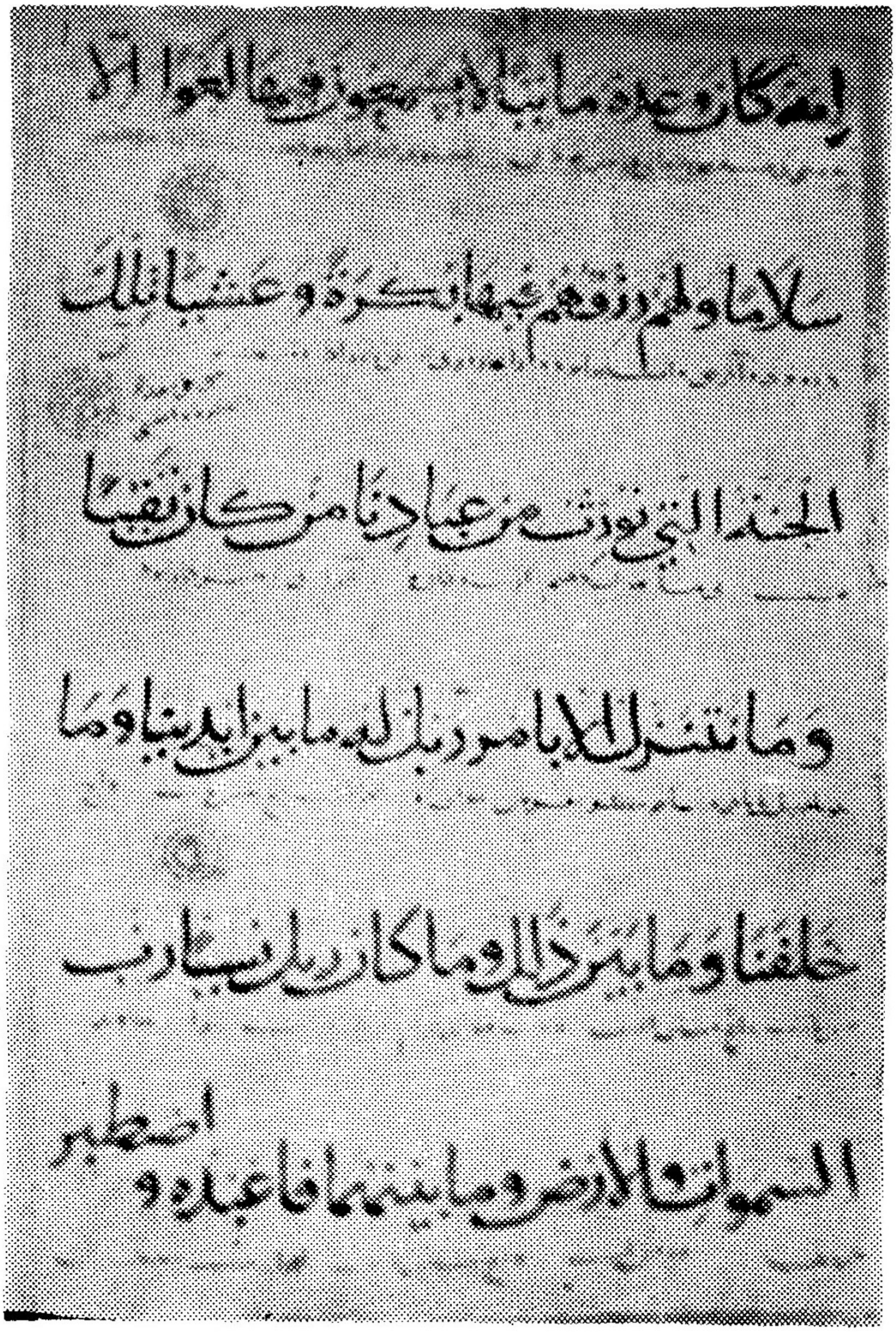
همه پیش آن بت شدندی فر ا ز
بـد(و) نیك‌بردی بـه‌پیشش نماز

ازو خوا ستندی همه رای خو یش
گرفته بد ند ش دل آرای خویش

چنان بود آیین کی شاه و سپـاه
بهیکل پیا ده شد ندی بـر ا ه

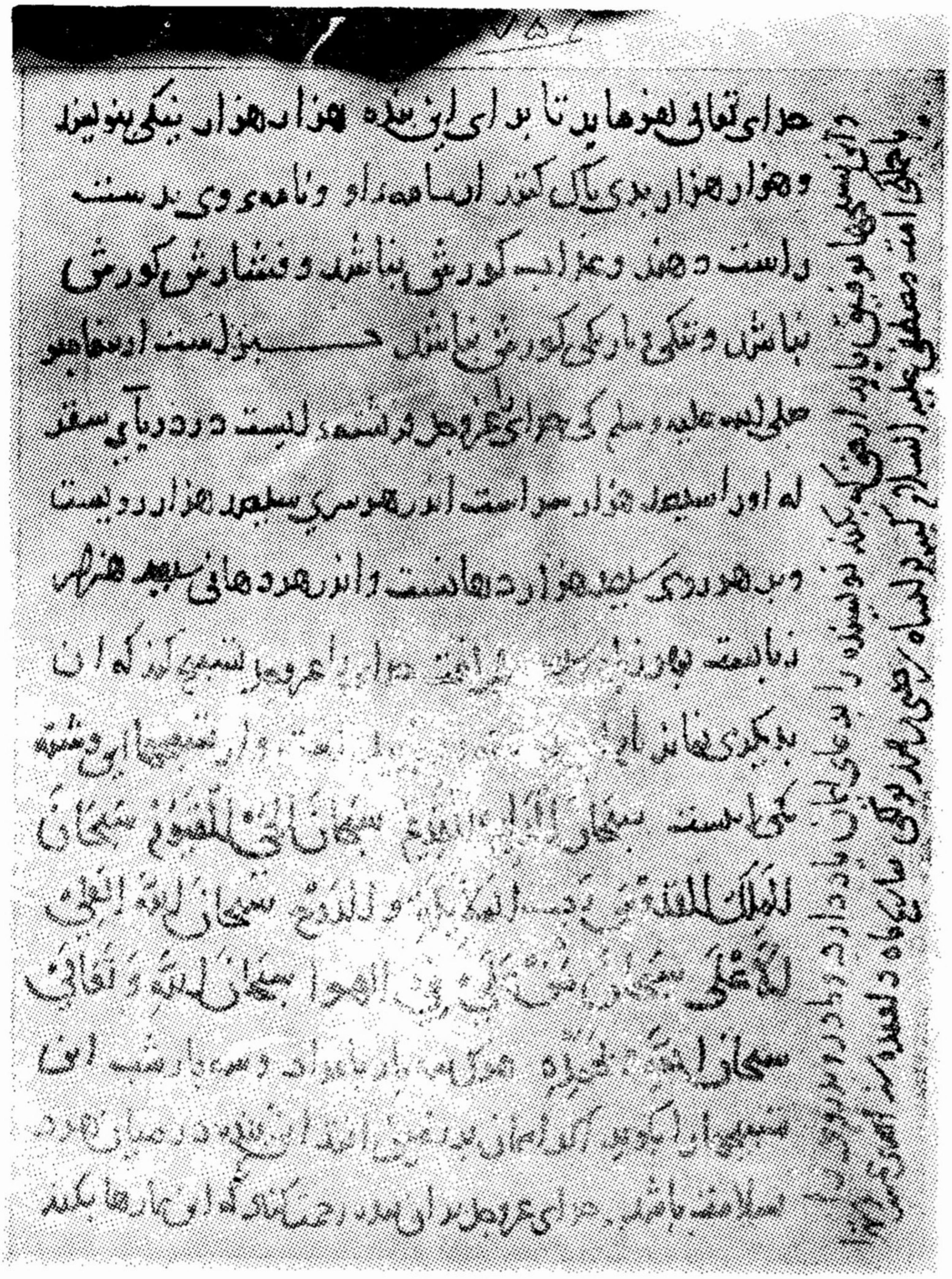
نمبر ۷۳

نیم صفحه از کتاب خطی وامق‌وعذرای عنصری (متوفا ٤٤١ هـ) که یك نسخهٔ ناقص‌آن‌دارای ۳۵۳ بیت‌در سکـهرسنده بـدست آمـده و تاریخ نو شتن آن بین ٤٠٠ ـ ٥٠٠هـ تخمین می شود . این کتاب خطی پیش از ٥۲٦ هـ در ملك سری زکی‌بن محمد بن علی عبد الحمید بامیانی بود (طبع لاهور ۱۹٦۷م به‌ترتیب‌وحواشی دکتر محمد شفیع مرحوم)

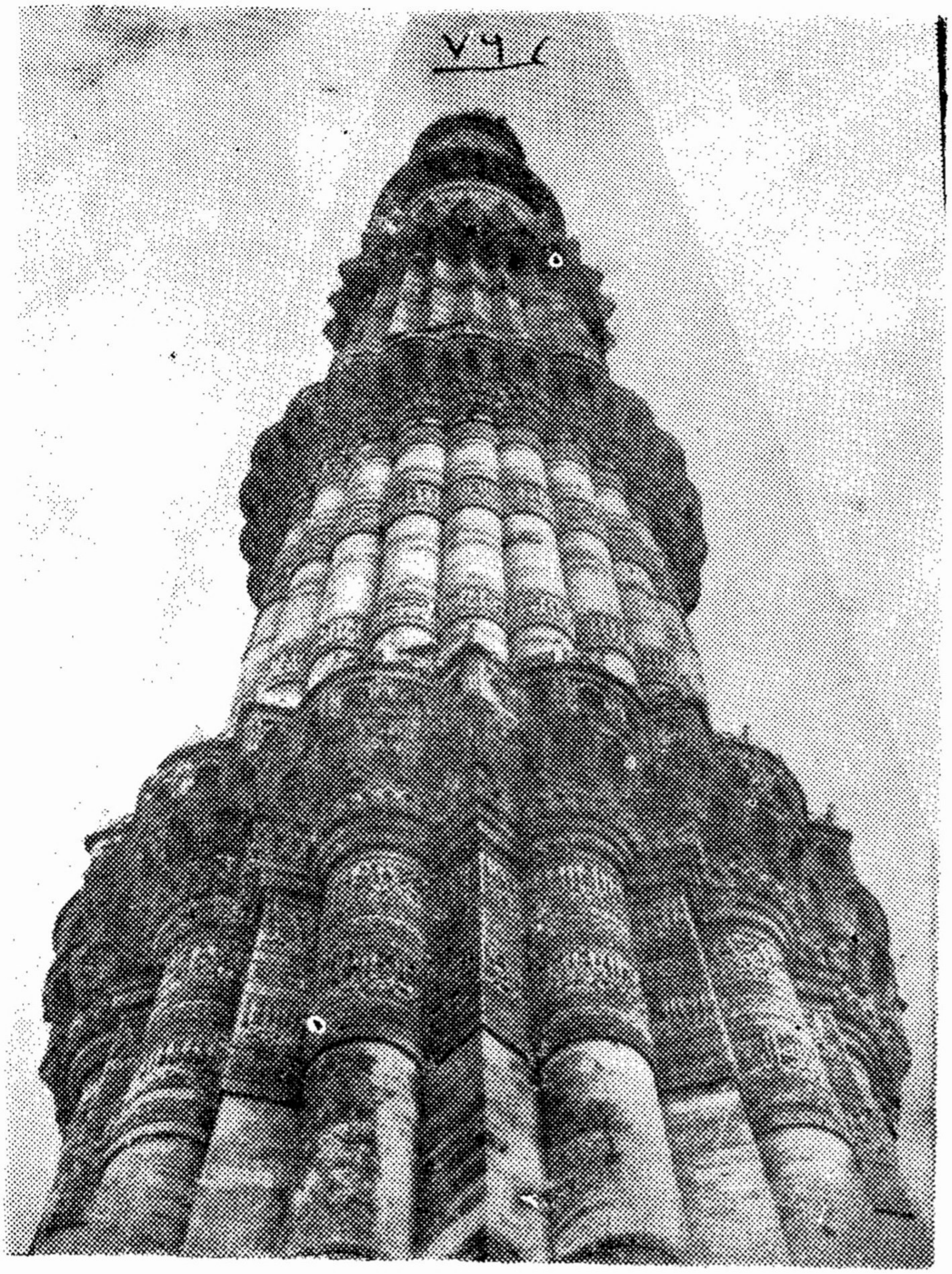


إنه كان وعده مأتيا لا يسمعون فيها لغوا إلا
سلاما ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا تلك
الجنة التي نورث من عبادنا من كان تقيا
وما نتنزل إلا بأمر ربك له ما بين أيدينا وما
خلفنا وما بين ذلك وما كان ربك نسيا رب
السموات والأرض وما بينهما فاعبده واصطبر

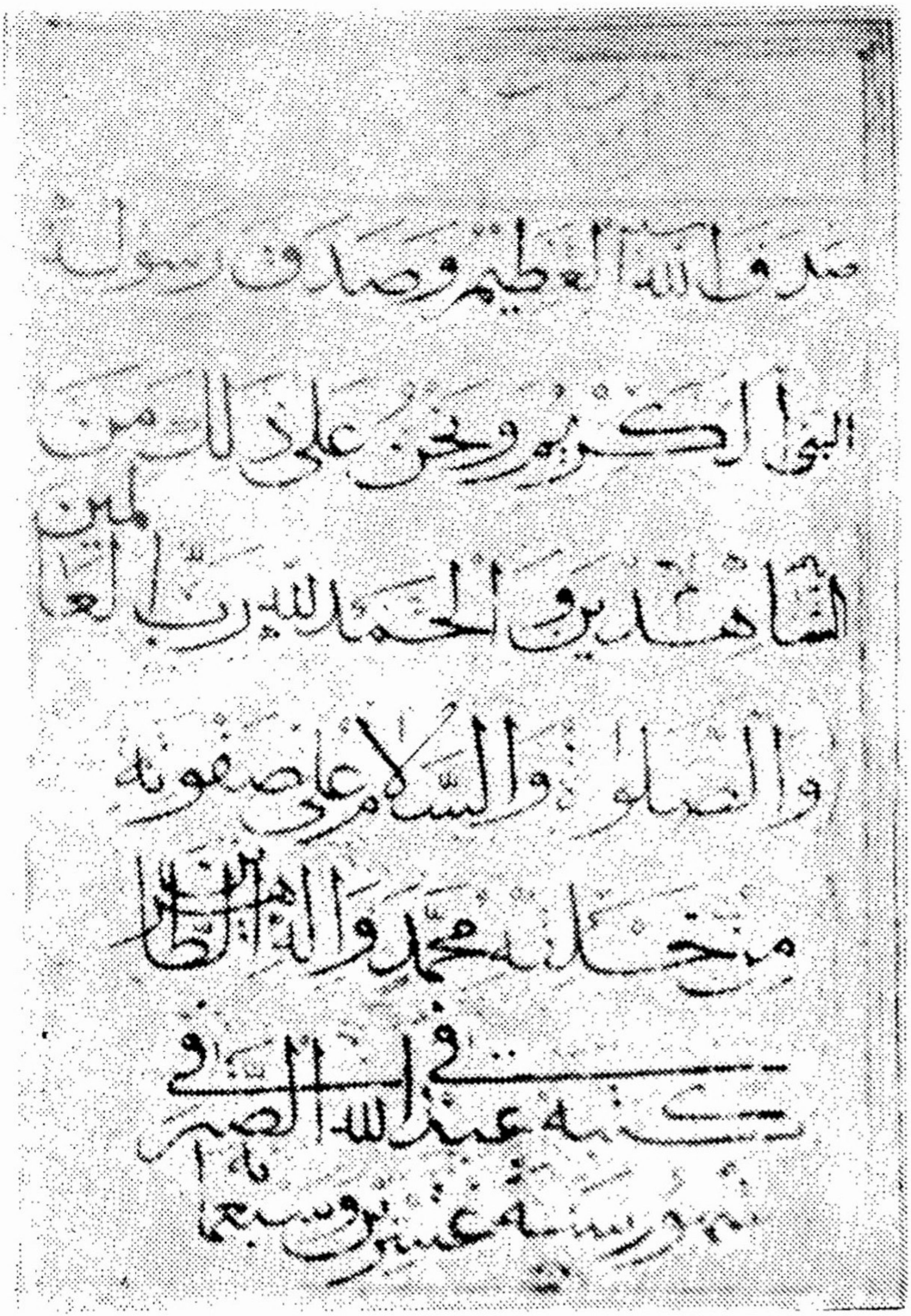
٧٤صفحهٔ آخر قرآن شریف بخط محمد بن عیسی که برای سلطان غور غیاث الدین محمد سام نوشته شده ٥٨٤ ق .
(موزهٔ ایران باستان ــ از مجلهٔ هنرو مردم)



۷۵ نمونهٔ خط رساله دری بخط دولتشاه‌توالکی که از بامیان‌بدست آمده ۶۱۲ ق



٧٦ خطوط كوفى قطب منار دهلى٥٩٦ ق .



۷۷ صفحهٔ آخر قرآن بخط عبد الله
صیر فی ۷۲۰ ق گنجینه مشهد
رضوی .



۷۸ خط رقاع نمای سلطان شاه‌برظرف هرات ۷۷۷ ق



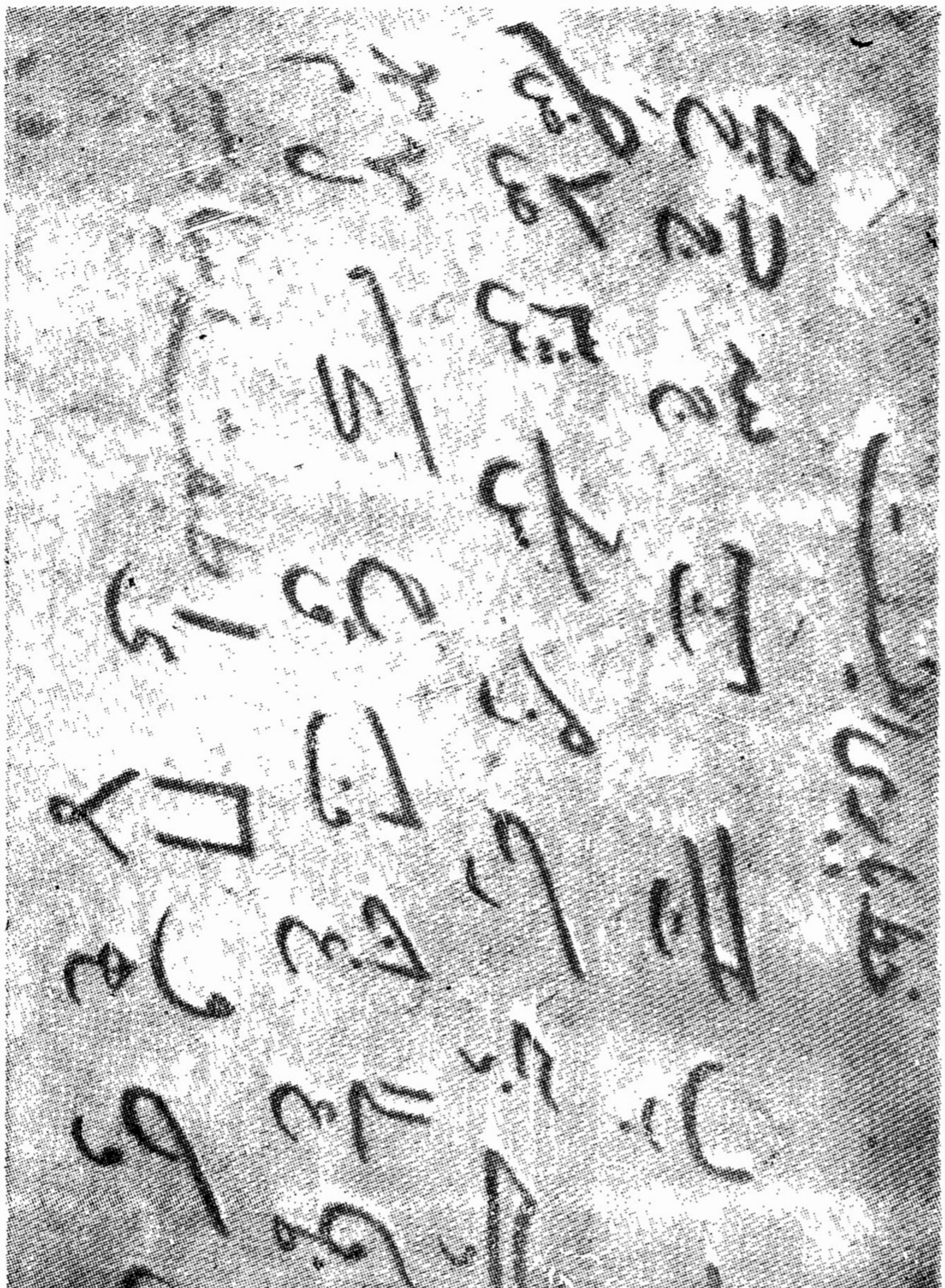
٧٩ نوشتهٔ مسجد الرشید بـن محمد در باکو ٤٧١ ق
(از مسلم کالگرافی)



٨٠ کتیبهٔ قبر یوسف بن کبیـر در باکو ٥٥٧ ق
(از مسلم کالگرافی)



٨١ نوشتهٔ بنای مشهور به قبرفخرالدین رازی (؟) در اورگنج کهنه
قرن ١٢ م



۸۲ نمونهٔ الفبای بابری از عجایب الطبقات خطی تالیف محمد طاهر بلخی ۱۰۵۵ ق



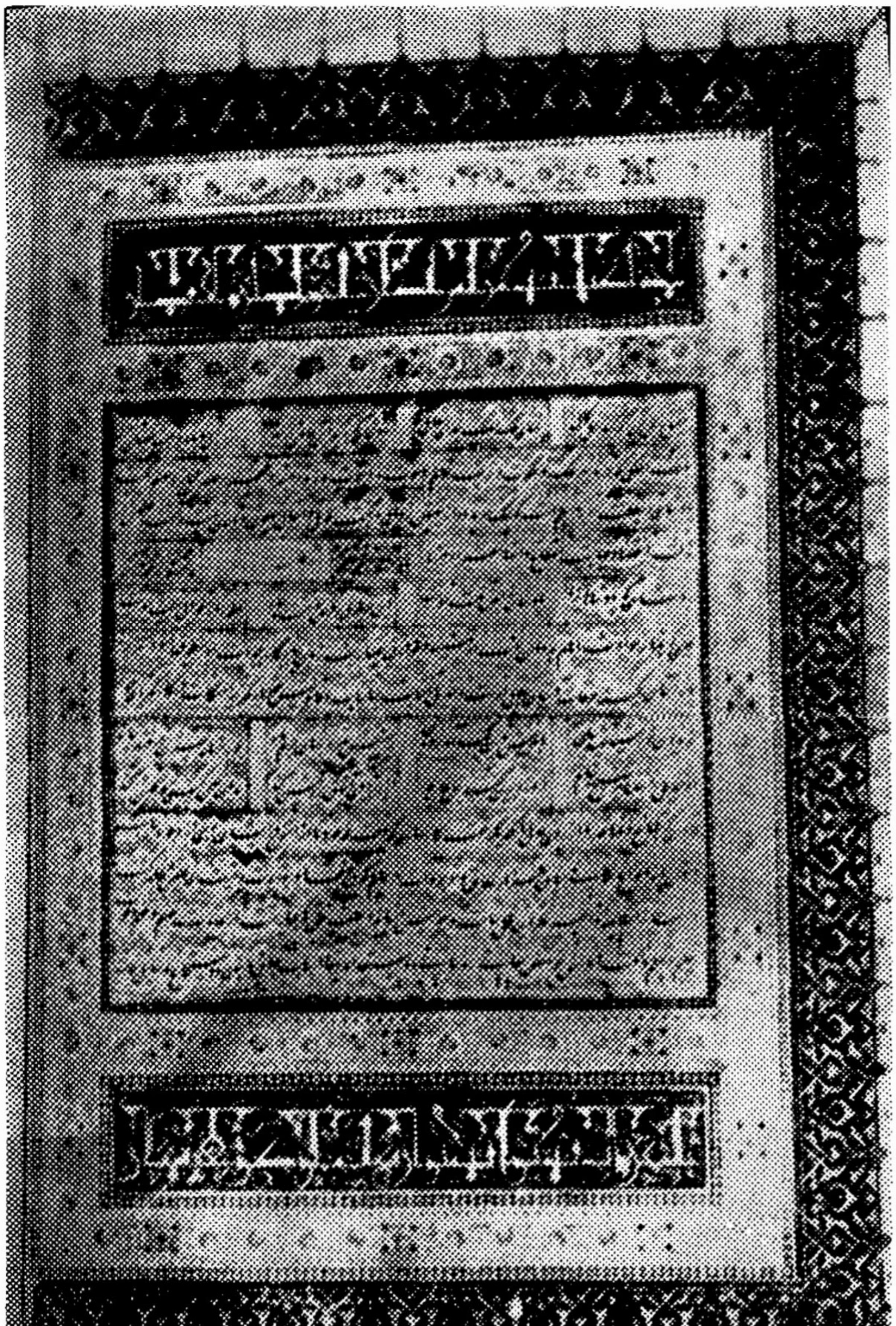
۸۳ يك صفحهٔ ازقرآن عظيم بخط ناشناخته در مشهد رضوی که دران سورهٔ قل یا ایهاالکافرون ـ اذاجاء نصرالله ـ تبت یدا ـ قل هوالله احد نوشته شده است .

جدول مقایسوی حروف عربی وخط بابُری با خط مصحف مشهد

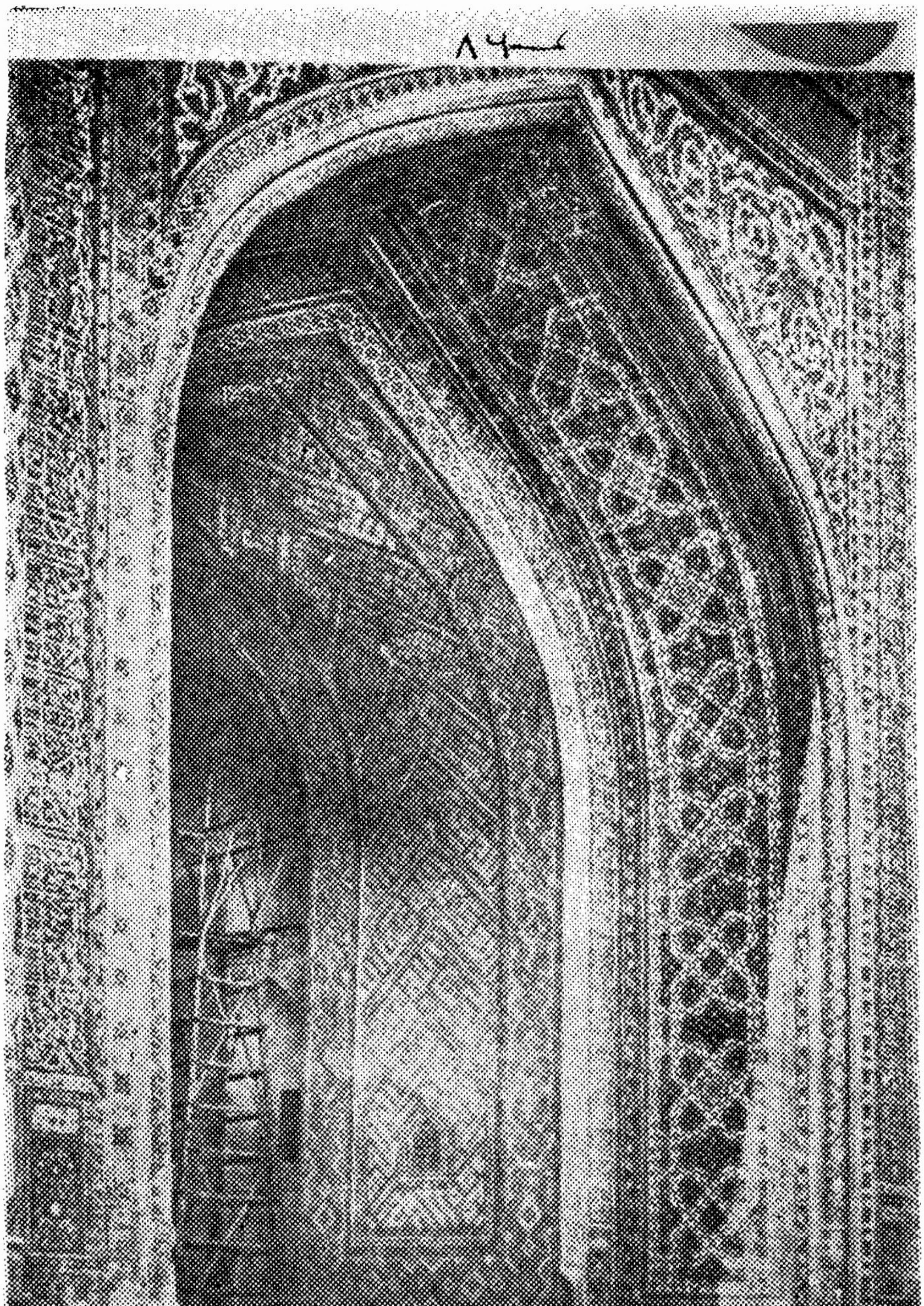


* در عکس چهار صفحه که بمن رسیده حرف ظ نیست .

نمبر ۸٤



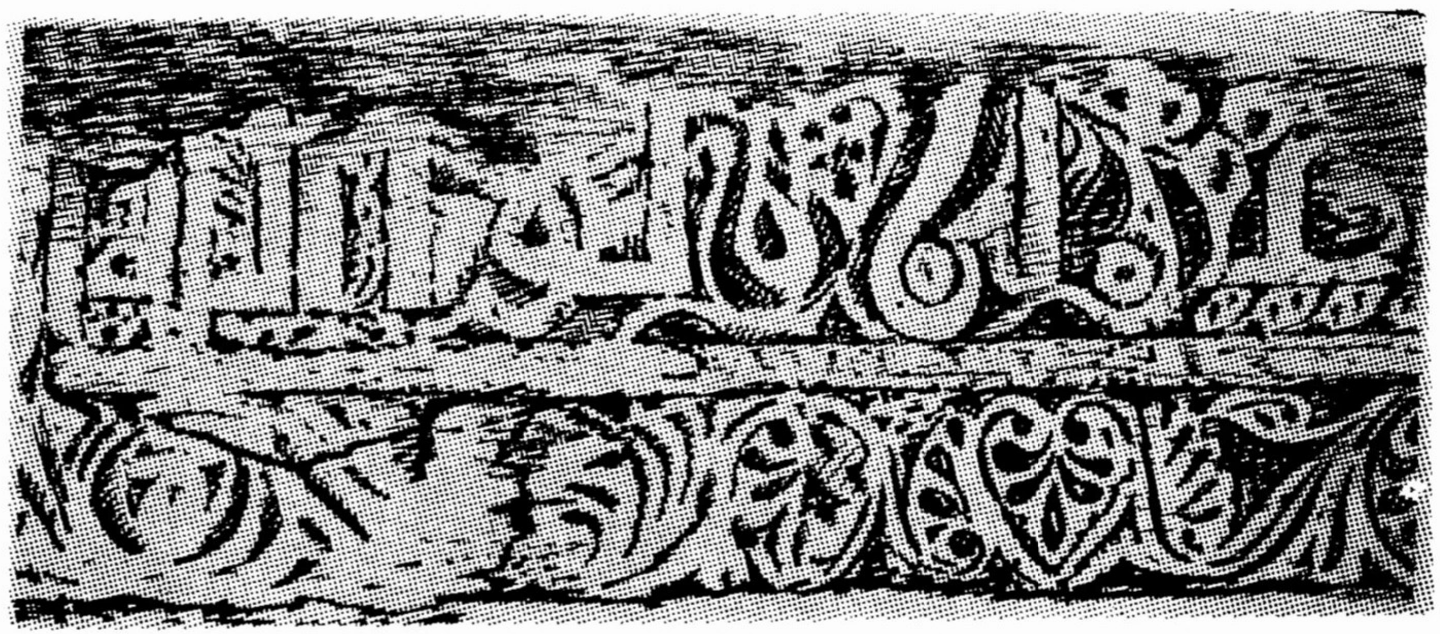
۸۵ صفحهٔ اول شاهنامهٔ بایسنقری
۸۸۳ ق در موزه گلستان تهـرا ن
(از سروی هنر پرشیا)



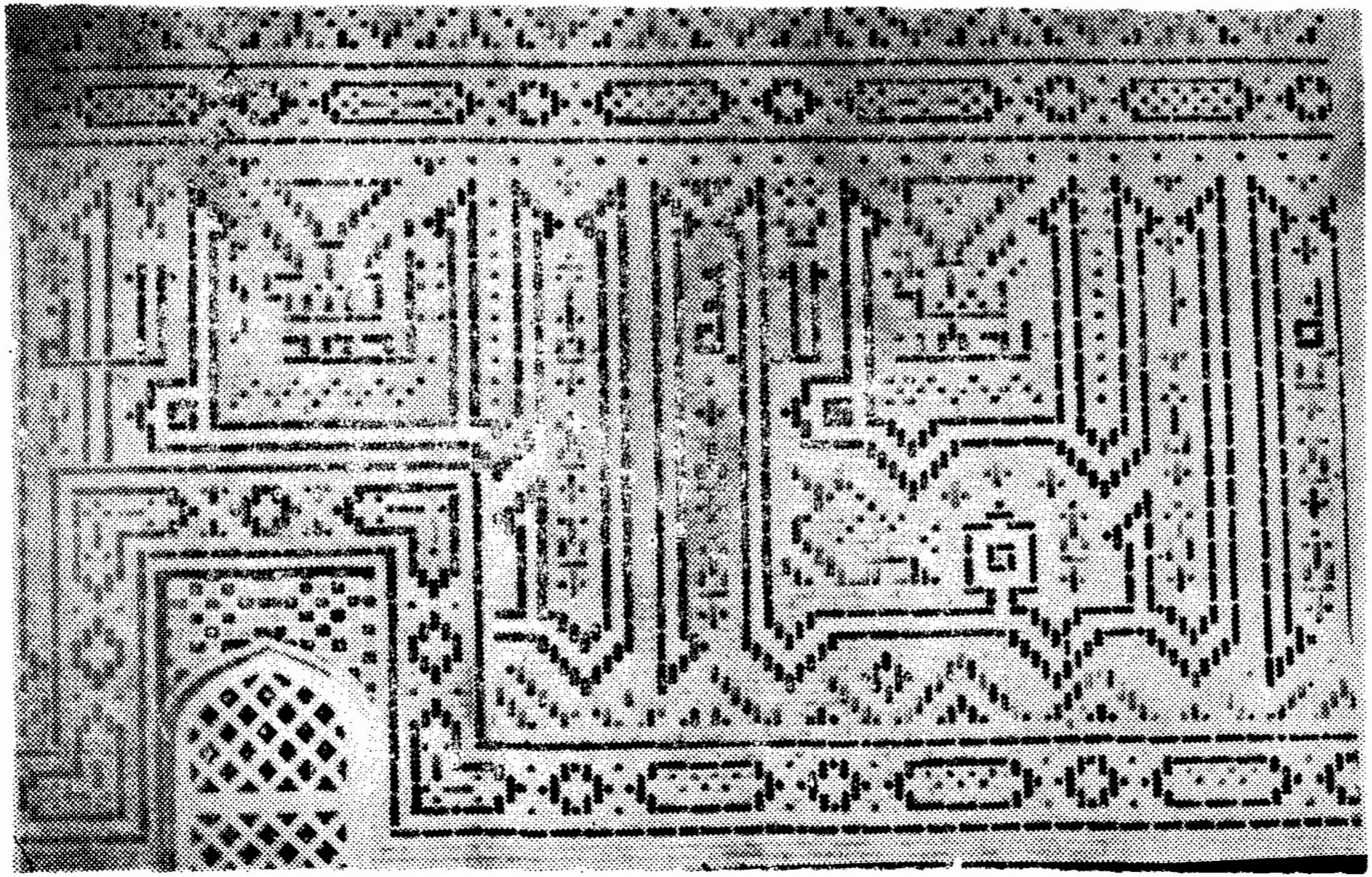
۸۶ ایوان مسجد گوهرشاد درمشهد رضوی که برپهلوی چپ آن امضای شهزاده بایسنقربن شاهرخ باخط او موجود است .
(از سروی هنر پرشیا)



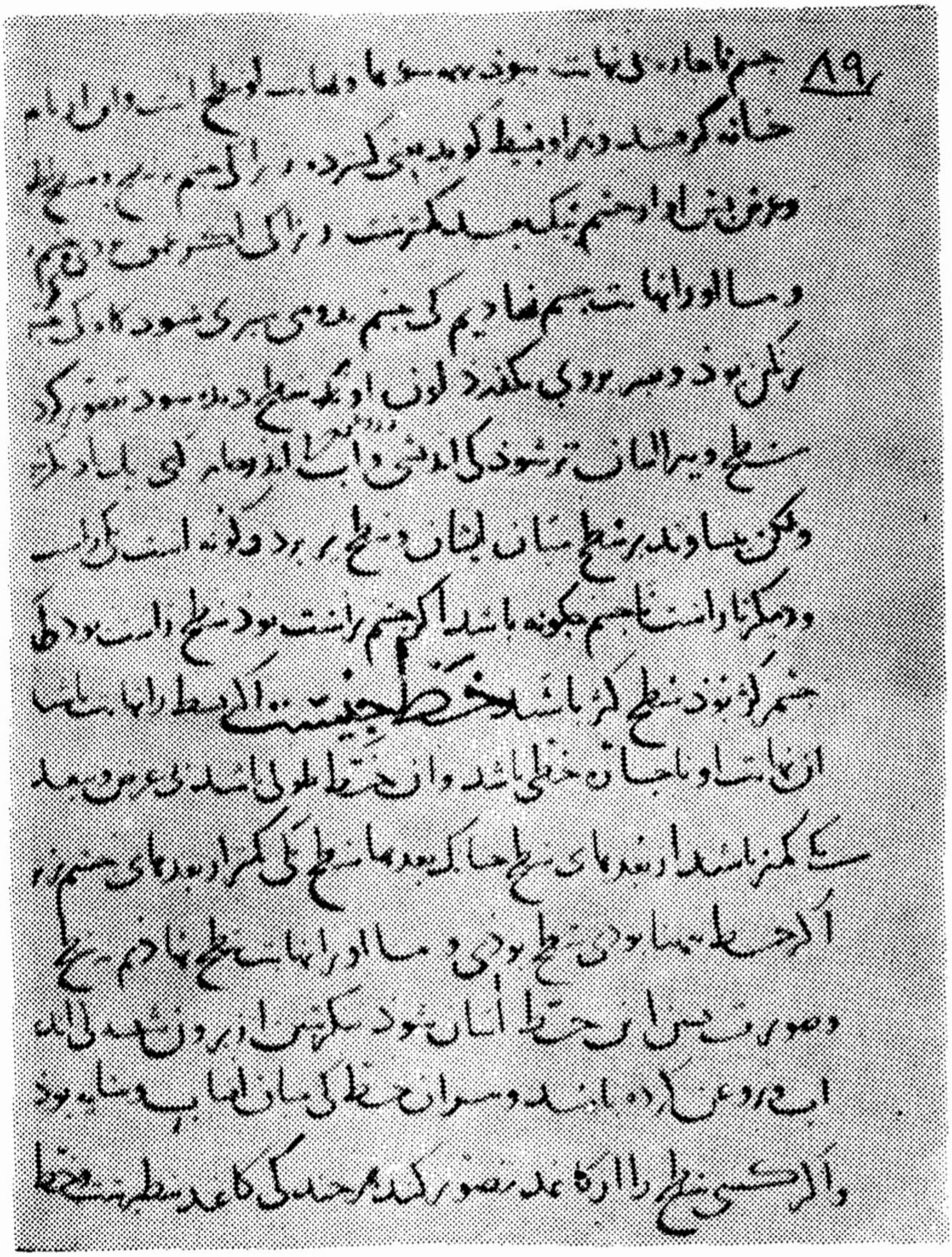
شکل ۹۰ خط ثلث بایسنغر میرزا شاهزاده تیموری — موزه هنرهای تزئینی تهران



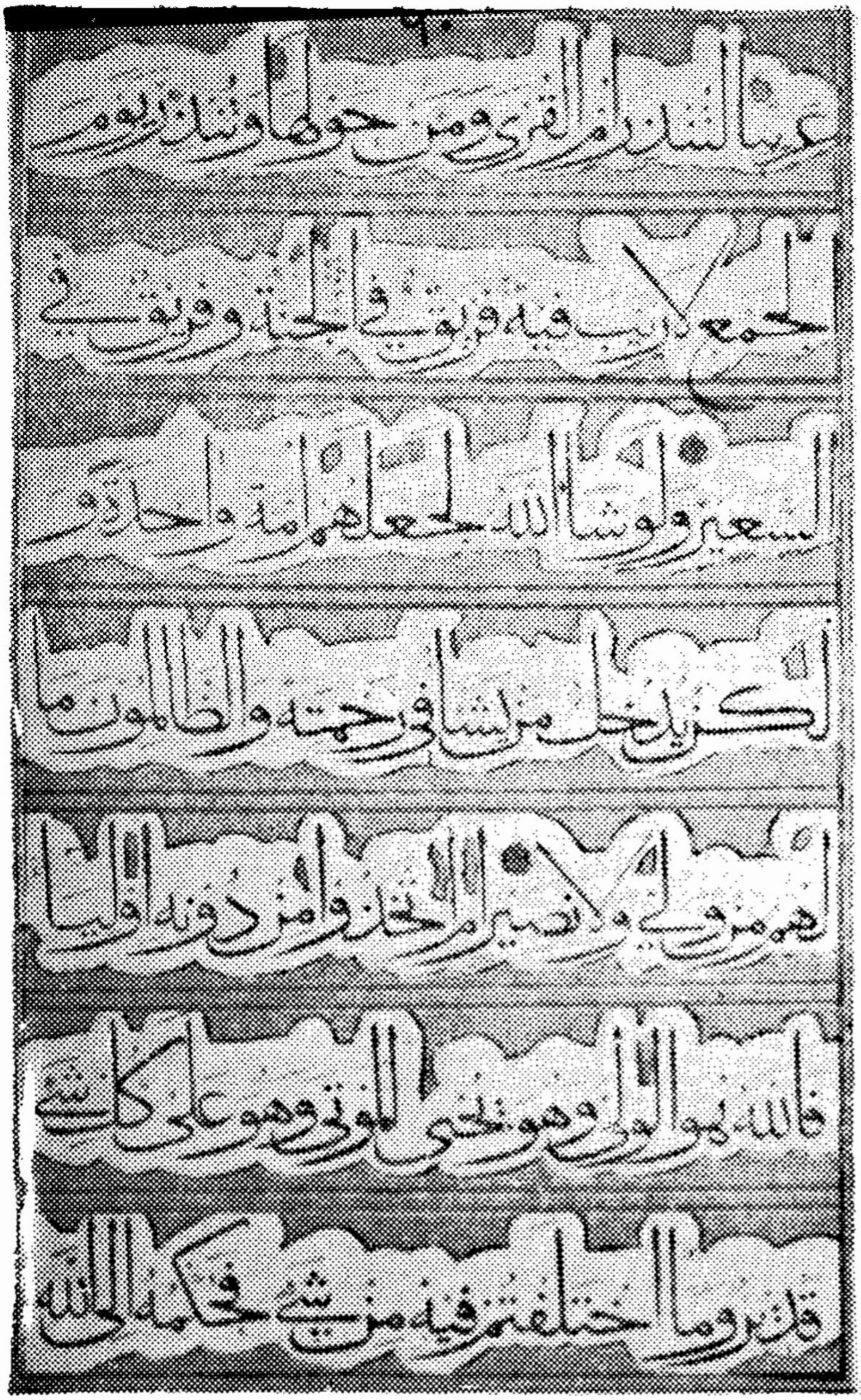
۸۷بقایای نقوش وخط بریکی از دیوار های لشکر گاه بست



۸۸خط کوفی بین خشت کا ر ی برگورامیر تیمور در سمر قند



۱۸۹متزاج خط ثلث بانسخی درکتاب التفهیم ۵۳۸ ق کتابخانه مجلس تهران



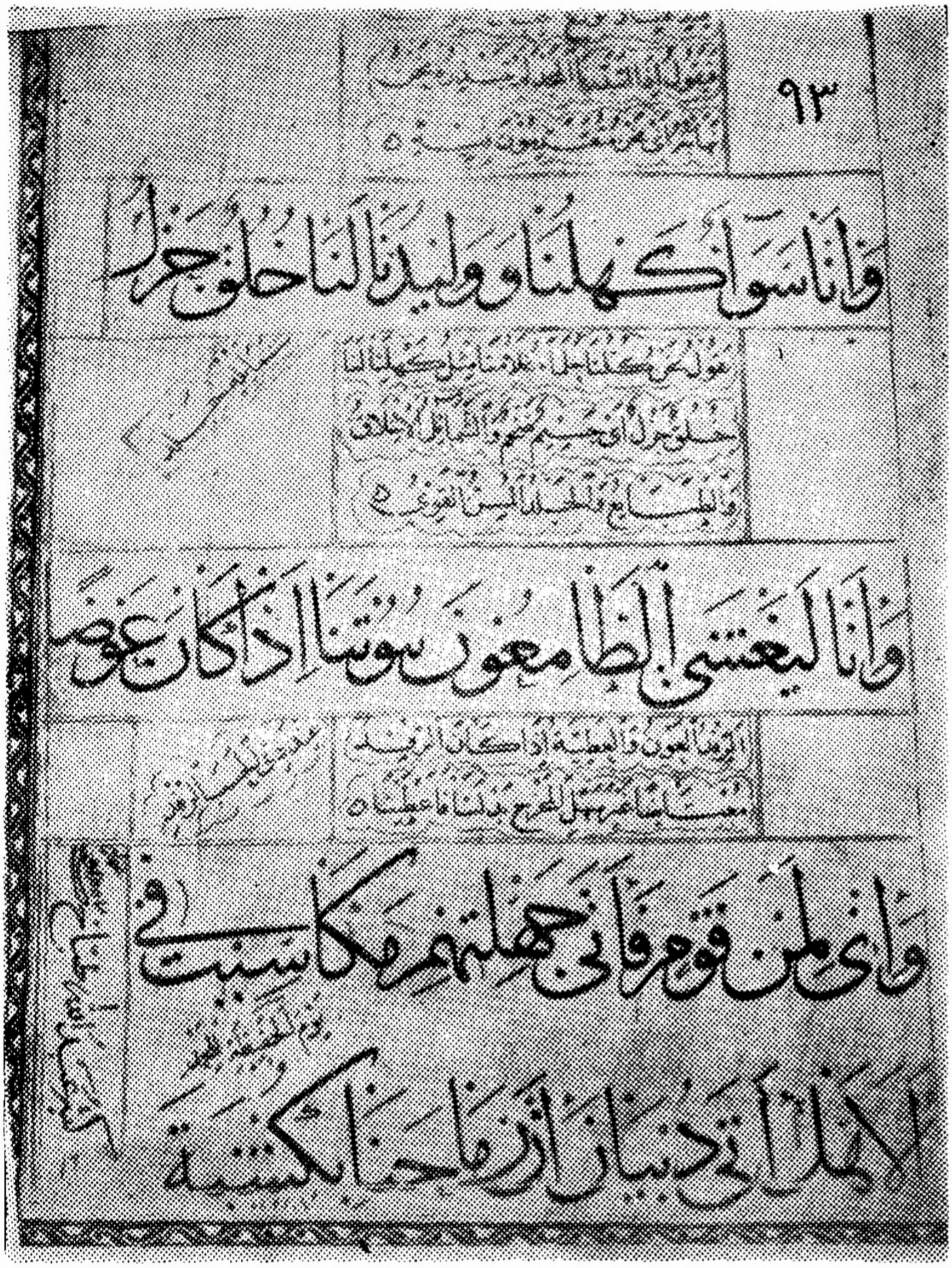
۹۰ يك صفحهٔ قرآن بخط بايسنقر
ميرزا شهزادهٔ هرات در مشهد



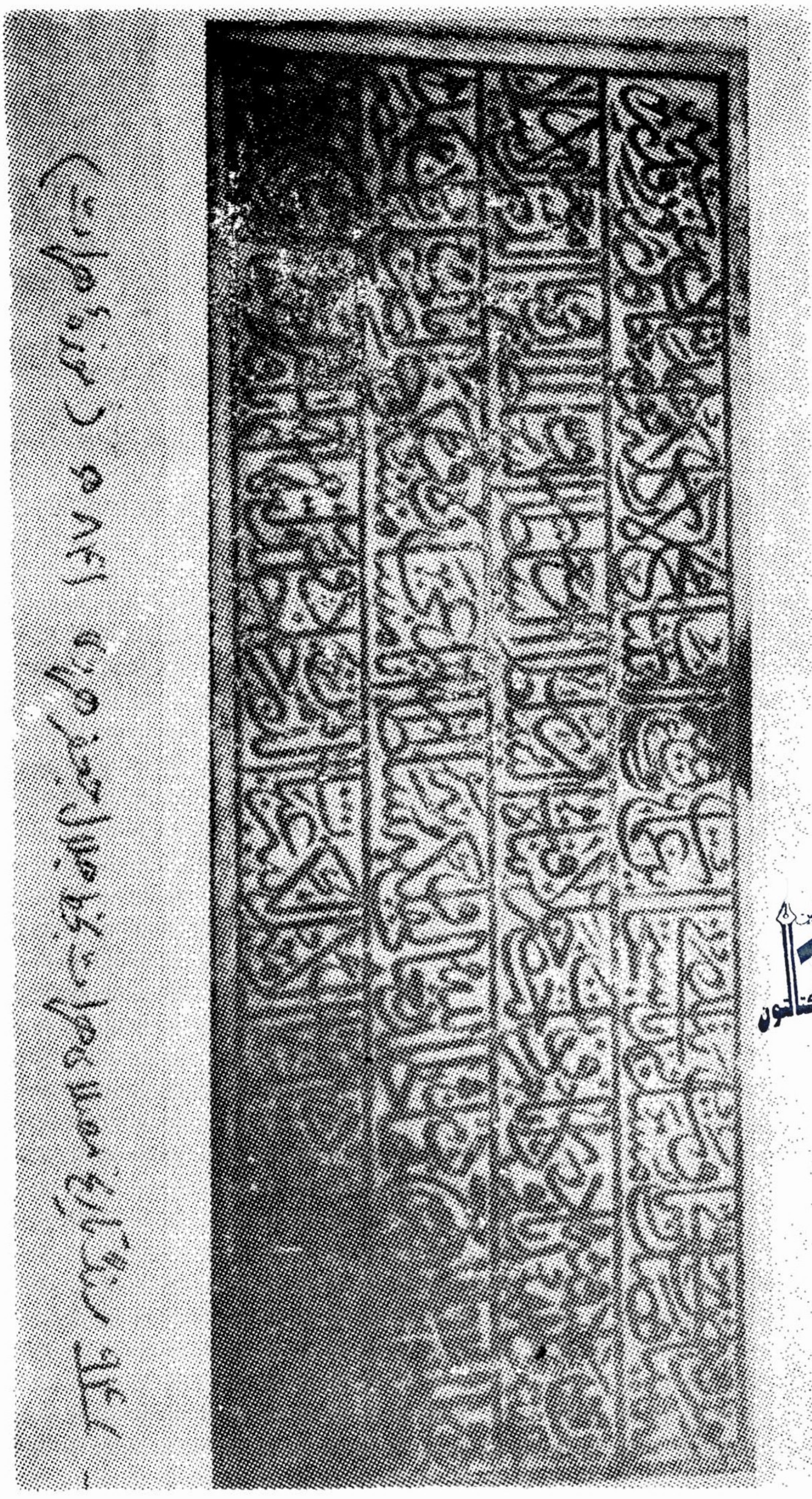
صفحهٔ قرآن عظیم بخط ابرا هیم‌سلطان بن شاهرخ ۸۲۷ ق‌در مشهد رضوی (از گنجینهٔ قرآن)

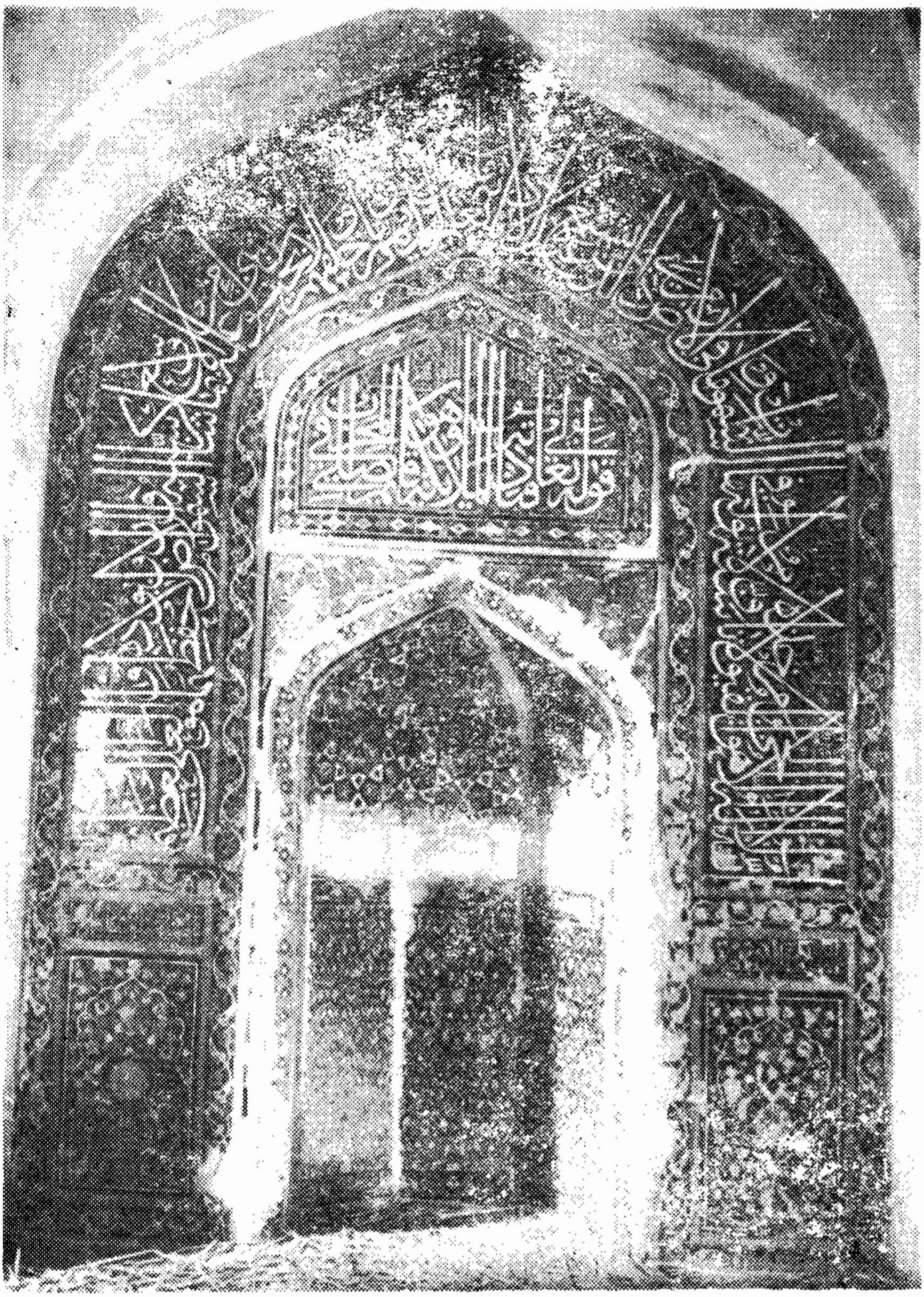


صفحه اول قرآن بخط خوا جه عبدالله مروارید حدود ۹۰۰ ق ا ز
گنجینهٔ قرآن در مشهد رضو ی

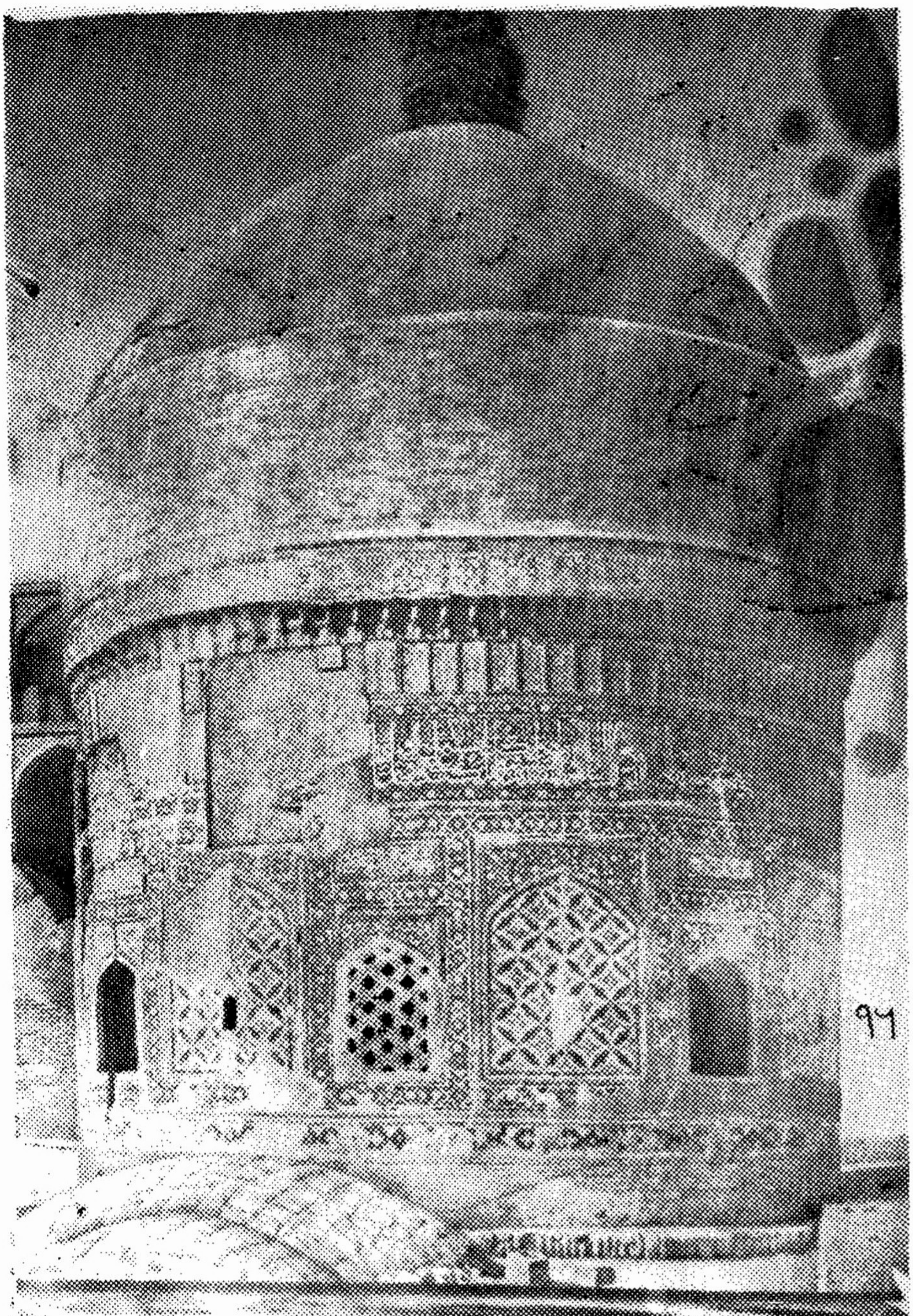


۹۳خط عبدالله طباخ هروی ۸٤۵ق در گنجینهٔ قرآن مشهد رضوی

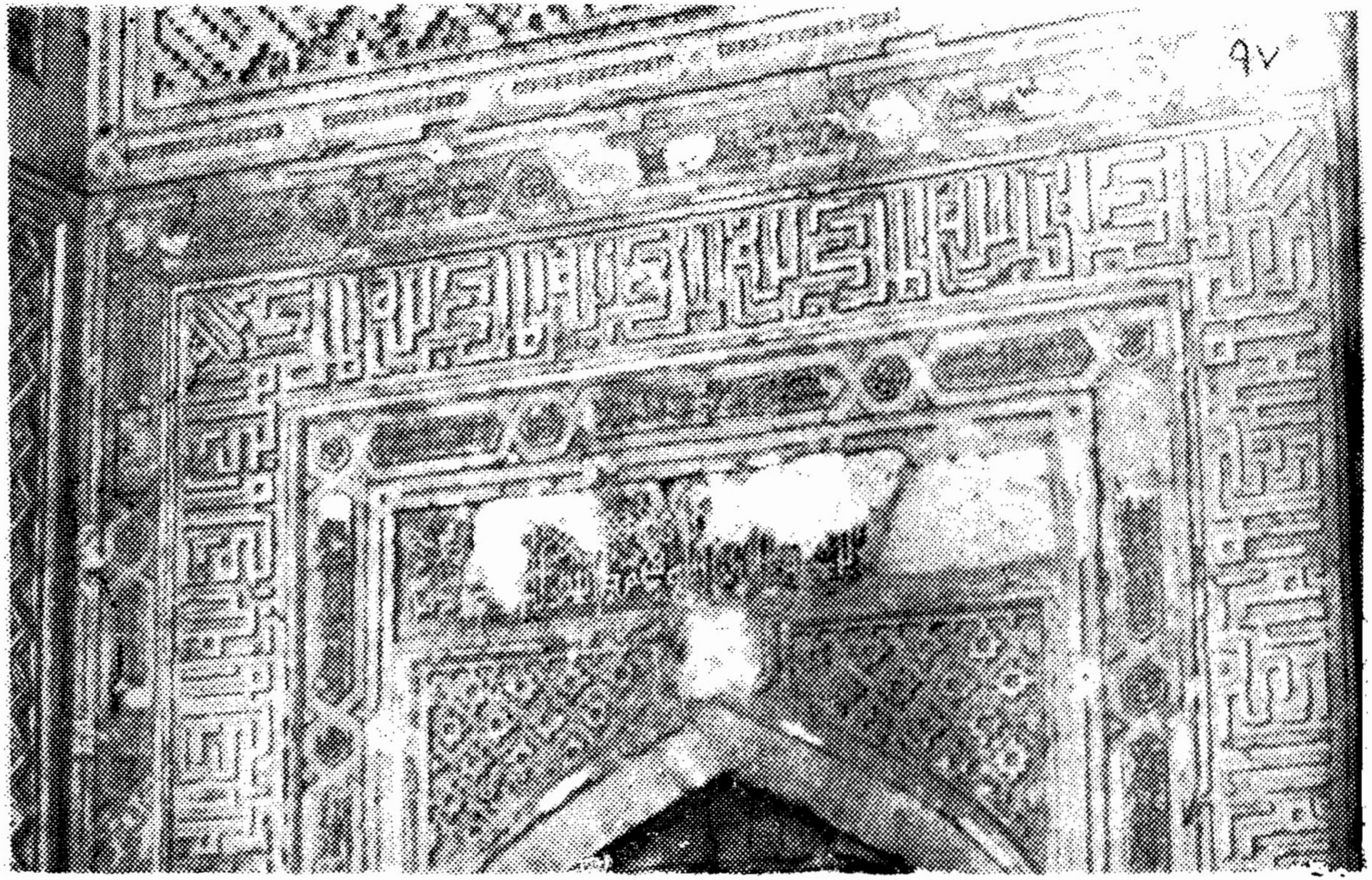




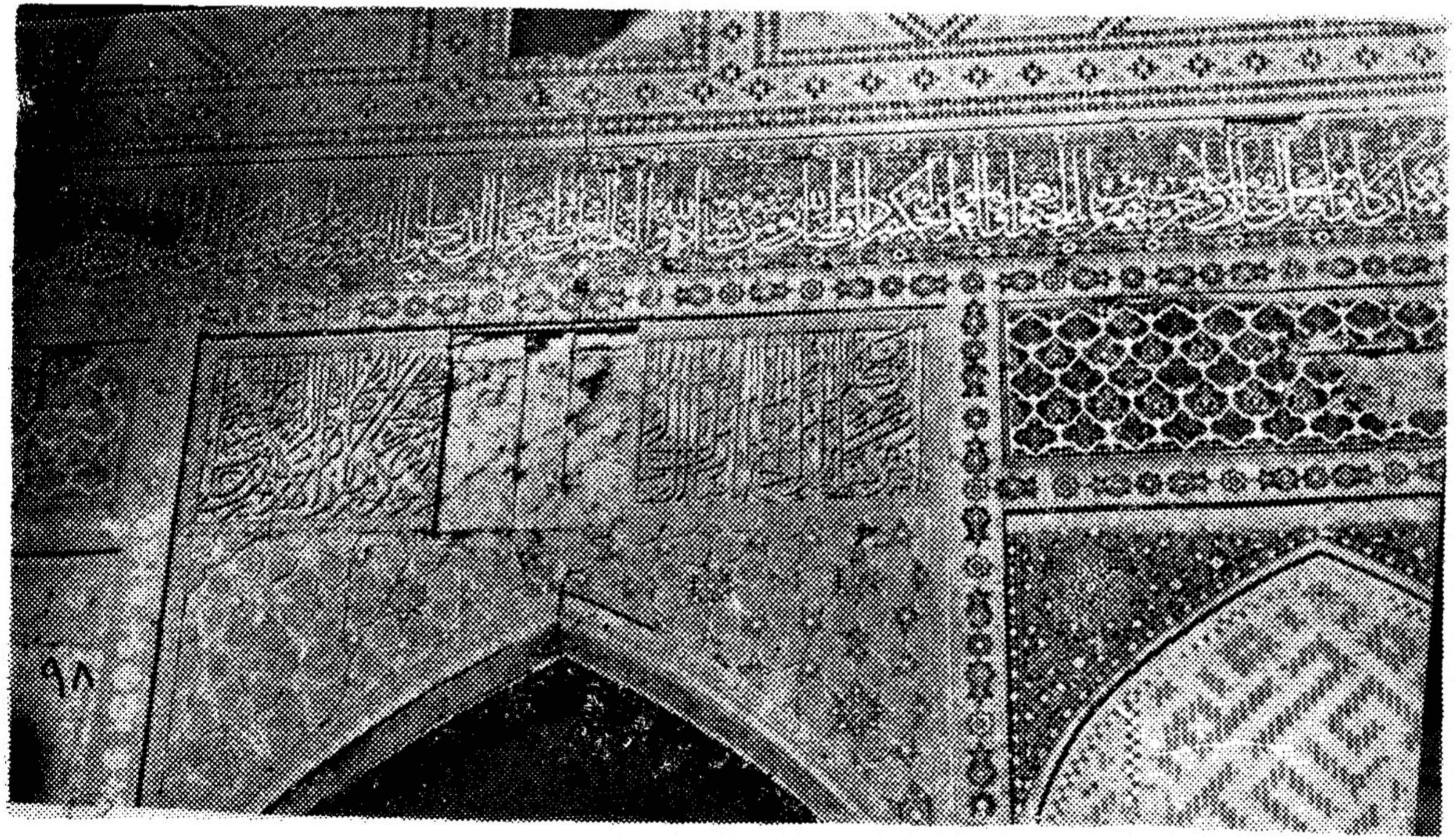
نمبر ۹۵ محراب مسجد هرات



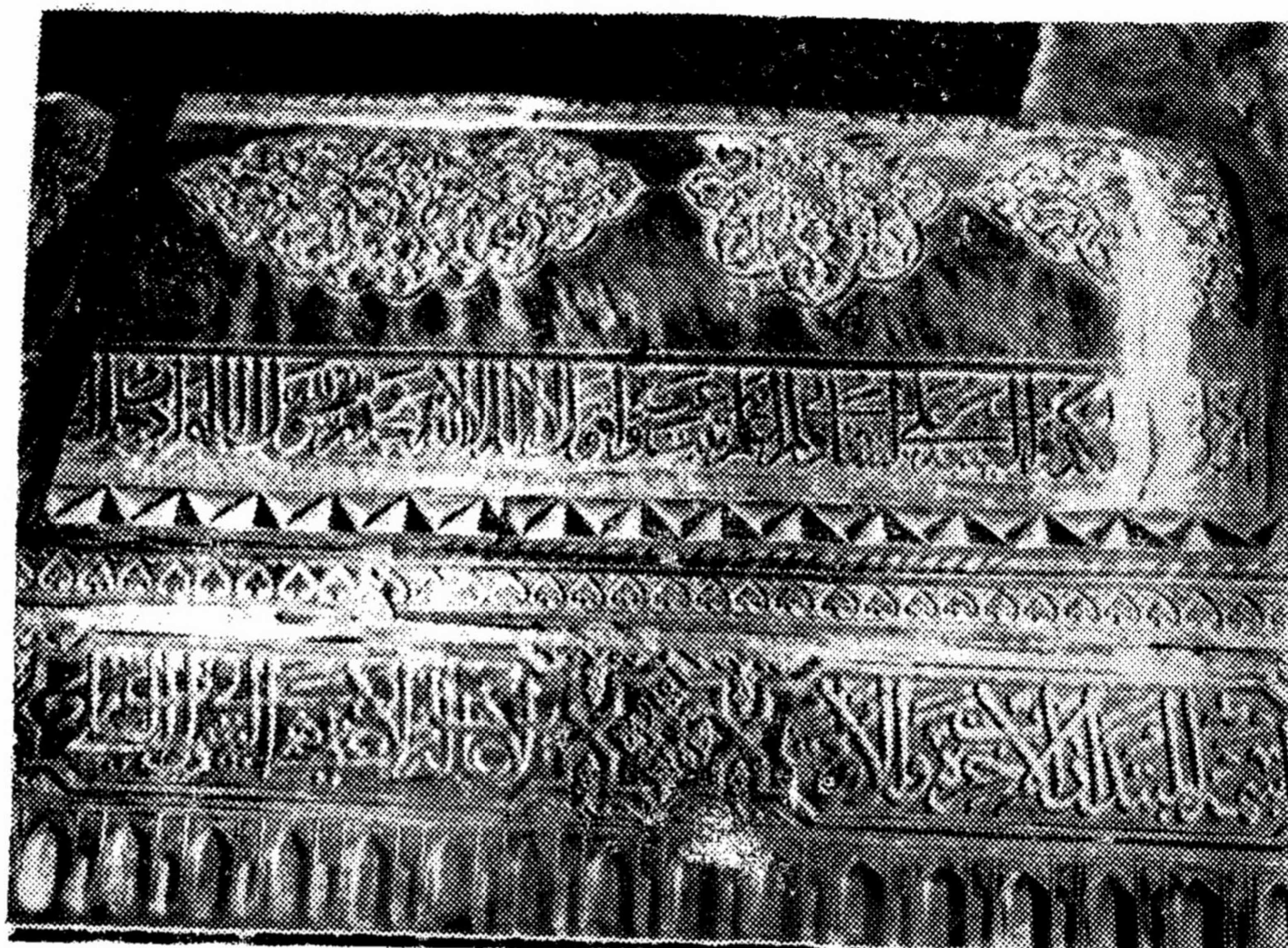
۹۶ نو شتهٔ جلی مدرسهٔ میرعرب بخارا ۹۲٤ ق



۹۷نمونۀخط معقلی قرن ۱۶ برطاق نماز گاه بخارا



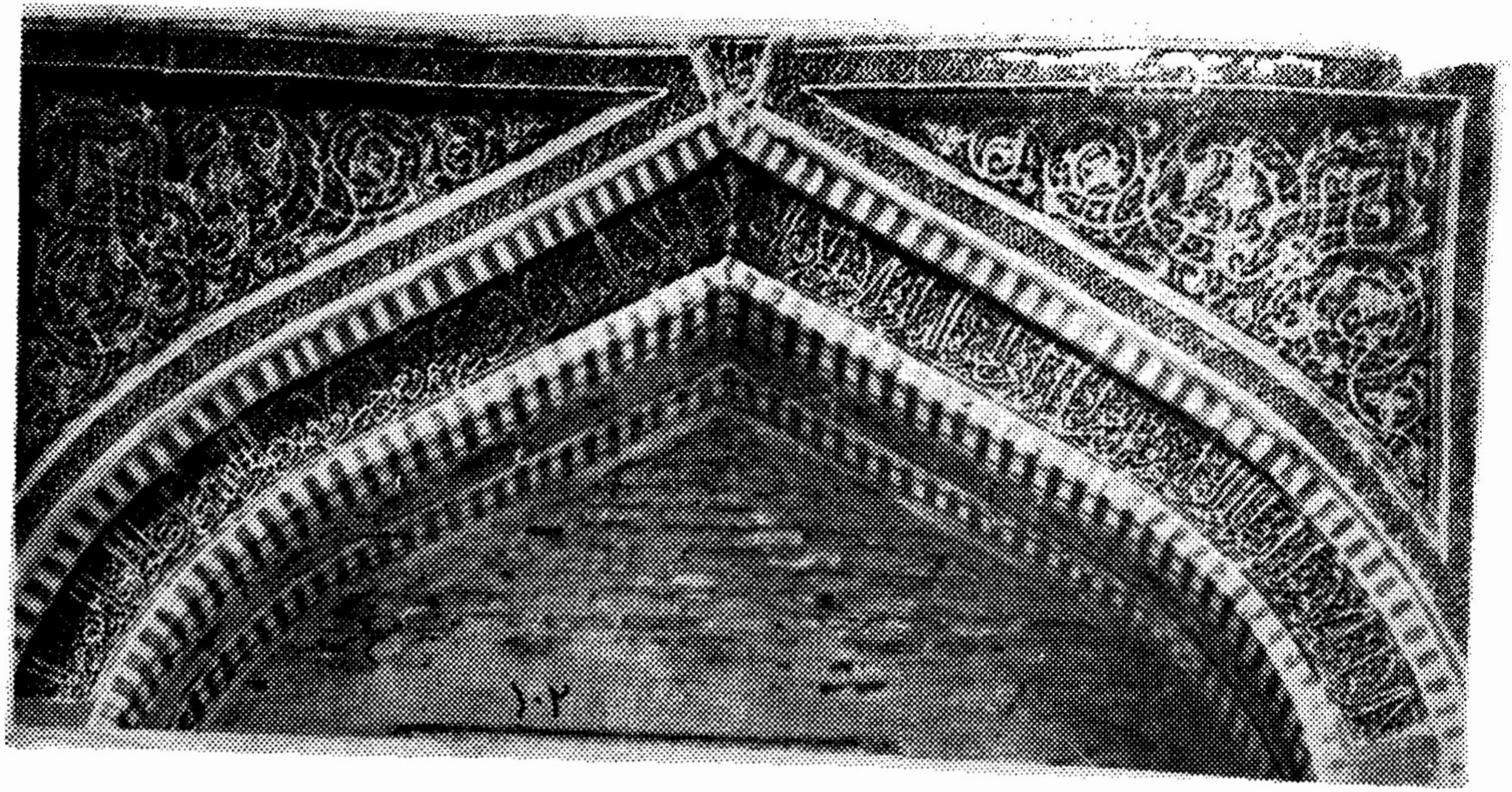
۹۸ ثلث جلی مسجد بی‌بی‌خانم در سمرقند اواخر قرن ۱٤



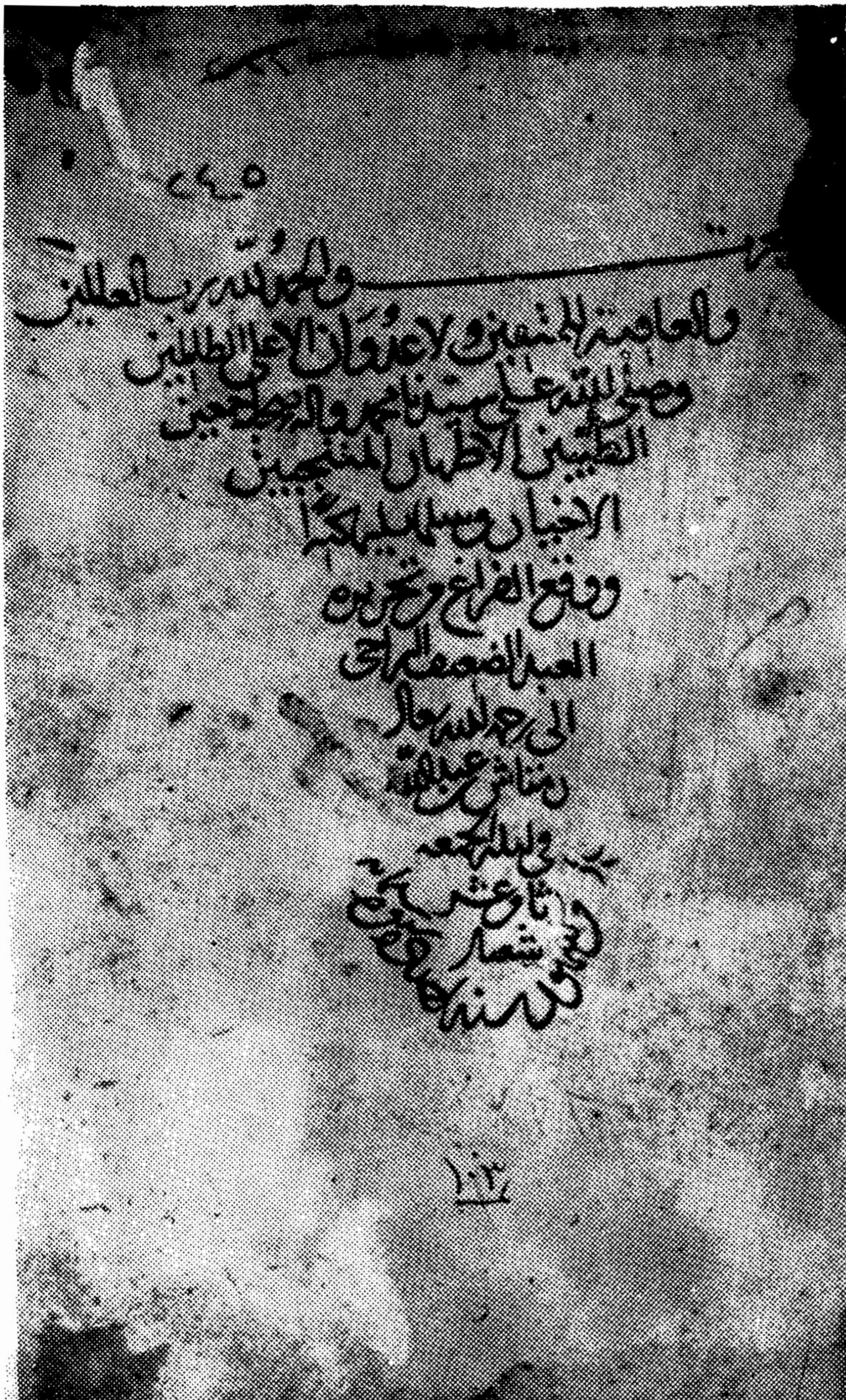
۹۹ کتیبهٔ مزار حکیم تر مذی درترمذ قرن ١٤



١٠٠ ـ ١٠١ شيوهٔ ثلث ترکستانی قرن ١٦
(گنجینه قرآن مشهد رضوی)

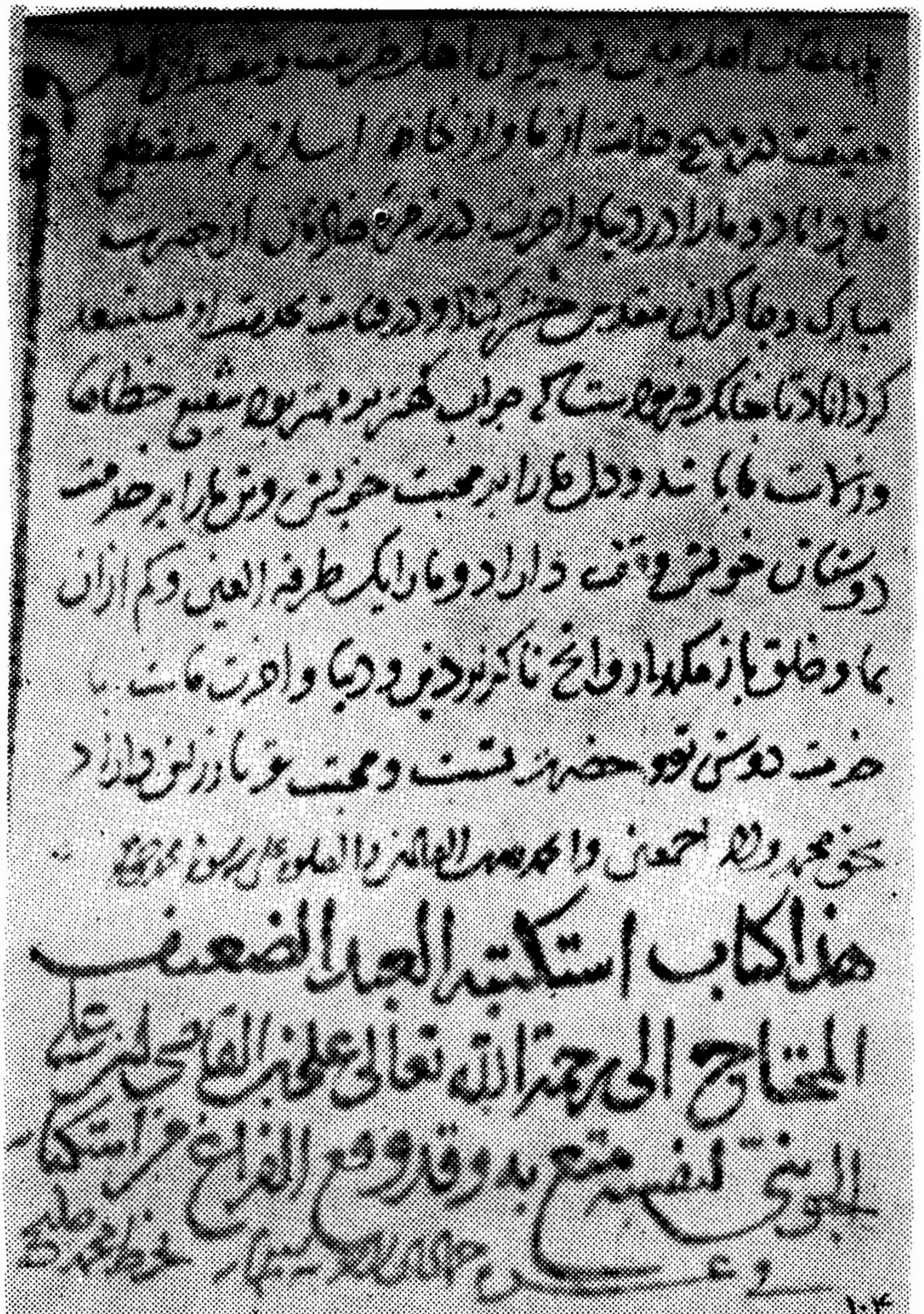


۱۰۲ ثلث متمایل به تعلیق برایوان قبر بیان قلی خان در بخارا قرن ۱٤

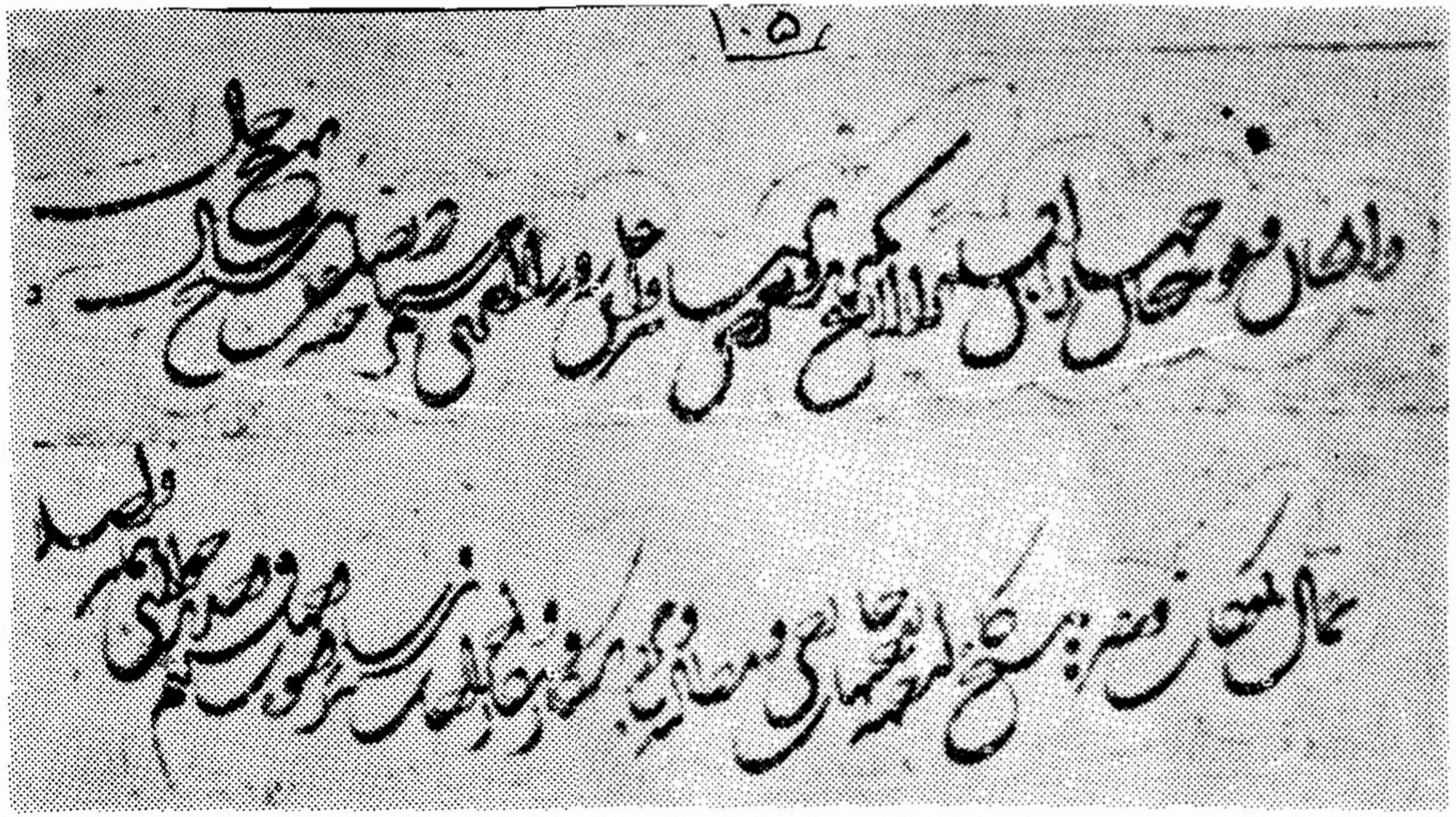


والحمد لله رب العالمين
والعاقبة للمتقين ولا عدوان الا على الظالمين
وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه اجمعين
الطيبين الطاهرين المنتجبين
الاخيار وسلم تسليما كثيرا
ووقع الفراغ من تحريره
العبد الضعيف الراجي
الى رحمة الله تعالى
في ليلة الجمعة

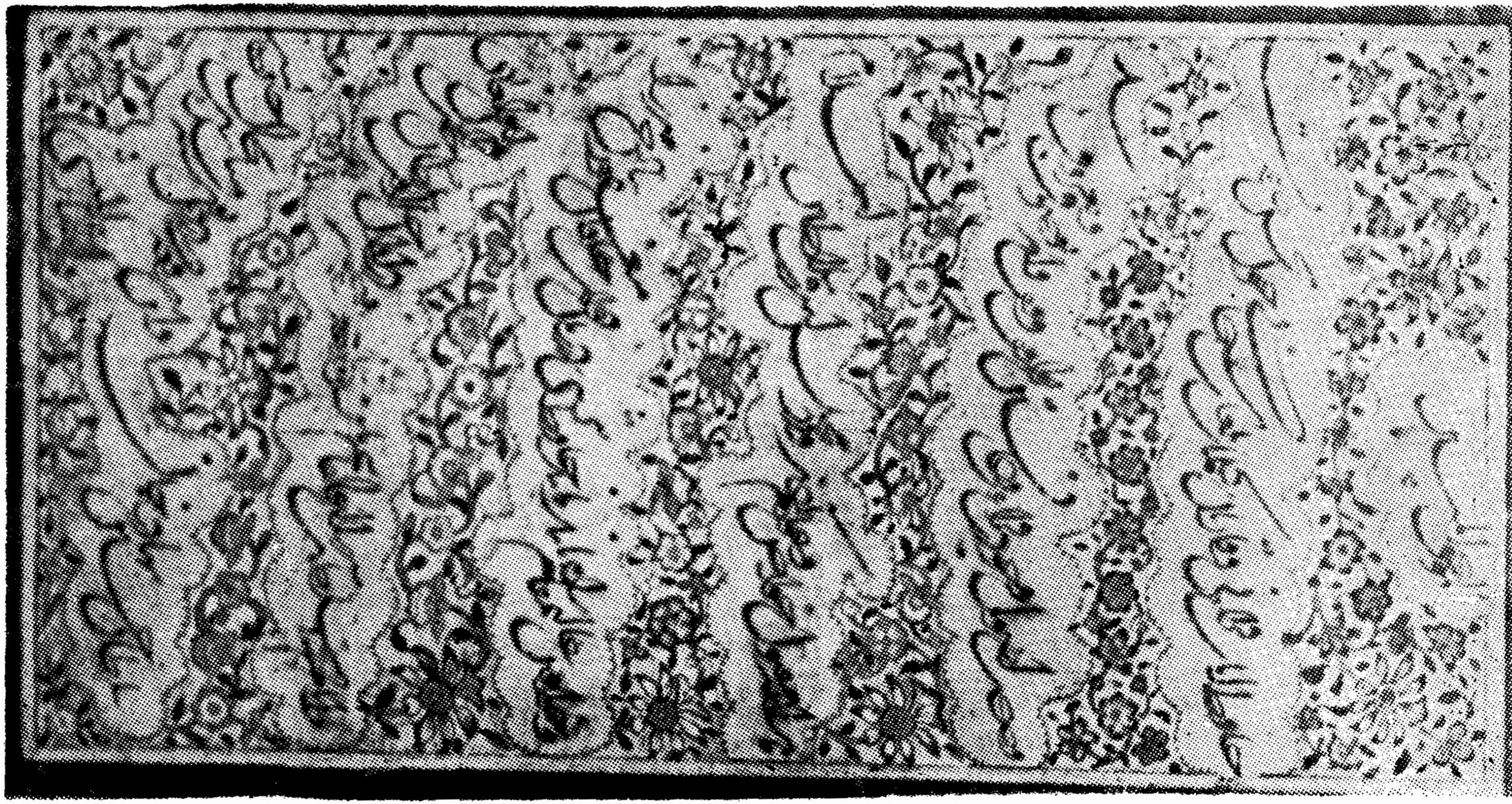
صفحهٔ اخیر طبقات الصوفیه کتابخانه نافذ پاشا استانبول
۶۷۱ ق



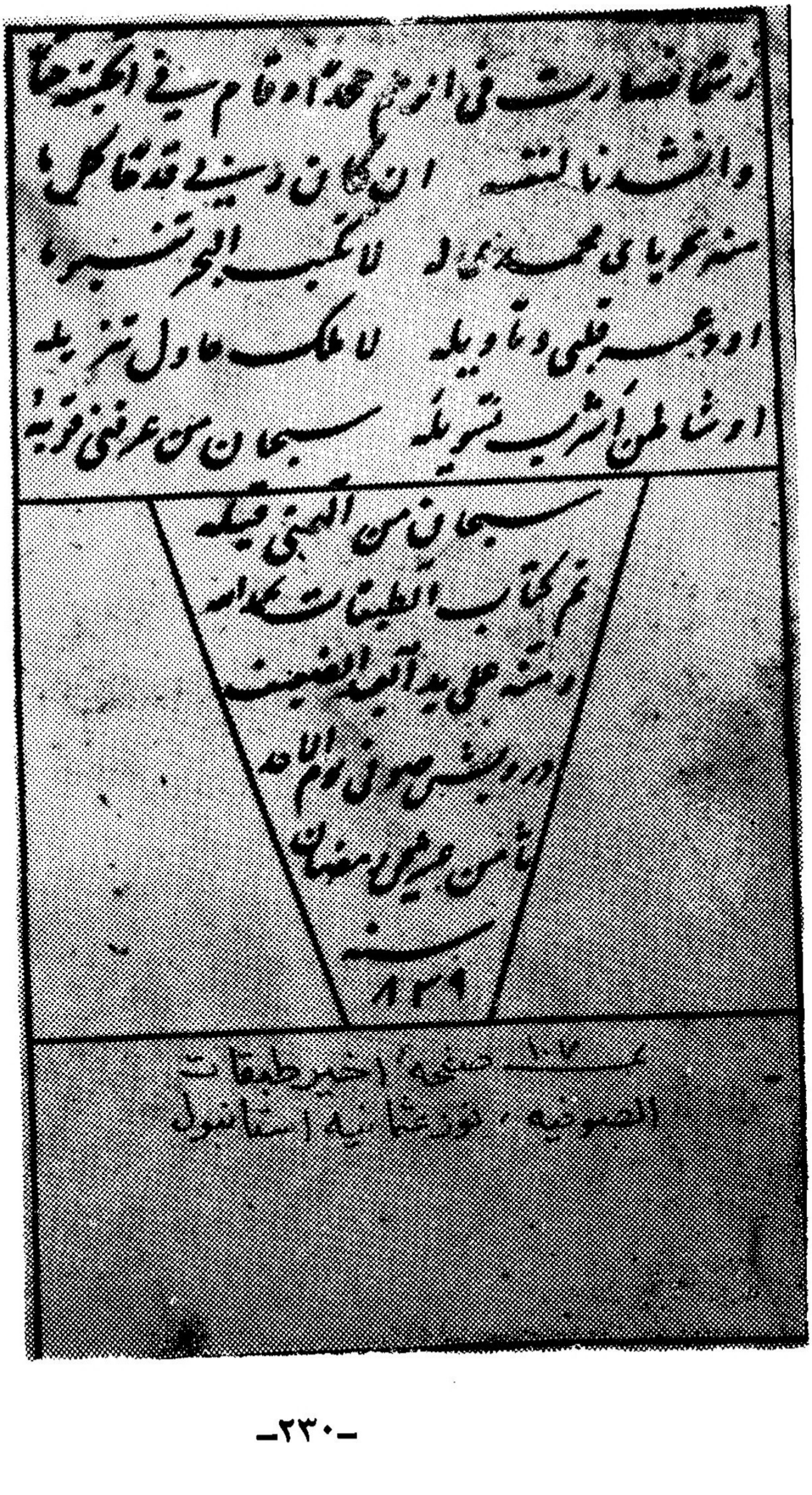
۱۰٤صفحهٔ اخیر اسرا رالتو حیدکتابخا نهٔسلیم آغا استا نبول بخط محمد صالح در سنه ۷۰۰ ق شیوه نسخی ممزوج به تعلیق



تعلیق تزئینی خواجه تاج الدین منشی
(از کتاب وکتابخانه)

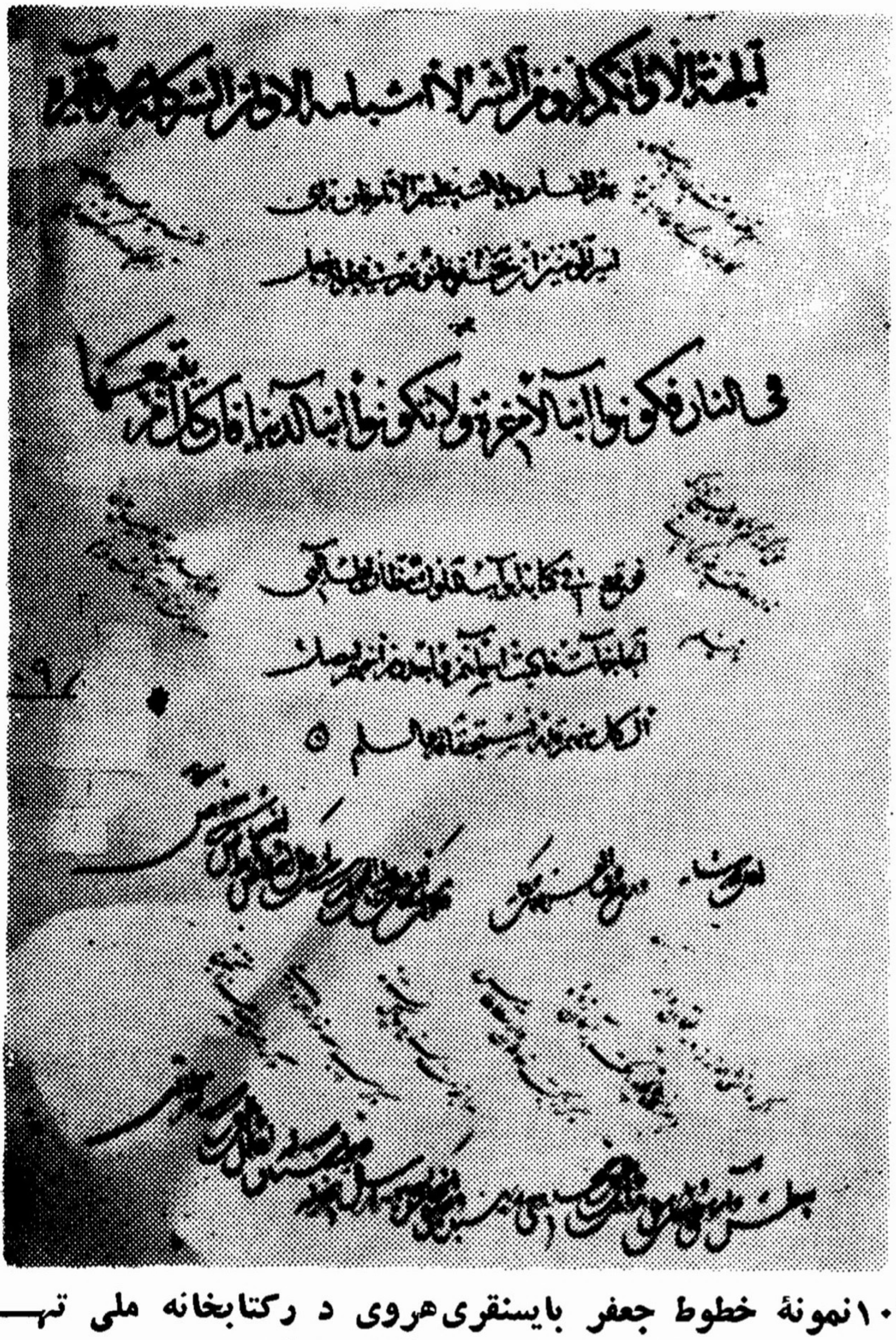


۱۰٦ نمونهٔ تعلیق خواجه اختیارهروی



عکس ۱۰۷ صفحه اخیر طبقات الصوفیه، نور عثمانیه استانبول





۱۰۹ نمونهٔ خطوط جعفر بایسنقری هروی د رکتابخانه ملی تهـــرا ن
ثلث ـ نستعلیق ـ رقاغ ـ شکسته



۱۰. نمونهٔ خطوط جعفر هروی در کتابخانه ملی تهران ـ نسخی وریحان
(سروی هنر پرشیا)



۱۱۱خط نستعلیق میرعلی هروی



۱۱۲ نستعلیق سلطان محمد نور



١١٣ نستعليق على مشهدى



۱۱٤ نستعلیق جلی حسن شاملو ۱۰٤۹ق برمزار خواجه عبدالله انصاری هرات



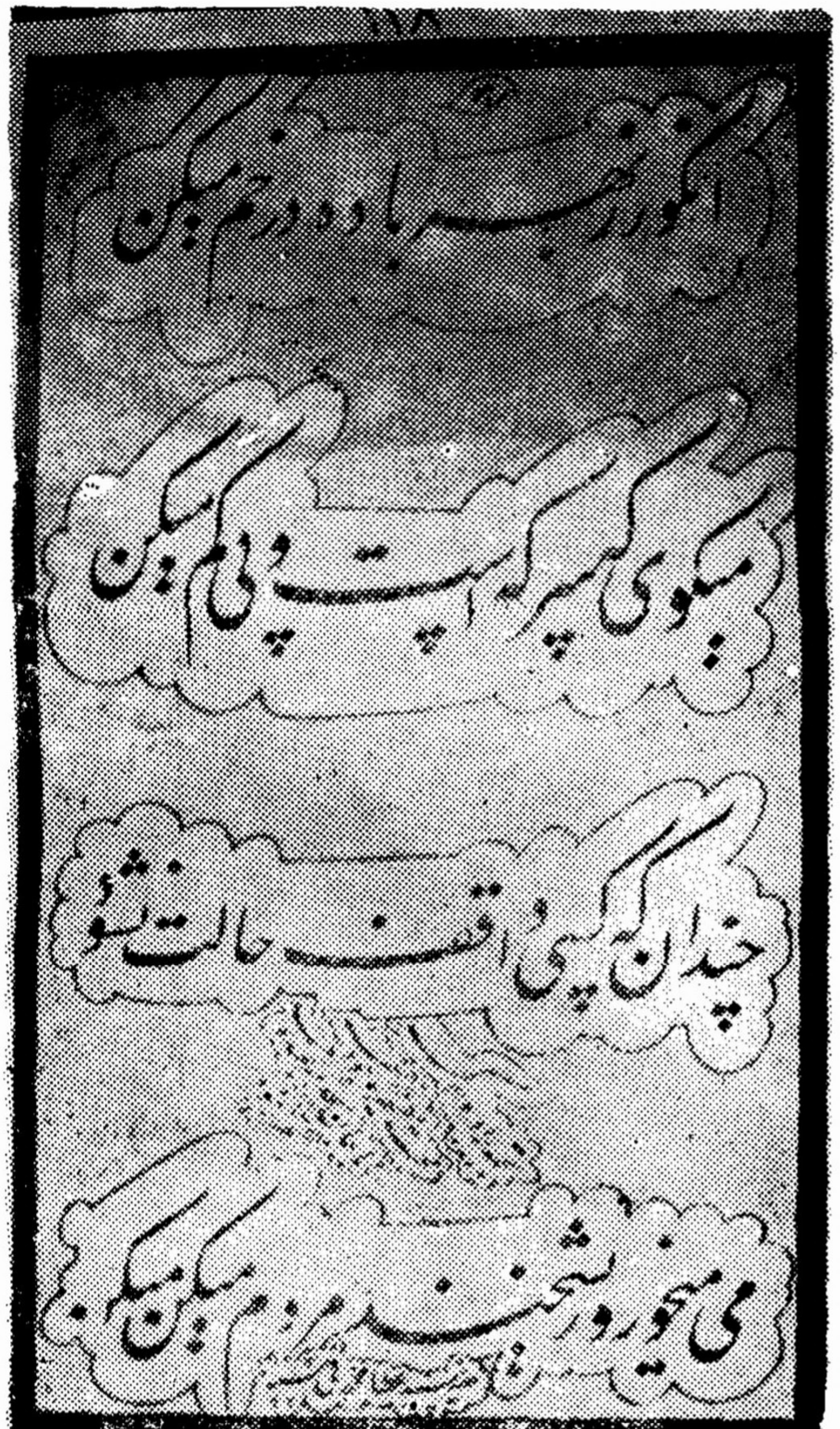
۱۱۵ یک‌صفحهٔ شاهنامه موزهٔ گلستان تهران بخط جعفر بایسنقری ۸۳۳ق (سروی هنر پرشیا)



خط شکستہ، درویش عبدالمجید طالقانی



عــ ۱۷۷ نستعلیق میرعبدالرحمن هروی

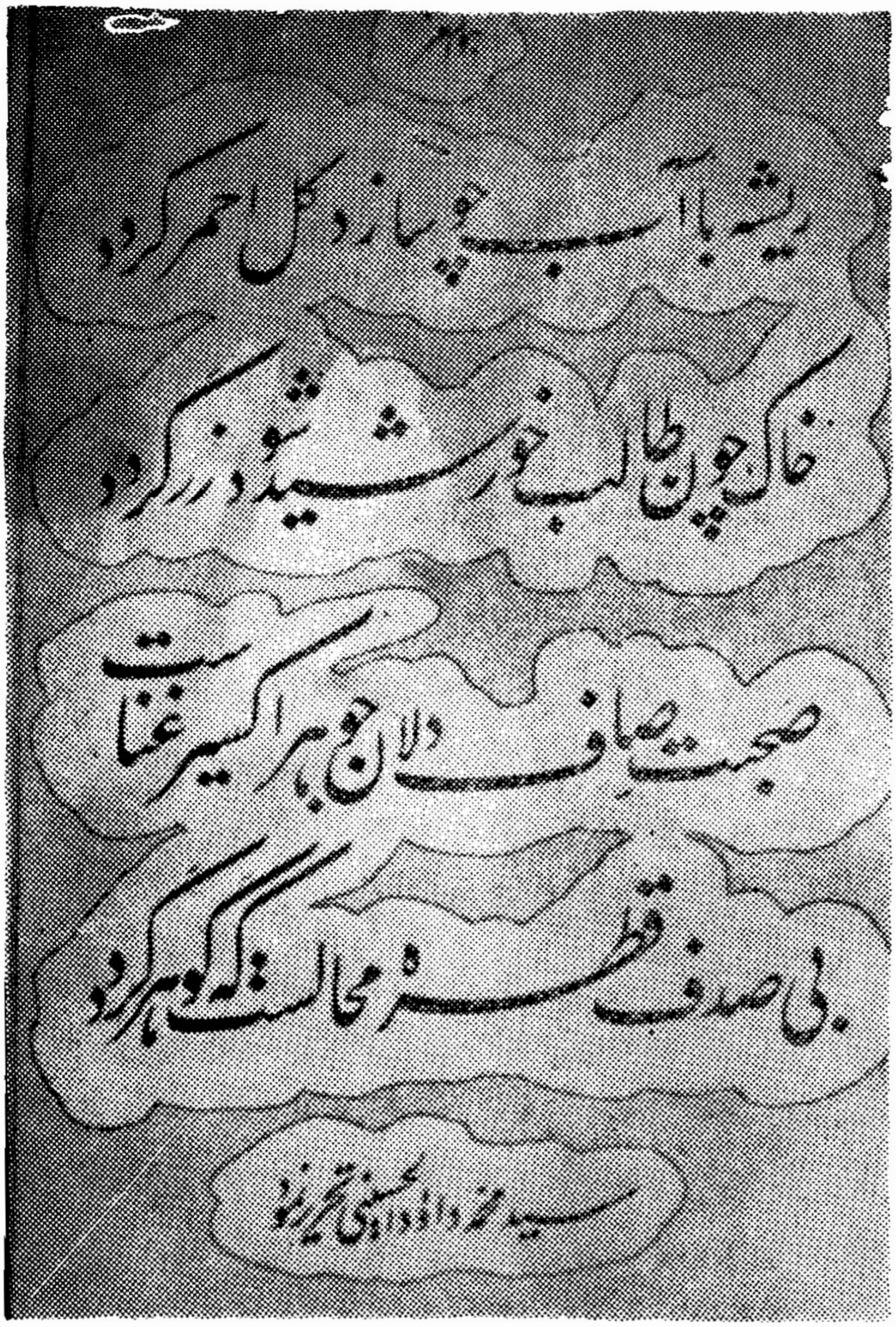


نمبر ۱۱۸





۱۲۰ نمونهٔ خط کوفی ونستعلیق
وثلث شیخ‌محمدرضاهروی ۱۳۲۶ ق


خاک چون طالب خورشید شود زر گردد
صحبت صاف دلان جوهر اکسیر غناست
بی صدف قطره محال است که گوهر گردد
سید محمد داود الحسینی تحریر نمود

نمبر ۱۲۱



نمبر ۱۲۲

که پادشاه د دست جهان یم

غلام ستا ماه تابان یم

لوی احمد شاه بابا

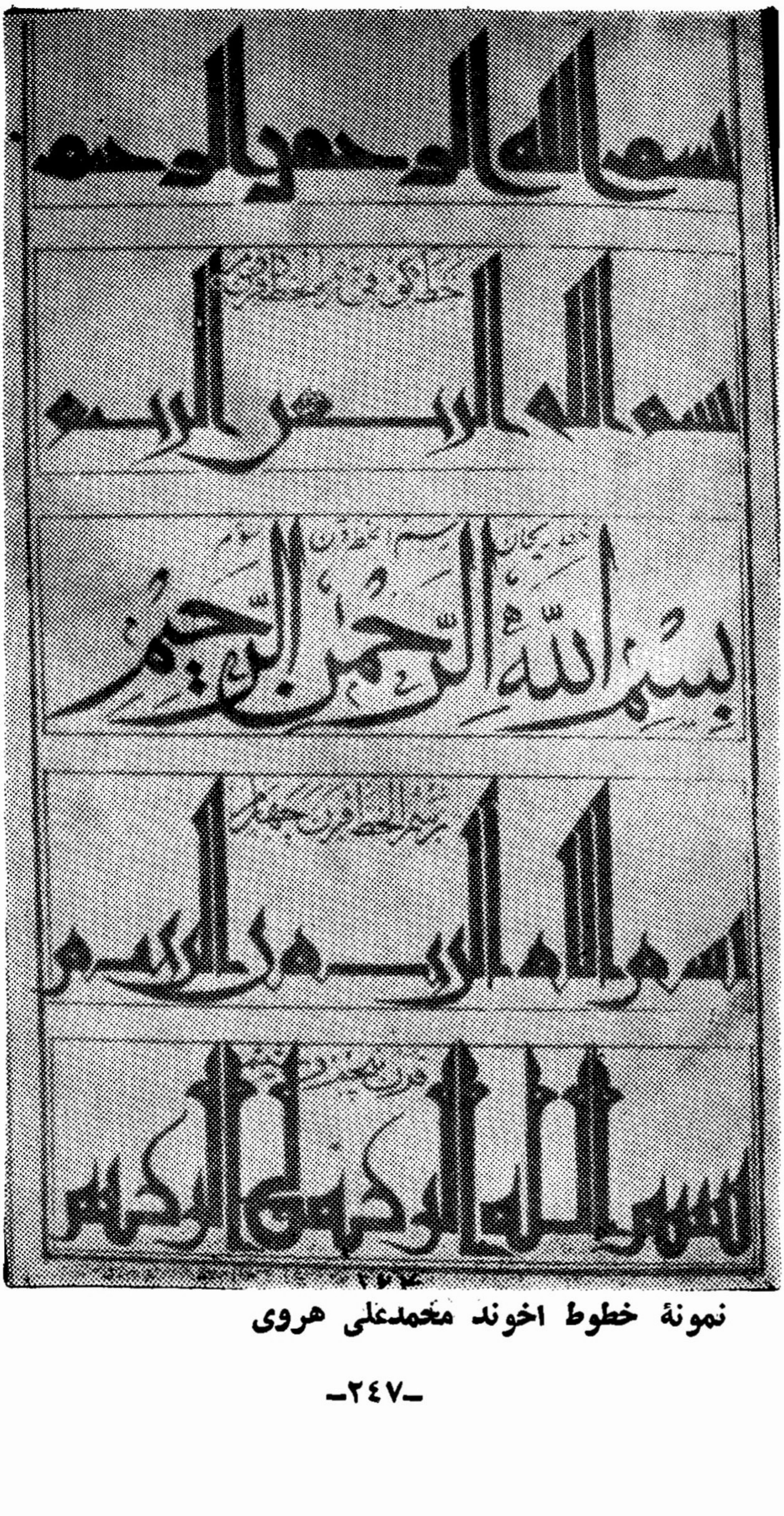
که هرڅو په بهار درومیم

آخر پاتې د خزان یم

به روش عماد الحسینی قلمی شد

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

۱۲۳



نمونهٔ خطوط اخوند محمدعلی هروی

بماند سالها این نظم و ترتیب

ز ما هر ذره خاک افتاده جائی

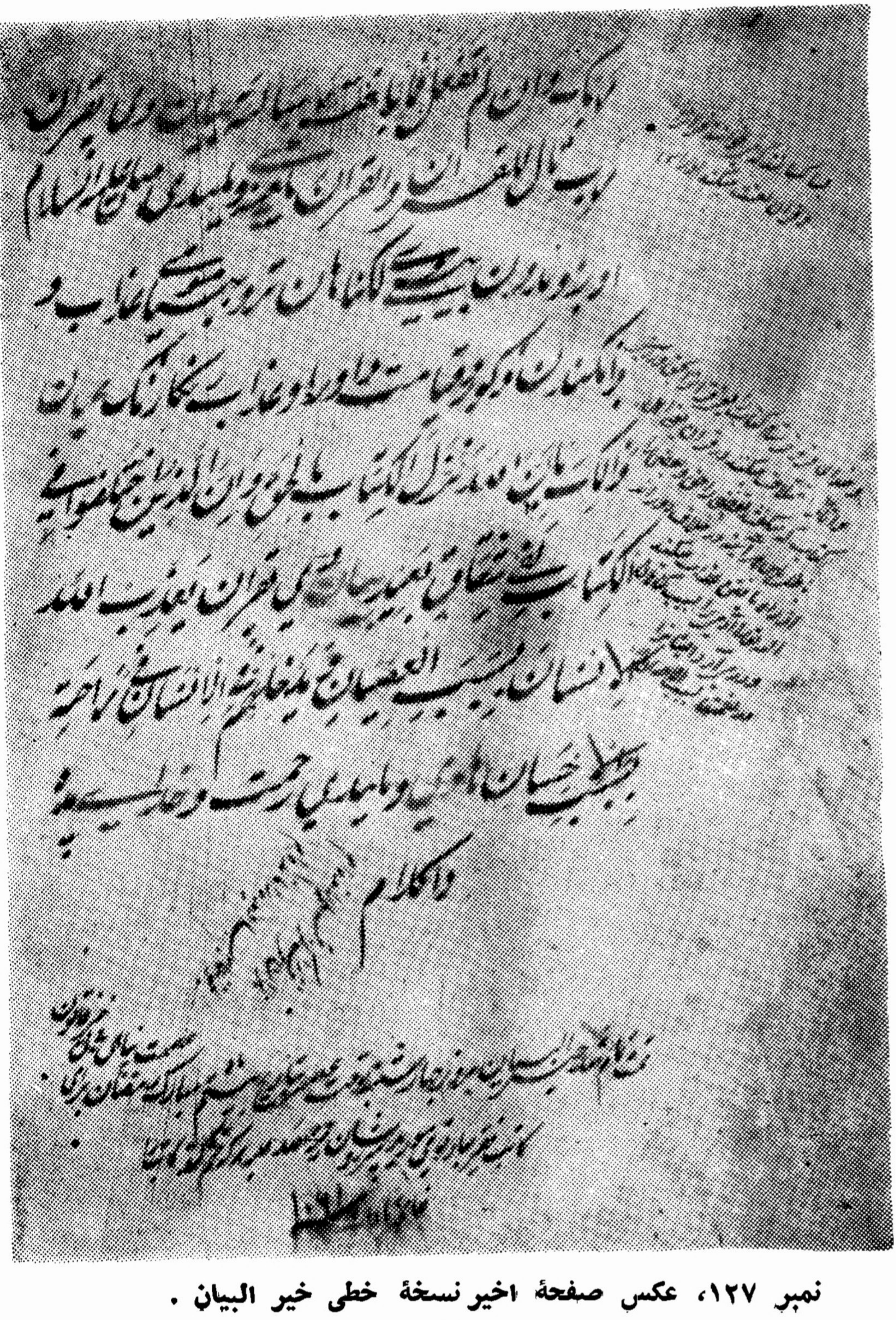
غرض نقش است کز ما باز ماند

که هستی را نمی بینم بقائی

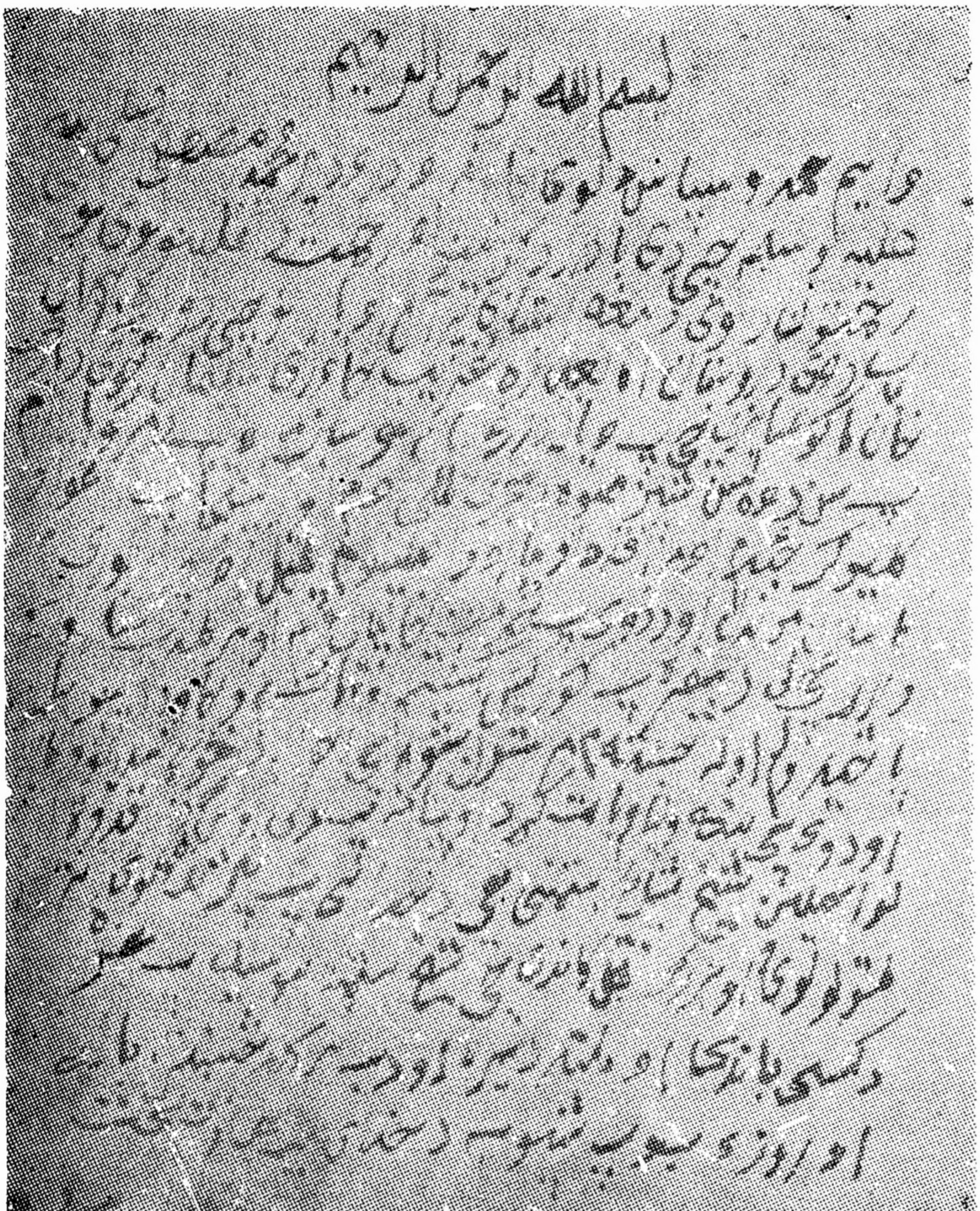
حسین زابلی

نمبر ۱۲۵

شکل کنونی	در خیرالبیان	در مخزن	درخاندان خوشحالخان	امثله
ټ	ټ	ټ	ټِ	غټ = غطِ
څ	څ	څ	چ	څوک = چوک
ځ	ډ	ځ ځ	ځ	ځا = دما = ځا
ډ	ډ	ډ	ډُ	ډېر = ډُ ېر
ړ	ړ	ړ	رُ	زړه = زرُه
ږ	ډ	ږ	ژ	رسېږی = رسېدی = رسېژی
ښ	ښ	ښ	ش	ښاغلی = شاغلی
ڼ	ن	ڼ - نړ	نُ	رڼا = رنړا = رنُا



نمبر ۱۲۷، عکس صفحهٔ اخیر نسخهٔ خطی خیر البیان .


بسم الله الرحمن الرحیم

نمبر ۱۲۸ ،عکس صفحهٔ اول نسخه خطی تذکرة الاولیاء سلیمان ماکو.

خطاط معاصر



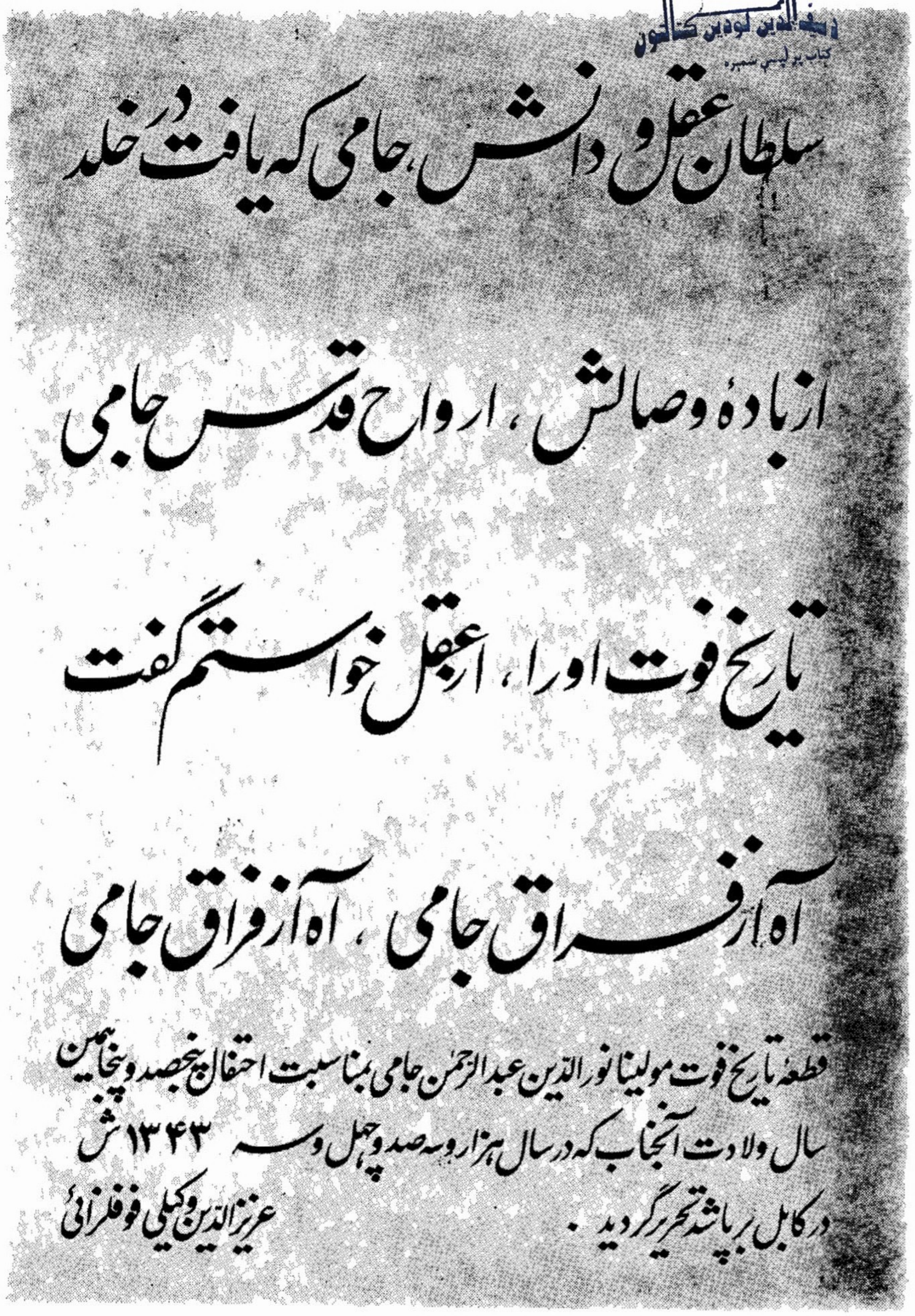
اکنون که داستان آفرینش خط را در افغا نستان شنیدید و نمو نــه های انواع خطوط مروجهٔ دور های تاریخی را هم دیدید ، ما خوا نندگان گرامی خودرا به تما شای پدیدهٔ هنری خط در عصر حاضر می آوریم.

مواریث هنری گذ شتگان ما درین عصر نیز خو شبختانه زنده اند ، و ممثل بزرگ این هنر دریـ نو قــت استادقادر القلم عزیزالدین‌فوفلزا ئی قند هاری ولدمرحوم حاجی نظام‌الدین خان ساکن کابل اند ، که باوجود داشتن مرتبهٔ اولین در صف خوشنو یسان این زمان ، نویسندهٔ مورخ و شاعر نیز میباشند .

برای اینکه در پایان این کتــاب‌نمونه های زندهٔ هنر خطاطی را د ر کشور عزیز ما نشان داده باشیم ،از استاد گرامی موصوف خوا هش کردیم که نمونه های انواع خطو طخامهٔ توانای خود را ضمیمهٔ این کتاب فرمایند .

استاد دانشمند این خواهش مارا‌پذیرفته و (۳۵) قطعه ازنمونه ها ی مختلف خطوط خود را برای تکمیل‌وتزئین این کتاب بما سپر دند ، که با تشکر درصفحات آینده آنرا عکاسی‌کرده ایم ، وخوا نند گان محترم دیده می توانند که فروغ هنر کهن هنوزدر افق وطن می در خشد ، وکشور عبدالله مر وارید وبایسنغر و میـر عبد الرحمن و سید عطا محمد شا ه از وجود هنر مندی چون استاد عزیزخالی نیست .

خدای توانا بربرکات خامه اش‌بیفزا یاد .


سلطان عقل و دانش، جامی که یافت در خلد

از بادهٔ وصالش، ارواح قدس جامی

تاریخ فوت اورا، از عقل خواستم گفت

آه از فراق جامی، آه از فراق جامی

قطعهٔ تاریخ فوت مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی بمناسبت احتفال پنجصد و پنجاهمین
سال ولادت آنجناب که در سال هزار و سه صد و چهل و سه ۱۳۴۳ ش
در کابل برپا شد تحریر گردید.

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

۱- خط نستعلیق سبک خراسانی

هر اختر چه په عالم کښې د امکان وي

پر مقصد دې د امیر عبدالرّحمن وي

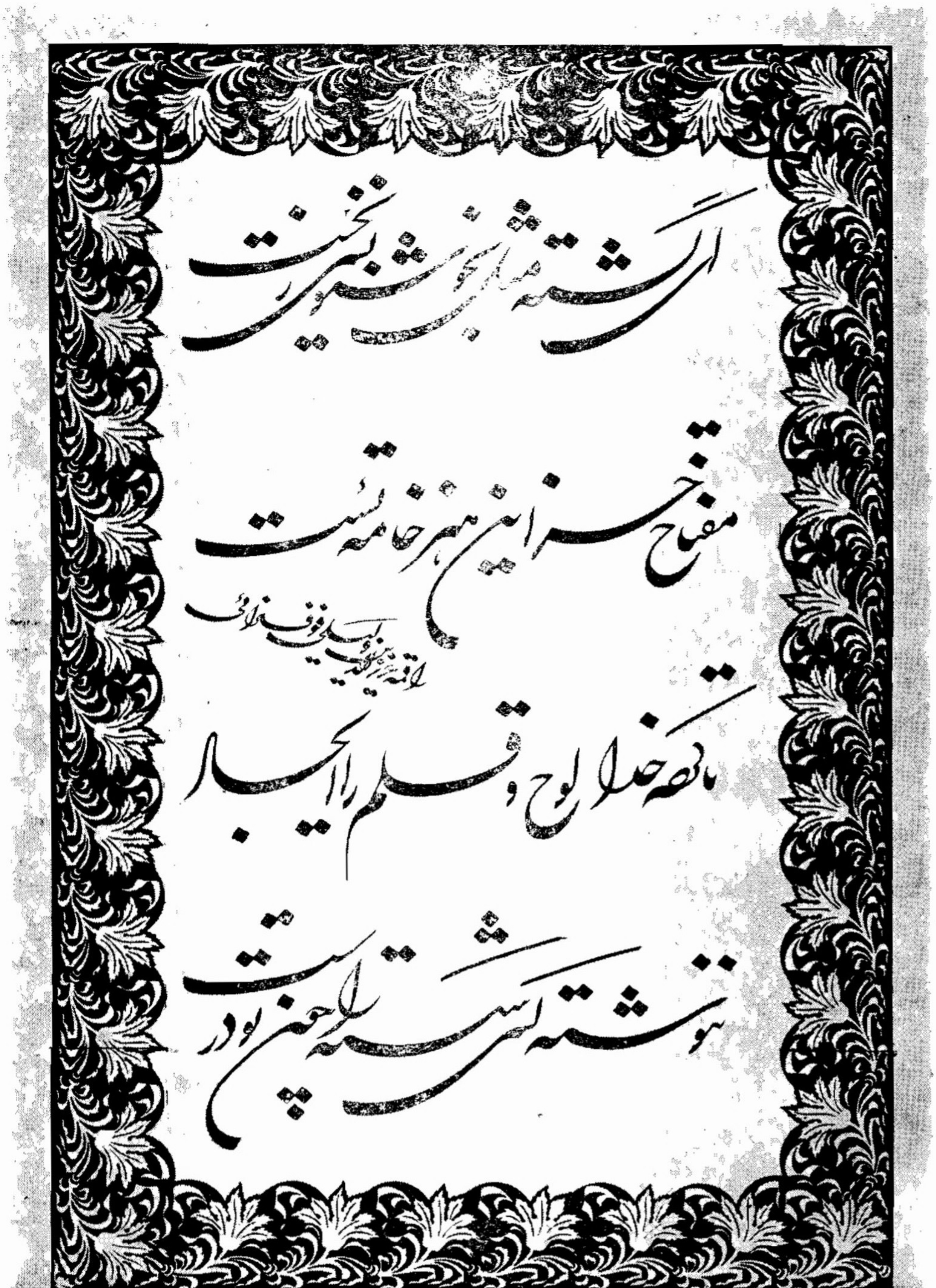
هر سهار چه لمر څرګند شي له فلکه

پر دښمن دې د امیر ورځ د قربان وي

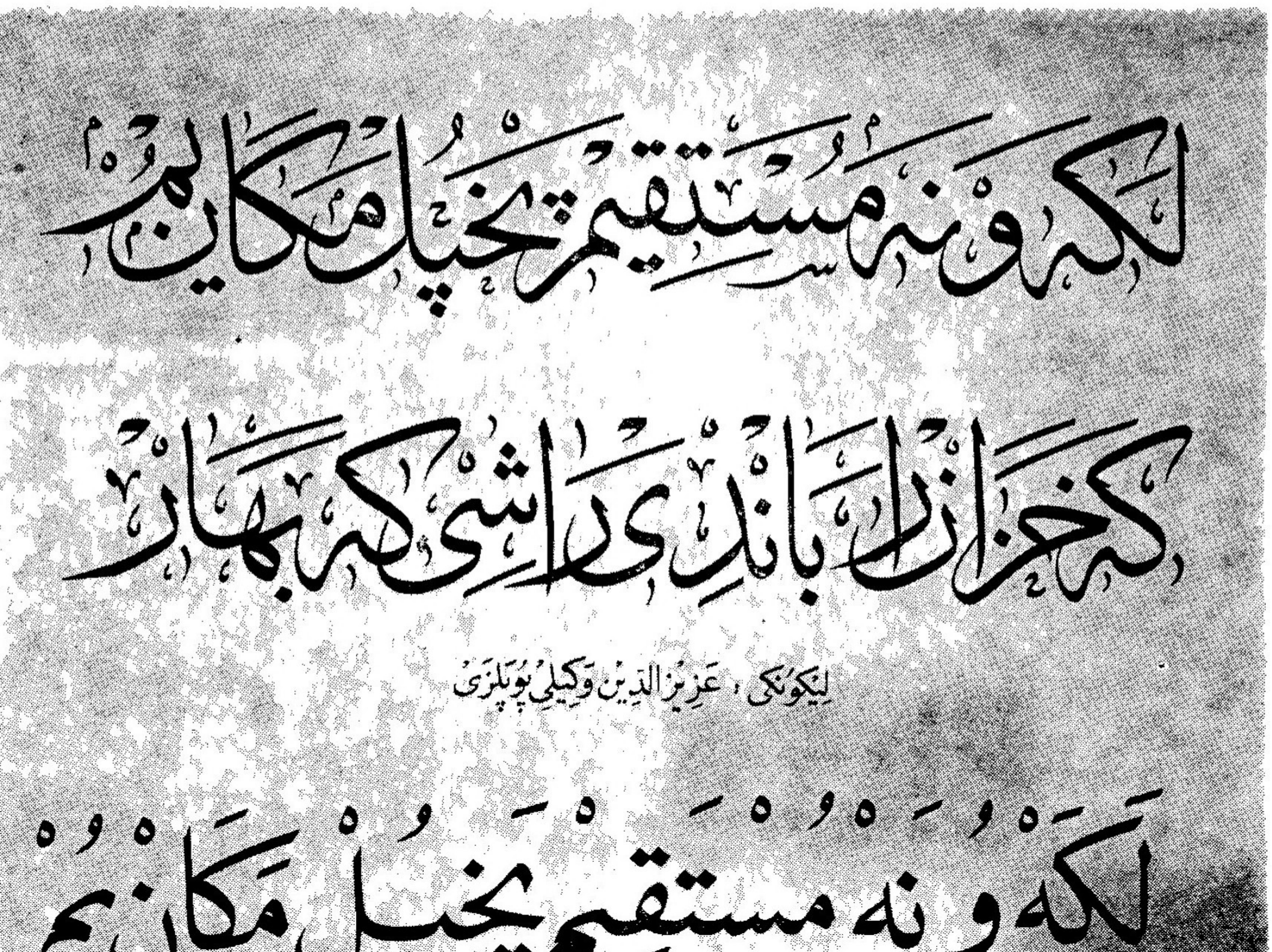
بجواب یکی از قطعات مشهور جناب سید عطا محمد خان قندهاری قلمی شد

العبد الحقیر الفقیر المذنب عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

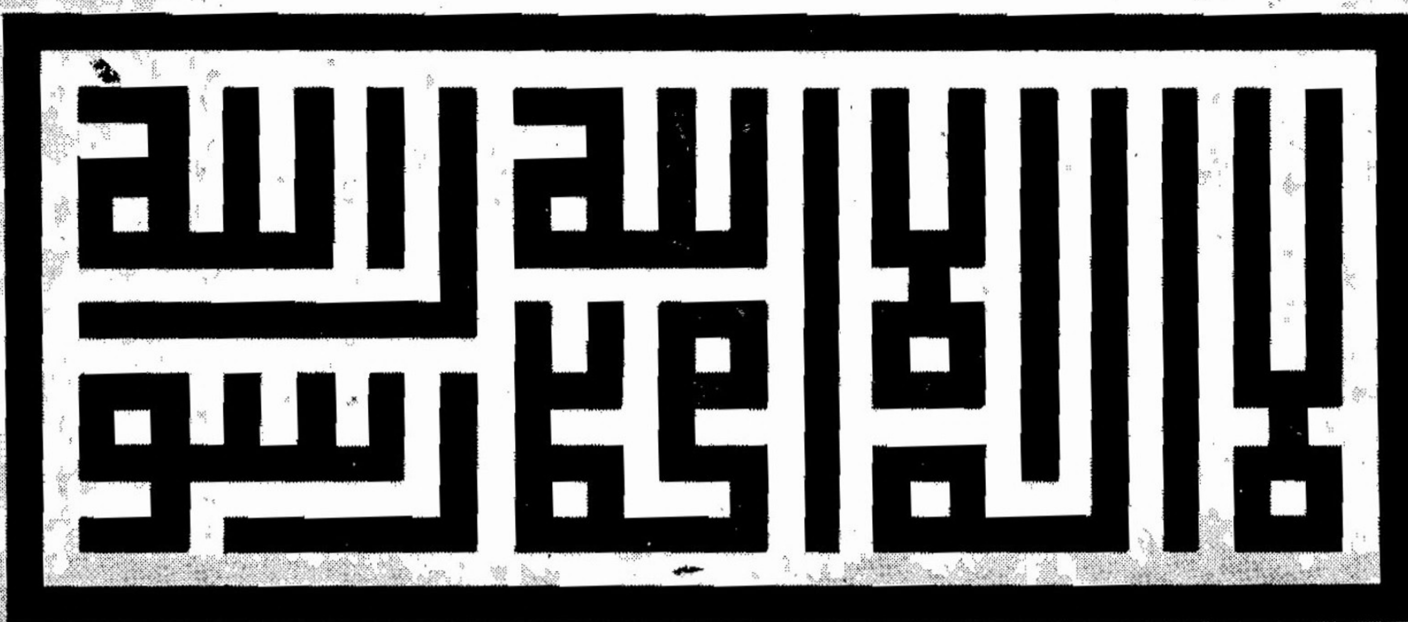
۲ـ خط نستعلیق



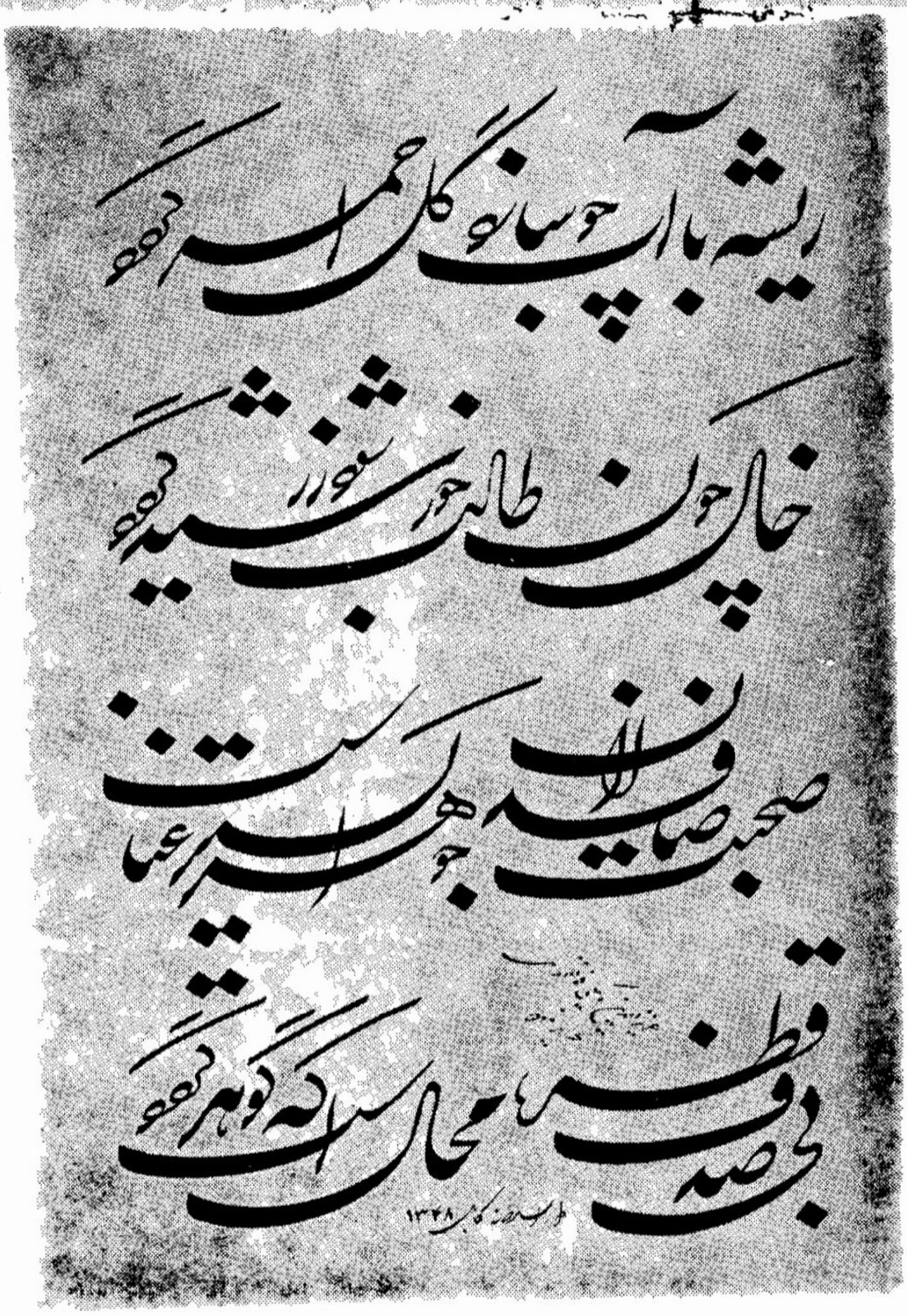
۳ـ خط توقیع از اقسام شکسته نویسی خراسانی باصنعت حاشیهٔ آن
شعر استاد خلیلی



٤ــ نمونه خط ثلث ونسخ بسبک عثمانی شعر رحمان بابا افغان



(٥) خط معقلی کوفی



(٦) خط توقیع خراسانی

(۷) نستعلیق

آن نیمه نان که بینوایی یابد

وان جامه که کودک گدایی یابد

چون لذت فتحیست که اقلیمی را

از رباعیات خلیل الله خان خلیلی

لشکرشکنی جهانگشایی یابد

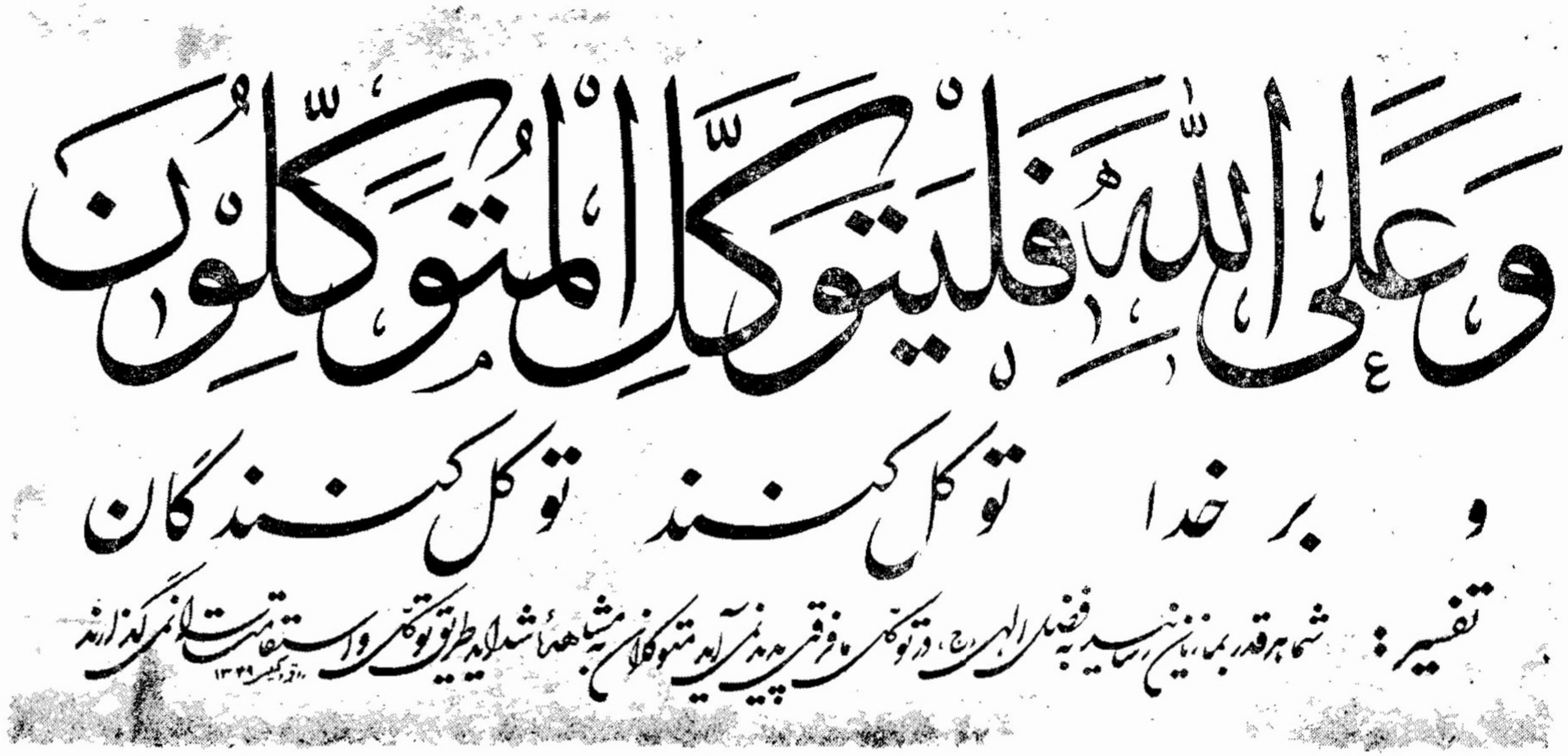
(۸) تعلیق

بخط عزیزالدین وکیلی فوفلزائی درانی

۱۳۴۷

بطریق یادگار قلمی شد فی یکهزار و سه صد و پنجاه هجری شمسی

عزیزالدین وکیلی فوفلزائی



۹ـ سطر اول ثلث ـ دوم نستعلیق ـ سوم شکسته آمیز (طرز مناشیر)



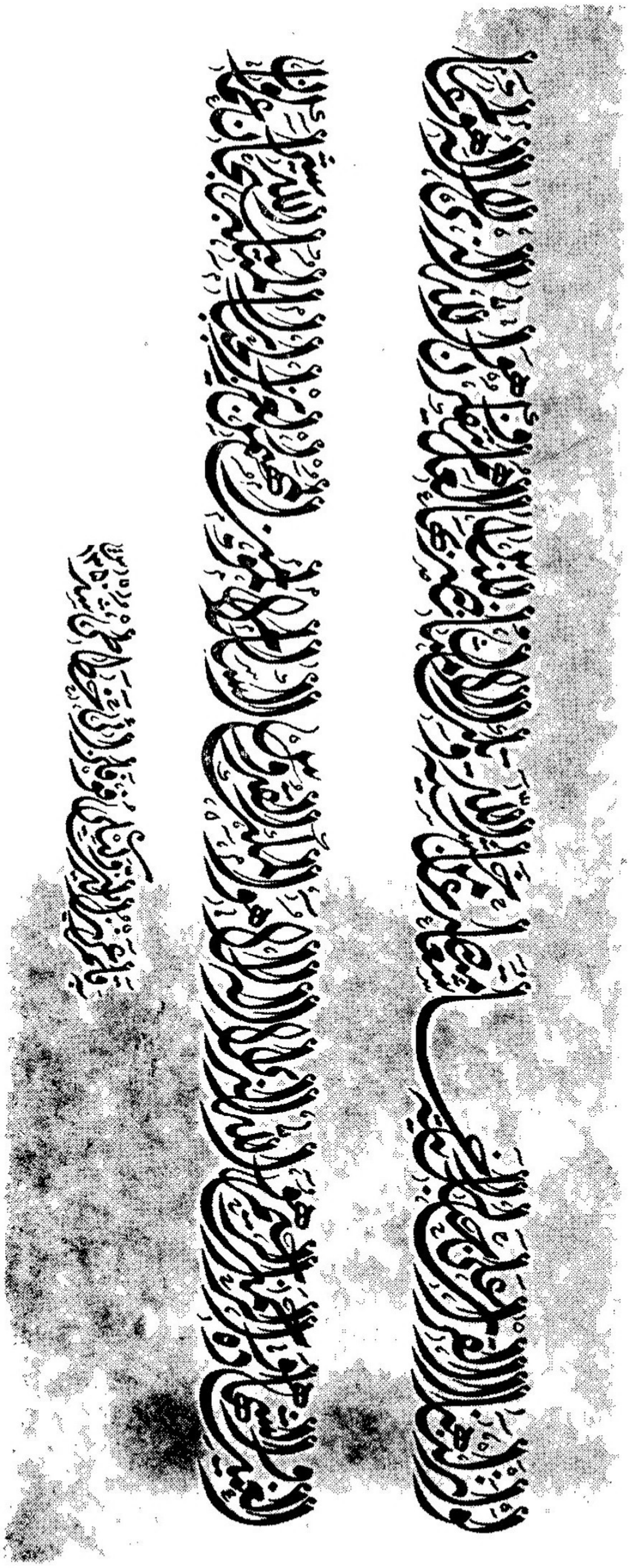
۱۰ـ نستعلیـق سبک خراسا نـی شعر استاد خلیلی

(۱۱)ـتعلیق عربی که‌بنام دیوانی یا خط دفتری نیز معروفست .

--->



(۱۲)ـ توقیع مخصوص مکاتیب و فرامین



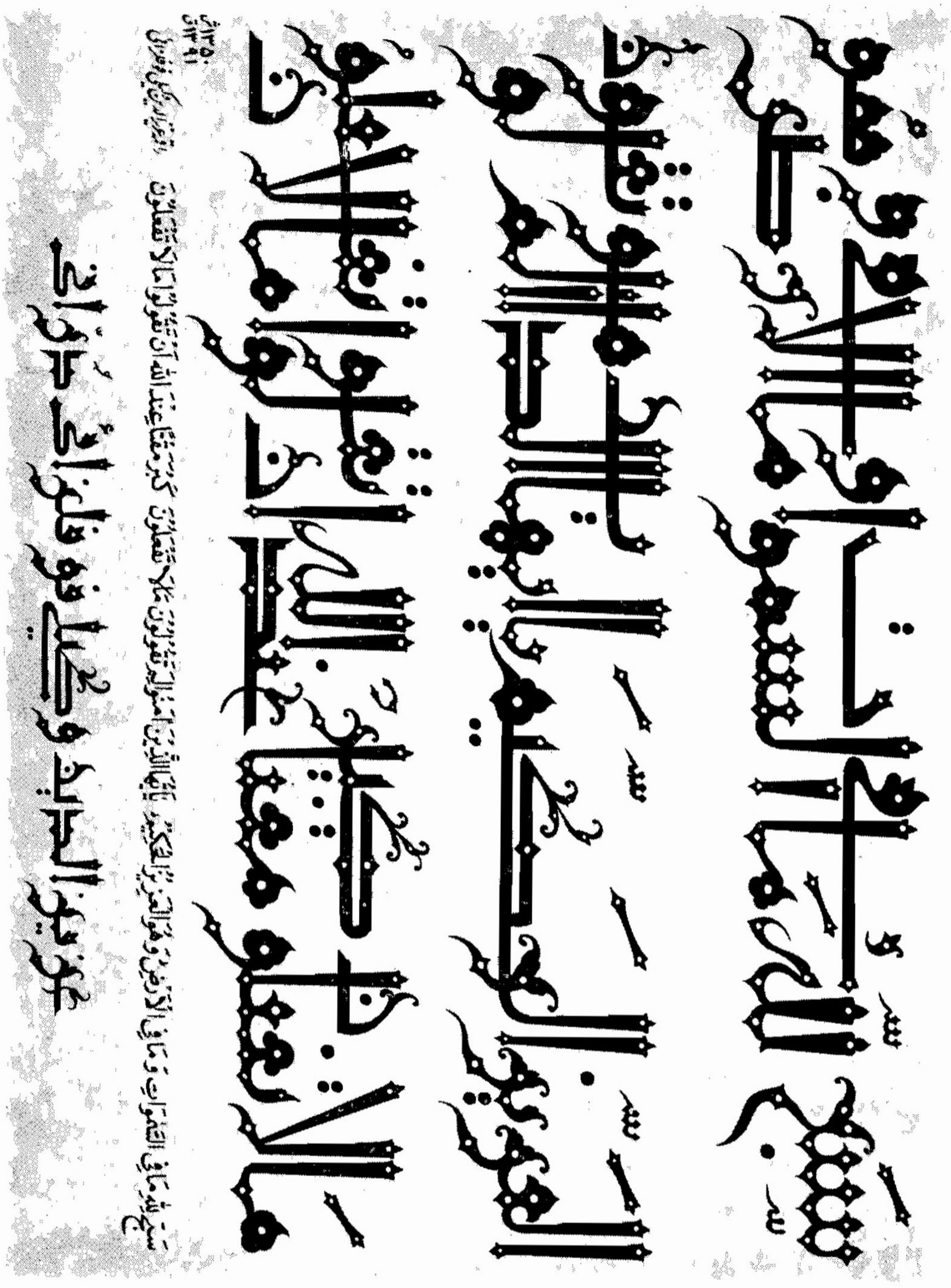


۱۳ـ نستعلیق باستقبال قطعه‌جناب استاد میر عبدالرحمن مرحو م

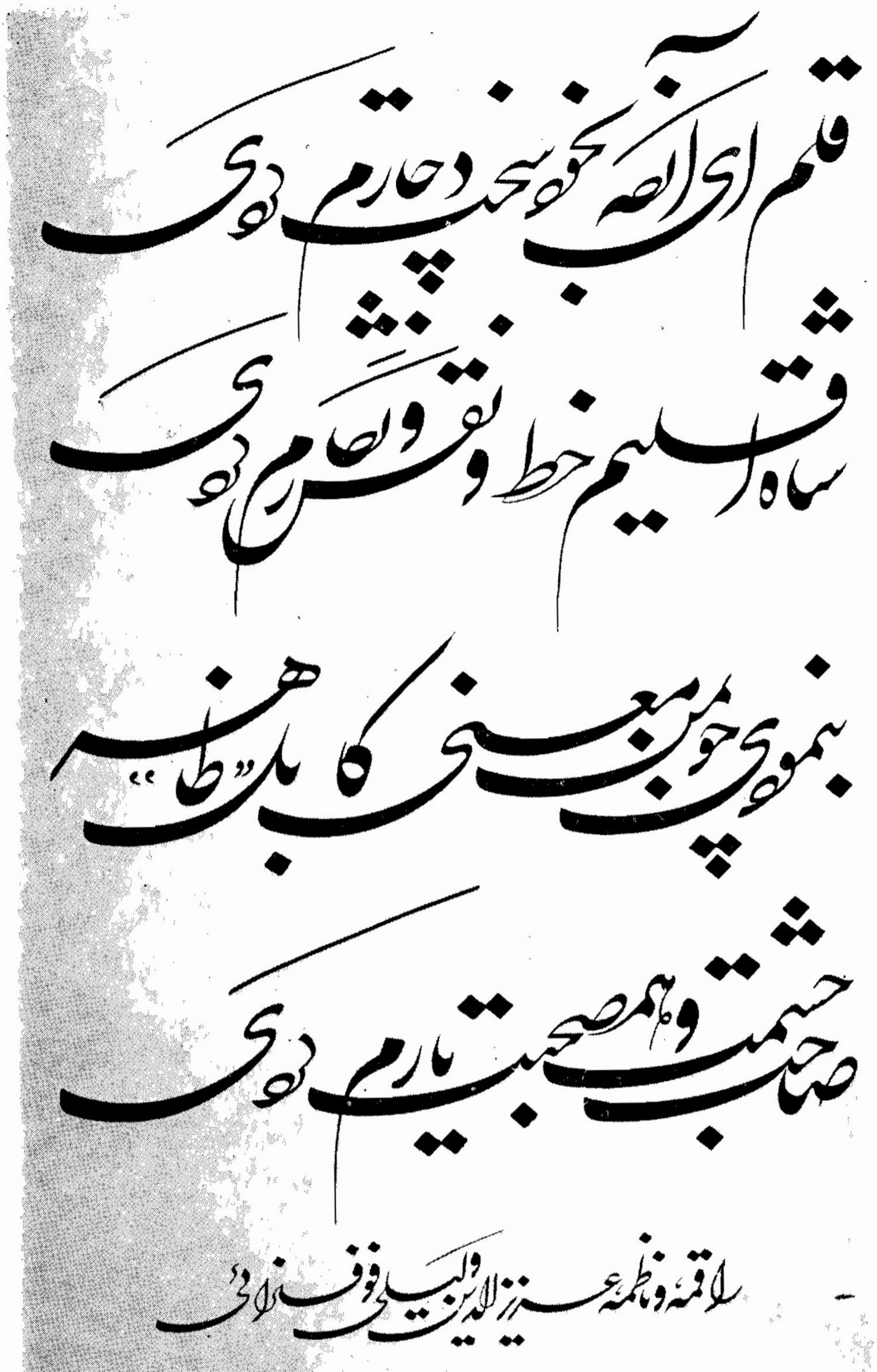


بسم الله الرحمن الرحیم

۱۴ـ خطّ تعلیق خراسانی یامحقق



١٥ـ خط تزئيني كوفي



١٦- خط توقيع خراساني

چارهٔ فیضه و ترقی شمدی

چوق سویلور، معرفت و عرفاندر

خالصانه ایدیلّه سعی بلیغ

دائما فیضده عمراندر

خط رقعه بقلم عزیز الدین وکیلی فوفلزائی

۱۷ـ خط رقعه براساس استادی مکتب عالی عثمانی

ستا د عشق له وینو دك شوه ځګرونه
ستا په لار کښې بایلي ځلمي سرونه

که هر څو مې د دنیا ملکونه ډېر شي
زما څخه هېر نشي دا ستا ښکلي باغونه

د رقیب د ژوند متاع به تار په تار کړم
چه په تورو پښتانه کا ګذارونه

ناته راسمه زړګی زما فارغ شي
بې له تا مې اندېښنې د زړه مارونه

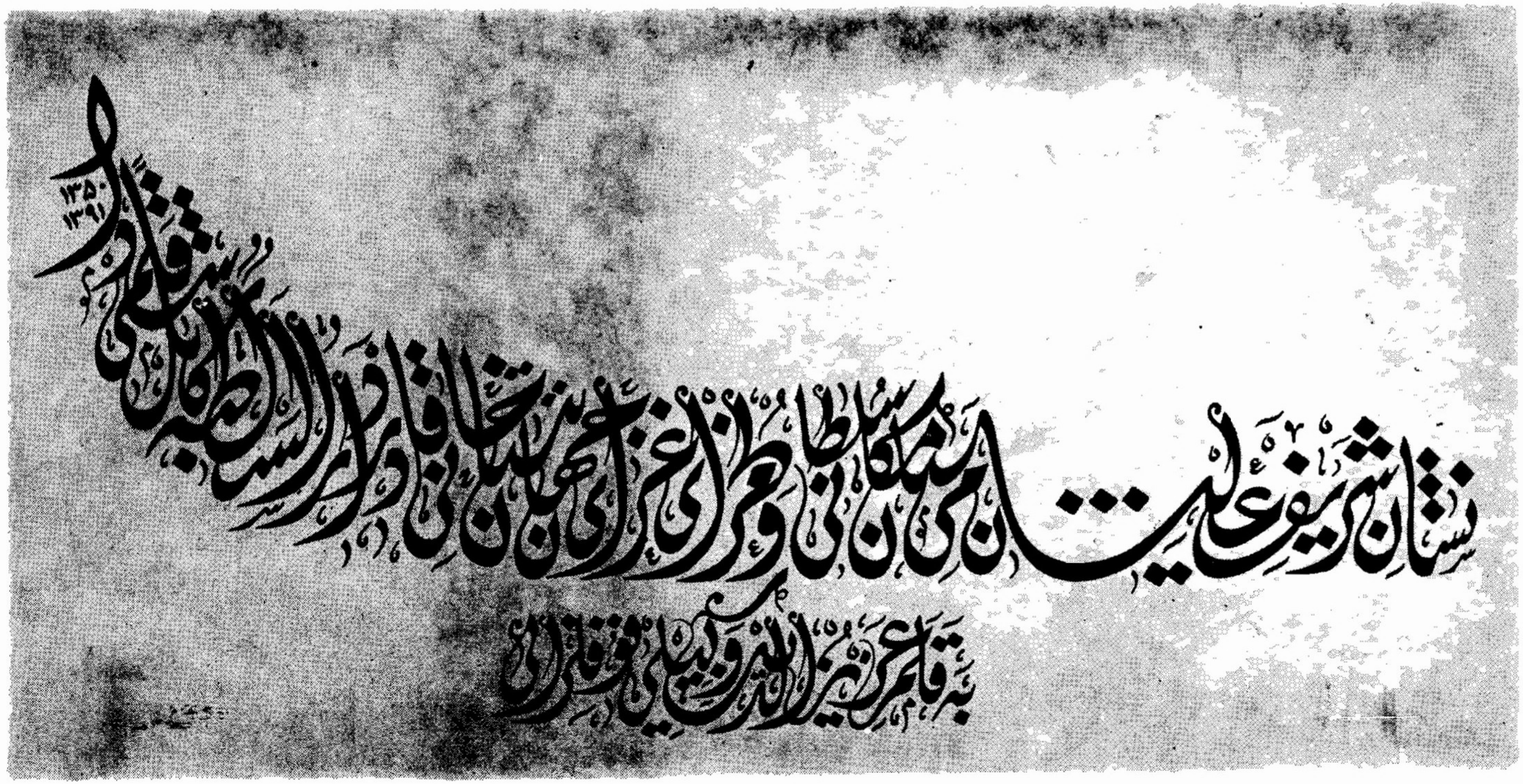
د دهلي تخت هېر ومه چه را یاد کړم
زما د ښکلي پښتونخوا د غرو سرونه

که تمامه دنیا یو خوا ته بل خوا یې
زما خو خوښ دي ستا تش ډګرونه

"احمد شاه" به دغه ستا قدر هېر نکا
که ونیسي د تمام جهان ملکونه

لیکونکی، عزیز الدین وکیلي پوپلزی ۱۳۴۲

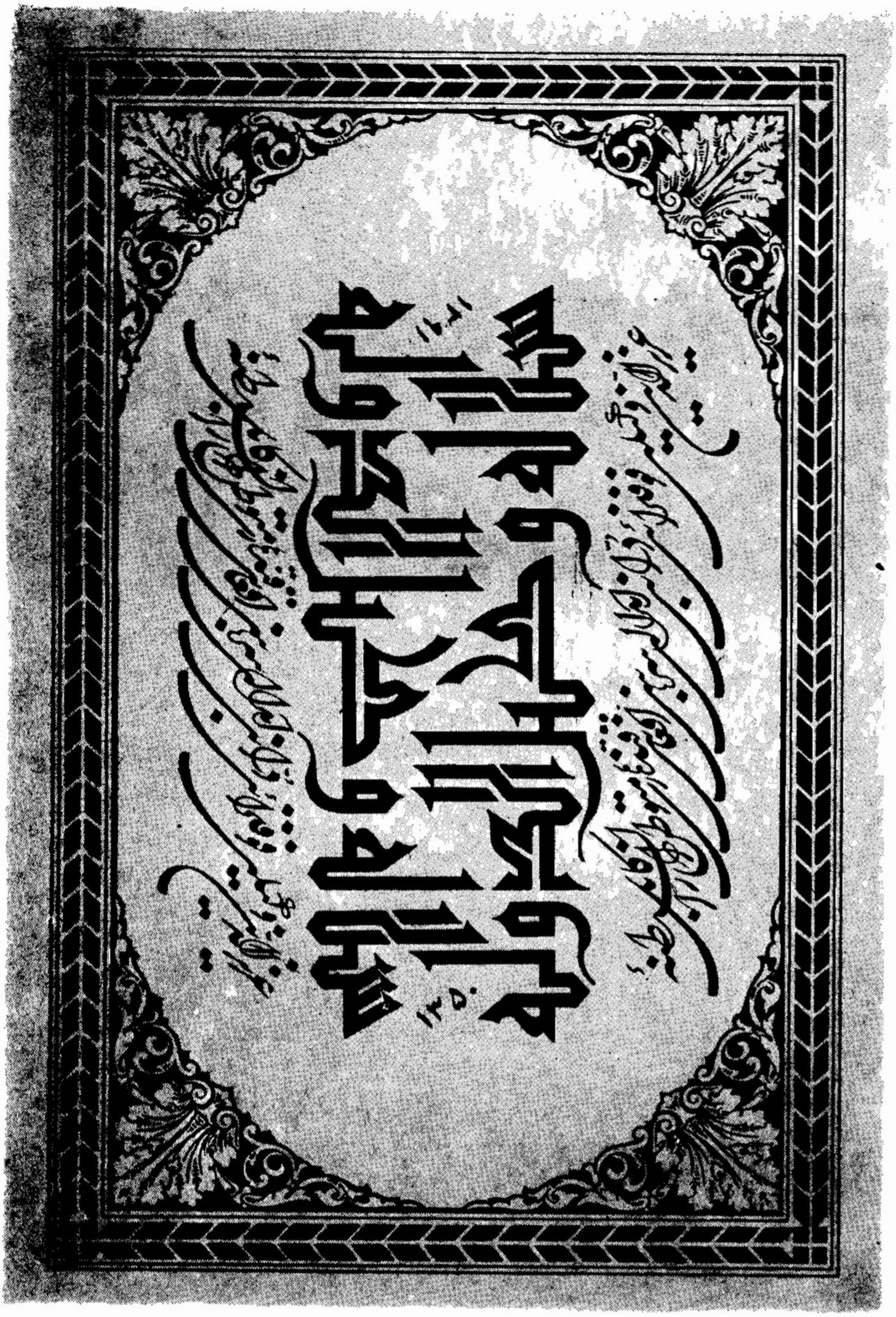
۱۸ـ خط نسخ پښتو .غزل احمدشاه بدالی



۱۹ـ خط دیوانی دارای حروف تاج :سبک منشیان قدیم


بسم الله الرحمن الرحيم
شروع کوم په نامه د الله چه ډیر زیات مهربان پوره رحم لرونکی دی
الحمد لله رب العالمين ۝ الرحمن الرحيم ۝
ټول ستاینې خاص الله لره دی چه پالونکی د عالمیانو دی (ټول مخلوقات) ډیر زیات مهربان پوره رحم لرونکی دی
مالك يوم الدين ۝ اياك نعبد واياك
خښتن د ټولو امورو د ورځې د جزا دی خاص تا ته عبادت کوو او خاص له تا څخه
نستعين ۝ اهدنا الصراط المستقيم ۝
مرسته غواړو وښیه مونږ ته لاره سمه
صراط الذين انعمت عليهم ۝ غير
لاره د هغو کسانو چه انعام کړی تا پر هغو باندی نه
المغضوب عليهم ولا الضالين ۝
لاره د هغو کسانو چه غضب کړی شوی پر هغو باندی او نه لاره د هغو کسانو چه گمراهان دی
محمد عزیز الدین وکیلی فوفلزائی
۱۳۵۰ ش - ۱۳۹۱ ق

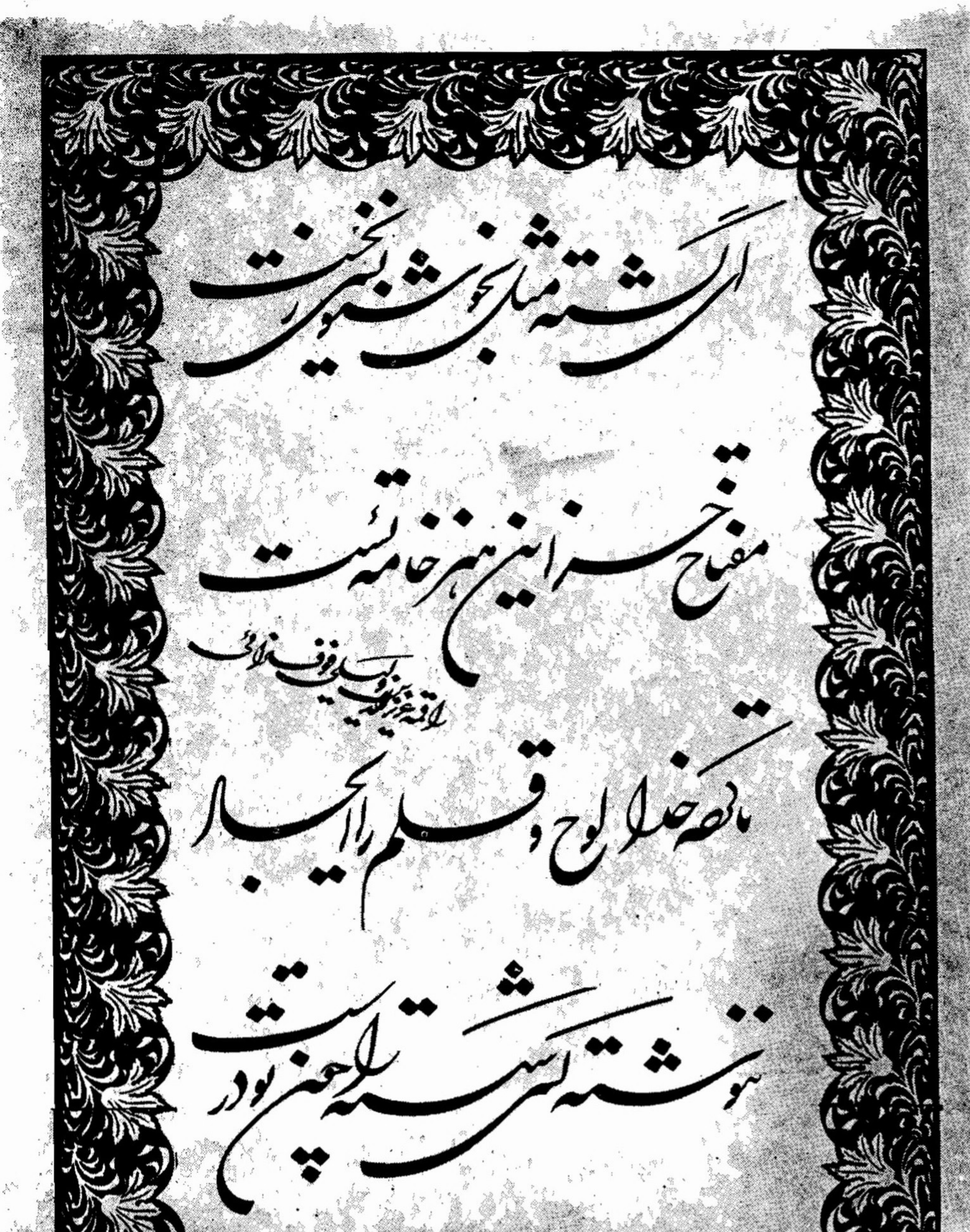
۲۰- خط نسخ (قرآنی) بسبک ممتاز مکتب عالی عثمانی



٢١ـ خط كوفى وشكستهٔ طرز مناشير باصنعت حواشى



۲۲ـ طغرای خط دیوانی باحروف تاج وصنعت تزئین حا شیه



۲۳- خط شکسته با تزئین حاشیه

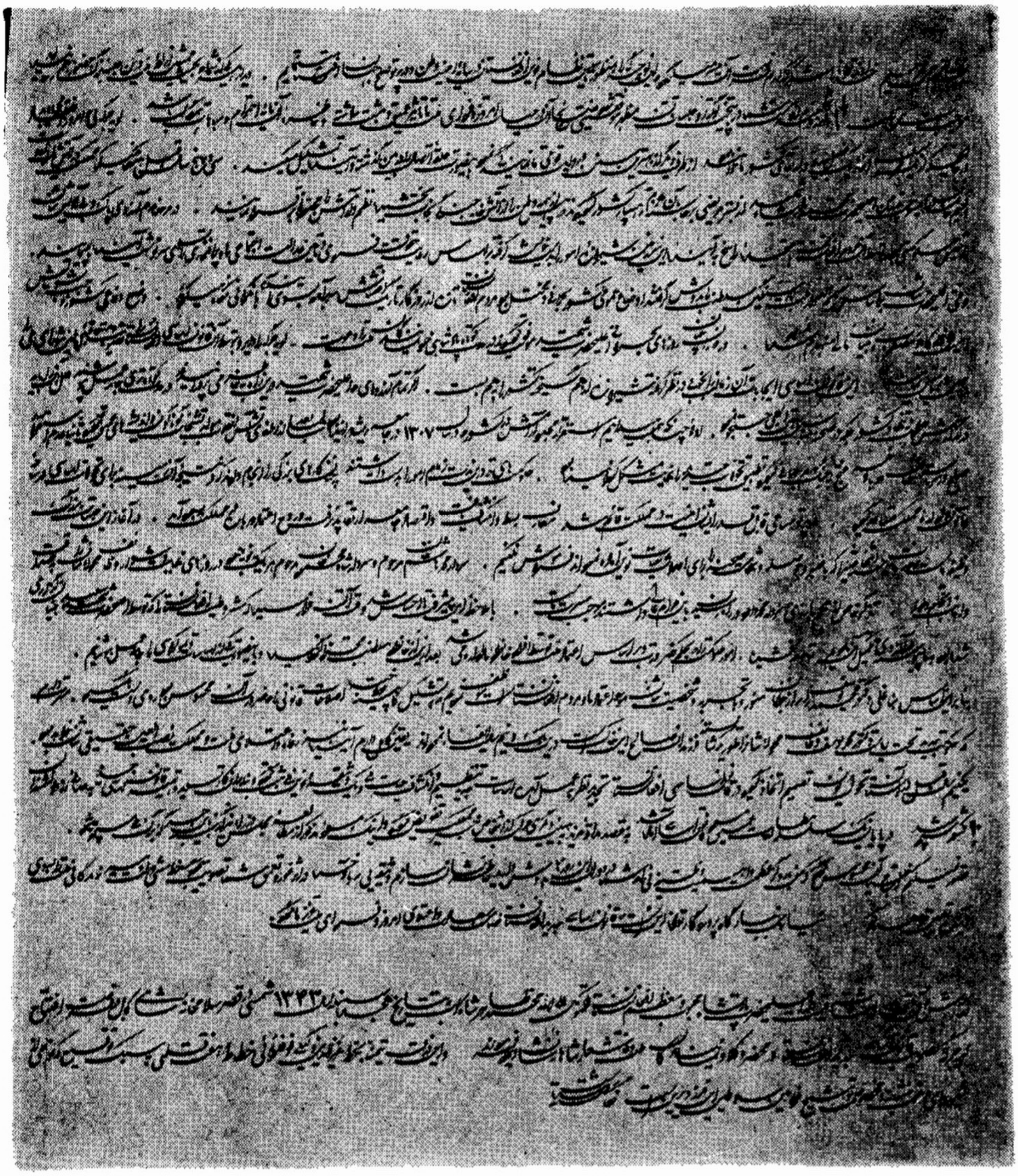
استادان و آموزگاران محترم! جای مسرت است که پیام امروز ما متوجه آن دسته‌ای است که تمام همت خود را مصروف تعلیم و تربیت صحیح و تأمین سعادت آینده اولاد وطن
نموده و بهترین اوقات حیات خویش را وقف این خدمت جلیل گردانیده‌اند. معلمان و آموزگاران محترم در واقع پدران معنوی و مربیان حقیقی ابنای کشور اند که با مجاهده‌های مدام
و مساعی خستگی ناپذیر خود موجبات پیشرفت تعلیمات مفید ابنای کشور را فراهم می‌آورند. در دین مقدس اسلام در نص و اخبار تکرار از کسب علم و مقام ارجمند
معلم ارشاد و توصیه گردیده است. گذشتگان ما نیز همواره شوق داشتن دانش و دانشجویی بوده‌اند و علمای افغان در طول اعصار از آن رنج‌ها ارزنده‌ای یافته‌اند و ما امیدواریم
که این خصلت ستوده در نوفرزندان با شهامت افغان محرز و باقی بماند.

سهم معلم و معلمه در استوار داشتن کاخ معارف، تعمیم آموزش و پرورش، و استحکام شالودهٔ معنوی و اخلاق افراد روشن و بارز است. آموزگاران
در واقع مشعل اعلی و نمونهٔ کامل خصایل شریفه هستند که در پرتو فضل و کمالات آنان اولاد معارف تربیت صحیح می‌یابند و برای خدمت با اجتماع خود مطلوب آماده می‌گردند
روزگار ما که در حقیقت عصر سیر و تکنالوجی است تا جایی که داراست ترقیات و پیشرفت‌های مادی و معنوی ملل جهان بر ارکان چند استوار است که قوی‌ترین و محکم‌ترین آن
معارف است. پیشرفت‌های صنعتی و فکری، نهضت‌های اجتماعی و ذهنی، ترقیات صنعتی و تخنیکی هر ملتی مرهون معارف و فرهنگ آن است و معارف
حقیقی جز به همت و مجاهدت آموزگاران صمیمی و مربیان راستین میسر نمی‌گردد.

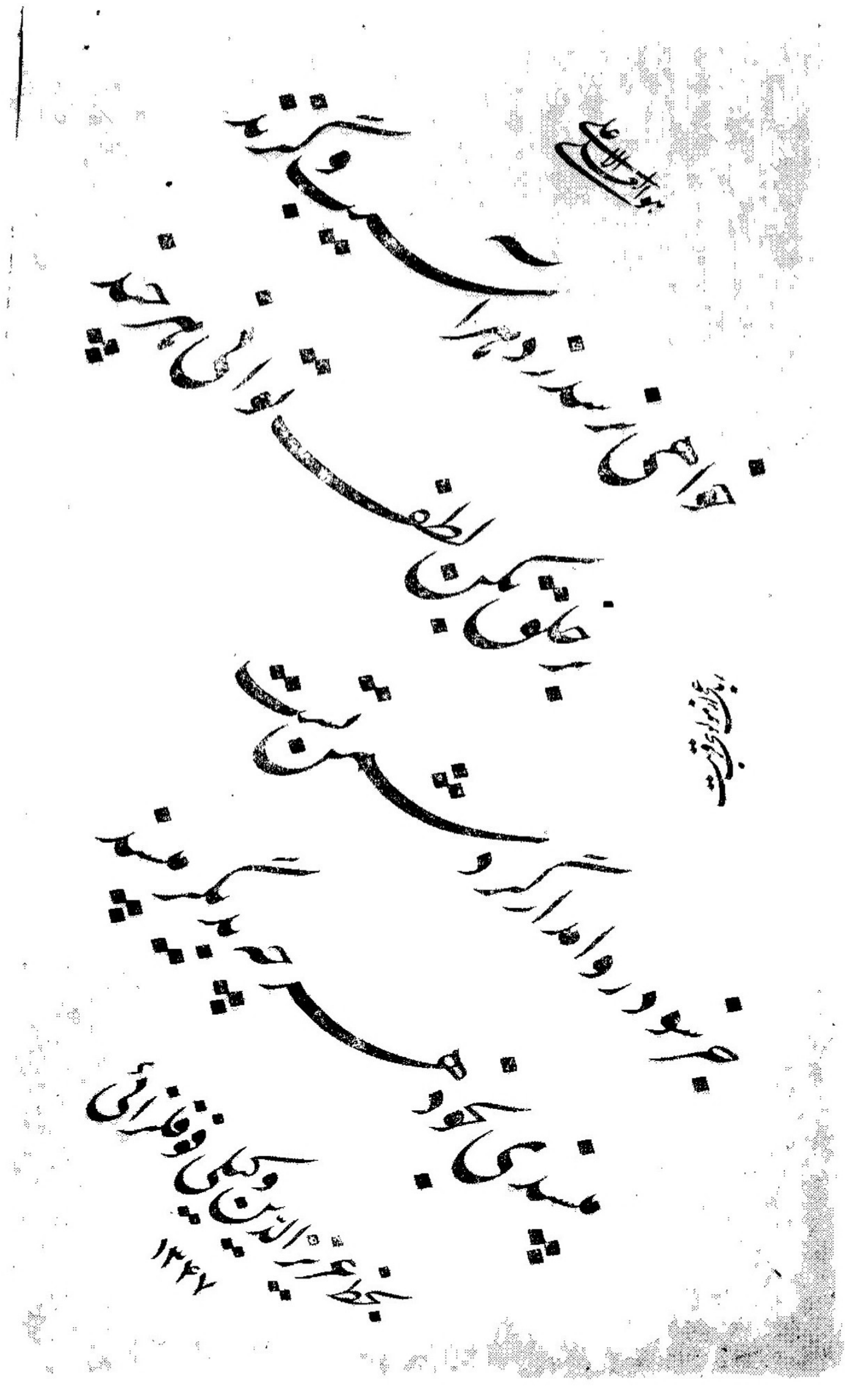
حکومت افغانستان با اساس ارشادات دین مبین اسلام و به پیروی از سنن و شعایر ملی و مطابق به احتیاجات مقتضیات و سیاست عصری کوشیده تا از یک طرف وسایل بسط
و توسعهٔ معارف فراهم آید و از جانب دیگر اسباب تشویق و دلگرمی آن دسته که بدین شغل شریف اشتغال دارند میسر گردد. امید داریم این مأمول مهم هرچه بیشتر
برآورده شود. در پایان بار دیگر مراتب خوشنودی خود را به مناسبت این روز فرخنده ابراز میداریم و توفیق مزید آموزگاران گرام را در تقویهٔ بنیان
علمی و ثقافتی کشور و تربیت اولاد وطن، تنویر و انکشاف ذهنی مردم، از خدای بزرگ خواستاریم.

مضمون فوق سطور پیام اعلیحضرت اقدس همایونی المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه محبوب و قیمتی ما که به تقریب روز معلم در سال هزار و سه صد و چهل شمسی
به [illegible] معلمین و معلمات کشور [illegible] شرف صدور یافته [illegible] به خط [illegible] به صورت شکسته طرز مخصوص منشیانه که یکی از روش‌های اصلی [illegible]
انشای [illegible] حضور سلاطین این مرز و بوم [illegible] قلمی گردید. مطبعه دولتی کابل برج جوزا ۱۳۴۱

۲۴ خطه‌ناشیر باآمیز خط نستعلیق



۲۵- شیوهٔ توقیع سبک خراسانی



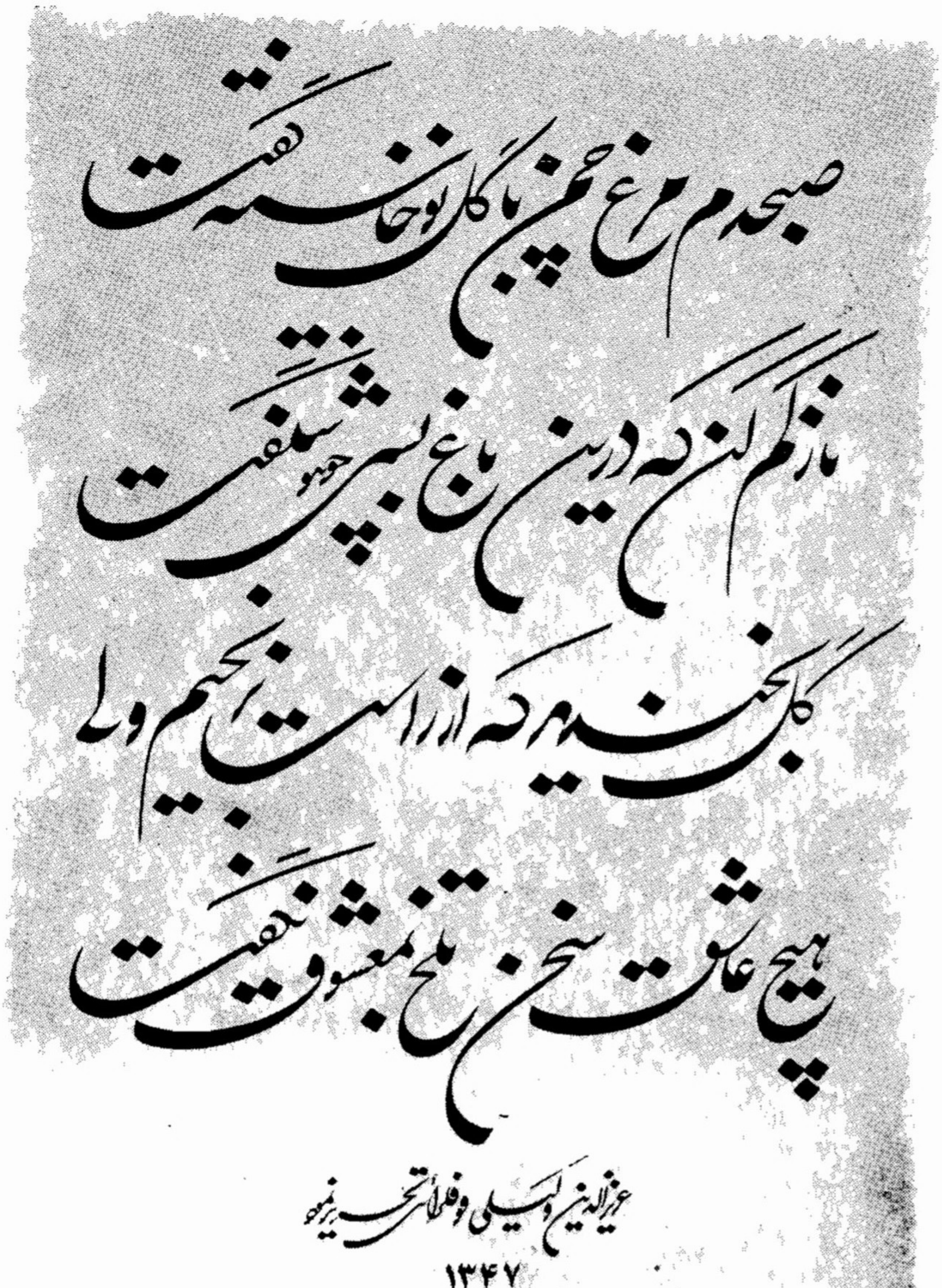
۲۶ـ نستعلیق شیوهٔ مخصوص افغانستان

۲ـ خطتوقیع شیوهٔ خراسانی ←

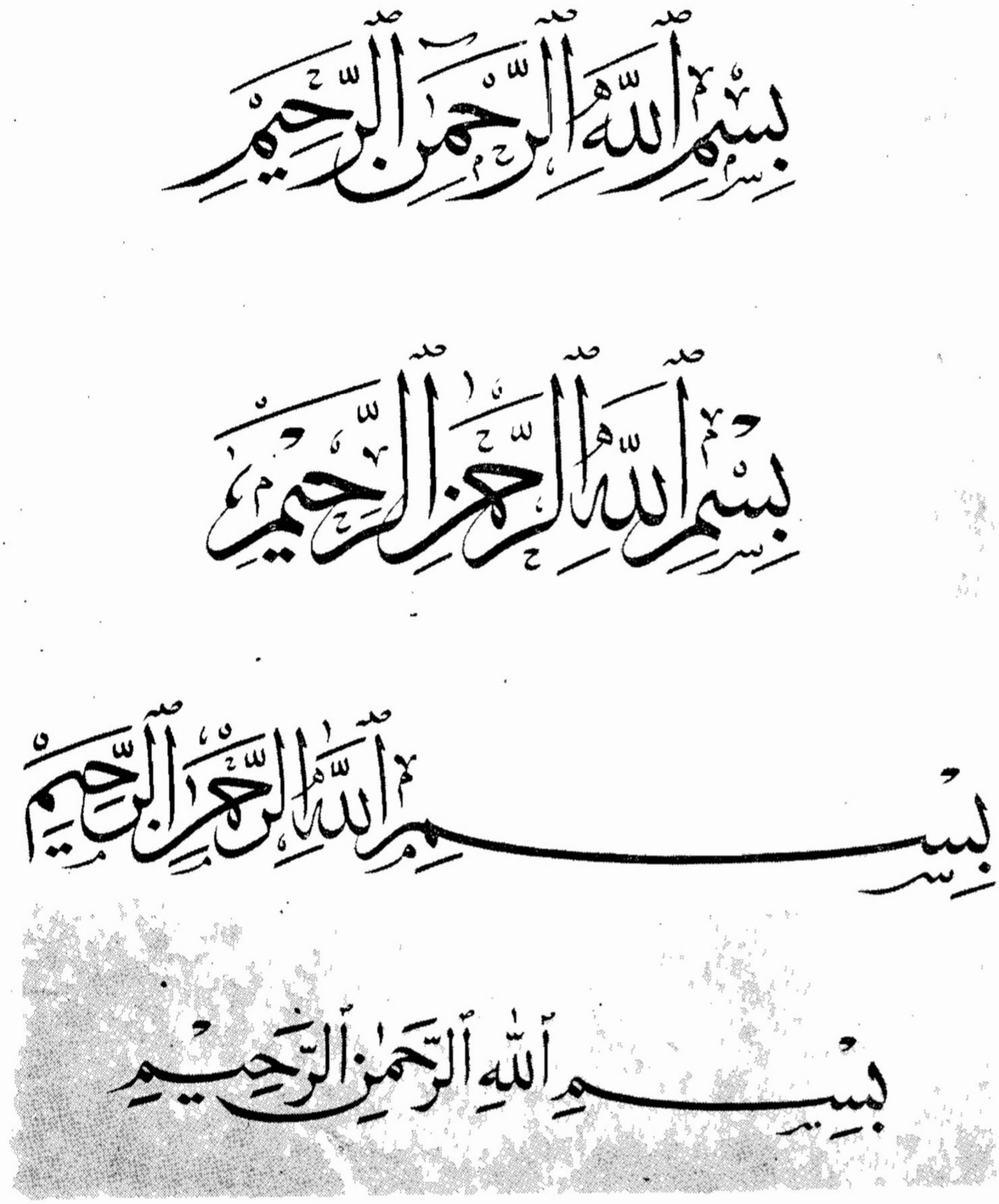


۷) خط دیوانی عربی‌بیت پښتو رحمان بابا

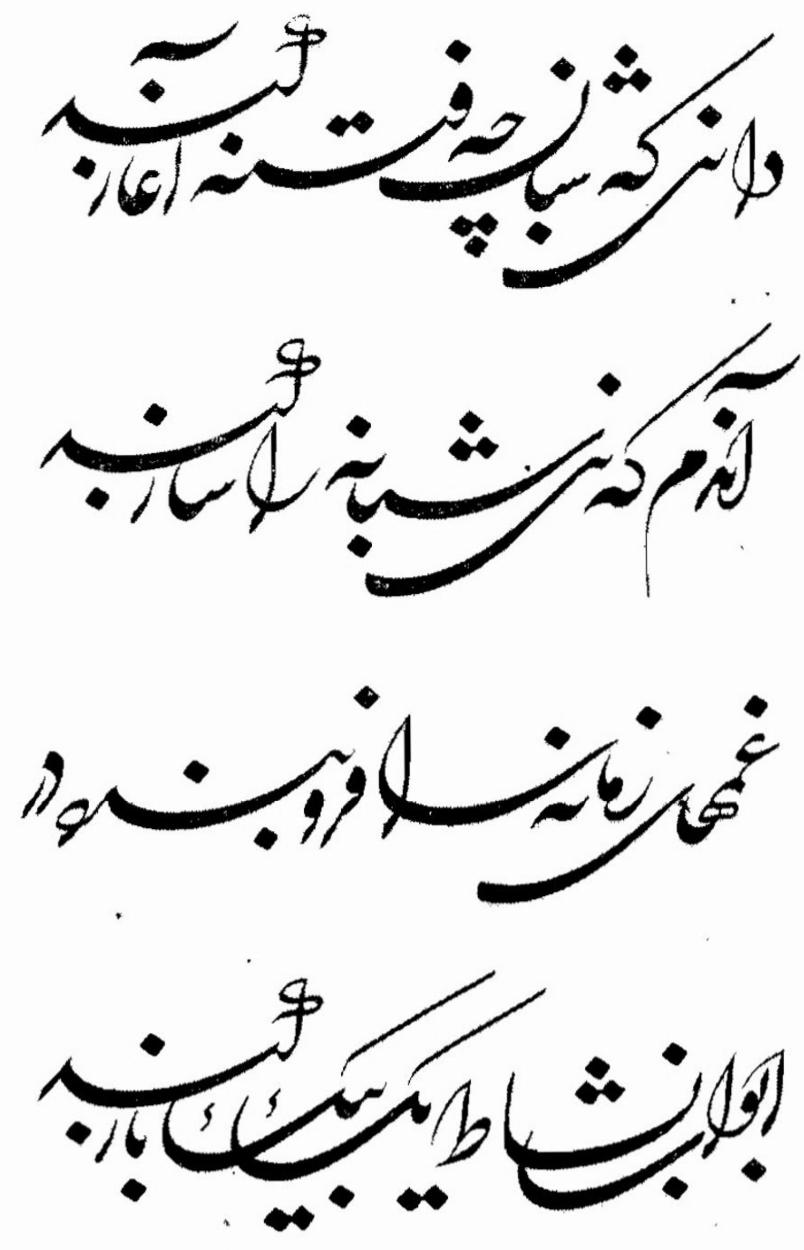




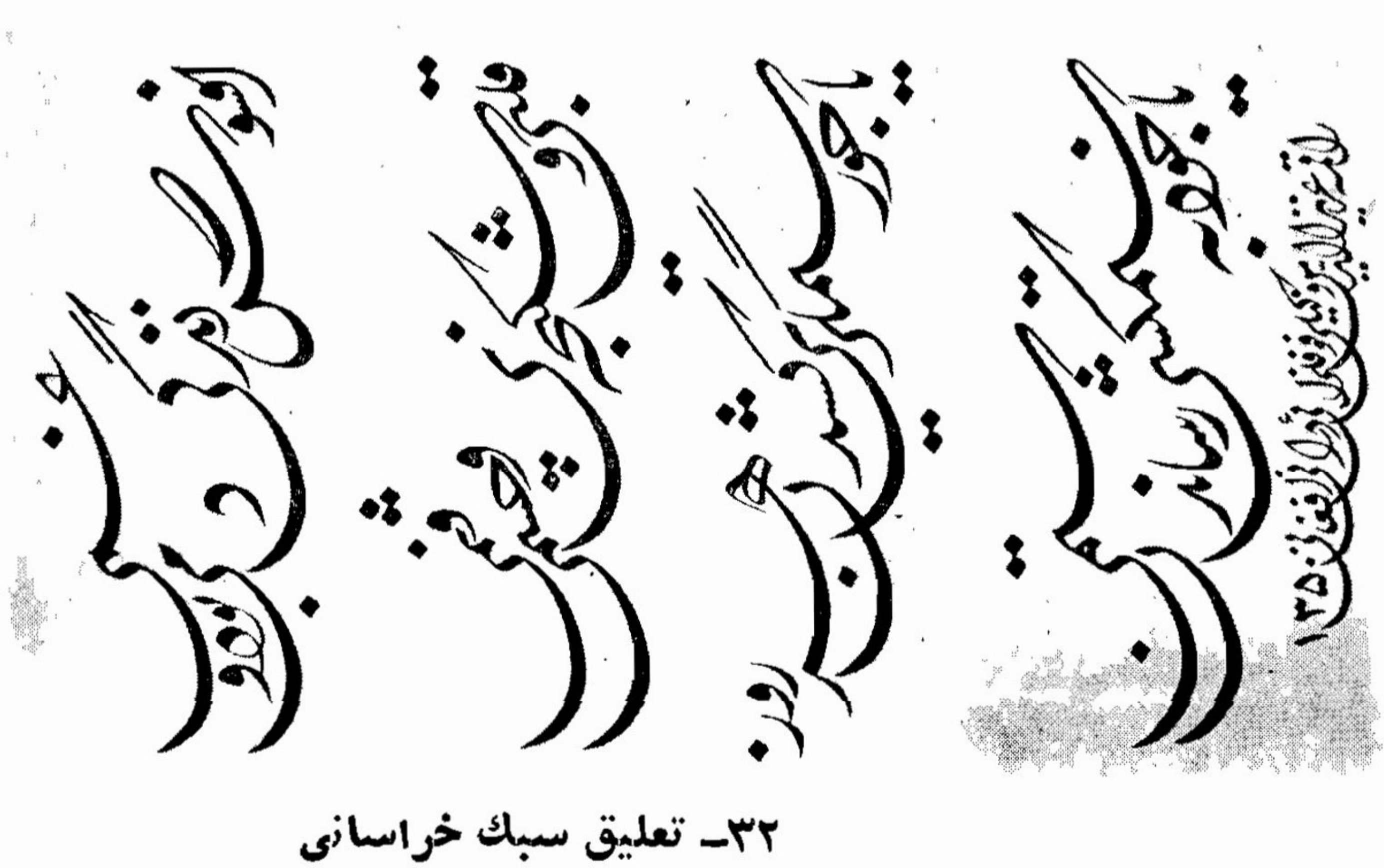
۲۹- یك شیوه ازخط مناشیر



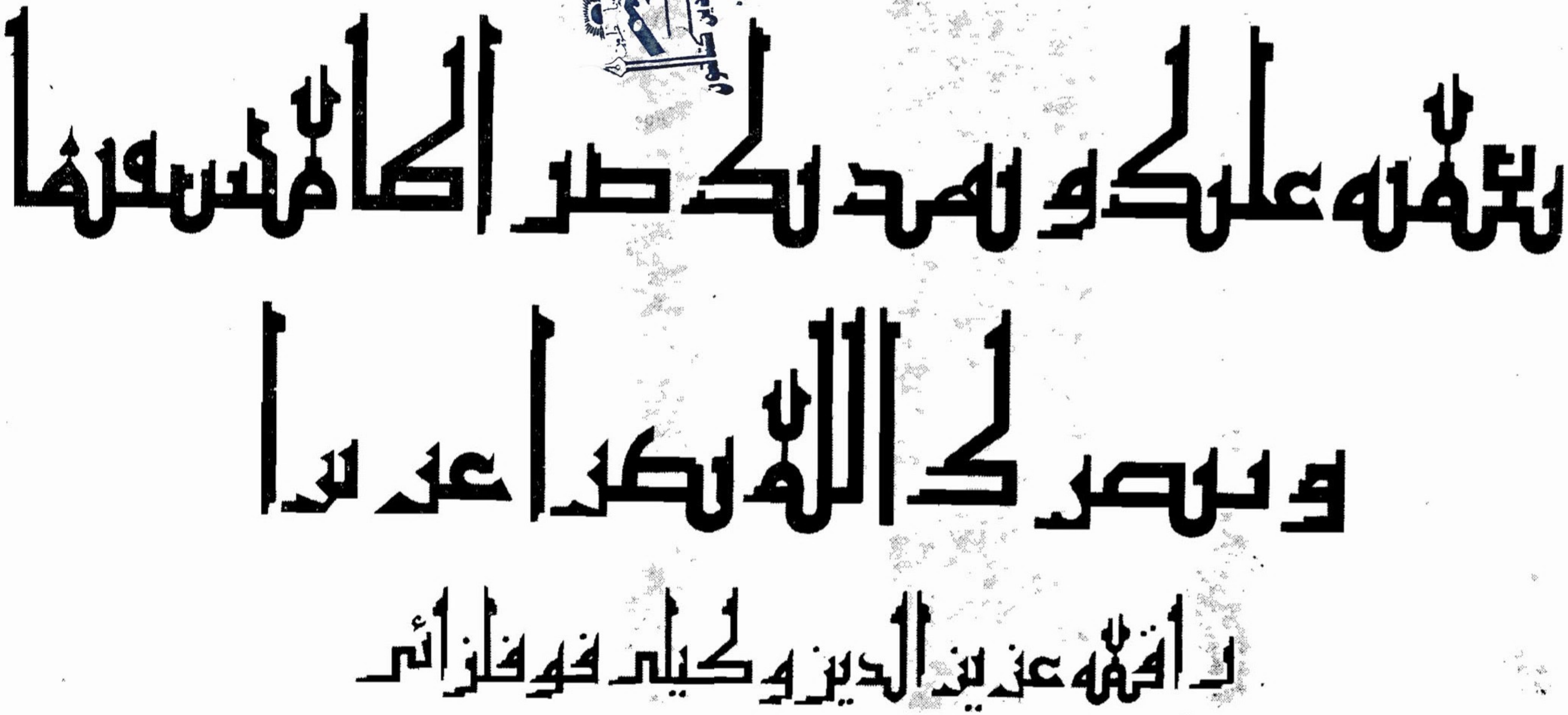
۳۰ـ خط ثلث و نسخ بر اساس استادی مکتب عالی عثمانی



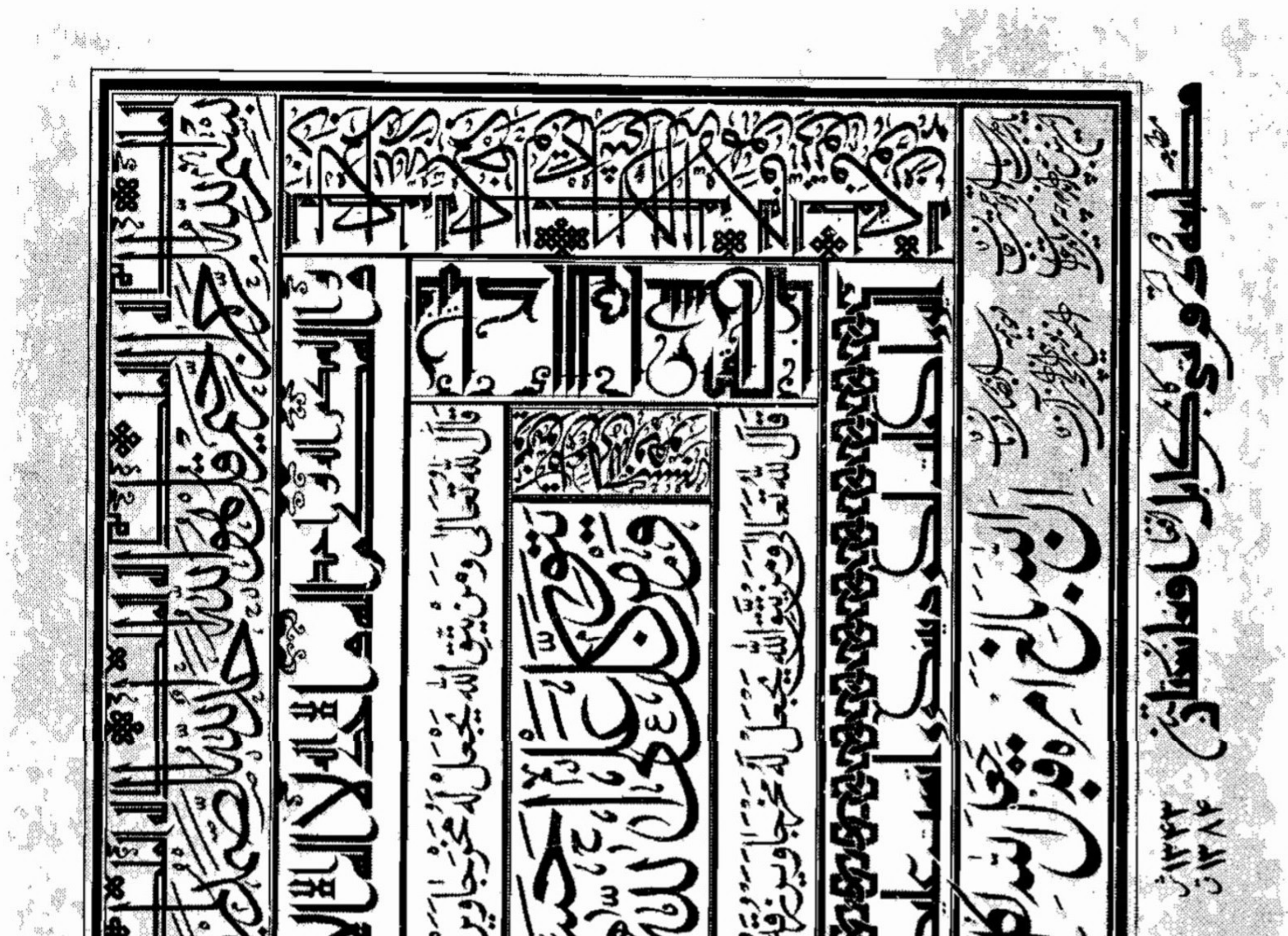
۳۱ـ شیوه مناشیر شعر استاد خلیلی



۳۲ـ تعلیق سبک خراسانی



۳۳ـ ازاقسام خطوط کوفی



۳٤ قطعهٔ هفت قلم خامهٔ استاد عزیزالدین فوفلزائی که باستقبال قطعهٔ خط آخوند محمد علی عطار هروی نگاشته اند .



(۳۵) نمونهٔ دیگر ازخط تعلیق(دیوانی) عربی بقلم خطاط هفت قلمی
عزیزالدین وکیلی فوفلزائی

فهارس اعلام

رجال ، اماکن *،طوایف ،قبایل، خـاندانهـا، کتب،رسایل ،زبانها ،خطوط ،انجمن‌هاوغیره

مرتب

حبیب‌الله رفیع

---

* نامهای اماکن تـوسط ستاره (*) مشخص شده است .

«آ»

«الف»

* * *

«ب»

«پ»

«ت ، ث»

«ج»

«چ»

«ح»

«خ»

((د،ډ،ذ))

((ر))

((ز،ژ))

(ش))

((ص،ض،ط ،ظ))

((ع))

((غ))

((ك))

((گ))

((ل))

((م))

((ن))

((و))

((ه))

((ی))